

## بسم الله

إنهم فتية آمنوا بربهم (كهف: ۱۳)



## فتیان ویژه نامه ی تشکل ها و فعالان فرهنگی شماره ۶

مجری طرح: مؤسسه ی نیک‌رایان ایران

سرمدبیر: محسن حسام مظاهری

زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

دبیر تحریریه: میر محمد میر صالحی

دبیر بخش گفده: سید علی کشفی

همکاران این شماره: احمد اسدزاده، حسین اقدامی، روح‌الله ایزدخواه،

حمیدرضا ایمانی، امین بابازاده، رضا باقری، مجید پرلم، افشین

پروین پور، حامد جوهری، فاطمه دلوری پاریزی، محمد طاهری نژاد، عفت

عربزاده نژاد، مرتضی فیروز آبادی، محمد رضا قائمی‌نیک، سعید قاسمی،

عالیه کرامتی نژاد، علی رضا کمیلی، حسین کمیلی، محسن مقصودی، امید

مهدی نژاد، محمد مهدی نجاتی، مهدی نوروزیان، مقداد همتی

با تشکر از: حسن تاج‌الدینی، علی رضا حاجیان‌زاده، استاد رضا حبیبی،

دکتر سید محمد صاحبکار خراسانی، محمد تقی فخریان، امیر علی محبی،

استاد سید حسن مددی الموسوی، جلیل معماریانی، عبدالرضا دهقان،

دکتر حیدر صادقی، حجج اسلام محمد رضا سالاری فر، محمود مرویان،

حمید مشهدی آقایی

مدیریت هنری: گروه فرهنگی هنری مسک - مجتبی مجلسی

طراح نام‌واره: محمد صمدی

لیتوگرافی و چاپ: عصر کتاب / شمارگان: ۱۶ هزار نسخه

تلفن: ۰۹۱۹۵۱۷۸۹۳۰

پایگاه اینترنتی: www.fetyan-mag.com

وبلاگ فتیان: weblog.fetyan-mag.com

این نشریه با حمایت و مشارکت معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان ملی جوانان منتشر می‌شود.

چفت‌گیری کلی فتیان پرداختن به مباحث مربوط به فعالیت تشکلی و فرهنگی برای مخاطبان جوان است.

فتیان قصد دارد در راستای غنای ادبیات نظری و مفهومی فعالیت تشکلی و فرهنگی، فضایی برای نقد و تبادل آرا و نظرات مختلف در این عرصه فراهم نماید. بنابراین الزام‌همه‌ی مطالب این نشریه موضوع دست‌اندرکارانش نیست.

از همه‌ی مسئولان و فعالان فرهنگی تشکل‌ها و سازمان‌های مختلف دعوت می‌کنیم چنانچه مباحث مطرح شده در فتیان را جزو دغدغه‌های خود می‌بینند دست به قلم برده و برای آن بنویسند.

چه خوب که مطالب ارسالی، تایپ شده باشد و چه خوب ترکه به جای پست، از طریق Email برای مان فرستاده شوند.

این اجازه را به ما بدهید که دست‌مان در ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده و نیز اعمال رسم الخط نشریه در آن‌ها باز باشد.

مطالب فتیان تنها با شرط ذکر منبع قابل نقل و استفاده در جای دیگر است.

## ۲ بای بسم الله

واکاوی یک مفهوم (تأملاتی پیرامون تشکل و کار تشکیلاتی) / قسمت دوم: اهداف در تشکل‌ها و اصول حاکم بر فعالیت آن‌ها / استاد رضا حبیبی

## ۶ اخبار

### یاد ایام

## ۱۱

یاد ایام سه: نان و کتاب و انجمن / تاریخ شفاهی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی سراسر کشور / دبیر پرونده: عفت عربزاده نژاد

## ۱۴

این‌طور نبود که همه چیز آسان و بی‌دردسر باشد / تاریخ شفاهی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در گفت‌وگو

با آقای علی‌رضا حاجیان‌زاده، از مؤسسين اتحادیه و سرپرست اتحادیه از زمان ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ / عفت عربزاده نژاد

## ۲۶

حاکمیتی هستیم، ولی هیچ‌گاه دولتی نبوده‌ایم / حجت‌الاسلام حمید مشهدی آقایی،

قایم‌مقام فعلی نماینده‌ی رهبری در اتحادیه و دبیرکل اتحادیه در سال‌های ۸۲ تا ۸۴

## پرونده

## ۲۹

پرونده‌ی شش: نهالی که به بار می‌نشیند / پرونده‌ای برای «شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران» (ایتان) / دبیر پرونده: محمد طاهری نژاد

## ۳۱

سکوت، تفکر، تحلیل، فریاد / محسن مقصودی

## ۴۱

کارآمدی نظام دغدغه‌ای مقدس است / گفت‌وگو با دکتر سید محمد صاحبکار خراسانی، مدیر شبکه‌ی ایتان

محمد طاهری نژاد - مرتضی فیروز آبادی

## ۴۵

الگوی برای تداوم آرمان‌خواهی جوانان؛ گذری بروی‌گی‌های بارز شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران / مرتضی فیروز آبادی

## ۴۶

مسأله این است؛ روش شناسی پژوهش در مسایل پیش‌رفت کشور / روح‌الله ایزدخواه

## ۴۸

موفقیت در «ارتباط» است؛ نگاهی اجمالی به نقش ارتباطات در شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران / حسین اقدامی

## ۴۹

کانون‌های تحلیل‌گر منطقه‌ای؛ مغزافزار توسعه‌ی استانی؛ حاشیه‌ای بر ضرورت‌ها و چالش‌های

مراکز مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای استانی / حمیدرضا ایمانی

## ۵۰

چگونه بین تحقیقات و سیاست‌ها پل بزنیم؟؛ کانون‌های تفکر و سیاست‌گذاری عمومی / احمد اسدزاده

## ۵۲

زمانی برای اندیشیدن؛ نگاهی به روند طی شده از تصمیم‌سازی تا تحول‌سازی / رضا باقری

## ۵۳

مروری بر یک کانون تفکر؛ نگاهی به تاریخچه و فعالیت‌های گروه سیاست‌گذاری مسکن / افشین پروین پور - مقداد همتی

## گفده

## ۵۵

گفده‌ی شش: چراغی در میانه‌ی مسجد و خانه؛ پراکنده در باره‌ی نسبت تشکل و خانواده

## ۵۶

خانواده - تشکل - امت واحد / سید حسن مددی الموسوی

## ۵۷

در پرتو نظام مندی؛ رابطه‌ی خانواده و تشکل از منظر سیستمی / جلیل معماریانی

## ۶۰

سیاست خانواده / حجت‌الاسلام محمد رضا سالاری فر

## ۶۲

پیش به سوی تشکل خانواده محور / حجت‌الاسلام محمود مرویان

## ۶۴

مای شما؛ گزارشی مختصری از الگوی ارتباطی یک تشکل با خانواده‌های اعضای اش / مهدی نوروزیان

## ۶۶

کارکردها و ضرورت‌های یک تعامل / عالیه کرامتی نژاد

## ۶۷

سکوی پرتاب، شمارش معکوس، نقطه‌ی اوج و باقی‌قضا یا / فاطمه دلوری پاریزی

## ۷۰

اصول ده‌گانه‌ی تعامل تشکل‌ها با خانواده / محمد مهدی نجاتی

## ۷۲

قدم‌به‌قدم از خانواده تا تشکل / سعید قاسمی

## ۷۴

دو به علاوه دو می‌شود پنج / امین بابازاده

## رپرتاژ

## ۷۶

جمعیت‌واله‌کان مربوطه / به کوشش دکتر برزو بیطرف

## ۸۰

تای تمت

# واکاوی یک م

■ تأملاتی پیرامون تشکل و کار تشکیلاتی

باشد. ولی به رغم وضوح و بدهات اولیه‌ی آن، تحلیل چندان دقیقی از ماهیت هدف، جای‌گاه و ارتباط آن با رفتار انسانی، مخصوصاً تفکیک هدف از اثر عمل صورت نگرفته است. همین امر موجب شده که در اغلب موارد، تشکل‌ها به جای «هدف‌گرایی» به «اثرگرایی»، و به جای حرکت آگاهانه‌ی مبتنی بر انتخاب، رفتار مبتنی بر هدف‌گذاری و تلاش در جهت تحقق اهداف، به عمل‌گرایی روی آورند و فعالیت‌محور عمل کنند. با توجه به این‌که هر رفتاری همانند هر پدیده‌ی عینی دارای اثر خاص خواهد بود و از سوی دیگر اغلب رفتارهایی که در تشکل‌ها صورت می‌گیرد از نوع اعمال «به‌هنجار» است، به همین دلیل دست‌اندرکاران این نوع تشکل‌ها همیشه از نوع رفتارهای خود رضایت خاطر دارند و دچار نوعی حالت از خودراضی و خودشیفتگی می‌شوند. درحالی‌که صرف انجام رفتارهای مثبت – که قهراً دارای آثار مثبت است – چندان معقول و مبتنی بر مبانی منطقی تصمیم‌گیری نیست. بل که محدودیت منابع (اعم از منابع مادی و معنوی، نیروی انسانی و...) ایجاد می‌کند که گزینش رفتارها و انجام فعالیت‌ها به گونه‌ای باشد که حداکثر بهره‌وری و حداکثر فایده را در برابر حداقل هزینه و یا دست‌کم مساوی با هزینه‌ی تخصیص یافته داشته باشد. برای آن که تحلیل روشنی از ارتباط هدف با رفتار انسان

اخلاقی و همه‌ی مباحث اخلاق و تربیتی دقیقاً ناظر به و متأثر از آن است. تا هدف از یک حرکت معلوم نباشد، هر حرکتی که انجام گیرد، نه تنها قدمی در راه دست‌یابی به کمالات و رشد نخواهد بود، بل که انسان را فرسنگ‌ها از حرکت به سوی رشد و کمال دور می‌کند و موجب تضییع امکانات و فرصت‌ها می‌شود، و در نتیجه‌ی بی‌هدفی گرفتار شدن در گرداب‌ها و سقوط در پرتگاه‌ها امری دور از ذهن نخواهد بود. بنابراین تبیین دقیق مباحث مربوط به هدف، بایستی در صدر مباحث قرار گیرد. هدف در اصطلاح به معنای وضعیت نهایی و مطلوب است که فرد به صورت آگاهانه آن را مفید تشخیص می‌دهد و برای دست‌یابی به آن دست به اعمال مناسب می‌زند. به تعبیر دیگر نقطه‌ای است که همه‌ی رفتارهای انسان جهت رسیدن به آن سامان پیدا کرده و مقدمه‌ای برای تحقق آن شمرده می‌شوند. به این ترتیب هدف، بیان‌گر فعل آگاهانه و اختیاری انسان است و جهت‌دهنده‌ی اعمال انسان به حساب می‌آید، به گونه‌ای که همه‌ی رفتارها برای تحقق یافتن آن جهت می‌یابد.

■ **تفکیک «هدف» از «اثر عمل»**

تأکید بر هدف‌مندی، شاید در ابتدای امر، توضیح واضح‌تر

■ **قسمت دوم: اهداف در تشکل‌ها و اصول حاکم بر فعالیت آن‌ها**  
استاد رضا حبیبی

■ **درآمد**

در بخش قبل به کلی‌ترین علل شکل‌گیری تشکل‌ها پرداختیم. در این بخش نویسنده به اهداف می‌پردازد. البته بحث در این‌جا موضوعات اهداف تشکل‌ها نیست – چون هر تشکلی هدفی خاص برای خود در نظر می‌گیرد و نمی‌توان یک توصیه یا توصیف عمومی ارائه داد بل که بحث بر سر ماهیت هدف و تفاوت در سطوح مختلف آن است. در دنباله‌ی این بحث نویسنده به اختصار به اصول کلی حاکم بر فعالیت تشکل‌ها می‌پردازد. باید توجه داشت که این اصول، به عنوان قواعد و سیاست‌های کلی عمل در تشکل‌ها، از همان علل شکل‌گیری یا فلسفه‌ی وجودی تشکل‌ها اخذ می‌شوند.

■ **الف – اهداف**

■ **مفهوم‌شناسی هدف**

یکی از مباحث مهم و در واقع محوری‌ترین مباحث عبارت است از بحث هدف. هدف در واقع مرکز و کانون مباحث

# فهوم

به آن به تنظیم فعالیت‌های خود می‌پردازد، هدف نهایی نامیده می‌شود.



## برخی از ویژگی‌های هدف غایی

– هدف غایی تعیین‌کننده‌ی جهت حرکت است و حوزه‌ی انتخاب هدف‌های دیگر را محدود می‌کند.

– هدف غایی نسبت به همه‌ی ابعاد زندگی بشر از جامعیت برخوردار است.

– هدف غایی پشتوانه‌ی ارزش‌مند اهداف واسطه‌ای است و اهداف واسطه‌ای تنها در پرتو اهداف غایی ارزش‌مندند.

– هدف غایی در افراد ایجاد انگیزه‌ی مستمر و باثبات می‌کند. عوامل انگیزشی دو دسته‌اند: برخی تنها قادر به

ایجاد انگیزه‌ی مقطعی و سطحی‌اند، مانند تشویق یا تهدید. دسته‌ی دیگر از قدرت انگیزشی مستمر برخوردارند. به

گونه‌ای که تا وقتی شخص به آن‌ها دست‌رسی پیدا نکرده، هنوز از انگیزه‌ی لازم برای انجام اعمال برخوردار است.

هدف غایی از این دسته به شمار می‌آید.



## تجزیه‌ی هدف نهایی به اهداف کلی

با توجه به این که هر هدف نهایی خود ترکیبی از مجموعه‌ای از غایات و آرزوها است؛ هدف نهایی باید تجزیه و خرد شود. به

انتظار را قصد می‌کند، اما در اغلب موارد تنها برخی از آثار را گزینش می‌کند و از سایر ثمرات صرف‌نظر می‌کند.

و – هدف در حقیقت، اثر گزینش شده نسبت به سایر آثار فعل موردنظر است.

بنابراین مؤلفه‌های هدف عبارت‌اند از: ۱. اثر فعل ۲. آگاهی نسبت به آن ۳. گزینشی بودن.

بدین ترتیب، مراد از هدف‌گرایی انجام اعمال صحیح دارای آثار مثبت نیست؛ بل که هدف‌گرایی یعنی مبادرت به عمل:

• مبتنی بر شناخت آن عمل

• آگاهی از آثار مثبت آن

• گزینش یکی از آثار از میان سایر آثار

• مقایسه‌ی میان این آثار با آثار برجسته و گزینش شده‌ی سایر رفتارهای درست قابل عمل برای یک تشکل

• و در نهایت، گزینش به‌ترین اثر از میان به‌ترین اعمال ممکن برای یک تشکل.

داشته باشیم، به تحلیل ماهیت رفتار و کیفیت ارتباط آن با هدف می‌پردازیم:

**الف** – رفتار انسان از چند عنصر اصلی:

• نیاز

• طرح و برنامه‌ی مشخص برای دستیابی به منبع رفع نیاز

• تصمیم بر انجام عمل

• ایجاد رفتار متناسب برای دستیابی به هدف مطلوب تشکیل شده است.

**ب** – رفتار انسان همانند هر پدیده‌ای دارای آثار و پیامدهای ویژه‌ای است.

**ج** – رفتار انسان پدیده‌ای مرکب است به همین دلیل همانند علل مرکبه دارای آثار متعدد است. مانند نماز که موجب

تطهیر از گناهان، مانع ارتکاب فحشا، عروج الی الله و... می‌شود. مثال دیگر علم‌آموزی است. علم‌آموزی به عنوان

یک عمل، دارای آثار مختلف از قبیل تکامل و رشد عقلی، ارتقای منزلت اجتماعی، کسب شهرت و... است.

**د** – در برخی موارد این آثار در تضاد باهم هستند و در مواردی نیز باهم قابل جمع‌اند. تضاد آثار مانند اقامه‌ی نماز

به قصد قربت و شهرت، و وفاق آثار مانند اقامه‌ی نماز به قصد قربت و آمرزش.

**ه** – انسان در مقام انجام هر عملی، گاهی همه‌ی آثار مورد

تعبیر دیگر هدف نهایی در اغلب موارد یک عنوان عام و انتزاعی است که از مجموعه‌ای از عناوین واقعیت‌های عینی انتزاع می‌شود. به همین دلیل در اغلب موارد هدف نهایی یک نقطه‌ی مشخص و امر بسیط نیست، بل که یک امر مرکب است. به عنوان مثال اگر هدف نهایی از خلقت انسان، بندگی و سرسپردگی در برابر خدای متعال باشد، با توجه به این‌که این عنوان یک عنوان انتزاعی است، نمی‌توان از آن اعمال و تکالیف مشخصی استنباط کرد و با نگاه به خود این عنوان، یعنی بندگی و عبودیت، نمی‌توان به صورت عینی شرحی از وظایف تعیین کرد. بل که باید دید که مصادیق بندگی در مقام عینیت چه اعمال و وظایفی اند. با نگاه به عنوان بندگی می‌بینیم که مصادیق این عنوان یا اجزای تشکیل دهنده‌ی آن عبارت است از تنظیم رابطه‌ی مطلوب انسانی با خدا، تنظیم فعالیت‌های صحیح در رابطه‌ی انسان با خود، و تنظیم مجموعه‌ی اعمال و رفتار فرد در حوزه‌ی امور اجتماعی از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و غیره. بنابراین بعد از مشخص کردن هدف نهایی یعنی بندگی، باید به تجزیه‌ی آن به اجزای تشکیل دهنده‌ی آن - یعنی رابطه‌ی انسان با خداوند، با خود و با جامعه - پرداخت. در سایر حوزه‌ها نیز مسأله از همین قرار است؛ به عنوان مثال کسی که هدف نهایی وی دست‌یابی به تخصص در یک رشته است، با توجه به این‌که عناوین بیان‌گر تخصص‌ها مانند فلسفه، اخلاق، روان‌شناسی، پزشکی، علوم اجتماعی و... علی‌رغم ظاهر یک‌سان و بسیط‌آن‌ها در حقیقت عناوینی مرکب‌اند، باید اجزای تشکیل دهنده‌ی تخصص‌ها را به صورت عینی مشخص کند. به عبارت دیگر باید بدانند تخصص در فلسفه، اخلاق، روان‌شناسی، پزشکی، علوم اجتماعی و... مستلزم چه دسته از معلومات و آگاهی‌ها و مهارت‌های عینی است. به عنوان مثال تخصص در عنوان فلسفه مستلزم آگاهی وسیع از معرفت‌شناسی، مهارت در تفکر منطقی، تسلط بر مکاتب فلسفی و... است و تخصص در علوم اجتماعی مستلزم تخصص در فلسفه‌ی

علوم اجتماعی، داشتن مهارت‌های تحقیق کتاب‌خانه‌ای و میدانی در عرصه‌ی علوم اجتماعی، آگاهی از نظریه‌ها و مکاتب و در نهایت تسلط و اتخاذ مینا در حوزه‌ی مبانی و گزاره‌های علوم اجتماعی است.

#### «اهداف واسطه» و «اهداف نهایی»

با توجه به توضیحاتی که ارائه کردیم، می‌توان به تمایزی میان «اهداف واسطه» و «اهداف نهایی» پی برد. هدف نهایی به هدفی گفته می‌شود که همه‌ی فعالیت‌های انسان در جهت دست‌یابی به آن هدف سازمان‌دهی می‌شود و انسان تمام تلاش خود را جهت رسیدن به آن تنظیم و جهت‌دهی می‌کند. در صورتی که اهداف واسطه و مقدماتی به اهدافی گفته می‌شود که دست‌یابی به هدف نهایی وابسته به تحقق آن اهداف و گذر و عبور از آن مراحل و منازل است.

از مباحث فوق می‌توان به این نتیجه رسید که:

اولاً اهداف مورد تعقیب در زندگی انسان دو دسته‌اند: «اهداف طولی» و «اهداف عرضی». ثانیاً اهداف طولی در یک طرف وابسته به هم‌اند و دست‌یابی به اهداف بالاتر مترتب بر گذر از اهداف واسطه و مراحل پایین‌تر است. ثالثاً مطلوبیت و ارزش مندی هر کدام از اهداف عرضی، به استقلال، از ابزار و وسیله بودن آن‌ها جهت دسترسی به مقامات و اهداف سطح بالاتر حاصل می‌شود. رابعاً مقدار مطلوبیت و سطح ارزش مندی اهداف واسطه، تابع مقدار دخالت آن‌ها در دسترسی انسان به هدف نهایی است.

■ **طبقه‌بندی اهداف (مرحله‌بندی فرآیند رسیدن به هدف نهایی)**

بعد از تجزیه‌ی هدف نهایی به اهداف کلی، مسأله‌ی بعد طبقه‌بندی این اهداف است. به عنوان مثال با توجه به این‌که تخصص در یک رشته از قبیل رشته‌ی حقوق، فقه، کلام، علوم اجتماعی، اقتصاد یا سیاست، مستلزم تخصص، تسلط و آگاهی در حوزه‌های مختلف است، این سؤال

مطرح می‌شود که تقدم و تأخیر این اهداف و نحوه‌ی چینش آن‌ها به چه شکل باید باشد. به تعبیری شخص ابتدا باید در حوزه‌ی معرفت‌شناسی تسلط پیدا کند؟ یا در ابتدا درصدد دست‌یابی به مهارت تفکر منطقی برآید؟ یا این‌که تسلط بر مکاتب فلسفی را در اولویت قرار دهد؟ به همین ترتیب فردی که خواهان تخصص در علوم اجتماعی است، آیا ابتدا باید به تحصیل در فلسفه‌ی علوم اجتماعی بپردازد؟ یا باید در حوزه نظریه‌ها تفحص کند؟ یا این‌که به مطالعه در حوزه‌ی گزاره‌های علوم اجتماعی مبادرت ورزد؟ و یا در بخش‌های مربوط به روش تحقیق در حوزه‌ی علوم اجتماعی مطالعه کند؟

از سوی دیگر حتی بعد از تجزیه‌ی این اهداف به این حوزه‌ها و طبقه‌بندی خود آن‌ها در قالبی مشخص، گام بعدی تجزیه‌ی این اهداف کلی است. مثلاً ابتدا عنوان کسب تخصص در علوم اجتماعی را به مراحل مختلف تقسیم می‌کنیم:

مرحله‌ی اول: آگاهی از گزاره‌های موجود در حوزه‌ی علوم اجتماعی

مرحله‌ی دوم: آگاهی و تسلط نسبت به نظریه‌ها و تئوری‌های علوم اجتماعی

مرحله‌ی سوم و...

اما مهم‌تر از این، حتماً خود این اهداف کلی نیز در درون خود نیاز به طبقه‌بندی و تنظیم در قالب‌های مختلف دارند. به عنوان مثال وقتی که در مرحله‌ی دوم شخص در مقام آموختن نظریه‌ها و تلاش در جهت تسلط به این نظریه‌ها است، این سؤال مطرح می‌شود که اول کدام نظریه باید مطرح شود و در مرحله‌ی بعد کدام نظریه؟ و در نهایت آخرین پله‌ای که در حوزه‌ی نظریه‌ها باید برداشته شود کدام است؟ در هر صورت بعد از طراحی و تبیین هدف نهایی، تجزیه‌ی هدف نهایی و تجزیه‌ی اهداف کلی، نوبت به طراحی روش‌های سازمانی و تحصیلاتی می‌رسد.

لزوم طبقه‌بندی اهداف مبتنی بر این واقعیت است که بین

مراحل رشد ذهنی انسان نوعی سلسله‌مراتب وجود دارد. مجدداً به مثال کسب تخصص در یک رشته علمی می‌پردازیم: در این مثال مراحل رشد فوق‌الذکر، از ساده‌ترین عمل ذهنی یعنی شناخت ابتدایی شروع می‌شود. در مرحله‌ی دوم به شناخت عمیق از مسایل و تسلط به دیدگاه‌ها و مهم‌ترین نظریات موجود در یک علم می‌رسد و در مرحله سوم توانایی تجزیه تحلیل دیدگاه‌ها و به تعبیر رایج توانایی فهم مطالب نانوشته در یک کتاب به دست می‌آید. در این مرحله فرد باید به چنان توان مندی‌ای برسد که از روی مطالب موجود در کتاب، مطالب نانوشته در کتاب اما مستتر در ذهن و ضمیر نویسنده را کشف کند. گام بعدی، مرحله‌ی توانایی حل مسأله از طریق تطبیق قوانین یادگرفته شده بر موارد جدید است. در نهایت مسیر تخصص در یک رشته، با عبور از مرحله‌ی نقادی و ارزیابی دیدگاه‌های دیگران، به عالی‌ترین مرحله یعنی ایجاد نظریه‌ی جدید و طرح مباحث و تئوری‌های بدیع خاتمه پیدا می‌کند (مرحله‌ی خلاقیت).

بدیهی است که تا شخص در اولین مرحله نتواند الفبای مسایل را درک کند و با مفردات مفاهیم آن حوزه آشنا شود، نمی‌تواند قواعد مربوط به آن حوزه را یاد بگیرد. به تعبیر دیگر تا نتواند مبادی و مفاهیم موجود در یک علم را یاد بگیرد، نمی‌تواند قواعدی را که از طریق ترکیب این مفاهیم شکل می‌گیرد درک کند. به همین ترتیب، تا زمانی که نتواند قواعد موجود در یک علم را فراگیرد، توانایی بهره‌گیری از آن در مقام حل مسایل ذهنی و انجام رفتارهای عینی را نیز نخواهد داشت. تردیدی نیست که اگر نظریه‌ای را درک نکرده و به فهمی عمیق و دقیق از آن دست پیدا نکرده باشد، قادر به نقد و ارزیابی درست اجزای تشکیل دهنده نخواهد بود. و به همین ترتیب تا قدرت نقادی و ارزیابی یک دیدگاه را نداشته باشد، نمی‌تواند با ارایه‌ی تئوری‌های جدید به تکمیل و ترمیم دیدگاه‌های موجود در عرصه‌های مختلف بپردازد. به این ترتیب مشاهده می‌شود که چه‌گونه مراحل و مراتب گوناگون یک هدف به یک‌دیگر وابسته و تابعی از هم اند.

■ **ب - اصول حاکم بر فعالیت تشکل‌ها**  
مهم‌ترین اصول و سیاست‌هایی که باید بر فعالیت تشکل‌ها حاکم و غالب باشند، از قرار ذیل اند:

#### ۱. توجه به نیازهای منطقه‌ای و قومی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها، برای رفتار و فعالیت هر تشکلی، توجه ویژه به نیازهای منطقه‌ای و قومی در کنار توجه به وجوه اشتراک تشکل‌ها و اعضای آن‌ها است. با اندک تأملی در برنامه‌های تشکل‌ها، فقدان توجه به نیازهای منطقه‌ای به وضوح قابل درک است. به جرأت می‌توان گفت که در برنامه‌های تشکل‌ها، هیچ جای‌گاهی برای این مسأله در نظر گرفته نشده است.

این مشکل زمانی جدی‌تر به نظر خواهد آمد که به تشکل‌ها به عنوان یک سازمان غیردولتی و تأمین‌کننده‌ی همه‌انواع نیازهای جامعه، مخصوصاً نیازهای منطقه‌ای بنگریم. حتی بر فرض پذیرش هم‌گن بودن نیازهای برخی مناطق مختلف در داخل کشور، در تنوع نیازهای خاص برخی مناطق نمی‌توان تردید کرد. در برخی مناطق حادث‌ترین مشکل و پرتنش‌ترین موضوعات، مسایل عقیدتی و فرهنگی است، در منطقه‌ای دیگر مشکلات سیاسی، و در دیگر مناطق معضلات معیشتی و...

حتی در همه‌ی مناطقی که مشکلات فرهنگی مهم‌ترین مشکلات اند، باز هم سنخ مشکل فرهنگی هر منطقه، از منطقه‌ای تا منطقه‌ی دیگر، متفاوت است. به این ترتیب، عدم توجه به نیازهای ویژه‌ی منطقه‌ای جدی‌ترین مشکلات را برای دست‌اندرکاران تشکل‌ها در پی خواهد داشت.

#### ۲. جامعیت برنامه‌ها

جامعیت برنامه‌ها مستلزم توجه توأمان به رشد بُعد عاطفی و رفتاری اعضا در کنار تربیت عقلانی و شکوفایی بُعد شناختی آنان و توجه به نیازهای مادی آن‌ها با تأکید بر نیازهای معنوی اعضا است.

#### ۳. توجه به تفاوت‌های فردی

متفاوت بودن محیط اجتماعی، پیشینه‌ی آموزشی و تربیتی اعضا، در کنار تفاوت‌های سنی آنان، ضرورت توجه به تفاوت‌های فردی آنان را چه در مقام برنامه‌ریزی و چه در حین اجرا و محقق ساختن اهداف - دو چندان می‌کند.

#### ۴. استمرار

مرحله‌ای بودن برنامه‌ها، در کنار فرایندی بودن آن (سه مرحله‌ی برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و دریافت بازخورد) نشان‌گر این واقعیت است که برنامه‌ها باید به صورت مستمر نظارت شوند و در صورت نیاز مورد بازنگری قرار گیرند.

#### ۵. واقع‌بینی

با توجه به متغیرهای متنوع مؤثر در برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی می‌باید بر اساس اطلاعات جامع و دقیقی انجام شود. علاوه بر آن در طراحی برنامه‌ها باید بر آورد واقع‌بینانه‌ای از امکانات موجود در اختیار برنامه‌ریزان قرار گیرد تا برنامه در حین اجرا دچار مشکلات و موانع پیش‌بینی نشده قرار نگیرد.

#### ۶. مشارکت

محدودیت امکانات (منابع مادی و انسانی) و پیچیدگی‌های موجود در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها، مبین این واقعیت است که مسئولان تشکل‌ها، هم در مقام گردآوری اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی، از اعضا به عنوان افراد ذی‌نفع یاری بطلبند و هم در مقام اجرا و محقق ساختن کیفی تر اهداف از توان مندی‌های آن‌ها مخصوصاً نخبه‌ها و افراد مستعد بهره بگیرند.

#### ۷. توجه به نوآوری‌ها

تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... مسایل و مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای را دامن می‌زند و همین امر نیازها و انتظارات خاصی را در مخاطبان به وجود می‌آورد که در برنامه‌های رایج راه‌حلی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. همین امر ضرورت بهره‌گیری از افراد خلاق را در طراحی برنامه‌ها و ایده‌های نو و ابتکاری در حل این دسته مسایل جدید دو چندان می‌کند.

و ادبیات فارسی بر ادبیات دیگر ملل هم از دیگر مباحثی است که در این نشست‌ها بررسی می‌شود.

دوره‌ی پیشین همین همایش تعامل ادبی ایران و جهان سال گذشته در روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت هم‌زمان با برگزاری بیست‌ویکمین نمایش‌گاه کتاب تهران در محل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد که شرکت‌کنندگان در همایش با موضوع ادبیات تطبیقی سخن‌رانی کردند. حاصل مقالات ارایه‌شده در همایش نیز در کتابی به نام «سفرآینه» به کوشش عباس علی وفایی تدوین و منتشر شده که دربرگیرنده‌ی بیش از ۵۰ مقاله است.



#### پژوهش‌کده‌ای برای الهیات اجتماعی

برای توسعه‌ی رشته‌های بین‌رشته‌ای در علوم انسانی و اجتماعی، «پژوهش‌کده‌ی الهیات اجتماعی» در دانش‌گاه قم راه‌اندازی شد. به گزارش پای‌گاه اطلاع‌رسانی کانون اندیشه‌ی جوان، دکتر محمود تقی‌زاده داوری رییس این پژوهش‌کده اظهار داشت: درحالی‌که طی سال‌های اخیر مسأله‌ی توسعه‌ی علوم انسانی و اجتماعی در کشور از سوی مقامات وزارت علوم و شورای انقلاب فرهنگی به‌طور مکرر مطرح شده است، ولی متأسفانه رشته‌های بین‌رشته‌ای در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی هم‌پای سایر رشته‌ها در کشور توسعه پیدا نکرده است. وی گفت: از سال گذشته مسأله‌ی الهیات اجتماعی را به صورت جدی

صاحب‌نظران و کارشناسانی چون حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسانیا، دکتر منوچهر محمدی، دکتر محمدعلی فتح‌اللهی، دکتر موسی فقیه‌حقانی و حجت‌الاسلام ابوطالبی به تحلیل، بررسی و نقد تاریخ معاصر ایران پرداختند.

#### مرتضی به تهران می‌آید؟

به همت برویچه‌های بسیج مدرسه عالی شهید مطهری امسال برای دومین بار همایش «می‌گویند: مرتضی به تهران می‌آید» در روزهای ۷ و ۱۲ اردیبهشت‌ماه جاری برگزار شد. در جلسه‌ی اول این همایش دکتر عبدالحسین خسروپناه و در جلسه‌ی دوم دکتر ابراهیم فیاض سخن‌رانی کردند. عناوین موضوعات این همایش عبارت بودند از: روحانیت و مسیر میان تاجر و تجدد، شهید مطهری و زمانه، و میزگرد فاصله‌ی ما تا مطهری شدن.



#### تعامل از نوع ادبی

«مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی» هم، هم‌زمان با بیست‌ودومین نمایش‌گاه بین‌المللی کتاب تهران دست به کار شده و شش‌امین همایش تعامل ادبی ایران و جهان را اردیبهشت‌ماه در محل برگزاری نمایش‌گاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار می‌کند. به گزارش ایسنا در این همایش بیش از ۸۰ استاد زبان و ادبیات فارسی، مترجم آثار ادبیات فارسی و هم‌چنین رؤسای کتاب‌خانه‌های دانش‌گاه‌های خارجی از ۴۰ کشور جهان حضور خواهند داشت و در نشست‌های تخصصی که در سرای اهل قلم نمایش‌گاه برگزار می‌شود، ترجمه‌ی آثار ادبیات فارسی پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته تأثیر زبان

## اخبار



#### در این ۲۰۰ سال بر ایران چه گذشت؟

باخبر شدیم که قرار است معاونت پژوهش «مؤسسه‌ی ولاء منتظر(عج)» قم در راستای آشنایی طلاب با اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری و پی‌ریزی بینش فکری و علمی طلاب جهت انجام فعالیت‌های تبلیغی، پژوهشی و فرهنگی، طرح گروه‌های مطالعاتی پژوهشی طلاب را با نام «کوثر انقلاب» در محورهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای طلاب پایه‌های ۷ تا ۱۰ برگزار کند.

از دیگر اقدامات اخیر این مؤسسه باید به برگزاری «اولین دوره‌ی پودمانی جریان‌شناسی تاریخ معاصر ایران» اشاره کنیم. در این دوره که با هدف آشنایی وقایع تاریخی ۲۰۰ساله‌ی اخیر ایران و با همکاری سازمان ملی جوانان برگزار شد،

همه‌ی رشته‌های علوم اسلامی، نقلی و تفسیری است؛ یعنی تفسیر، توضیح و تجزیه و تحلیل آیات و احادیث اجتماعی.

دکتر تقی‌زاده‌ی داوری با بیان این‌که تاکنون رشته‌ی الهیات اجتماعی در هیچ یک از دانش‌گاه‌های کشور راه‌اندازی نشده‌است، اهمیت ایجاد این رشته تحصیلی را مورد تأکید قرار داد و گفت: راه‌اندازی این رشته به خاطر این‌که ما امروزه دارای حکومت و دولت در نظام جمهوری اسلامی هستیم بسیار با اهمیت است؛ زیرا الهیات اجتماعی محدثان، مفسران، فقها، متکلمان و عالمان اخلاق را با مسایل و معضلات اجتماعی آشنا می‌سازد و آن‌ها را تبدیل به کارشناسان مسایل اجتماعی می‌کند و آن‌ها متون اجتماعی دین را برای حل مشکلات روزمره‌ی زندگی مردم به کار خواهند گرفت. به عبارتی دیگر این افراد مسایل

مطرح کردم. زیرا این رشته‌ی تحصیلی می‌تواند همانند رشته‌ی شیعه‌شناسی که در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه قم راه‌اندازی شد، به صورت یک رشته‌ی تحصیلی بین‌رشته‌ای در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در این دانش‌گاه راه‌اندازی شود. وقتی این ایده را برای رییس دانش‌گاه قم مطرح کردم مورد استقبال ایشان قرار گرفت و توصیه کردند که پژوهش‌کده‌ای در این زمینه تأسیس شود تا علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی، تمهیدات لازم برای راه‌اندازی رشته‌ی الهیات اجتماعی و فصل‌نامه‌های متناسب با این رشته‌ی تحصیلی فراهم شود.

دکتر تقی‌زاده داوری با تعریفی از الهیات اجتماعی، تصریح کرد: الهیات اجتماعی به معرفتی گفته می‌شود که در زمینه‌ی متون اجتماعی دین اسلام پژوهش می‌کند. این عضو هیأت علمی دانش‌گاه قم با بیان این‌که پنج

#### هم‌گام با مهتدین

مؤسسه‌ی فرهنگی مهتدین وارد یازدهمین سال فعالیت خود شد. این مؤسسه که «مؤسسه‌ای است تربیتی، علمی، آموزشی، مردمی و غیردولتی که به منظور تبیین و ترویج فرهنگ انسان‌سازی مکتب توحید و تربیت نیروهای انسانی در پرتو تعالیم حیات‌بخش قرآن کریم و اهل بیت (ع) و با عنایت به وظیفه‌ی فردی و اجتماعی مؤمنان در پاس‌داری از آموزه‌های دینی و وحیانی» از سال ۷۷ و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به فعالیت است. اهداف این مؤسسه عبارت‌اند از:

- تبیین مبانی نظری و باورهای دینی و فرهنگی براساس ره‌یافت امام خمینی از تعالیم مکتب اسلام
- اهتمام به تربیت نسل جوان در پرتو تعالیم انسان‌ساز



- مکتب توحید
- فراهم‌آوردن زمینه‌ی آشنایی دقیق و عمیق جوانان با معارف مذهبی متناسب با شرایط زمان و جامعه
- مصون‌سازی نوجوانان و جوانان در برابر فرهنگ بیگانه و

تقویت هویت دینی و ملی ایشان

- ترویج و نهادینه‌کردن باورهای دینی در بین نسل جوان و آماده‌نمودن آنان برای حضور فعال و نشاط‌انگیز در صحنه‌های داخلی و خارجی
- به منظور دست‌یابی به این اهداف، مؤسسه‌ی مهتدین ایجاد و راه‌بری «کانون»‌ها را از محوری‌ترین برنامه‌های تربیتی خود قرار داده است. در تعریف این مؤسسه «کانون به جلسه‌ای اطلاق می‌شود که با حضور تعدادی از فراگیران علاقه‌مند و یک یا دو مربی به طور منظم و

اجتماعی را از طریق متون اجتماعی، ارزیابی و چاره‌جویی می‌کنند. بنابراین رشته‌ی الهیات اجتماعی در واقع کارآمد کردن و کاربردی کردن متون اجتماعی دین هم می‌تواند باشد.

رییس پژوهش‌کده‌ی الهیات اجتماعی تصریح کرد: در استفاده از متون اجتماعی دین برای حل مسایل و آلام زندگی مردم مسایل نظری کاملاً پیچیده‌ای وجود دارد که باید به مرور روشن شوند؛ همانند مسئله‌ی طبقات اجتماعی در جامعه‌ی مطلوب دینی، مسئله‌ی وحدت یا تعدد جوامع مطلوب، نقش زنان و مسئله‌ی تعاونی بودن یا رقابتی بودن آن جامعه و امثال آن.

دانش حدیث، تفسیر، فقه، کلام و اخلاق با متون دینی سر و کار دارند، خاطر نشان کرد: هنگامی که این پنج دانش با متون اجتماعی سر و کار پیدا می‌کنند یک مجموعه معرفتی به نام الهیات اجتماعی را پدید می‌آورند که متشکل از حدیث اجتماعی، تفسیر اجتماعی، فقه اجتماعی، کلام اجتماعی و اخلاق اجتماعی است.

مدیرگروه شیعه‌شناسی دانشگاه قم اضافه کرد: الهیات اجتماعی در یک کلام به معنی دیدگاه متون دینی در زمینه‌ی جامعه، تحولات اجتماعی مسایل و لوازم زندگی اجتماعی است. پس موضوع این رشته، متون اجتماعی اسلام است، و هدف آن تبلیغ، ترویج و توضیح دیدگاه‌های اجتماعی اسلام به مخاطبان است.

وی ادامه داد: روش الهیات اجتماعی نیز همانند روش

بخش ویژه‌ی آن نیز با عنوان عاشورا پژوهی برگزار می‌شود. عاشورا و ارزش‌ها، عاشورا و نهضت‌های سیاسی و اجتماعی، عاشورا و روحانیت، عاشورا و ادبیات و هنر، عاشورا و فرق اسلامی، عاشورا و دیگران، عاشورا و زنان، شعارهای عاشورا، تولی و تبری و تأثیر آن در فرهنگ عاشورا، حقوق بشر در آئینه قیام عاشورا، معرفی آثار عاشورایی، تحریفات عاشورایی، کارکردهای عاشورا و مطالعات صرفاً میدانی در این حوزه از جمله محورهای ارسال آثار به جشن‌واره است که در آذر سال ۸۸ در تالار قدس مدرسه‌ی عالی امام خمینی برگزار می‌شود. شایان ذکر است علاقه‌مندان و پژوهش‌گران می‌توانند آثار خود را تا ۱۵ اردیبهشت سال جاری به صورت چکیده و اصل آثار را تا ۳۰ شهریور سال جاری به دبیرخانه‌ی این جشن‌واره ارسال کنند.



#### سطرهای موازی

سوم این سلسله از کارگاه‌های عملی داستان‌نویسی حوزه‌ی هنری مرکز کرج با عنوان «سطرهای موازی» به صورت هفتگی در روزهای چهارشنبه برای جوانان برگزار می‌شود. در این کارگاه عملی که زیر نظر ظریفه رویین نویسنده و منتقد از ساعت ۱۵ برگزار می‌شود، علاقه‌مندان به داستان‌نویسی می‌توانند علاوه بر فراگیری اصول داستان‌نویسی با نقاط ضعف و قوت آثار خود آشنا شوند. روابط عمومی حوزه هنری استان تهران گفت: در پایان این کارگاه، آثار منتخب نویسندگان عضو، به صورت مجموعه‌ای مستقل منتشر خواهد شد. این را هم بگوییم که «شاید دست‌مان به ماه برسد» مجموعه‌ای از

متعهد برای آینده‌ی کشور و پرورش مدیران لایق و کارآمد، در محیطی هم‌سو با فعالیت‌های علمی این گروه می‌باشد.» مخاطبین این طرح دانش‌آموزان دبیرستانی مستعد هستند. دانش‌آموزان در ۷ زمینه‌ی ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست، رایانه، نجوم و ادبیات در کانون‌های متعدد تحت نظر مربیان علمی فرهنگی تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند. نحوه‌ی ارتباط با دانش‌آموزان به صورت مکاتبه‌ای (ارسال هر دو هفته)، اینترنتی (از طریق صفحه‌ی اینترنتی هم‌گام دارای تالار بحث و گفت‌وگو)، تلفنی و حتی الامکان حضوری است. بسته‌های ارسالی شامل سه قسمت: صفحه‌ی مربیان (حاوی متن مجزا برای هر دانش‌آموز)، بخش علمی، و بخش فرهنگی مذهبی است. جالب است که بدانید محتوای علمی بسته‌های ارسالی توسط افتخارآفرینان



المپیادی و دبیران با سابقه‌ی علمی درخشان نگاشته می‌شود. برای آشنایی بیشتر و کسب اطلاعات درباره‌ی این مؤسسه و طرح‌هایش می‌توانید به سایت مؤسسه مراجعه کنید: [www.mohtadin.com](http://www.mohtadin.com)

#### یاد شیخ طوسی

دوازدهمین جشن‌واره‌ی بین‌المللی شیخ طوسی ویژه‌ی پژوهش‌گران غیرایرانی به همت «جامعه‌ی المصطفی‌العالمیه» برگزار می‌شود. این جشن‌واره‌ی بین‌المللی در دو بخش عمومی و ویژه برگزار می‌شود که بخش عمومی آن شامل شاخه‌های علوم قرآن و حدیث، تاریخ و سیره، کلام و دین پژوهی، اخلاق، تربیت و علوم اجتماعی، فقه، اصول و حقوق و حکمت، منطق و عرفان و علوم سیاسی است و

هفتگی برگزار می‌شود.» هر کانون سه رکن دارد که عبارت‌اند از:

۱. فرد تحصیل‌کرده‌ی دین‌داری که برای تبیین مبانی قرآنی و اعتقادی متناسب با آخرین یافته‌های علمی پژوهشی و پاسخ‌گویی به شبهات دینی توان‌مندی‌های لازم را کسب نموده است و خود نیز الگوی مناسب علمی برای تربیت فراگیران می‌باشد.
۲. فراگیر: هر کانون شامل ۱۵ تا ۲۰ فراگیر است که از میان افراد مستعد مدارس و مساجد گل‌چین شده‌اند. فراگیران علاوه بر ذکاوت و هوش‌مندی در فعالیت‌های درسی از موفقیت نسبی برخوردار بوده و از اصالت خانوادگی نیز برخوردار می‌باشند.
۳. محتوا: عبارت است از آموزش‌های قرآنی به فراخور شرایط فراگیران شامل روان‌خوانی، ترتیل، توضیح و



تبیین معانی و معارف قرآنی با استفاده از تفاسیر معتبر، مباحث اعتقادی مبتنی بر اندیشه‌های شهید مطهری، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سایر مباحث موردنیاز نوجوانان و جوانان به صورت بحث و گفت‌وگو با مشارکت فعال فراگیران.

این مؤسسه هم‌چنین برنامه‌های مهارتی، اردویی و ورزشی هم برای تقویت ارتباطات و شکل‌گیری استعداد فراگیران در دستور کار دارد. نشست‌های علمی، فرهنگی و اعتقادی نیز یکی دیگر از فعالیت‌های جنبی کانون‌ها است.

اما دیگر فعالیت محوری این مؤسسه تهیه و برگزاری «طرح هم‌گام (هم‌اندیشی نخبگان علمی کشور)» است. «این طرح، راه‌بردی مهم در تربیت نیروی متخصص و



داستان‌های اعضای نخستین کارگاه سطرهای موازی است که سال گذشته به همت حوزه‌ی هنری استان تهران منتشر شده است.

#### نبرد مجازی با فتنه

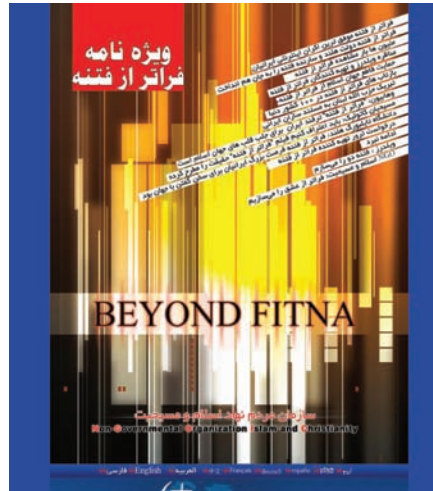
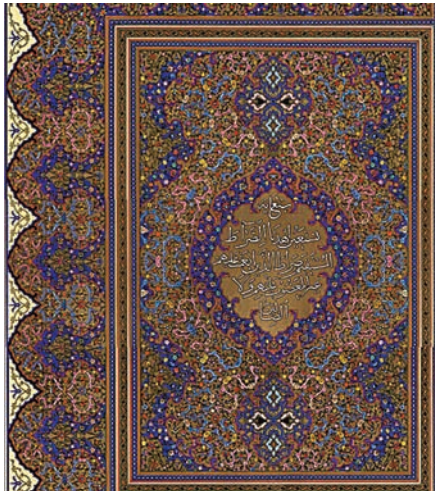
اما بشنوید از یک سازمان مردم‌نهاد (همان سمن خودمان) به نام «اسلام و مسیحیت» (NGOIC) که چندماه پیش با ساخت یک مستند حسابی گرد و خاک به راه انداخت. البته گرد و خاک مجازی! چون گویا محوریت اصلی فعالیت‌های این سمن در اینترنت و از طریق پای‌گاه اینترنتی‌اش است. مستند «فراتر از فتنه» همان فیلم مشهوری است که توسط این سمن در اوج غائله‌ی فیلم «فتنه» و در پاسخ به آن ساخت شد و مورد استقبال فراوانی هم قرار گرفت.

مالایی و ترکی هم به این فهرست افزوده شوند. این پای‌گاه از بخش‌های اصلی «بانک مقالات»، «اخبار»، «ویژه‌نامه‌ی فراتر از فتنه»، «کتاب‌خانه» و «دانلود» تشکیل شده است. برای دسترسی علاقه‌مندان به مباحث ادیان، بانک مقالات این پای‌گاه با بیش از ۱۰۰ مقاله‌ی تخصصی و عمومی در دسترس متخصصان و پژوهش‌گران است. در بخش کتاب‌خانه هم مجموعه‌ای ارزشمند از کتاب‌های در زمینه‌ی مسیحیت‌شناسی و معرفی اسلام وجود دارد که منبع مناسبی برای محققان و کارشناسان به حساب می‌آید. هم‌چنین در این کتاب‌خانه چندین نسخه‌ی خطی منحصر به فرد به صورت دیجیتال ارائه شده است. در بخش پرسش و پاسخ پای‌گاه، صدها پرسش در زمینه ادیان به همراه پاسخ‌های کارشناسی شده‌ی آن‌ها قرار داده شده است. در این پای‌گاه

#### عکس‌های ادیان توحیدی

طبق روال همیشگی جایزه‌ها و جشن‌واره‌های ماهانه دریافت آثار جایزه‌ی جهانی ادیان توحیدی تا ۲۷ خردادماه سال ۸۸ تمدید شد و آثار اوایل تیرماه داوری خواهند شد. در سوم این جایزه‌ی جهانی ادیان توحیدی، مسابقه‌ی عکاسی با محوریت دستورات و تعالیم پیام‌بران الهی در جوامع، اقوام، فرهنگ‌ها و ادیان توحیدی و جلوه‌های گوناگون آن در زندگی بشر طراحی شده است.

هنرمندان علاقه‌مند برای شرکت در این جایزه می‌توانند تا تاریخ یاد شده آثار خود را به دبیرخانه‌های این جایزه که در موزه‌ی عکس‌خانه‌ی شهر و موزه هنرهای دینی امام علی (ع) مستقرند، ارسال کنند و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با این شماره تلفن ۸۸۸۴۸۹۹۳ تماس بگیرند.



اما طبق گزارشی که خبرگزاری رسا از این سمن تهیه کرده، با توجه به گسترش فعالیت‌های تبشیری مسیحیان افراطی «اوانجلیکال» و «پنطیکاستی» در دنیای مجازی و نیاز به حضور جدی کارشناسان خبره در رویایی علمی و تبلیغی با فعالیت‌های تبشیری و استعماری، «سازمان مردم‌نهاد اسلام و مسیحیت» اقدام به تأسیس پای‌گاه اطلاع‌رسانی «NGOIC» کرده است. این پای‌گاه یکی از پای‌گاه‌های فعال در رویایی علمی و تبلیغی با فعالیت‌های تبشیری و استعماری مسیحیت است و دارای بازدیدکننده‌های بسیاری از ۱۳۵ کشور دنیا است. این پای‌گاه به غیر از زبان فارسی به چندین زبان زنده دنیا از جمله عربی، انگلیسی، چینی، هندی، اردو، فرانسه، آلمانی و اسپانیولی فعالیت می‌کند و قرار است به زودی زبان‌های روسی،

هم‌چنین بخشی به ره‌یافتگان اختصاص یافته که به معرفی چهره‌های نومسلمان و تبیین علل و انگیزه‌های آنان برای گرایش به اسلام می‌پردازد. در بخش دریافت فایل این پای‌گاه، هم تعدادی فیلم، تصویر و اسلاید در اختیار مراجعان قرار داده شده و در آینده‌ی نزدیک قرار است بیش از دوازده هزار صفحه گفت‌وگو و مناظره بین دانش‌مندان مسلمان و مسیحی از صدر اسلام تاکنون روی پای‌گاه قرار گیرد.

و اما آدرس پای‌گاه اطلاع‌رسانی سازمان مردم‌نهاد اسلام و مسیحیت: [www.ngoic.com](http://www.ngoic.com)

#### کتاب‌خانه‌ها و بانک‌های نرم‌افزاری قرآنی

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از راه‌اندازی ۵۰۰ کتاب‌خانه و بانک نرم‌افزاری قرآنی تا پایان سال آینده در سراسر کشور خبر داد. وی با بیان این‌که «مرکز هم‌آهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور» در زمینه‌های احداث ساختمان و تجهیز مؤسسات قرآنی، فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داده است، افزود: این مرکز در حال تأسیس ۵۰۰ کتاب‌خانه و بانک نرم‌افزاری قرآنی در سراسر کشور است که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال آینده به بهره‌برداری برسد. مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، میزان مشارکت این مرکز در طرح‌ها و فعالیت‌های قرآنی را ۵۰ درصد عنوان کرد و اظهار داشت: در راستای گسترش

فرهنگ قرآنی در استان‌های کم‌تر برخوردار، این میزان در مناطق محروم به ۸۰ درصد افزایش یافته است. دکتر خواجه‌پیری گفت: برای حمایت بیش‌تر و ایجاد مراکز دایمی برای مؤسسات قرآنی و با هم‌آهنگی سازمان مسکن و شهرسازی، زمین مناسب به صورت ۱۰ درصد نقد و مابقی در اقساط ۲۰ ساله در اختیار این مؤسسات قرار می‌گیرد. (راستش در این کسادی بازار زمین و مسکن فتیانی‌ها هم دارند و سوسه می‌شوند که به یک مرکز دایمی قرآنی تبدیل شوند!)

#### اس‌ام‌اس بازی با اسراء

باخبر شدیم که «مؤسسه‌ی فرهنگی تحقیقاتی اسراء» به منظور اطلاع‌رسانی مناسب و اطلاع از نظرات مخاطبان خود، و دریافت انتقادات و پیشنهادهای، سامانه‌ی پیامک



اسراء را به شماره‌ی «۳۰۰۷۲۹۶» راه‌اندازی کرده است. علاوه بر اطلاع‌رسانی سریع به مخاطبان از طرف مؤسسه، علاقه‌مندان می‌توانند هرگونه مطلب یا پرسشی را درباره‌ی آیت‌الله جوادی آملی، آثار و افکار ایشان و فعالیت‌های مؤسسه و انتشارات اسراء از طریق همین شماره با بچه‌های روابط عمومی مؤسسه‌ی اسراء مطرح کنند. گفتنی است جدیدترین اخبار مرتبط با مؤسسه اسراء از طریق این سامانه به اطلاع هم‌راهان مؤسسه اسراء خواهد رسید. پس بی‌کار نباشید و برای خالی نماندن اینباکس موبایل‌تان و باخبر شدن از فعالیت‌های این مؤسسه یک اس‌ام‌اس به این شماره بزنید.

#### سفر خاکی به خاک جنوب

طبق مکاتبه‌ای که مسئول «مؤسسه‌ی کمیل» با فتیان داشت باخبر شدیم که این مؤسسه طبق سنوات گذشته، با همکاری سازمان ملی جوانان استان قزوین اردویی را تحت عنوان سفر خاکی (راهیان نور، بازدید از مناطق عملیاتی جنوب کشور) در تاریخ ۲۲ الی ۲۷ اسفند ماه ۸۷ برگزار نمود که با استقبال خوب اعضای مؤسسه مواجه شد. جلسات هم‌آهنگی بین کمیته‌های برگزارکننده از یک ماه



قبل از تاریخ برگزاری اردو انجام شده بود. این کمیته‌ها متشکل بوده‌اند از:

۱- کمیته‌ی فرهنگی: این کمیته در برگزاری این اردو وظایف مهم و اساسی‌ای داشته و با برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی به اردو زیبایی خاصی بخشیده بود. اعم از آماده‌سازی بسته‌های فرهنگی در قالب یک کیف دستی با محتوای سال‌نامه و پلاک با موضوع شهدا و دفاع مقدس، کتاب خاطرات شهدا، کتاب راه‌نمای مناطق، دفترچه‌ی یادداشت، خودکار، چغیه، مهر و جای نماز و تسبیح و ادعیه و وصیت‌نامه،

برگزاری نماز جماعت صبح، قرائت زیارت عاشورا و دعای عهد، قرائت دسته‌جمعی سوره‌ی واقعه، چاپ ویژه‌نامه‌ی یک اردو، هم‌آهنگی جهت روایت‌گری توسط افرادی که

در مناطق مستقر بوده و کلی‌کار دیگر.

۲- کمیته‌ی پشتیبانی و تدارکات: این کمیته جهت انجام کارهای پشتیبانی و تدارکات اردو این کاروان را همراهی می‌کرد. هم‌آهنگی جهت اسکان کاروان به طوری که دوستان این کمیته با ماشینی که در اختیارشان بوده زودتر از کاروان به مناطق و شهرهای مورد نظر رفته و محل اسکان اعضای کاروان را فراهم کردند. آماده‌سازی صبحانه و نهار و شام اعضای کاروان راس ساعت مقرر و چند کار دیگر هم از وظایف این کمیته بود.

۳- کمیته‌ی اجرایی و هدایت: مسئولیت کلی این اردو به‌عهده‌ی کمیته‌ی اجرایی و هدایت بوده که هم‌آهنگی با سازمان‌ها و نهادها جهت کمک به برگزاری اردو مثل گرفتن چادر از هلال احمر و پی‌گیری و گرفتن حکم اردو از سپاه و پی‌گیری و نامه‌نگاری جهت گرفتن ماشین تدارکات،



ثبت‌نام و پی‌گیری حضور اعضا در اردو، هم‌آهنگی و انعقاد قرارداد با شرکت تعاونی اتوبوس‌رانی از جمله کارهای این کمیته بود.

دوکوهه، دزفول، شوش، یادمان عملیاتی فتح المبین، فکه، چزابه، هویزه، طلائییه، شلمچه، خرم‌شهر، دهلاویه ارون‌کنار و شهرهانی از جمله مناطقی بودند که مسافران این کاروان به تبرک پا به خاک‌شان گذاشتند. استفاده از برنامه‌های روایت‌گری، برگزاری شب خاطره، برگزاری مراسم زیارت عاشورا در مناطق هم‌فعالیت‌های انجام شده در این اردو بود.

با وجود این همه کاروانی که ایام نوروز به مناطق عملیاتی جنوب می‌روند شاید پیدا کردن کاروان‌های منظمی مثل کاروان بچه‌های مؤسسه‌ی کمیل کار آسانی نباشد.

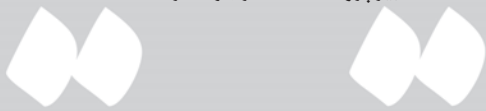
■ «یاد ایام» مجالی است برای مرور خاطرات خوش و ناخوشی که هنوز چندان دور نشده‌اند؛ اما اگر به بند نقل و بیان نکشانی شان، می‌گریزند به برهوت فراموشی. خاطرات تجربه‌های نزدیک. خاطراتی که تاریخ را می‌سازند. تاریخ فعالیت فرهنگی و تشکیلاتی در ایران معاصر. تاریخ واگویی تلاش‌ها، موارث‌ها، آزمون و خطاها و تجربه‌ها. تاریخی که کلاس درس است و بی‌تورق اوراق آن، هر فعالیت فرهنگی و تشکیلاتی در معرض خطرات بسیاری است.

# یاد ایام

## بان و کتاب وانجمن

■ تاریخ شفاهی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی سراسر کشور

■ دبیر پرونده: عفت عرب‌زاده نژاد







# این اسم

## تکلیفی آورد

گزیده‌ای از سخن رانی امام خمینی در دیدار جمعی از نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور - ۱۱ فروردین ۱۳۶۰

... من نسبت به انجمن‌های اسلامی همه‌ی کشور، اعم از انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های سراسر کشور یا سایر انجمن‌های اسلامی ... چند کلمه‌ای صحبت دارم. یکی این‌که این نام‌گذاری که «انجمن اسلامی» در هرجا باشد، این یک تعهدی است از طرف انجمن‌ها نسبت به اسلام و آن تعهد اسلامی بودن و اسلامی کردن است. فقط اسم نیست که گروهی دور هم جمع بشوند و اسم خودشان را انجمن اسلامی بگذارند. این یک تعهد است که شما برای خاطر اسلام، در سرتاسر کشور و در تمام جاهایی که در آن جا از اسلام هست همه چیز، شما متعهدید که اسلامی باشید و اسلام را در آن جاها که هستید پیاده کنید. پس شما دو تعهد دارید: یکی اسلامی بودن خودتان، یکی اسلامی کردن آن جایی که این انجمن‌ها در آن جا هست. راجع به اسلامی کردن خودتان دو تا مطلب هست: یکی این‌که توجه به این معنا باشد که در این انجمن‌ها اشخاص منحرف، غیرمتعهد به اسلام، بل‌که دشمن اسلام، نباشد. ... چنان‌چه آن جمعیتی که تشکیل انجمن اسلامی دادند - خدای نخواست - در اعمال انحرافی داشته باشند، این‌ها نمی‌توانند بگویند که ما انجمن اسلامی هستیم و آمدم که اسلام را در این جا که هستیم پیاده بکنیم. اول باید از خودتان شروع کنید، هر کسی از خودش باید شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را با اسلام تطبیق بدهد و بعد از این‌که خودش را اصلاح کرد، آن وقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند، خصوصاً شما که در دبیرستان‌ها هستید و همه‌ی آن‌هایی که سروکارشان با بچه‌ها، نوباوگان، جوانان هست. ... باید خود شما الگو باشید برای این‌که بچه‌ها، با عمل شما تربیت بشوند و شما دعوت کنید آن‌ها را با اعمال خودتان به اسلام و اخلاق و اعمال اسلامی. شما یک تکلیف بزرگی به عهده دارید. انجمن‌های اسلامی در هرجا که هستند، این اسمی که روی خودشان گذاشتند تکلیفی می‌آورد برای آن‌ها. یک روز از شما سؤال می‌شود که شما، انجمن اسلامی اسم خودتان را گذاشتید، لکن به اسلام تعهد نداشتید. اگر - خدای نخواست - انحرافی در شما باشد، یا بگذارید انحرافی در انجمن‌ها باشد، یا بگذارید انحرافی در تعلیماتی که می‌خواهد بشود، انجام بشود، شما به واسطه‌ی همین اسمی که روی خودتان گذاشتید مسئول هستید؛ سؤال می‌شود که تو که گفتی من داخل انجمن اسلامی هستم، چرا خودت اسلامی نبودی. و چرا بچه‌هایی که با تربیت معلمی که شما بودید تربیت شدند، اسلامی نشدند و چرا انحراف در این انجمن‌های اسلامی بوده است.

منبع: صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۴۲.





بعد از آن مدارس را تعطیل کردند و ما مصمم تر از قبل کار خودمان را در مسجد ادامه دادیم. تا انقلاب شد.

#### ■ وقتی انقلاب شد چه کار کردید؟

■ برای ما قابل قبول نبود که دیگر همه چیز تمام شده است و کاری نیست ما انجام بدهیم. برای همین اولین کاری که کردیم مدرسه را باز کردیم. اما چون به کادر قبلی اجازه‌ی ورود به مدرسه را ندادیم، خودمان ماندیم و یک مدرسه. تقسیم‌کار کردیم و شروع کردیم. من که دانش‌آموز سال آخر بودم، شدم مدیر مدرسه، دوتا از بچه‌ها شدند معاون و... هرطور بود کلاس‌ها را تشکیل دادیم و مدرسه را فعال کردیم.

#### ■ معلم‌ها و بچه‌ها چه؟ با این سیستم کنار آمدند؟

■ بله. معلم‌های خوبی داشتیم و بچه‌ها هم هم‌کاری می‌کردند. با این‌که ما سال آخرمان بود و امتحان نهایی داشتیم، بی‌خیال همه‌چیز شدیم و کار خودمان را به طور جدی ادامه دادیم تا این‌که آموزش و پرورش سامان گرفت و ما هم مدرسه را تحویل دادیم. یکی از معلم‌ها را به عنوان مدیر معرفی کردیم که موافقت کردند و ما هم رفتیم سر درس‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و بازسازی انجمن اسلامی. تا این‌که تابستان شد و تصمیم گرفتیم بچه‌ها را به یک اردوی ۲۰ روزه ببریم. مقدمات اردو را هم‌آهنگ کردیم. ثبت‌نام کردیم و رضایت‌نامه گرفتیم. اردو را در شهرستان دماوند برگزار کردیم.

حرکت کنیم. ما از مدرسه می‌زدیم بیرون، سر راه، مدارس دیگر هم به ما ملحق می‌شدند. این برنامه چند روزی ادامه داشت تا این‌که یک روز با در قفل شده‌ی مدرسه روبه‌رو شدیم. حاج و واج مانده بودیم که باید چه کار کنیم. برنامه نباید عقب می‌افتاد. بالاخره با بچه‌ها همت کردیم و با چند شعار «یا علی» در را از جا کنجیدیم! با تمام تلاشی که کادر مدرسه انجام دادند نتوانستند حریف ما بشوند. ما هر روز، بعد از تجمع در مدرسه، در همان مسیر حرکت می‌کردیم تا به بقیه‌ی بچه‌ها می‌رسیدیم و راه‌پیمایی دانش‌آموزی خودمان را به تجمع عمومی مردم در جلوی دانش‌گاه ملحق می‌کردیم. بعد از چند روز متوجه شدیم که مدارس دیگر هم اتفاقی مشابه اتفاق ما را پشت سر گذاشته بودند. آن‌جا برای مان معلوم شد این قفل و زنجیرزدن به درها یک حرکت هم‌آهنگ بین مدارس بود. هر روز این قضیه تکرار می‌شد. در را سر جای‌اش می‌گذاشتند و جوش می‌دادند. ولی این چیزها نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد. برعکس، حتی ما را بیش‌تر تحریک می‌کرد. این وضع ادامه پیدا کرد تا روز ۱۳ آبان ۵۷. در آن ایام این حرکات فراگیر شده بود؛ بیرون‌زدن از مدرسه و حرکت به سمت دانش‌گاه. در ابتدا کسی جدی‌اش نمی‌گرفت. اما با گذر زمان دیدند نه؛ مثل این‌که قضیه جدی است و نهضت دانش‌آموزی یا به تعبیری جنبش دانش‌آموزی بر علیه نظام به راه افتاده است. به همین دلیل گارد شاه، نیروهایش را به کار گرفت و با به رگ‌بارستن بچه‌ها خیلی‌ها را شهید کرد و حماسه‌ی ۱۳ آبان به نام دانش‌آموزان ثبت شد. آن روز، روز تعیین‌کننده‌ای برای ما شد.

محل‌ی شده بود برای فعالیت‌های دانش‌آموزی. ما هم تقریباً همان کارهای مدرسه را در مسجد ادامه می‌دادیم و در کنارش اگر تظاهرات‌های خیابانی هم بود شرکت می‌کردیم. تا این‌که ارتباط ما با بقیه‌ی مدارس مستحکم‌تر شد. ما توانسته بودیم با توجه به فضای ایجادشده در آستانه‌ی انقلاب، سال ۵۷، فعالیت‌های خودمان را به داخل مدرسه بکشانیم و دوباره انجمن اسلامی را در مدرسه فعال کردیم. البته شکل فعالیت‌ها متفاوت شده بود و دیگر در قالب کارهای فرهنگی نمی‌گنجید. کارها رنگ و بوی حرکات انقلابی گرفته بودند.

رمضان ۵۷ بود؛ بعد از نماز عید فطر تهران که به امامت شهید مفتوح در تپه‌ی قیصریه اقامه شد، اولین تظاهرات و راه‌پیمایی گسترده در تهران شروع شد و جریان انقلاب شکل خاصی جدیدی گرفت. البته عصبانیت رژیم باعث شد که در ۱۷ شهریور یعنی دو سه روز بعد تعداد زیادی به شهادت برسند. قبل از این راه‌پیمایی، حرکات اغلب به شکل محله‌ای و پراکنده بود. اما بعد از این واقعه حرکات شکل عمومی‌تری به خود گرفت. مسجد ما هم با تشکل دانش‌آموزی‌ای که داشتیم در این جریان مشارکت داشت. مثلاً ما بخش عمده‌ای از انتظامات نماز عید فطر را به عهده گرفتیم و این ورود رسمی دانش‌آموزان به عرصه‌ی انقلاب بود. از مهرماه، ابتدای سال تحصیلی، هم کار خودمان را در مدرسه شروع کردیم. یکی از این کارها راه‌پیمایی‌هایی بود که هم‌آهنگ با دیگر مدارس منطقه انجام می‌دادیم. مثلاً در مسجد قرار می‌گذاشتیم که فلان زمان از مدرسه بزیم بیرون و به سمت دانش‌گاه تهران

# این طور نبود که همه چیز

# آسان و بی دردسر باشد

تاریخ شفاهی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در گفت‌وگو با آقای علی‌رضا حاجیان‌زاده، از مؤسسين اتحادیه و سرپرست اتحادیه از زمان ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰

متمرکز کردیم. مسجدی بود به نام «مسجد الرسول» در شرق تهران که به تدریج بچه‌های مدرسه‌های اطراف را با آن مسجد مرتبط کردیم و تلاش کردیم فعالیت‌های مدرسه‌مان را به سایر مدارس هم سرایت دهیم. البته رفتن به مسجد، به آن معنا نبود که دیگر با مدرسه کار نداشتیم. ما تأثیر خودمان را در فضای مدرسه می‌گذاشتیم و اجازه نمی‌دادیم کادر مدرسه هر کاری می‌خواهند بکنند. ولی خوب هرکاری هم نمی‌توانستیم انجام بدهیم.

■ در مسجد چه فعالیت‌هایی انجام می‌دادید؟ برای این فعالیت‌ها چه طور سازمان‌دهی می‌شدید؟

■ ما در مسجد، کتاب‌خانه راه‌اندازی کردیم و یک سامانه‌ی فکری اعتقادی را با مطالعه و تشکیل گروه‌های مطالعاتی و کلاس‌های اعتقادی شکل دادیم. فعالیت دیگرمان جذب دانش‌آموزان دوره‌ی راه‌نمایی و پایه‌های اول دبیرستان و تشکیل کلاس و اردو بود. جمعه‌ها صبح تا ظهر، هر هفته، تجمع دانش‌آموزان را در مسجد داشتیم. البته برنامه‌ی کوه‌نوردی گروه‌ها را هم مستمراً داشتیم که برخی از بحث‌های سیاسی در آن فضا انجام می‌شد. امام جماعت هم مسجد همراهی خوبی با ما داشت. برخی اساتید جویزی و دانش‌گاهی هم برای اداره‌کردن کلاس‌ها و جلسات اعتقادی دعوت می‌شدند. جمعی از دانش‌جویان دانشگاه علم و صنعت هم در کارهای مسجد مشارکت داشتند. جمع خوبی از متدینین انقلابی در این مسجد شکل گرفته بود و خلاصه‌آن‌جا

عفت عرب‌زاده نژاد

■ از فعالیت‌هایی که قبل از انقلاب در دبیرستان‌ها انجام می‌شد برای‌مان بگویید؟

■ سال ۵۴ ما دانش‌آموز بودیم. آن سال کادر مذهبی و انقلابی مدرسه‌ی ما عوض شد و نیروهای وابسته به نظام شاهنشاهی مدیریت مدرسه را به دست گرفتند. تقریباً تمام فعالیت‌هایی که در مدرسه می‌کردیم، نظیر جلسات اعتقادی، گردش کتاب‌خانه، نماز جماعت، سخن‌رانی و مسابقات مختلف هنری و قرآنی و... بعد از آن تغییرات تعطیل شد و البته همین باعث ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای فعالیت‌های انقلابی شد. فعالیت‌های ما تشکیلاتی تر شد و شکل غیرعلنی به خود گرفت. تلاش کردیم که نمازخانه را بازگشایی کنیم و موفق هم شدیم. نمازخانه به عنوان تنها محل ارتباط‌گیری روزانه‌ی ما با بچه‌ها به صورت فعال باقی ماند. اما به تدریج عرصه تنگ‌تر می‌شد. ارتباط‌های نمازخانه هم تحت کنترل قرار گرفت. در آن زمان بچه‌ها تحت تعقیب و مراقبت بودند. یادم می‌آید چند نفر در جریان تخلیه‌ی کتاب‌خانه که شبانه انجام شد، برای مدت کوتاهی دست‌گیر و بازداشت شدند و با تلاش زیادی آن‌ها آزاد کردیم. بعد از آن عملاً ارتباط‌های خودمان را از فضای مدرسه خارج کردیم و فعالیت‌ها را در مسجد همان محله

به استقبال‌مان آمد، دم در اتاق مدیرعامل «نشر مدرسه». با لب‌خند به داخل راه‌نمایی‌مان کرد و روی یکی از صندلی‌های نزدیک ما نشست. و با شوق خیره شد. انگار از ما برای انجام مصاحبه مصمم‌تر بود و آماده‌تر. لب‌خند از لبان‌اش نمی‌افتاد، در تمام طول مصاحبه که نزدیک چهار ساعت بود، و تنها گه‌گاهی روی صندلی چوبی‌اش جابه‌جا می‌شد و راست‌تر می‌نشست، که دلیل‌اش دیسک کم‌ری بود که لایه‌لای شوقِ نقلِ خاطرات جوانی پنهان شده بود. خیلی چیزها انگار همان‌جا، در همان اتاق در حال رخ‌دادن بود و نگاه‌های به‌دور و محوشدن‌اش ما را هم به شک می‌انداخت. شد که اشک هم به چشمان‌اش بیاید و گاهی هم لب‌های‌اش را به نشانه‌ی فراموشی روی هم چفت‌کند. این خاطرات، نه خاطرات یک تشکیلات است، خاطرات زندگی یک انسان است.

## ■ اساس نامه اتحادیه‌ی

### انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

مصوب‌سی صد و پنجاه و پنج امین جلسه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ ۱۳۷۴/۵/۳

#### مقدمه

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با هدف ایجاد وحدت و هم‌آهنگی بین انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان کشور و به منظور حراست از دست‌آورد‌های انقلاب و تحقق ارزش‌های اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی و جهت‌بخشیدن به فعالیت‌های صنفی دانش‌آموزان مسلمان و متعهد، در سال ۱۳۵۸ با حمایت‌های معنوی و مادی حضرت امام خمینی (ره) تأسیس و طی سالیان متمادی در زمینه‌ی تربیت نیروهای مخلص دانش‌آموزی و حضور آن‌ها در صحنه‌های انقلاب اقدام نموده است.

اکنون که نظارت عالی، بر جریان فکری و فرهنگی اتحادیه با انتصاب نماینده از سوی مقام معظم رهبری محقق شده است، با عنایت به این‌که اتحادیه مشمول قانون احزاب، انجمن‌ها و جمعیت‌های سیاسی مصوب سال ۶۰ نیست و از طرفی دستگاه دولتی نیز محسوب نمی‌شود، به‌عنوان یک مجموعه‌ی فرهنگی با شخصیت حقوقی مستقل برای تحقق اهداف مذکور و در چهارچوب این اساس نامه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

#### ماده‌ی ۱. تعریف:

تحدیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان که در این اساس نامه اختصاراً اتحادیه نامیده می‌شود نهادی است؛ غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که به‌عنوان یک مجموعه‌ی فرهنگی برای سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی انجمن‌های اسلامی مدارس سراسر کشور، با عنایت حضرت امام (ره) شکل‌گرفته و کماکان تحت نظارت عالی‌ترین مقام معظم رهبری و نماینده‌ی منصوب از سوی ایشان فعالیت می‌کند.

#### ماده‌ی ۲. اهداف:

۱. آشناکردن دانش‌آموزان با فرهنگ متعالی اسلام و بالابردن سطح آگاهی آنان نسبت به مبانی عقیدتی اسلام و انقلاب اسلامی  
۲. تزکیه‌ی روحی و وارستگی اخلاقی دانش‌آموزان و شکوفاساختن استعداد‌های خدادادی و تحقق کمالات

## انسانی

۳. حفظ و تداوم دست‌آورد‌های انقلاب اسلامی از طریق هرچه فعال‌ترکردن نیروهای دانش‌آموزان مسلمان و متعهد، در صحنه‌های اجتماعی و انقلابی جامعه و مقابله‌ی هوش‌یارانه با توطئه‌های رنگارنگ دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی که برای انحراف فکری و مفساد اخلاقی و اجتماعی در محیط‌های آموزشی صورت می‌گیرد.

۴. انسجام دانش‌آموزان مسلمان و متعهد با ایجاد و گسترش انجمن‌های اسلامی مدارس و هم‌گامی با نظام‌آموزش و پرورش برای ایجاد فضای مساعد آموزشی و پرورشی در محیط مدارس و تشویق دانش‌آموزان مسلمان و متعهد، به موفقیت در تحصیل علم و دروس مدرسه.

#### ماده‌ی ۳. وظایف:

۱. تشکیل انجمن اسلامی در مدارس براساس ماده‌ی ۵ و هدایت و نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها  
۲. ارتقای سطح فکری و معنوی اعضای انجمن اسلامی  
۳. تلاش در جذب هر چه بیشتر دانش‌آموزان به مبانی مکتبی و اعتقادی  
۴. مبارزه‌ی سالم و هوش‌یارانه با توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی و مظاهر فساد اخلاقی در مدارس  
۵. برنامه‌ریزی برای حضور دانش‌آموزان متعهد در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی متناسب با معیارهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

۶. تلاش در جهت رشد علمی اعضای انجمن اسلامی  
۷. هم‌فکری و هم‌کاری با مسئولان وزارت آموزش و پرورش و مدیران مدارس به منظور نیل به اهداف مقدس نظام تعلیم و تربیت اسلامی  
۸. ایجاد ارتباط با کارشناسان و اندیش‌مندان و دستگاه‌های ذی‌ربط فرهنگی و تربیتی به منظور استفاده از نقطه‌نظرات و جلب هم‌کاری‌های ایشان با این نهاد

#### ماده‌ی ۴. ارکان:

۱. «نماینده‌ی مقام معظم رهبری»، بالاترین مقام اتحادیه می‌باشد و نظارت عالی بر این نهاد از طریق ایشان اعمال می‌شود.  
۲. «کنگره» که عالی‌ترین رکن تشکیل دانش‌آموزی در اتحادیه است و متشکل از اعضای منتخب انجمن‌های اسلامی

دانش‌آموزان سراسر کشور می‌باشد. هر دو سال یک‌بار تشکیل و ضمن استماع گزارش عملکرد دوره‌ی قبل، اعضای شورای مرکزی را انتخاب می‌کند.

۳. «شورای مرکزی» عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی در اتحادیه است و متشکل از: یک نفر به انتخاب نماینده‌ی مقام معظم رهبری، دبیر شورای عالی جوانان، نماینده‌ی وزیر آموزش و پرورش، سرپرست اتحادیه و پنج نفر از منتخبین کنگره که دو نفر آن‌ها از بین دانش‌آموزان انتخاب می‌شوند.

تبصره‌ی ۱. تعیین صلاحیت نامزدهای (کاندیداهای) شورای مرکزی و نظارت بر انتخابات اعضای منتخب کنگره به عهده‌ی سه نفر اعضای رده‌های اول شورای مرکزی است.

تبصره‌ی ۲. سرپرست اتحادیه که اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های شورای مرکزی را برعهده دارد از سوی شورای مرکزی انتخاب و حکم وی توسط نماینده‌ی مقام معظم رهبری و در غیاب ایشان مرجعی که شورای عالی فرهنگی مشخص می‌کند، تنفیذ می‌شود.

تبصره‌ی ۳. آیین‌نامه‌های داخلی و دستورالعمل‌های مورد نیاز برای اجرای وظایف اتحادیه در چهارچوب این اساس نامه به تصویب شورای مرکزی اتحادیه خواهد رسید.

تبصره‌ی ۴. مؤسسات و نشریات وابسته به اتحادیه بنا به ضرورت تشکیل و به ثبت می‌رسد و مقررات داخلی آن‌ها در چهارچوب قانون و تابع آیین‌نامه‌ی مصوب شورای مرکزی است.

#### ماده‌ی ۵:

به منظور هم‌آهنگی هرچه بیش‌تر اتحادیه با وزارت آموزش و پرورش، به‌ویژه در مدارس و گسترش هم‌کاری‌های بین این دو سازمان توافق‌نامه‌ای که با امضای وزیر آموزش و پرورش و نماینده‌ی مقام معظم رهبری رسیده باشد ملاک عمل است. بدیهی است این توافق‌نامه با عنایت به مفاد مندرج آن، نحوه و چگونگی فعالیت اتحادیه در مدارس را مشخص می‌کند.

#### ماده‌ی ۶:

این اساس نامه که دارای یک مقدمه، شش ماده و چهار تبصره است در جلسه‌ی مورخ ۷۴/۴/۶ شورای مشترک به تصویب رسید و در جلسه‌ی ۲۵۵ مورخ ۷۴/۵/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی تأیید و تصویب شد.





ایشان که برنامه‌های ما را شنیدند پیش نهاد دادند، در همان دفتر تبلیغات، واحد دانش‌آموزی راه بیندازیم. ما گفتیم می‌خواهیم یک تشکیلات مستقل راه بیندازیم. ایشان فرمودند با حضرت امام در میان می‌گذارم. آن لحظه‌ها کاملاً جلوی چشمان ام است. ماشین آمد دنبال شان. ایشان رفتند بیت امام و قرار شد ما همان‌جا در دفترشان منتظر باشیم تا امر امام را برای ما بیاورند. چند ساعتی که گذشت، برگشتند. آن لحظه را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم؛ وقتی از ماشین پیاده شدند ما خیره به لبان‌شان نگاه می‌کردیم و به شدت منتظر شنیدن بودیم. ایشان لب‌خندی زدند و گفتند: امام فرمودند مستقل کار کنید و به من هم سفارش کردند از شما حمایت کنم و رابط شما با ایشان باشم. حتی گفتند از وجوهات شرعیه هزینه‌هاتان را هم تأمین کنم. آن وقت دست‌شان را داخل جیب کردند و هزار تومان به ما دادند و گفتند: این هم اولی‌اش، برای راه‌اندازی برنامه‌های‌تان! و آن هزار تومان برکت تشکیلات تا همین امروز شد. ساخت‌مان‌هایی را برای مکان فعالیت‌های‌مان معرفی کردند که همین ساختمان کنونی اتحادیه در [خیابان شریعتی]، [کوچه‌ی شهید شکوری]، که منزل سپهبد کیا از عوامل اصلی شاه بود و بعد از انقلاب ضبط شده بود، را انتخاب کردیم.

■ چه چیز باعث شد برای شروع کار به دنبال تأیید امام بروید؟  
 ■ نگاه ما در جریان انقلاب این بود که همه باید گوش به فرمان امام باشیم. البته همه چیز دست خدا بود. وگرنه ما کجا و این کارها کجا! هر تصمیمی که می‌گرفتیم خدا یاری‌مان می‌کرد.

من گفت: این مسجد محلی که ما برنامه داشتیم – تا به حال این همه آدم به خودش ندیده! البته موضوع کارها هم انقلاب بود و مردم می‌پسندیدند و از طرفی هم تا حالا این کارها را ندیده بودند.

■ گفتید اردوی ۲۰ روزه به اردوی دو ماهه تبدیل شد! چه طور این اتفاق افتاد؟

■ این اردو آن قدر برای بچه‌ها جذاب بود که حاضر نبودند برگردند خانه‌های‌شان. ما هم شرایط را بررسی کردیم. قرار شد همه بروند خانه‌های‌شان، تا هم دیداری تازه کنند، هم رضایت‌نامه‌ها را تمدید کنند و برگردند. برای خودم خیلی جالب بود. تقریباً همه برگشتند. این اردو برای ما خیلی پُربرکت بود. در همین اردو بود که مذاکرات اولیه‌ی راه‌اندازی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی را انجام دادیم و برنامه‌ریزی اولیه‌اش شد.

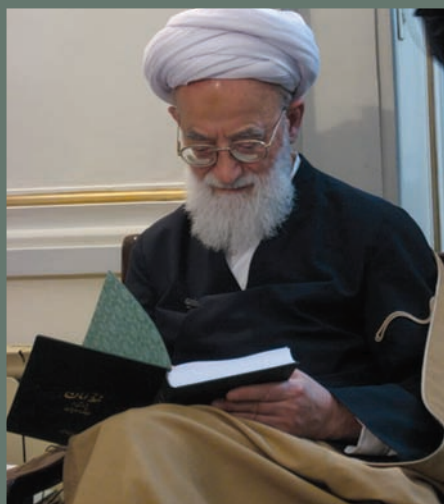
■ از کی و کجا شروع این برنامه‌ها عملی شد؟

■ بعد از اردو ما ارتباط‌مان را با بچه‌ها حفظ کردیم. با چند نفر دیگر که همه از مسئولین آن اردو بودیم، کار را به طور جدی پی‌گیری کردیم. فکر کردیم باید اجازه و حمایت امام را داشته باشیم تا فعالیت‌مان مشروعیت داشته باشد. اما با آن سن و سال کم امکان ارتباط مستقیم با امام را نداشتیم. به خاطر همین تصمیم گرفتیم ابتدا برویم محضر آقای [محمد] امامی کاشانی که آن زمان مسئول دفتر تبلیغات امام بودند تا با واسطه‌ی ایشان اجازه‌ی امام را برای شروع کار بگیریم.

■ چه برنامه‌هایی در اردو داشتید؟ محتوای اردو چه بود؟  
 ■ بیش‌تر اردوی ما، اردوی جهاد سازندگی بود. می‌رفتیم سر زمین روستایی‌ها. از صبح تا ظهر. گندم و جو درو می‌کردیم. چون این کار از توصیه‌های مؤکد امام بود. بعد از ظهر هم برنامه‌های فرهنگی خودمان را داشتیم. یک سری کلاس‌های هنری، عقیدتی.

■ امکانات اردو را از کجا آوردید؟ چه کسانی برای هم‌آهنگی‌های این اردو هم‌راهی‌تان کردند؟

■ این برنامه مربوط به دورانی می‌شد که امام بعد از پیروزی انقلاب دستور تأسیس جهاد سازندگی را دادند. ما پیش قدم شدیم. قبل از برگزاری این اردو من رفتم پیش مسئول جهاد دماوند و گفتم ما می‌خواهیم برای‌تان نیرو بیاریم. شما هم به جای‌اش به ما جا و غذا بدهید! آن‌ها هم که نهادی تازه تأسیس بودند و هنوز کار را شروع نکرده بودند و نیرو نیاز داشتند، قبول کردند. در تمام طول اردو هم ما را هم‌راهی کردند. از فراهم کردن مکان گرفته تا در اختیار گذاشتن یکی از ماشین‌های جهاد برای انجام کارهای مربوط به اردو. حتی وقتی اردوی ۲۰ روزه‌ی ما دو ماهه شد، هم‌کاری‌شان را ادامه دادند. ما گفتیم در ادامه می‌خواهیم زمان بیش‌تری را صرف کارهای فرهنگی کنیم، باز موافقت کردند. ما هم گروه سرود و تئاتر تشکیل دادیم. کلاس‌های قرآن، احکام و... برگزار کردیم. بعد از تمرین هم می‌رفتیم و در مساجد روستاهای اطراف اجرا می‌کردیم. پیر و جوان هم برای تماشا می‌آمدند. یادم هست یکی از روستاهایی که رفته بودیم پیرمردی آمد و به



■ ■ ■ نمایندگان رهبری در

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی

دانش‌آموزان

■ آیت‌الله محمد امامی کاشانی، نماینده‌ی

امام در اتحادیه (۱۳۵۸-۱۳۶۱)

■ حجت‌الاسلام سیدهادی خامنه‌ای، نماینده‌ی

قایم‌مقام رهبری وقت در اتحادیه (۱۳۶۲ - ۱۳۶۸)

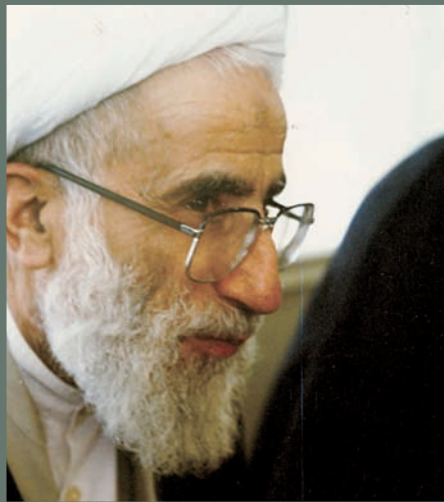
■ آیت‌الله احمد جنتی، نماینده‌ی رهبر معظم انقلاب

در اتحادیه (۱۳۶۸ - ۱۳۷۹)

■ حجت‌الاسلام محمد جواد حاج علی اکبری،

نماینده‌ی رهبر معظم انقلاب در اتحادیه (۱۳۷۹ - تا

کنون)



■ چه‌طور شروع کردید و جلو رفتید؟

■ بعد از آن کار را خیلی جدی‌تر و با انرژی‌تر جلو بردیم. مخصوصاً این‌که تأیید امام را هم گرفته بودیم. این برای ما حجت بود. ابتدا سعی کردیم ارتباطی با مدارس پیدا کنیم و بین همان چند نفری که بودیم، یک تقسیم مسئولیتی انجام شد. هر روز به مناطق آموزش و پرورش می‌رفتیم و با رییس آموزش و پرورش آن منطقه صحبت می‌کردیم، تا مقدمات تشکیل انجمن اسلامی در مدارس فراهم شود و جلسات منطقه‌ای شکل بگیرد. تا آن‌جا پیش رفتیم که در سطح شهر تهران و اکثر مناطق اتحادیه تشکیل شد. یادم هست از ۲۰ منطقه‌ی تهران حدوداً در ۱۵ منطقه ساخت‌مان‌هایی با تابلوی اتحادیه برپا کردیم. مرام‌نامه‌ای هم نوشتیم و خودمان را برای اعلام موجودیت در فضای عمومی آماده کردیم.

شروع سال تحصیلی ۵۹-۵۸ بود که ارتباط‌مان را با مدارس آغاز کردیم. قرار گذاشتیم روز ۱۳ آبان به عنوان یک تشکل دانش‌آموزی اعلام موجودیت کنیم. الحمدلله همه‌ی برنامه‌ها خوب پیش رفت. برنامه این بود که در مراسمی که برای سال‌گرد شهدای دانش‌آموز که در زمین چمن دانش‌گاه تهران (همین جایی که الان نماز جمعه می‌خوانند) برگزار می‌شد، متن اعلام موجودیت خودمان را قرائت کنیم. با مسئولین مراسم هم‌آهنگی‌های لازم انجام شد. متنی را تهیه کردیم و یکی از دانش‌آموزان قرائت‌اش کرد. مراسم از شبکه‌ی سراسری پخش شد و این موضوع رسماً در سراسر کشور اعلام شد. بعد از همین مراسم بود که به گفته‌ی امام انقلاب دوم رخ داد؛ همه‌ی جمعیت حرکت کرد به سمت سفارت آمریکا و لانه‌ی جاسوسی تسخیر شد.

کردیم و یا علی! تا صبح مشغول بودیم. طوری که صبح از سازمان‌ها و نهادهای مختلف و مسئولین تماس می‌گرفتند که چه خبر شده است؟ قضیه چیست؟ ما اول فضای تبلیغاتی را آماده کردیم، بعد اعلام موجودیت کردیم.

■ این اعلام موجودیت برای شما تبعات خاصی نداشت؟

■ نه. الحمدلله همه چیز فراهم بود. هم به خاطر فضای حاکم آن روزها و هم ارتباطاتی که با بقیه‌ی تشکل‌ها و نهادها و مسئولین داشتیم، همه چیز خوب پیش رفت. البته این‌طور نبود که هیچ زحمتی نداشته باشد. منتها ما خیلی از این آمادگی‌ها را در خودمان به وجود می‌آوردیم. یادم هست که شب قبل از ۱۳ آبان - روز اعلام موجودیت - آرمی را که برای اتحادیه طراحی کرده بودیم به صورت پوستر چاپ کردیم. با کمک بچه‌ها تا صبح همه‌ی تهران از این آرم پُر شده بود. یعنی جایی نبود که ما نشانی از اتحادیه نگذاشته باشیم! وسیله‌ی نقلیه هم که نداشتیم. همان شب چندتا از بچه‌ها ماشین پدرانشان را آوردند و مسیرهای مختلف را بین بچه‌ها تقسیم

■ آرم اتحادیه را چه کسی طراحی کرد؟

طراح‌اش فردی بود که متأسفانه الان اسم‌اش یادم نیست. آرم برخی سازمان‌ها و نهادهای بعد از انقلاب را طراحی کرده بود مثل سپاه و... ما هم از او درخواست کردیم و قبول کرد برای اتحادیه آرمی طراحی کند. البته ایده‌ی اصلی آرم را خودمان دادیم. گفتیم یک چیزی می‌خواهیم که هم نماد دانش‌آموز باشد، هم نشان‌گر عقیده‌ی توحیدی و جهان‌شمولی انقلاب باشد و هم بُعد فرهنگی، انقلابی و دینی در آن لحاظ شده

■ ■ ■ دبیران کل و

سرپرست‌های اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

۱. علی‌رضا حاجیان‌زاده، از ابتدای تشکیل اتحادیه تا سال‌های انسجام آن (به‌جز یک جدایی کوتاه‌مدت) مسئولیت امور اتحادیه به‌عهده‌ی ایشان بود. انتصاب از سوی شورای مؤسسان و بعد به‌وسیله‌ی شورای مرکزی)
۲. محسن معماری (۱۳۷۰-۱۳۷۲)، انتصاب از سوی آیت‌الله جنتی، نماینده‌ی مقام معظم رهبری
۳. مسعود فراهانیان (۱۳۷۳-۱۳۷۷)، انتصاب از سوی آیت‌الله جنتی، نماینده‌ی مقام معظم رهبری
۴. اسدالله اسدی گرمارودی (۱۳۷۷-۱۳۷۹)، انتصاب از سوی آیت‌الله جنتی، نماینده‌ی مقام معظم رهبری
۵. امیر خوراکیان (۱۳۷۹-۱۳۸۲)، انتصاب از سوی حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری، نماینده‌ی مقام معظم رهبری
۶. حجت‌الاسلام حمید مشهدی‌آقایی (۱۳۸۲-۱۳۸۴)، انتصاب از سوی حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری، نماینده‌ی مقام معظم رهبری
۷. محمدتقی فخریان (۱۳۸۴- تاکنون)، انتصاب از سوی حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری، نماینده‌ی مقام معظم رهبری



علی‌رضا حاجیان‌زاده



مسعود فراهانیان



علی‌رضا حاجیان‌زاده - حجت‌الاسلام حمید مشهدی‌آقایی - امیر خوراکیان



محمدتقی فخریان

اسدالله اسدی گرمارودی - حجت‌الاسلام محمدجواد حاج‌علی اکبری - حسین مظفر (وزیر وقت آموزش و پرورش) - حجت‌الاسلام حمید مشهدی‌آقایی



اسدالله اسدی گرمارودی





## ■ چشم‌انداز ده‌ساله‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی

### دانش‌آموزان

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، نهال پرثمری است که با دستان پرمهر امام‌راحل(ره) به بار نشست و با حمایت و هدایت و نظارت عالی‌ه‌ی ره‌بر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی و بذل خون هزاران شهید دانش‌آموز به درختی تناور مبدل شد و امروز توانسته است با حضور مستمر نماینده‌ی مقام معظم رهبری به انسجام مطلوب تشکیلاتی دست یابد و با توکل بر پروردگار مهربان، چشم‌انداز تشکیلات را در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی با الهام از سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ایران عزیز ترسیم نماید.

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، تشکلی است خودانگیخته، پرچم‌دار جنبش دانش‌آموزی با هویت اسلامی و انقلابی با اعضای مؤمن و بصیر و با شبکه‌ای منسجم و تأثیرگذار در عرصه‌ی دانش‌آموزی کشور و جهان اسلام.

اتحادیه در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

۱. پرچم‌دار جنبش دانش‌آموزی فراگیر، پای‌گاه اصلی سهم‌خواهی نسل چهارم از آرمان‌های امام‌راحل(ره)، اهداف نظام و انقلاب اسلامی و پی‌گیری مطالبات ولایت و رهبری با محوریت جنبش نرم‌افزاری.

۲. دارای اعضای مؤمن و انقلابی، بانشاط و امیدوار، خودانگیخته و خلاق، مهرورز و عدالت‌خواه، صاحب بصیرت، مقبول و مؤثر در خانواده و مدرسه، بهره‌مند از مهارت‌های تشکیلاتی، توان‌مند در برقراری ارتباط، جذب و راه‌بری گروه هم‌سال، فعال و نقش‌آفرین در به‌سازی محیط علمی و تربیتی

۳. نمونه در سازمان‌دهی حلقه‌ی ستادی پویا و انقلابی، جوشیده از درون انجمن اسلامی، دارای نشاط جوانی و جوان‌باور و کارشناس در حوزه‌های مرتبط

۴. دست‌یافته به شبکه‌ی منسجم تشکیلاتی با منظومه‌ی فکری، علمی و فرهنگی مبتنی بر اندیشه‌های ناب امام‌راحل و مقام معظم رهبری از طریق گسترش و تقویت پای‌گاه‌های تشکیلاتی فکری و معنوی دانش‌آموزان

۵. بهره‌مند از دانش و فن‌آوری نوین ارتباطات با سامانه‌ی نرم‌افزاری روزآمد و مجهز به زیرساخت‌های سخت‌افزاری، متناسب با مأموریت‌های محوله

۶. برخوردار از اتاق فکر هوش‌مند و نوآور و بهره‌مند از خرد جمعی به‌منظور پشتیبانی کارشناسی برنامه‌ها و تأمین نیازهای فکری و محتوایی اتحادیه و سایر تشکیلات دانش‌آموزی

۷. ایفاگر نقش حلقه‌ی ارتباطی دانش‌آموزان با ره‌بر فرزانه‌ی انقلاب، الگو در برقراری

ارتباط دوسویه و هدف‌مند میان مدارس با حوزه‌های علمیه و مراکز معرفت‌دینی

۸. جریان‌ساز در نقد نظام آموزش و پرورش با معیار قرار دادن نظام آموزشی اندیشه‌مدار و خردمحور و نظام پرورشی مصون‌ساز و مبتنی بر تربیت حماسی با تقویت هویت دینی و ملی

۹. شاخص در ترویج فرهنگ قرآنی و سیره‌ی نبوی، علوی و فاطمی با تأکید بر اقامه‌ی

نماز و الگو‌سازی برای عفاف دختران به عنوان نمادهای اصلی حیات طیبه

۱۰. پیش‌رو در تربیت کارگزاران آرمان‌شهر مهدوی و شهروندان شایسته‌ی عصر ظهور با گفت‌مان عدالت‌محوری و استکبارستیزی و با مخاطب قرار دادن دانش‌آموزان مسلمان به

عنوان آینده‌سازان جهان اسلام

محمد جواد حاج‌علی اکبری

نکرده بود. ما رفتیم خدمت‌آیت‌الله امامی‌کاشانی و گفتیم ما وسیله‌ای نداریم و اگر شما این ماشین‌ها را در اختیار ما بگذارید کار ما راه می‌افتد. ایشان در ابتدا کمی تأمل کردند. ولی در نهایت موافقت نمودند و پنج‌دست‌گاه خودروی صفر برای انجام این سفرها در اختیار ما قرار گرفت. از طرفی هم ۱۵ روز اول سال که همه مشغول برنامه‌های شخصی خودشان بودند ما وارد عمل شدیم و از این فرصت نهایت استفاده را کردیم. آن سال اولین عیدزنگی مشترک من بود که خوب به‌حسب و طیفه به این سفر رفتم.

### ■ هم‌سرستان هم در این سفر حضور داشتند؟ بقیه‌ی گروه چه‌طور؟

■ تا آن‌جا که یادم هست همه مجرد بودند و تنها من متأهل بودم. نه! ایشان نیامدند. البته به این وضع عادت کرده بودند. باید اعتراف کنم که همه‌جوره هم‌راه من بودند. تا آن‌جا که ما منزل مان را روبه‌روی اتحادیه گرفتیم تا نزدیک‌ترین و بیش‌ترین ارتباط را با اتحادیه داشته باشیم. گویا قرار بود شبانه‌روز در اختیار اتحادیه باشیم. در عرصه‌ی کارهای اتحادیه هم خیلی کمک بنده بودند. آن موقع بچه‌ها اکثراً مجرد بودند. ایشان به عنوان مسئول واحد خواهران، امور مرتبط با مدارس دخترانه و برنامه‌های خواهران را سرپرستی کردند. از برگزاری اردوی خواهران گرفته تا آموزش‌گاه مؤسسه‌ی علمی آینده‌سازان در واحد خواهران و مدیرخانه‌ی هنرآینده‌سازان... که همین‌جا می‌گویم که مدیون زحمات و صبر ایشان هستم.

از بحث دور نشویم، عید آن سال ما هم این‌طور سپری شد. چون زمینه و سابقه‌ی فعالیت انجمن در بیش‌تر شهرستان‌ها وجود داشت، کار برای ما راحت بود و ما تنها مسئولیت سامان‌دهی این تشکیلات را داشتیم. در دومین سال فعالیت، هم‌زمان با برنامه‌های تهران، برنامه‌ی شهرستان‌ها را هم پی‌گیری کردیم. تابستان سال ۶۰ اولین اردوی تهران را برگزار کردیم. فروردین ۶۰ هم آن واقعه‌ی تاریخی اتفاق افتاد که موجب تقویت اتحادیه شد.

### ■ قبل از گفتن خاطره‌ی آن واقعه، لطفاً بفرمایید با شروع جنگ تحمیلی در شهریور ۵۹ چه تغییری در برنامه‌های اتحادیه رخ داد؟

■ ما برنامه‌های خودمان را ادامه می‌دادیم و البته خیلی از بچه‌ها مان به جبهه اعزام شدند. چند نفر از بچه‌های خود اتحادیه که در دفتر مرکزی بودند رفتند و شهید شدند. از دانش‌آموزانی که با ما ارتباط داشتند هم همین‌طور. آن سال‌ها برنامه‌ها تعطیل نشد و خیلی هم قوت گرفت. چون جهت‌گیری برنامه‌ها به سمت دفاع مقدس سوق داده شد.

### ■ و آن اتفاق تاریخی چه بود؟

■ اولین دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با امام در فروردین ۶۰. در واقع این دیدار یکی از آن جاهایی بود که به عینه عنایت خداوند را دیدم. این برنامه‌ی دفتر مرکزی نبود. البته بنده و بچه‌های انجمن اسلامی در آن دیدار بودیم. اوایل فروردین ۶۰ بود که از طرف جمعی به نام «انجمن اسلامی ولی عصر(عج)» ما را دعوت کردند برای شرکت در همایشی که در قم برگزار می‌شد. ما خیلی تعجب کردیم که این‌ها که هستند و از کجا پیدای‌شان شده! یک خبر گرفتیم و مطلع شدیم که همه‌ی انجمن‌های مدارس برای شرکت در این همایش دعوت شدند. حتی انجمن‌های شهرستان‌ها و ما را هم به عنوان یک انجمن دعوت کرده بودند. بیش از دو هزار نفر را توانسته بودند جمع کنند. من و خانم‌ام هم به نمایندگی اتحادیه رفتیم ببینیم چه خبر است و این‌ها چه کسانی هستند؟ آن‌جا ما با یک برنامه‌ی حساب‌شده و منظمی روبه‌رو شدیم. مسئولین بلندپایه‌ی نظام در این همایش



### ■ مراکز وابسته و

اقماری اتحادیه‌ی انجمن‌های

اسلامی دانش‌آموزان

۱. «مؤسسه‌ی علمی آینده‌سازان»

وظایف:

- تأسیس خانه‌ی علمی
- جشن‌واره‌ی کاوش‌گران جوان
- برنامه‌ی سفیران علمی آینده‌سازان
- ۲. «مرکز آفرینش‌های ادبی هنری آینده‌سازان»

وظایف:

- باشگاه نویسندگان جوان
- مسابقات ادبی و هنری
- جشن‌واره‌ی نشریات دانش‌آموزی
- سوگ‌واره‌ی شعر و ادب کربلا
- مسابقات داستان‌نویسی روز ایرانی
- سلسله همایش‌های جاده‌ای رو به فردا
- ۳. «مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان»

وظایف:

- جذب و اعزام طلاب حوزه‌های علمیه برای حضور در مدارس و فعالیت‌های اتحادیه
- آموزش مربیان مدارس در عرصه‌ی تعلیم و تربیت دانش‌آموزی
- ۴. «نشریه‌ی آینده‌سازان»:

نشریه‌ی آینده‌سازان قدیمی‌ترین سامانه‌ی ارتباطی اتحادیه است که از سال ۱۳۶۰ به دبیرستان‌های کشور راه پیدا کرد. محتوای نشریه را مطالب مختلفی از جمله علمی، فرهنگی، ورزشی، تشکیلاتی و سیاسی تشکیل می‌دهند.

نگران بودم. بعد از چند دقیقه گفتند، امام فرمودند بفرمایید داخل. دل تو دل نمبود. آمدم بلند شوم که آقای امامی کاشانی دست‌شان را گذاشتند روی شانهِ من گفتند: «شما همین‌جا منتظر باش!» نشستم تا ایشان از پیش‌امام آمدند. تقریباً یک ساعتی گذشته بود. گفتند: برویم. پرسیدم: چه شد؟ گفتند: خیالات راحت! حل شد. برویم! من هم دنبال ایشان راه افتادم. دم در خروج، یکی از مسئولین همان جمع را دیدم که داشتند وارد می‌شدند که بروند محضر امام و خواسته‌ی خودشان را مطرح کنند. بچه‌ها هم در حسینیه‌ی جماران منتظر شروع برنامه بودند. آقای امامی کاشانی با دست ایشان را به بیرون هدایت کردند و نگذاشتند وارد شود و فرمودند: «من الان خدمت امام بودم. دیگر صلاح نیست شما بروید. مزاحم‌شان نشوید.» ایشان رفتند به من هم گفتند: «خیالات راحت باشد. برو داخل حسینیه!» بعد از چند دقیقه برنامه شروع شد. ابتدا نماینده‌ی آن‌ها در حضور امام صحبت کرد و درخواست نماینده از طرف امام را مطرح کرد و بعد حضرت امام آن سخن‌رانی تاریخی خودشان را کردند و رفتند. هیچ صحبتی هم از تشکل جدید و نماینده نفرمودند. همه چیز به خوبی و خوشی گذشت.

### ■ کار شهرستان‌ها به کجا رسید؟

■ ما تابستان همان سال اولین اردوی کشوری خودمان را برگزار کردیم. یک اردوی عظیم که با برنامه‌های متنوع برگزار شد؛ کلاس‌های اخلاقی، تشکیلاتی و مسایل سیاسی اجتماعی تا برنامه‌های ورزشی هنری. بعد از آن رابطه‌ی ما به واسطه‌ی بچه‌ها بیش‌تر هم شده بود و شهرستان‌ها هم فعال‌تر شده بودند. همان سال بود که ما اولین شماره‌ی نشریه‌ی «آینده‌سازان» را منتشر کردیم.

خدمت امام و همان‌جا هم درخواست یک نماینده بدهند و با تشکیل دفتری در قم کارشان را رسماً شروع کنند. این موضوع من را واقعاً نگران کرده بود که نکنند این اتفاق بیافتد. تقریباً ساعت ۹ شب بود که تماس گرفتم با منزل آیت‌الله امامی کاشانی. ایشان همین که فهمیدند من پشت خط هستم کلی گرم گرفتند و شروع کردند به تعریف و تحسین و تشکر که «این کارتان خیلی عالی بود!». ظاهراً ایشان همه چیز را از اخبار دیده بودند و تصور کرده بودند این همایش که به اسم انجمن اسلامی دانش‌آموزان برگزار شده است، کار ماست! وقتی من هم همه چیز را خدمت‌شان توضیح دادم، خیلی ناراحت شدند و گفتند: همین الان بیا منزل ما! من گفتم: حاج‌آقا! الان ما قم هستیم. تا راه بایفتم نیمه‌شب می‌رسیم. فرمودند برای نماز صبح منتظر من هستند. من اذان صبح پشت در منزل ایشان بودم. در را باز کردند و گفتند بیا تو. نماز صبح را پشت سر ایشان خواندم. صبحانه‌ای آوردند و با ایشان خوردیم. بعدش گفتند: برویم. گفتم: کجا؟ گفتند: بیت؛ محضر امام.

دل تو دل نبود. از طرفی به شدت نگران بودم؛ از طرفی به شدت خوشحال و شگفت‌زده. سوار ماشین شدیم و رفتیم سمت جماران. دم در ما را بازرسی کردند. در مسیر منزل امام، محافظین و پاس‌دارها چندبار جلوی من را گرفتند. چون آیت‌الله امامی کاشانی رفت و آمدشان آزاد بود، جلو می‌رفتند و من هم پشت سرشان به سرعت می‌رفتم. بالاخره رسیدیم پشت در اتاق امام. حاج‌احمد آقا آمدند جلو. سلام و احوال‌پرسی کردند و گفتند: چی شده؟ آقای امامی کاشانی مختصری توضیح دادند. ایشان هم گفتند: منتظر باشید تا من موضوع را به امام بگویم. ساعت ۷ گذشته بود و ساعت ۹ برنامه شروع می‌شد. من خیلی

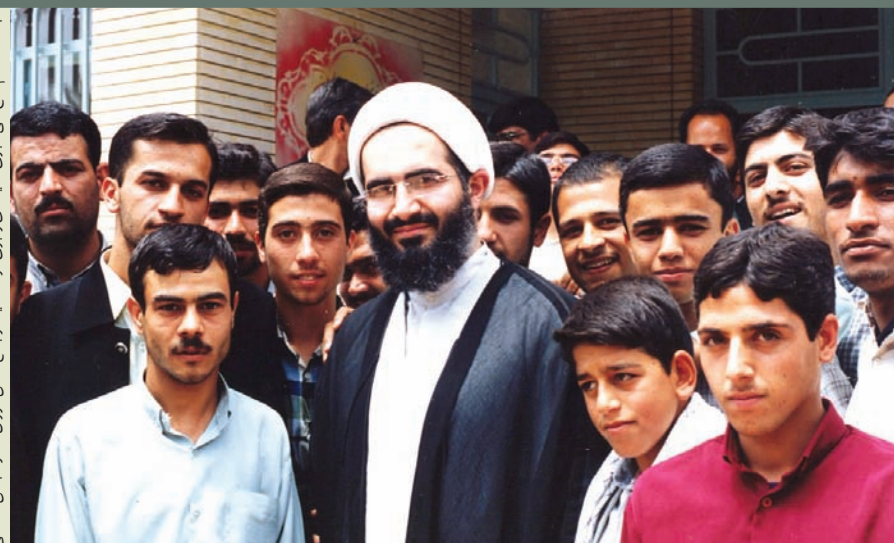
شرکت داشتند و سخن‌رانی کردند؛ از جمله شهید باهنر. در همان مراسم، دانش‌آموزی آمد پشت تریبون و گفت «این حرکت دانش‌آموزی است و ما خودمان باید ره‌بری این تشکیلات دانش‌آموزی را داشته باشیم. و کذا و کذا!» اما ما با دیدن آن برنامه‌ها فهمیدیم که این کار با آن عظمت نمی‌تواند کار چندتا دانش‌آموز باشد. با خانم‌ام در برنامه‌های‌شان شرکت می‌کردیم و با یک تقسیم‌کار در همه‌ی کمیسیون‌ها سرک می‌کشیدیم که ببینیم این‌ها چه می‌کنند؟ الحمدلله چون همه‌ی بچه‌های شهرستان ما را می‌شناختند این کار برای ما راحت بود. شب قبل آن روز تاریخی بود که من متوجه شدم قرار است فردا صبح همه‌ی آن جمعیت بروند حسینیه‌ی جماران

### ■ طرح‌ها و برنامه‌های

#### معمول اتحادیه

- هیأت‌های انصار المهدی (عج)
- خیمه‌های معرفت (حلقه‌های معرفت)
- برگزاری اردوهای مختلف
- برگزاری همایش‌های موضوعی و مراسم ویژه
- تشکیل گروه‌های فرهنگی هنری
- انتشار نشریه‌ی آینده‌سازان
- فضارآیی تبلیغاتی مدارس
- برگزاری مراسم آغازین در مدارس (صبح‌گاه)
- اقامه‌ی نماز در مدارس
- برگزاری برنامه‌های ورزشی
- فعالیت‌های علمی درسی

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری نماینده‌ی رهبری در اتحادیه در جمع دانش‌آموزان عضو انجمن اسلامی



یک شب دیگر هم نزدیکی‌های سحر صدای تیراندازی بلند شد. سریع با بچه‌ها زدیم بیرون؛ دیدیم یک نفر که پشت موتور نشسته، اتحادیه را به گلوله بسته است. یکی از بچه‌ها پای برهنه شروع به دویدن و تیراندازی کرد که متأسفانه فرار کردند. وضعیت واقعاً بحرانی شده بود. داشتیم برمی‌گشتیم داخل ساخت‌مان که دیدیم پیرمردی که کنار اتحادیه مغازه داشت، روی زمین افتاده است. او به‌خاطر سروصدا آمده بود بیرون که تیر منافقین به پای‌اش خورده بود. من سریع رساندم‌اش بیمارستان و الحمدلله به‌خیر گذشت. بله؛ ساده نبود و روزها و شب‌های سختی گذشت.

#### ■ قضیه‌ی حرف و حدیث‌ها چه بود؟

■ با این‌که اتحادیه رابطه‌ی نزدیکی با مسئولین داشت و آن‌ها هم ما و مجموعه‌ی اتحادیه را خوب می‌شناختند و حمایت می‌کردند، اما برخی نگاه‌ها خلاف نگاه عمومی مسئولین بود. زمان وزارت آقای باهنر در آموزش و پرورش کار ما خیلی راحت بود. ایشان همیشه ما را حمایت می‌کردند. حتی از طرف خودشان آقای حدادعادل را به عنوان نماینده‌ی وزارت آموزش و پرورش به شورای مرکزی معرفی کردند. البته آقای حدادعادل از قبل با ما ارتباط داشتند، اما بعد از این‌که سمت نمایندگی را گرفتند، رابطه‌شان رسمی‌تر شد. ولی این‌قدر صمیمی رفتار می‌کردند که شدند یکی از بچه‌های خودمان و پا به پای ما جلو می‌آمدند و وقت می‌گذاشتند. ما ارتباط نزدیکی با مسئولین برقرار کرده بودیم. حتی جلسات مشترکی با مسئولین دولت در دفتر ریاست جمهوری که آن

اسلامی» ادامه پیدا کرد. اما حدود سال ۶۲ به حداقل خودش رسید و در همان سال‌ها پایان یافت. دیگر ما باید اتحادیه را به شکل خودگردان اداره می‌کردیم. این مسأله زمینه را برای راه‌اندازی بخش خودکفایی اتحادیه فراهم کرد که همان مؤسسه‌ی علمی - هنری آینده‌سازان بود.

#### ■ یعنی فقط مشکلات مالی دخیل بود؟

■ نه، این تنها مشکل ما نبود. مسایل امنیتی و حمله‌های منافقین به اتحادیه و حرف و حدیث‌ها و هم‌چنین نگاهی که نسبت به تشکل‌ها و نهادهای غیردولتی ایجاد شده بود، کار ما را هم سخت‌تر کرده بود. آن زمان هر سازمان و تشکیلاتی که اسلامی بود و پی‌رو امام، مورد حمله‌ی منافقین قرار می‌گرفت. این شامل شخصیت‌های نظام هم می‌شد، مثل شهید مطهری، شهید رجایی، شهید باهنر، شهید بهشتی و حزب جمهوری. در همان ایام بود که چندباری به اتحادیه نیز حمله کردند. ما با بچه‌ها قرار گذاشتیم که شب‌ها نوبتی کشیک بدهیم. آن زمان ما درخواست چند قبضه سلاح را هم دادیم و سپاه هم به ما داد. شب‌های چهارشنبه نوبت من بود که بمانم. جالب این‌جا بود که اتفاقات هم درست در همان شب‌ها می‌افتاد! یک شب طبق برنامه در اتحادیه بودم که دیدم بوی سوختنی می‌آید و دود فضا را پر کرده. رفتم، دیدم در اتحادیه را آتش زده‌اند و چندتا کوکتل مولوتوف هم انداخته‌اند داخل ساخت‌مان. ما رفتم دنبال‌شان، چندتا تیر هم شلیک کردیم؛ اما فرار کردند. فردای همان روز در اتحادیه را که سوخته بود، عوض کردیم و یک در فلزی که الان هم هست، نصب کردیم.

#### ■ «مؤسسه‌ی علمی آینده‌سازان» هم همان زمان تأسیس شد؟

■ نه! مؤسسه تقریباً سال ۶۴ بود که راه‌اندازی شد. انگیزه‌ی اولیه برای راه‌اندازی مؤسسه‌ی آینده‌سازان خودکفایی مالی بود. و چون در شأن اتحادیه نمی‌دانستیم که وارد فعالیت اقتصادی بی‌ارتباط با اهداف اتحادیه بشویم، مؤسسه را طراحی کردیم. این بهانه‌ی خوبی شده که ما از کارهای فرهنگی فراتر برویم و وارد فضای علمی هم بشویم و پیش قدم بشویم. یادم هست که در آن زمان اولین کنکور آزمایشی سراسری توسط اتحادیه برگزار شد و تنها مؤسسه‌ای که در حجم بالا کتاب‌های کمک‌آموزشی را در مقاطع مختلف منتشر می‌کرد، مؤسسه‌ی ما بود؛ که در این برنامه از اساتید برجسته و کارشناسان کارکشته‌ای کمک می‌گرفتیم. خوب هم جواب گرفتیم. یک مرکز آموزشی دخترانه در خیابان انقلاب راه‌اندازی کردیم که در آن کلاس‌های کنکور را برگزار می‌کردیم. بعد از آن، مرکز علمی پسرانه هم راه‌اندازی شد. بچه‌ها شبانه‌روزی تلاش می‌کردند تا این طرح ثمر بدهد.

#### ■ رفتید سال ۶۴. در این فاصله اتفاق خاصی نیفتاد؟

■ چرا! همان‌طور که اشاره کردم ما به شدت به مشکل مالی برخوردیم. تا آن‌جا که وسایل اتحادیه را می‌فروختیم تا بتوانیم هزینه‌ها را تأمین کنیم!

#### ■ چرا! مگر دفتر تبلیغات شما را حمایت نمی‌کرد؟

■ کمک دفتر تبلیغات امام بعدها از طریق «سازمان تبلیغات



دیدار مسئولان و اعضای اتحادیه‌ی دانشجویان اسلامی دانشگاه تهران با رهبر انقلاب

## پرتال مرکزی

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی

دانش‌آموزان

پرتال مرکزی با آدرس

www.ayandehsaz.ir سامانه‌ای است

که توسط اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با هدف تحقق انجمن مجازی تاسیس شده است. این پرتال با ایجاد زیرسایت‌هایی برای استان‌ها و مراکز تابعه مانند مؤسسه‌ی علمی آینده‌سازان، موجبات بازتاب اخبار هر استان و مرکز را به صورت روزانه فراهم کرده است. پرتال دارای قسمت‌های مختلفی از جمله آلبوم تصویری، اتاق دوستی، سخن‌رانی‌ها و... است.

حکم جلب بچه‌ها را گرفته بودند. ما واقعاً ترسیده بودیم. دوتا از بچه‌ها را هم گرفته بودند. هفت - هشت نفری بودیم که پناه بردیم دفتر آقای امامی کاشانی. بدون وقت قبلی رفتیم داخل. خیلی سراسیمه بودیم. حاج آقا گفتند: «چه شده؟» ما هم همه چیز را توضیح دادیم و گفتیم: «آمده‌ایم پناهنده شویم و تا از همه چیز مطمئن نشویم از این جا نمی‌رویم!» ایشان خیلی ناراحت شدند و گفتند: «شما بروید! من پی‌گیری می‌کنم.» گفتیم: «نه؛ همین الان پی‌گیری کنید. ما الا ما نمی‌رویم.» ایشان همان‌جا تماس گرفتند با وزیر کشور - که آن زمان آقای میرحسین موسوی بودند - و موضوع را مطرح کردند. ایشان هم گفتند حکم لغو شده. بچه‌ها در امان اند. ما به آقای کاشانی گفتیم تا دو نفری که بازداشت شده‌اند نیابند این‌جا ما نمی‌رویم. ایشان هم دوباره تماس گرفتند گفتند ترتیبی بدهید که آن دو نفر آزاد شوند و بیاریدشان این‌جا. آقای موسوی هم هم‌آهنگ کردند. زیاد طول نکشید که آمدند. یکی آقای فراهانیان بود، نفر دیگر را یادم نمی‌آید. ما هم که خیال‌مان راحت شده بود رفتیم.

بعد از آن دوران، بچه‌ها لطمه‌های جدی خوردند. خیلی‌ها از درس‌ها و مشاغل خود دور افتاده بودند و بعضی‌ها هم گفتند ما دیگر نیستیم و نمی‌توانیم ادامه بدهیم. حق هم داشتند خیلی به‌شان فشار آمده بود. من با بچه‌ها خیلی صحبت کردم. گفتند می‌مانیم به شرطی که خودت از قم برگردی و مسئولیت را به عهده بگیری. من هم با این‌که خانه و زندگی و درس‌ام قم بود قبول کردم. رفتیم به خانم‌ام گفتیم جمع کن که باید برویم تهران. همان روز آمدیم و کار را شروع کردیم.

حل شد. اواخر سال ۶۱ آیت‌الله امامی کاشانی اعلام کردند که دیگر نمی‌توانند برای ما وقت بگذارند و خوب است حضرت امام فرد دیگری را معرفی کنند. خود ایشان موضوع را با امام در میان گذاشتند. امام هم مسئولیت تعیین نماینده را به آیت‌الله منتظری - که آن زمان قائم‌مقام رهبری بود - واگذار کردند. ایشان هم طی نامه‌ای پیام امام را به آقای منتظری اعلام کردند و ایشان هم آقای سیدهادی خامنه‌ای را به عنوان نماینده‌ی خود در اتحادیه معرفی کردند.

بعد از آن تقریباً برنامه‌ها طبق روال ادامه داشت. من هم به خاطر درس‌های‌ام از فضای اتحادیه تا حدودی دور شدم و به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفتم. البته ارتباط خودم را با تشکیلات حفظ کرده بودم و معمولاً در اردوهای تابستانی حضور داشتم و مسئولیت اردوها به‌عهده‌ی من بود. بچه‌ها هم لطف داشتند؛ تلفنی هم که شده من را در جریان برنامه‌ها می‌گذاشتند. تا سال ۶۷ که اتحادیه بحرانی‌ترین برهه را تجربه کرد.

در آن زمان افرادی بودند که مرموزانه وارد تشکیلات شده بودند و سعی می‌کردند اتحادیه را در انحصار اهداف خود درآورند. اینان وقتی با مقاومت بچه‌های شورا روبه‌رو شدند، عرصه را به مجموعه تنگ کردند تا بچه‌ها درخواست‌های‌شان را قبول کنند. این وضعیت تا مدتی ادامه داشت. تا آن‌جا که در سال ۶۷ حتی برای مدت کوتاهی اتحادیه تعطیل شد.

یک‌روز بچه‌ها با من تماس گرفتند که: «زود بیا! همه چیز به‌هم ریخته!» همان روز آمدم تهران. ماجراهایی داشتیم.

زمان دفتر نخست‌وزیری بود داشتیم. در یکی از جلسات حتی شاهد آن انفجار نخست‌وزیری و شهادت شهید رجایی و باهنر بودیم. همان روز جلسه‌ای داشتیم در اتاقی، کنار اتاق جلسات هیأت دولت، که ناگهان صدای مهیبی بلند شد. من رو به آن اتاق نشسته بودم که دیدم دیوار روبه‌رویم که پارتیشن بود کنده شد و پرت شد روی میز. دود و آتش فضا را پر کرد. هرکس به طرفی می‌دوید. تا آن‌جا که آتش همه‌جا را گرفت. بعد از خاموش کردن آتش توسط آتش‌نشانی تلاش کردیم پیکرهای سوخته‌ی شهیدان رجایی و باهنر را از ساختمان خارج کنیم. اوضاع عجیب و سختی بود.

در سال‌های ۶۱ و ۶۲ هم نماینده‌ی ولی فقیه در سپاه اعلام کرد که اعضای گروه‌های سیاسی نمی‌توانند در سپاه حضور داشته باشند. این مسأله، حساسیت‌هایی را به وجود آورد و رفت و آمد بچه‌هایی که با سپاه هم‌کاری داشتند به اتحادیه کم شد. مشکل این‌جا بود که تعریف صحیحی از گروه‌سیاسی نشده بود و اتحادیه هم مصداق این مفهوم تلقی شده بود. تا مدتی ذهن‌ها مخدوش بود. مخصوصاً شهرستان‌ها که از مرکز دور بودند و بیش‌تر احتیاط می‌کردند. حتی بعضی‌ها هم که انگیزه‌ی حمایت نداشتند این را بهانه‌ای کردند و اعلام کردند که اتحادیه‌ی آن شهرستان باید تعطیل شود! ما هم که دغدغه‌ی بچه‌های شهرستان‌ها را داشتیم، موضوع را جدی پی‌گیری کردیم که به تدریج حل شد. بعدها تلاش کردیم اساس‌نامه‌ی اتحادیه را در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسانیم. این کار را از سال ۶۲ شروع کردیم تا سرانجام در سال ۷۴ اساس‌نامه به تصویب رسید و ابهامات





■ بعد از این رکود، اتحادیه چه طور توانست دوباره به فعالیت‌اش ادامه دهد؟

■ فروردین ۶۸ بود که اولین کنگره‌ی سراسری اتحادیه را در دبیرستان البرز برگزار کردیم. برای شروع برنامه‌ها آماده شده بودیم. درست صبح روزی که می‌خواستیم برنامه را شروع کنیم، اعلام کردند آقای منتظری عزل شده و باید عکس‌های‌شان جمع شود! ما هم مجبور بودیم همان‌جا عکس ایشان را همراه عکس امام که بزرگ توی سالن زده بودیم، بیاوریم پایین. این برای ما تا حدودی مشکل‌ساز شد. چون بچه‌ها طی دوران طولانی دل‌بستگی پیدا کرده بودند و توجیه نمی‌شدند. بعد از این که عکس را جمع کردیم، بچه‌ها شروع کردند به سؤال پرسیدن. حق هم داشتند. ما هم آن‌جا امکان نداشتیم که هر چیزی را بگوییم. خودمان هم کامل توجیه نبودیم. بالاخره یک‌جور قضیه را جمع کردیم و برنامه را شروع کردیم. همان روز اول بعد افتتاحیه، کمیسیون‌ها در حال برگزاری بود که پیچ‌بچه‌های خودمان شروع شد. من هم یکی از کمیسیون‌ها را اداره می‌کردم که آمدند دم گوش‌ام گفتند: بیایید پایین! مشکلی پیش آمده است. رفته دیدم پلیس، مدرسه را محاصره کرده. آن گروه مخالف که از اتحادیه تصفیه شده بودند به دروغ گزارشی داده بودند که اتحادیه به حمایت از آقای منتظری گردهم‌آیی گذاشته. آمده بودند ما را دست‌گیر کند و از اجرا و ادامه‌ی برنامه جلوگیری کنند! هم‌آهنگ کردیم که بچه‌ها چیزی نفهمند. گفتیم یکی از بچه‌ها با موتور تمام مدارک را ببرد بیرون. ما هم رفتیم

سراغ پلیس به مذاکره کردن. بالاخره با چند تا تلفن و صحبت مجاب شدند و رفتند.

البته ما با این فضاها نا آشنا نبودیم. یاد می‌آید زمانی که ما اولین همایش بزرگ اتحادیه را برای دانش‌آموزان تهران در دانشگاه تربیت معلم برگزار کردیم، شخصیت‌های بزرگی هم در جمع حضور داشتند مثل آقای باهنر، وزیر آموزش و پرورش و آقای قرائتی، در آن‌جا منافقین حمله کردند. ما بیرون از محل دانش‌گاه در حال درگیری با منافقین بودیم. دو نفر از همان بچه‌ها هم بعداً شهید شدند. به‌خاطر همین این بحران‌ها تا حدودی برای ما طبیعی بود. بعد از آن برنامه، اردیبهشت‌ماه بود که رفتیم خدمت‌آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان رییس‌جمهور بودند و موضوع را کامل برای ایشان تعریف کردیم و خواستیم که ایشان ترتیبی بدهند تا امام برای ما نماینده‌ای تعیین کنند. ایشان به‌خاطر فشارهایی که به اتحادیه وارد شده بود خیلی ناراحت شدند و فرمودند حتماً این موضوع را پی‌گیری می‌کنند. ایشان با امام صحبت کردند و امام هم پذیرفتند و از ما پیش‌نهاد خواستند. ما هم آیت‌الله [احمد] جنتی را پیش‌نهاد دادیم. درگیر همین فضاها بودیم که حال امام بد شد و به بیمارستان رفتند. خردادماه امام رحلت کردند. بعد از انتصاب آیت‌الله خامنه‌ای به مقام رهبری مجدداً از خود ایشان درخواست کردیم و معظم‌له هم حکم آیت‌الله جنتی را به عنوان نماینده‌ی خودشان در اتحادیه صادر کردند. البته در این مدت ما هم بی‌کار نبودیم و مدام پی‌گیری می‌کردیم و تماس می‌گرفتیم که بالاخره نتیجه داد.

الحمدلله بعد از آن زمان خیلی اوضاع به‌ترشد و اتحادیه هم سروسامانی گرفت. دومین کنگره‌ی خودمان را سال ۷۰ برگزار کردیم. بنده هم مسئولیت ریاست شورا و اردوهای مختلف را به‌عهده داشتم تا سال ۷۲ که به درخواست وزیر آموزش و پرورش وقت، آقای [محمدعلی] نجفی، دعوت به هم‌کاری با آموزش و پرورش شدم؛ به عنوان مدیرکل روابط عمومی وزارت. من هم گفتم اگر آیت‌الله جنتی اجازه بدهند قبول می‌کنم. آقای نجفی هم نامه‌ای زدند به آیت‌الله جنتی و از ایشان درخواست کردند که موافقت کنند. آیت‌الله جنتی هم پایین نامه پاراف کردند که ایشان می‌توانند به عنوان مأمور به خدمت اتحادیه در آموزش و پرورش حضور داشته باشند! این برای من خاطره‌ی خیلی شیرین و جذابی شد. این نشان‌دهنده‌ی ابهت اتحادیه بود. آقای نجفی هم از این‌نگاه استقبال کردند و من وارد آموزش و پرورش شدم. تا سال ۸۶ هم در شورا بودم. اما به دلیل مشغله‌ی زیاد این ارتباط در حال حاضر به حداقل خودش رسیده است.

■ ورود آقای حاج‌علی اکبری به اتحادیه چه طور بود؟

■ در سال ۷۹ به دلیل این‌که دیگر آیت‌الله جنتی فرصت کافی نداشتند با درخواست خودشان طی حکمی از طرف مقام معظم رهبری حجت‌الاسلام آقای [محمدجواد] حاج‌علی اکبری به عنوان نماینده‌ی رهبری در اتحادیه منصوب شدند. تا امروز ۸ سالی می‌شود که ایشان این مسئولیت را در تشکیلات اتحادیه دارند.



پادایم

## حاکمیتی هستیم،

# ولی هیچ‌گاه دولتی نبوده ایم

یادداشت شفاهی

بعضی وقت‌ها این حرکات دانش‌آموزی یا با یک نگاه ابزارانگارانه در اختیار بعضی گروه‌ها و جریان‌ها گرفته و تمام؛ یا برخی از متدینین به اهمیت مسأله‌ی دانش‌آموز خوب توجه کرده‌اند و توانسته‌اند از آن‌ها نیروهای خوبی بسازند، اما نتوانستند خوب استفاده کنند. اگرچه گروه‌های مبارزی هم مثل «حزب ملل اسلامی» یا «گروه ابوذر» نهادند داریم که اکثراً دانش‌آموز بودند؛ ولی این‌ها خیلی کم و کوچکانند. مثلاً گروه ابوذر هفت یا هشت نفر بودند که همه‌شان شهید شدند. خلاصه این‌که اگر بخواهیم قبل از انقلاب را یک دوره به حساب آوریم می‌توان گفت در این دوره حضور دانش‌آموزان در عرصه‌ی مبارزه به شکل تجمعات دانش‌آموزی موقتی است و گاهی هم ذیل برخی گروه‌های و جریان‌ها. شهادت حاج‌آقا مصطفی در اول آبان ۵۶ باعث شروع چله‌ها شد؛ قیام مردم قم، تبریز، یزد و اهواز، در حقیقت جرقه‌ی انقلاب در

شاخه‌ی دانش‌آموزی داشته یا حتی «حزب توده». کم‌کم که به مقطع سقوط طاغوت نزدیک‌تر می‌شویم، حدود دهه‌ی ۵۰، گروه‌هایی مثل «مجاهدین خلق» هم شاخه‌ی دانش‌آموزی تشکیل می‌دهند و بخش زیادی از بدنه‌ی آن‌ها را هم دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند. اما نوع مبارزات خالص و ناب دینی دانش‌آموزان را در جریان شهید نواب صفوی می‌بینیم.

### دوره‌ی اول

حدود سال ۱۳۳۱ که هم‌زمان بوده با حکومت رضاشاه و آمدن نیروهای متفقین و وقوع قحطی و مهم‌شدن مسأله‌ی نان، اولین حرکت مبارزه‌ای دانش‌آموزان در «دبیرستان صنعتی تهران» به رهبری نواب صفوی آغاز می‌شود. این حرکت را هم مثل اکثر حرکت‌های قبل از انقلاب به شکل یک‌سری جرقه‌هایی می‌بینیم که به بهانه‌ی مناسبتی خاص زده شده.

### حجت‌الاسلام حمید مشهدی آقایی

قائم‌مقام فعلی نماینده‌ی رهبری در اتحادیه و دبیرکل اتحادیه در سال‌های ۸۲ تا ۸۴

الف - دوره‌های فعالیت تشکلی دانش‌آموزی، با تأکید بر انجمن‌های اسلامی

در لایه‌ی سطور تاریخی، اولین رگه‌های مبارزه با طاغوت به صورت فعالیت متشکل دانش‌آموزی را در دهه‌ی ۲۰ می‌بینیم که البته آن‌چنان تشکیلات خاصی نبوده‌اند، اما در بعضی از مدارس آن زمان حتی نام انجمن اسلامی را هم می‌شود دید. طبق تحقیقاتی که آقای یعقوب توکلی انجام داده‌اند، ما جای پای گروه‌های دانش‌آموزی را در تأثیرگذاری برخی حرکت‌ها در مبارزات سیاسی می‌بینیم. مثلاً گاهی وقت‌ها «جبهه ملی» یک

مراجعه کنید، حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دانش‌آموز شهید دارد که حدود ۶۰۰ یا ۷۰۰ نفرشان عضو انجمن اسلامی بوده‌اند. با نام و برگه‌ی عضویت در انجمن اسلامی. تعداد بالایی از همین شهیدان هم در وصیت‌نامه‌شان توصیه به نگه‌داشتن انجمن اسلامی و توصیه به اعضای انجمن‌های اسلامی داشته‌اند. حتی برخی از این شهیدان در وصیت‌نامه‌شان گفته‌اند که بر روی سنگ قبرشان بنویسند که عضو انجمن اسلامی بوده‌اند. مانند شهیدان عبادی، پسران مرحوم عبادی امام‌جمعه‌ی زاهدان و مشهد. هردو در وصیت‌نامه‌شان گفتند که روی سنگ قبرشان بنویسند عضو انجمن اسلامی‌اند.

به عبارت دیگر در این دوره انجمن اسلامی را می‌توانیم به‌عنوان یک پای‌گاه بسیج و اعزام نیروی دانش‌آموزی به جبهه و یک پای‌گاه فکری، معنوی و فرهنگی در مدارس قلم‌داد کنیم. این مسئله باعث شد تا انجمن خدمتی بزرگ در تربیت نیرو بکند. خیلی از مسئولین کشور، بالاخص نسل دومی‌ها، عضو انجمن اسلامی بوده‌اند. مثلاً آقای احمدی‌نژاد (که مسئول منطقه‌ی نارمک بودند)، آقای لنگرانی، آقای قالیباف، آقای رحیم‌پورازغدی و....

نکته‌ی دیگر در مورد این مقطع این است که امام‌نماینده‌ی خودشان در دانش‌گاه‌ها و مدارس را به آقای منتظری واگذار کردند. آقای منتظری هم از طرف خودشان به‌عنوان قائم‌مقام رهبری آقای سیدهادی خامنه‌ای را به‌عنوان نماینده‌ی خود انجمن اسلامی معرفی کردند. این دوره، دوره‌ی سختی برای انجمن اسلامی بود. زیرا ورود ایشان باعث شد که اختلافات و انشعابات ایجاد شود. در انجمن اسلامی دو گروه ایجاد شدند و طیف بچه‌های تحکیم وحدت سعی کردند در انجمن نفوذ کنند. اما حقیقتاً بچه‌ها در این قضیه خوب مقابله کردند. کار به جایی کشید که آن موقع آقای سیدهادی خامنه‌ای از وزیر کشور وقت، آقای محتشمی‌پور، خواست که اتحادیه را پلمپ کنند و درش را ببندند.

#### دوره‌ی پنج‌ام

با اتمام جنگ و رحلت حضرت امام (ره) دوره‌ی جدیدی با رهبری مقام معظم رهبری شروع شد. ایشان از سال ۶۸ آیت‌الله جنتی را به‌عنوان نماینده‌ی خودشان انتخاب می‌کنند. نمایندگی آیت‌الله جنتی نزدیک به یازده سال به طول انجامید؛ ۶۸ تا ۷۹. این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

یکی دوره‌ی ریاست جمهوری آقای هاشمی که از ۶۸ شروع شد تا ۷۶. در این دوره انجمن اسلامی فعال بود و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌شکل رسمی پذیرفته شد. البته فعالیت‌هایش مثل همه‌جای کشور به دلیل دوران سازندگی دچار افت شده بود.

درست کردیم. بچه‌ها را اطراف خودمان جمع می‌کردیم. من نماینده‌ی مدرسه‌ی خودمان بودم. سال ۵۸ با گروهی از بچه‌ها که به‌خاطر مبارزه علیه گروهک‌ها و فداییان خلق به شهرستان‌ها رفت‌وآمد می‌کردند، آشنا شدیم. به این نتیجه رسیدیم که باید اعلام موجودیت کنیم و کردیم. امام هم آقای امامی‌کاشانی را به‌عنوان نماینده‌ی خود در انجمن اسلامی مشخص کردند و ایشان هم آقای دری نجف‌آبادی را از سوی خودشان تعیین فرمودند.

#### دوره‌ی سوم

دوره‌ی سوم را دوره‌ی شکل‌گیری اتحادیه‌ی انجمن اسلامی می‌نامیم. شکل‌گیری منظم این انجمن‌ها در سراسر کشور با یک مرکزیت منسجم و با نظر امام برای مقابله با حرکت گروهک‌ها در مدارس و دبیرستان‌ها. این انجمن‌ها در اولین قدم و در قالب انجمن‌های اسلامی به‌هم‌پیوسته به خدمت امام رسیدند و امام هم به‌آنان کمک کردند. حرکت آغاز شد و در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ اعلام موجودیت کردند. در این راه حتی شهید هم دادند. از جمله در یکی از دبیرستان‌های تهران مجاهدین حمله می‌کنند و یکی از اعضای انجمن اسلامی را شهید می‌کنند. این روند تا شهادت دکتر بهشتی و فرار بنی‌صدر و یک‌دست شدن حاکمیت در دست حزب‌الله طول می‌کشد.

#### دوره‌ی چهارم

با شروع جنگ تحمیلی در آغاز دهه‌ی ۶۰ انجمن اسلامی مأموریت دیگری هم پیدا می‌کند. بسیج هنوز فقط در سطح شهرها بود و هنوز حتی به‌صورت پای‌گاه در مساجد درنیا آمده بود. این خلأ را انجمن اسلامی پر کرد. از همان سال ۵۹ انجمن‌های اسلامی شدند پای‌گاه اعزام نیرو به جبهه. اولین قرعه‌کشی را خودمان انجام دادیم که پنج نفر از بچه‌ها به جبهه اعزام شدند. هرچند در این اعزام همه‌شان به سلامت برگشتند، اما در اعزام‌های بعدی یکی از آنان به شهادت رسید. و این دوره‌ی چهارم بود؛ دوره‌ی حضور دانش‌آموزان در دفاع مقدس. با فرار بنی‌صدر و یک‌دست شدن فضای سیاسی در دست حزب‌الله، انجمن اسلامی تنها گروه دانش‌آموزی فعالی بود. چون آن موقع منافقین هم رفته بودند. بنابراین بیش‌ترین کاری که بچه‌ها در آن مقطع کردند کمک به امور تربیتی مدارس بود. آن موقع بچه‌ها علاوه بر جبهه خیلی در این زمینه هم فعال بودند. گاهی کل بچه‌های انجمن اسلامی یک مدرسه یا کل انجمن اسلامی یک شهر می‌رفتند جبهه، و وقتی برمی‌گشتند ۲۰ یا ۳۰ نفرشان شهید شده بودند. از حدود ۳۶ هزار دانش‌آموز شهیدشاید حدود ۱۵ یا ۱۶ هزار نفرشان عضو انجمن اسلامی بودند. مثلاً اگر به نجف‌آباد

دی‌ماه ۵۶ با قیام مردم قم زده شد. وارد سال ۵۷ که می‌شویم به تعطیلات مدارس برمی‌خوریم و افت فضای انقلاب. البته در تابستان آن سال به دلیل مصادف بودنش با ماه رمضان و خصوصاً پس از اقامه‌ی نماز عیدفطر به امامت شهید مفتاح دوباره جریان مبارزه اوج می‌گیرد. بلافاصله دولت شریف‌امامی حکومت نظامی اعلام می‌کند و قضیه‌ی ۱۷ شهریور رخ می‌دهد. ۱۷ شهریور مانند شوکی است که از طرف حکومت به بدنه‌ی مبارزه وارد می‌شود. یک‌مرتبه کشور در یک سکوت فرو می‌رود. این‌جا دوباره مدارس تأثیرگذار می‌شوند و با فرارسیدن مهرماه و بازگشایی مدارس، فضا شکسته می‌شود. اگر تا آن موقع مبارزات تنها در ۴۰ یا ۵۰ شهر بوده، یک‌مرتبه به هر جایی که مدرسه هست کشیده می‌شود. در اسناد تاریخی و گزارش‌هایی که ساواک از این مقطع مرتب به تظاهرات دانش‌آموزان اشاره می‌شود. تا می‌رسد به واقعه‌ی ۱۳ آبان. مانند این است که ناگهان جرقه‌ای به انبار باروت انقلاب بیفتد. فضا مقداری آماده‌تر می‌شود و انجمن‌های اسلامی در مدارس شکل می‌گیرند.

من آن موقع در مقطع راه‌نمایی بودم؛ ولی تحت تأثیر دبیرستانی‌هایی بودیم که بعدها اسم مدرسه‌شان شد «دبیرستان امام». در جریان پیروزی انقلاب که مدارس تعطیل شد ما حرکت‌های دانش‌آموزی خاصی نمی‌بینیم. چون همه رفتند در مساجد و حسینیه‌ها بین عموم مردم.

#### دوره‌ی دوم

دوره‌ی دوم، دوره‌ی شکل‌گیری هسته‌های دانش‌آموزی به شکل انجمن اسلامی و یا غیرانجمن اسلامی است. یاد می‌آید که بچه‌ها واقعاً هم دیگر را پیدا کرده بودند. پنج نفر هسته‌ی اولیه بودند و حلقه‌های مختلفی پیرامون آن‌ها شکل گرفت. مثلاً انجمن اسلامی شهید فالان، یا انجمن اسلامی ولی عصر و.... فضای بعد از پیروزی انقلاب طبیعتاً یک فضای آشفته‌ای بود. در این آشفستگی بیش‌ترین سوءاستفاده از دانش‌آموزان را گروهک‌هایی مانند «فداییان خلق» - که در خط کمونیسم بودند - و «مجاهدین خلق» - که کم‌کم نفاق را رواج می‌دادند - کردند. آن‌ها داشتند فضای مدارس را به‌دست می‌گرفتند. شعارهای جذابی مطرح می‌کردند. حرف‌های خیلی زیبایی می‌زدند. حرف از آزادی، مساوات، برابری و... سرودهای خوبی هم می‌خواندند و در مجموع کارهای تشکیلاتی خوبی می‌کردند؛ در قالب گروه‌های کوه‌نوردی و.... در همین دوره، به موازات این جریان‌ها، بچه‌ها به‌صورت خودجوش انجمن‌های اسلامی را تشکیل می‌دادند. مثلاً ما در مدرسه‌ی خودمان «انجمن اسلامی بعثت» را تشکیل دادیم. یک گروه اصلی ۲۲ یا ۲۳ نفری

و دوم دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی. از دوم خرداد ۷۶ دوره‌ای شروع شد که شاید بتوان آن را برای اتحادیه دوره‌ی «شعب‌ابی‌طالب» نامید. واقعاً اتحادیه را بستند. از لحاظ امکانات، مسایل مالی و خیلی چیزهای دیگر در مضیقه بودیم. البته باز هم زمان وزارت آقای مظفر به‌تر بود. این هم به دلیل علاقه‌ی شخصی خود ایشان بود که کمک می‌کردند. وگرنه بدنه‌ی وزارت این هم‌کاری را نمی‌کردند. تا جایی که گاهی وقت‌ها خود ایشان شخصاً وارد می‌شدند. مثلاً انجمن اسلامی یکی از استان‌ها را به‌وسیله‌ی یکی از مدیران سازمان خودش با زور و اجبار حمایت می‌کرد. اما بدنه‌این‌گونه نبود. مثلاً در اصفهان رییس سازمانی را داشتیم که می‌گفت یا من یا انجمن اسلامی! که این وقت‌ها معمولاً وزیر رعایت مسئول‌اش را می‌کند. آقای حاجی که آمد دیگر هیچ. مطلقاً هیچ اعتقادی به انجمن اسلامی نداشتند. اصلاً می‌گفت شما چه باشید و چه نباشید فرقی نمی‌کند. حضورتان چه فایده‌ای دارد! حتی درصدد بستن اتحادیه بودند. این روند ادامه پیدا کرد تا سال ۸۴. واقعاً هشت‌سال اصلاحات دوره‌ی سختی برای انجمن اسلامی بود. البته سال ۷۸ تا ۷۹ از این که دوره را باید دوره‌ی تثبیت اتحادیه به‌عنوان نهادی که شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به رسمیت‌اش می‌شناسد و تفاهم‌نامه با آموزش و پرورش امضا می‌کند، دانست. اما اتحادیه هم مانند تابعی از تشکلهای فرهنگی کشور به‌دلیل تأثیرپذیری از فضای سازندگی دچار افت فعالیت‌ها شد. و باید گفت متأسفانه اتحادیه در این برهه خیلی آموزش و پرورش‌پروشی شد و تا حد زیادی استقلال خودش را از دست داد.

#### دوره‌ی شش‌ام

دوره‌ی شش‌ام از سال ۷۹ که مقام معظم رهبری آقای حاج‌علی‌اکبری را به‌عنوان نماینده‌ی خودشان انتخاب کردند شروع می‌شود. دوره‌ای که می‌توان دوران رشد نامیدش. خصوصیت بارز این دوره گسترش دوباره‌ی فعالیت‌های انجمن اسلامی علی‌رغم محرومیت‌ها و سختی‌های مالی‌ای که از سال ۷۹ تا ۸۴ در دولت آقای خاتمی برای مان وجود داشت است. خود من هم در همین دوره (سال ۸۲) دبیرکل اتحادیه شدم. دوران سخت و تلخی بود. می‌گفتند به انجمن اسلامی اجازه‌ی فعالیت ندهید. در میان رؤسای سازمان‌ها توصیه‌ی رسمی می‌کردند که اجازه‌ی فعالیت ندهید. در ظاهر خیلی خوب بودند، اما در عمل نه. مثلاً اگر قرار بود به اتحادیه ۳۰۰ میلیون بدهند به‌زور ۵۰ هزار تومان می‌دادند! درگیری فکری و نظری هم بود. مثلاً «سازمان دانش‌آموزی» را برای چه علم کردند؟

طرح‌هایی بود که می‌خواستیم انجام دهیم و روی سادگی مان در میان می‌گذاشتیم. آن‌ها قشنگ سرقت می‌کردند! مثلاً مجلس دانش‌آموزی طرح اولیه‌اش مال اتحادیه بود. آقای خوراکیان در اردیبهشت ۸۰ اعلام کرد که ما می‌خواهیم مجلس دانش‌آموزی داشته باشیم. بلافاصله بعدش آقای عبادی که معاون پرورشی بود اعلام کرد ما هم می‌خواهیم مجلس دانش‌آموزی تشکیل بدهیم. ما معتقد بودیم مجلس دانش‌آموزی باید از تشکلهای دانش‌آموزی غیردولتی باشد. مجلسی که تحت نظر وزارت آموزش و پرورش باشد عملاً مجلس نمی‌شود و نمی‌تواند نمایندگی بکند. اما کار، سیاسی شد و در نهایت آن چیزی که باید می‌شد نشد و توقعی که از آن می‌رفت برآورده نشد.

#### ب - ویژگی‌های اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی به‌عنوان یکی از فعال‌ترین تشکلهای دانش‌آموزی کشور یک‌سری ویژگی‌های منحصر به فرد دارد که این مجموعه را از مجموعه‌های هم‌ردیف متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها را می‌شود در چند مورد به شکل خلاصه بیان کرد:

ویژگی اول، اولین بودن‌اش است. انجمن اسلامی اولین تشکل منسجم دانش‌آموزی در کشور است که می‌توان ریشه و تبارش را قبل از انقلاب پیدا کرد. با شروع انقلاب با جریان مردم حرکت می‌کند و بعد از انقلاب هم فعالیت‌های‌اش را بسیار خوب و مؤثر ادامه می‌دهد. ما چنین چیزی را در دنیا نداریم. فعالیت‌های دانش‌آموزی‌ای که در دیگر کشورها داریم بیش‌تر به شکل صنفی است. در مدارس سندیکا‌های صنفی دارند، انجمن‌های صنفی دارند، شوراهای صنفی دارند، مانند آن‌چه ما در مدارس مان به نام «شوراهای دانش‌آموزی» داریم. اما یک تشکل ایدئولوژیک سیاسی به این شکل، بی‌بدیل است. در کشورهایی مثل کوبا، کره‌ی شمالی و کشورهای کمونیستی که مبارزه‌ی ایدئولوژیک داشته‌اند و یا برخی کشورهای اسلامی که تحت تأثیر آن‌ها بودند مانند عراق، سوریه، الجزایر و بعضی کشورها که جنبش‌های مردمی داشته‌اند، حرکت‌های دانش‌آموزی وجود داشته؛ ولی همه‌شاخه‌ی دانش‌آموزی یک جریان بزرگ‌تری بوده‌اند و استقلال نداشته‌اند. مثل سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق که شاخه‌ی دانش‌آموزی داشتند. اما ما معتقدیم که یک تشکل مستقل هستیم، مستقل شروع به فعالیت کردیم و مستقل به آن ادامه دادیم. این اولین امتیاز این مجموعه است.

نکته‌ی دوم حضور نماینده‌ی رهبری است. رهبری، چه امام و چه مقام معظم رهبری، اهتمام ورزیده‌اند و از خودشان نماینده تعیین کرده‌اند و همین باعث شده که انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان به نسبت انجمن‌های اسلامی دانشجویی

سالم‌تر و مصون‌تر از خطرات سیاسی و آسیب‌های آن بماند. مصون از درگیر شدن‌های بی‌مورد و یا سینه‌زدن‌ها زیر علم این و آن. اتحادیه بیش از آن‌که سرباز جناح‌ها باشد با افتخار می‌گوید سرباز حاکمیت است. اتحادیه حاکمیتی بودن خودش را بارها با صدای بلند اعلام کرده و می‌کند. بله، حاکمیتی هستیم؛ ولی هیچ‌گاه دولتی نبوده‌ایم. خودمان افتخار می‌کنیم وابسته به حکومت و حاکمیت و نظام هستیم. اما برای دولت سینه‌نزده‌ایم. هرچند آن‌جا که دولتی از جریان اصیل انقلابی و دینی حمایت کرده ما هم حامی‌اش بوده‌ایم. البته در انتخابات نه؛ بل که بعد از آن‌که انتخاب شد حمایت‌اش کردیم. به‌نظر رمز ماندگاری اتحادیه هم همین است.

سوم این‌که این تشکل توانسته با کم‌ترین امکانات بیش‌ترین خدمات را انجام دهد و به‌ترین نیروهای مدیریتی را تربیت کند. ما بچه‌های قدیمی اهواز را داشتیم که برای اداره‌ی انجمن اسلامی می‌رفتند در قبرستان‌ها قرآن می‌خواندند، پول درمی‌آوردند. یا عده‌ای در مشهد کنار حرم می‌رفتند و در قهوه‌خانه‌ها چای می‌دادند و با پول‌اش انجمن اسلامی را اداره می‌کردند. واقعاً این مدل بچه‌ها را که با کم‌ترین امکانات بیش‌ترین تأثیرات بگذارند، جاهای دیگر نداریم. این‌ها را بگذارید کنار تعبیراتی که آقا از انجمن اسلامی به‌کار می‌برند. تعبیراتی بی‌بدیل‌اند که راجع به دیگر تشکل‌ها ندارند.

نکته‌ی چهارم شهدای اتحادیه است؛ این‌که با توجه به جمعیت‌اش بیش‌ترین آمار شهید را در تشکل‌ها دارد. یادم هست که در جبهه وقتی به یک گروهان یا دسته می‌رفتیم از ۴۰ نفر، ۲۲ یا ۲۳ نفر دانش‌آموز بودند. ۲۰ نفر دانش‌آموز بودند و ۲۰ نفر از دیگر اقشار. و بیش از نیمی از این دانش‌آموزان عضو انجمن اسلامی بوده‌اند. سهم اتحادیه و انجمن‌های اسلامی حکایت از این دارد که رزمندگان دانش‌آموزی که در جبهه بودند یا مستقیماً از اعضای انجمن اسلامی بودند و یا از کانال انجمن اسلامی اعزام شدند.

و نکته‌ی آخری که باید گفت این است که انجمن اسلامی علی‌رغم همه‌ی مشکلاتی که داشته توانسته خودش را به‌روز کند. حالت غیردولتی بودن و غیراداری بودن‌اش از یک‌سو و از سوی دیگر اتصال‌اش به رهبری و ولایت فقیه و در کنار این‌ها سیکل انتخاباتی از پایین به بالای دانش‌آموزان. به این صورت که هیأت‌ها، شوراهای در شهرها انتخاب می‌کنند، در شهرها استان‌ها را انتخاب می‌کنند و در استان‌ها، کشوری‌ها را انتخاب می‌کنند. دیگران پُر دموکراسی را می‌دهند و بچه‌های ما اجرای‌اش می‌کنند. ■

## زنهالی كه به بار مي نشيند

■ پرونده‌ی شش: پرونده‌ای برای  
«شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران» (ایتان)  
دبیر پرونده: محمد طاهری نژاد

# پرونده

«پرونده» مجالی است برای شناخت هم‌سفران؛  
و فهم اهداف و آرمان‌هاشان؛ و تحلیل رویکردها و  
جهت‌گیری‌هاشان؛ و نقد فعالیت‌ها و ابزارهاشان.  
هر شماره، یک پرونده، یک تشکل، یک هم‌سفر.



پارکد مسؤلان گروههای استان از برخی از مراکز اقتصادی و صنعتی استان خوزستان - آبان ۱۳۸۷

# سکوت، تفکر

## تحلیل، فریاد

محسن مقصودی

جوانان نسل سوم انقلاب که بارها در صفحه‌ی اول کتاب‌های دبستان‌شان، این جمله‌ی امام را خوانده بودند که «امید من به شما دبستانی‌هاست» تازه این سال‌ها معنای آن جمله‌ی حکیمانه را درک می‌کنند و سنگینی بار مسئولیت‌شان را احساس.

«چه باید کرد؟» سؤال کلیدی است که شاید بارها و بارها برای هر فرد و مجموعه‌ای مطرح شده باشد و البته برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی ما که انبوهی از مشکلات، عقب‌ماندگی‌های تاریخی و دشمنان قسم‌خورده را داشته و دارد، سؤال فوق‌مهم‌تر است و صد البته برای جوانانی که امید آینده‌ی انقلاب و نظام اسلامی اند، پاسخ به این سؤال حیاتی‌تر جلوه می‌کند.

شاید برای جوانان عصر انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس، سؤال «چه باید کرد؟» یک پاسخ بیش‌تر نداشت و آن همان بود که حضرت روح‌الله گفته بود: «جنگ، در رأس همه‌ی امور است.»

### دوران سکوت و انفعال نیروهای انقلاب

اما جنگ نظامی که تمام شد، خیلی چیزها تغییر کرد! عده‌ای گمان کردند با اتمام جنگ تحمیلی، جهاد و مبارزه هم پایان یافته است و دوران رفاه و عافیت‌طلبی آغاز شده. عده‌ای هم تصور کردند ادامه‌ی راه شهدا تنها در مبارزه‌ی عملی با بدحجاب‌ها و بدپوشش‌ها خلاصه می‌شود! ... و البته در همین دوران اتفاقات کلانی در عرصه‌ی مدیریت کشور صورت می‌گرفت که عمده‌تاً جریان جوان حزب‌الله در برابر آن ساکت و منفعل بود؛ برنامه‌های توسعه طراحی می‌شوند و سازندگی یک کشور جنگ‌زده در رأس برنامه‌های دولت قرار می‌گیرد. البته در این راستا تلاش‌های زیاد و مؤثری می‌شود، اما سئوالات مهمی از آن دوران هنوز باقی مانده است: این‌که الگوهای توسعه و برنامه‌های اقتصادی و



### اهداف

۱. تقویت زیرساخت فکری - فرهنگی توسعه فناوری، صنعت و اقتصاد در کشور از طریق شبکه‌سازی مراکز تحلیل و تفکر
۲. ایجاد بستر مناسب آشنایی و تبادل نظر تحلیل‌گران فناوری، صنعت و اقتصاد کشور
۳. انعکاس نظرات و انتقادات تحلیل‌گران به مسئولان و پیگیری ارتباط مستمر آن‌ها با هدف اصلاح تصمیمات
۴. ایجاد زمینه‌ی مشارکت کانون‌های تفکر در تدوین سیاست‌های اقتصادی، صنعتی و فناوری
۵. تقویت ارتباط تحلیل‌گران تکنولوژی کشور با رسانه‌ها با هدف انعکاس مناسب مطالب به افکار عمومی



برگزاری دوره‌های آموزشی توسط ستاد شبکه - دوره‌ی آموزشی دانش‌جویان دانشگاه زاهدان در محل جهاد دانشگاهی دانش‌گاه صنعتی شریف - تیر ۱۳۸۵

«امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیش‌رفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیش‌رفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است؛ چیز غلطی است؛ هم غلط است، خطاست، هم خطرناک است.»

اگرچه از آن‌ها خواسته‌ی مهم رهبر انقلاب، موضوع نهضت آزاداندیشی و آزادی‌خواهی (برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی و بحث‌های آزاد فکری و علمی در محیط‌های دانش‌گاهی و حوزه‌های علمیه) - که اتفاقاً مخاطب‌اش فراتر از نسل جوان بود - مغفول ماند، اما جوانان و نخبگان انقلاب در زمینه‌ی جنبش نرم‌افزاری و خصوصاً جنبش عدالت‌خواهی حرکت‌های امیدبخشی را آغاز نمودند.

پرچم جنبش نرم‌افزاری، آفت غرب‌زدگی و خودباختگی علمی و تخصصی را درمان می‌کرد و علم جنبش عدالت‌خواهی، آفت رفاه‌زدگی و زیاده‌خواهی مدیران و فراموشی مستضعفان را و همه‌ی این‌ها، نوید این پیام مهم بود: «احیای اصول انقلاب به دست جوانان نسل سوم انقلاب»؛ اتفاقی که در هیچ‌یک از انقلاب‌های دنیا سابقه نداشت.

پاسخ‌های متفاوت به یک سؤال: «چه باید کرد؟» نسل سوم با گسترش مفهوم جنبش نرم‌افزاری و زنده شدن روحیه‌ی مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی و ایجاد موج‌های

نهضت توأمان فرامی‌خواند تا این روحیه و انرژی سرشار هم‌چون فرصتی کم‌نظیر در خدمت اصلاح واقعی و پیش‌رفت انقلاب اسلامی قرار گیرد.

#### رهبری و ترسیم‌سه میدان جهاد

«جنبش عدالت‌خواهی، جنبش نرم‌افزاری و نهضت آزاداندیشی» سه میدان جهادی بودند که باید آسیب‌های پیش‌رو را درمان و افق‌ها و آرمان‌ها را زنده و دست‌یافتنی می‌نمودند. گویا حالا برای نسل جوان پس از دوره‌ی انفعال، دوران جنگ و مبارزه دوباره آغاز شده بود و بار دیگر این فراز از پیام امام که «خود را برای یک مبارزه‌ی علمی و عملی بزرگ آماده کنید» در قالبی دیگر به گفت‌مان نسل جوان تبدیل می‌شد. تدبیر جدی برای مشکلات حقیقی کشور و «مبارزه با فقر و فساد و تبعیض»، هدف‌هایی بودند که با پیوند آن‌ها سه میدان جهاد دست‌یافتنی می‌نمودند.

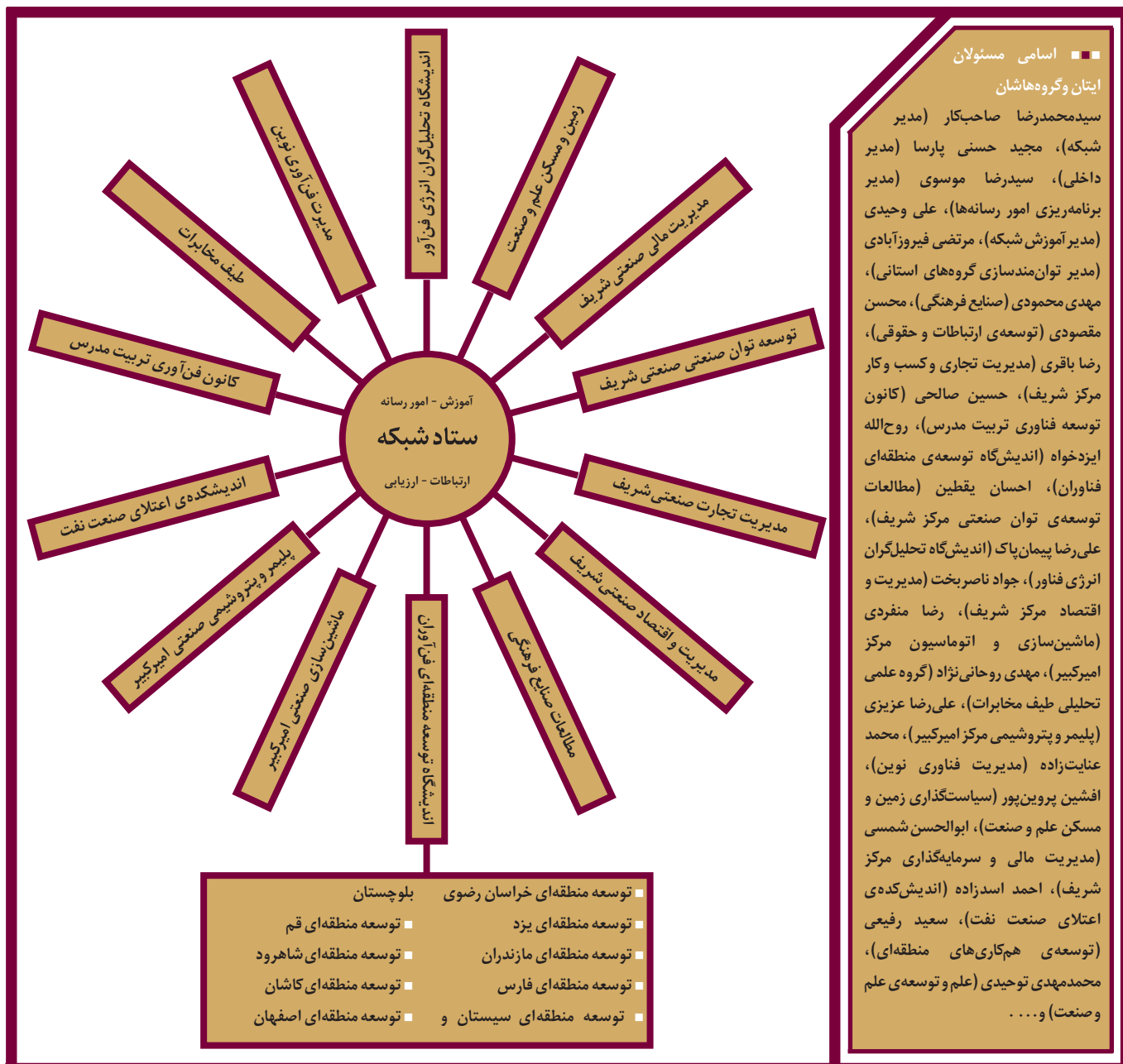
نسل جدید، جوان بود؛ اما برخی تجربه‌های دوران سازندگی و پس از آن به او آموخته بود که باید شدیداً مراقب غرب‌زدگی در سیاست‌ها و برنامه‌ها باشد و در برنامه‌ریزی‌ها بیش‌تر به تفکر دینی و بومی بیایندیشد. عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری و مواجهه‌ی نظری (و نه عملی) با مدل‌ها و الگوهای غربی در ذهن مسئولان، شاید مهم‌ترین دست‌آورد سال‌های اولیه‌ی دهه‌ی ۸۰ باشد. تفکر غربی برخی مدیران و کارگزاران یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی بوده و هست که رهبر انقلاب نیز، سال ۸۶ این‌گونه در مورد آن هشدار می‌دهند:

فرهنگی ام‌القرای جهان اسلام برکدام مبنای طراحی شدند و ارزش‌های اصولی انقلاب اسلامی نظیر عدالت اجتماعی، توجه ویژه به محرومین و مستضعفین، امر به معروف و نهی از منکر، گسترش روحیه‌ی ایثار و فرهنگ دینی و... چه قدر در طراحی این برنامه‌ها دغدغه‌ی مدیران و سیاست‌گذاران بوده است؟ یا این‌که برنامه‌ها و سیاست‌ها چه قدر از الگوهای غربی و شرقی وام گرفته‌اند و چه میزان از الگوهای دینی؟ و بسیاری سئوالات دیگر. در هر حال در خصوص دوران پس از جنگ و جهت‌گیری‌های آن و چرایی سکوت و انفعال نسل جوان آن‌روزها در برابر برخی سیاست‌ها حرف‌های بسیاری مانده است که به هر حال آن دوره هم تجربه‌ای است برای ادامه‌ی مسیر انقلاب.

#### نسل جوان و اصلاح‌آفت‌های نظام

از آن سال‌های پُرسکوت و پُرسکون که عبور کنیم به سال‌های سیاست‌زده و پُرتنش جریان دانشجویی در اواسط و اواخر دهه‌ی ۷۰ می‌رسیم که فعلاً از آن می‌گذریم. اما پس از آن دوره، بدون شک دهه‌ی اخیر (دهه‌ی ۸۰) را باید دوره‌ی بیداری نسل جوان دانست. جوانان این دوره یعنی همان امیدهای گذشته‌ی امام امت، برخی آسیب‌ها و نقایص مدیریت کشور را بدون واسطه از زبان رهبرشان می‌شنوند. رهبری انقلاب با بینشی قوی و با آگاهی از برخی آسیب‌های نظام و با آشنایی از روحیه‌ی آرمان‌گرا و بانگیزه‌ی نسل جوان، پتانسیل بی‌نظیر دانش‌جویان و جوانان را به ۳





اگرچه خودآگاهی و بیداری دانش‌جویان در این دوره و ورود جوانان بانگیزه به عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور نویدبخش اتفاقات بزرگی در این عرصه‌ها بود، اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد کم‌تر افراد دغدغه‌مند و ارزشی در حیطه‌های مرتبط با مدیریت توسعه و پیش‌رفت اقتصادی و صنعتی کشور ورود می‌کنند و لذا احساس می‌شد

معارف اسلامی، اقتصاد و... تغییر دادند. عده‌ای نیز برای تحقق این منظور عازم حوزه‌های علمیه شدند. عده‌ی کثیری از بچه‌های مذهبی دانش‌گاه هم چه برای اشتغال و چه برای ادامه‌ی تحصیل جذب فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شدند و لذا اشتغال و امرار معاش خود را در مسیری جدا از رشته‌ی تحصیلی خود تعریف کردند.

ضدغربی در فضای دانش‌گاه‌ها با فضای جدیدی مواجه شد. بسیاری از دانش‌جویان مذهبی رشته‌های فنی، مهندسی و حتی پزشکی را خشک، بی‌روح، کم‌اثر و جزئی نگردانستند و برای تحقق جنبش نرم‌افزاری، تحصیلات تکمیلی خود را به سمت رشته‌های علوم انسانی (نظیر علوم سیاسی، مدیریت، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، مطالعات فرهنگی،



بازاری از پارک فناوری پردیس - دی ماه ۱۳۸۷

#### ■ سایت ایتان

www.Itan.ir

این سایت در میان سایت های تحلیلی ایرانی از جمله پُربیننده ترین ها است. در این سایت مجموعه ای از مقالات، فعالیت ها و پژوهش های گروه های عضو شبکه ی ایتان قرار دارد. البته بسیاری از گروه های عضو شبکه مانند مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، گروه علمی تحلیلی طیف، مرکز مطالعات توسعه ی منطقه ای خراسان رضوی و... دارای سایت های مستقل هستند که آدرس آن ها در قسمت لینک های این سایت قرار دارد. هم چنین لینک مجموعه ای از سازمان های مرتبط و هم کار با شبکه نیز در سایت قرار داده شده است.

بخش بندی سایت نیز به این صورت است:

#### ■ گروه ها:

در این قسمت نام گروه های عضو شبکه قرار داده شده است. با انتخاب گروه مورد نظر می توان به مجموعه ای از گزارش ها و تحلیل های گروه مربوطه دست یافت.

#### ■ گزارش های تحلیلی:

گزارش های تحلیلی شبکه در این قسمت سایت قرار داده شده است.

#### ■ جدیدترین مطالب:

در این قسمت تحلیل های مختلف به ترتیب قرار گرفتن بر روی سایت قابل دست رسی می باشد.

فرهنگی و سیاسی است؟

به راستی جوانان عزیزی که با هزینه ی بیت المال و صرف به ترین سال های عمر خود مهندسی نفت، پتروشیمی، عمران، کشاورزی، مکانیک و... گرفته بودند باید تناقض بین روحیه ی آرمان گرایی شان و روح به ظاهر خشک و بعضاً وارداتی و ترجمه ای تحصیلات شان را چه گونه حل می کردند؟ آیا دغدغه ی امرار معاش باید آن ها را - با آن روحیه و انگیزه ی خدمت - تبدیل به یک کارمند و کارشناس فنی می کرد؟ و آیا آن ها هم باید در جریان بوروکراتیک و فرسایشی ادارات دولتی هضم می شدند و یا از مدارک معتبرشان در بخش خصوصی و کارهای فنی بهره می گرفتند و زندگی خود را سامان می دادند؟ و در این صورت آن همه دغدغه در مورد انقلاب و کشور را چه می کردند؟

#### ■

... و پاسخی به نام «ایتان»

سال ۷۹ یکی از پاسخ های متفاوتی که به سؤال کلیدی «چه باید کرد؟» داده شد، سبب شد تا سرانجام مجموعه ای ایجاد

این عرصه ی مهم از نیروهای ارزشی و متفکر خالی بماند و در نتیجه بسیاری از معضلات مهم مدیریتی در صنعت، تکنولوژی، مسکن، فناوری های نوین، انرژی و... - که نیاز به مدیریت جهادی و علمی برای رسیدن به خودکفایی و افزایش بهره وری و توان ملی دارند - لاینحل باقی بماند.

اما آیا به راستی این تلقی از جنبش نرم افزاری درست و کامل بود؟ و آیا برای تحقق خواست رهبر انقلاب نباید به موازات حرکت های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بخشی از نیروهای اصیل انقلاب، در حوزه های تخصصی مدیریت اقتصاد و تکنولوژی و... کشور که قسمت عظیمی از کارآمدی نظام را تأمین می کنند نیز ورود برنامه ریزی شده ی نیروهای انقلاب را با همان ارزش های اصولی طراحی نمود؟

درست است که ماهیت تکنیکی و ظاهراً سکولار بسیاری از رشته های دانش گاهی، روح آرمان گرا و خواهان تأثیرگذاری دانش جویان فعال حزب اللهی را سیراب نمی کند، اما آیا تنها راه حل، پاک کردن صورت مسأله، خالی کردن میدان و حرکت همه ی نیروها به سمت حوزه و یا علوم انسانی و کارهای



سلسله جلسات هم‌اندیشی گروه مسکن در وزارت امور اقتصادی و دارایی با موضوع تهیهی بستهای سیاستی مسکن

### آموزش

شبکه‌ی ایتان با توجه به اهمیت آموزش نیروی انسانی به‌عنوان اصلی‌ترین دارایی‌اش و نیز ضرورت ارتقای مداوم دانش کارشناسان خود، از ابتدای شکل‌گیری انجام فعالیت‌های آموزشی را به‌عنوان یک خدمت ستادی به گروه‌های هم‌کار مدنظر خود داشته است. ایتان تا به حال دوره‌هایی با محوریت آموزش مباحث علمی و مهارتی برگزار کرده است. گستره‌ی این مباحث از آشنایی با مباحث مطرح در حوزه‌های مختلف علوم اقتصاد و مدیریت شروع می‌شود و به آموزش‌های مهارتی عمومی و تخصصی موردنیاز کانون‌های تفکر ختم می‌شود. نشست‌های تحلیلی مسایل مطرح در حوزه‌های اقتصاد، صنعت و فناوری هم از جمله‌ی این فعالیت‌ها است. در این نشست‌ها کارشناسان ارشد ایتان و صاحب‌نظران آن حوزه‌ها شرکت می‌کنند. مسئولین ایتان که خود را شبکه‌ای از جوانان سیاست‌پژوه می‌دانند، برگزاری دوره‌هایی در دانشگاه‌های مطرح کشور برای معرفی فعالیت‌های ایتان را در دستورکار بخش آموزش خود قرار داده‌اند. تاکنون چنین دوره‌هایی در برخی از دانشگاه‌ها از جمله «دانشگاه سیستان و بلوچستان» و «دانشگاه صنعتی امیرکبیر» برگزار شده است. در کنار فعالیت‌های آموزشی فوق که عمدتاً جنبه‌ی حضوری دارند، بخش آموزش با تهیه‌ی یک بانک جامع اطلاعاتی از اساتید و دانش‌جویان در سطح کشور اقدام به ارسال ایمیل‌های علمی - تحلیلی نموده که به گفته‌ی اعضای این مجموعه گویا با استقبال خوبی هم مواجه شده است.

شود که بسیاری از تناقضات و سئوالات مذکور را حل کند. مجموعه‌ای که بعدها به نام «ایتان» (شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران) معروف شد، از یک‌سو پاسخی بود به نیازها و مسایل متعدد کشور در عرصه‌های تخصصی و از سوی دیگر پاسخی بود به عطش تأثیرگذاری و آرمان‌گرایی فارغ‌التحصیلان و دانش‌جویان دغدغه‌مند رشته‌های فنی و مهندسی و البته بعدها رشته‌های اقتصادی و مدیریتی و... . ایتان برای پاسخ مناسب به مسایل و تناقضات ظاهری فوق دو ویژگی مهم را ترویج می‌کرد:

۱. تغییر سطح از مسایل تکنیکی و فنی به فضای تحلیل‌گری و سیاست‌پژوهی

برای مثال یک دانش‌جوی مهندسی پتروشیمی و مهندسی نفت به جای آن‌که حیطه‌ی فکری و کاری خود را فقط معطوف به انواع فرمول‌ها و آزمایش‌ها و تحقیقات فنی کند، می‌تواند مشکلات حوزه‌ی نفت و انرژی کشور را رصد نماید و با طی یک مسیر مطالعاتی و فکری و با گذر از یک فرایند روش‌مند وارد فضای تحلیل‌گری و سیاست‌پژوهی شود و اشتغال و حتی ادامه‌ی تحصیلات و تحقیقات خود را در خصوص استراتژی‌های صنعت نفت کشور، چه‌گونه‌ی حل معضل صدساله‌ی خام‌فروشی نفت و یا گاز، گسترش بدون برنامه‌ی واحدهای بالادستی پتروشیمی و... معطوف نمایند. لذا ایتان ورود به سطوح مدیریت و تصمیم‌سازی در حوزه‌های صنعتی و اقتصادی را در برابر

دانش‌جویان و فارغ‌التحصیلان دانش‌گاهی در صورتی که توان و انگیزه‌های فراتری از مسایل تکنیکی دارند، باید سعی کنند خود را به مسایل فنی و تکنیکی رشته‌ی خود محدود نکنند و فکر و ذهن خود را با مسایل کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و مدیریتی مربوط به رشته‌ی خود نیز درگیر نمایند. به عبارت دیگر نیروهایی که دغدغه‌ی



نگاه جزئی‌نگر و یا صرفاً فنی به این رشته‌ها را توصیه می‌نماید.

## ۲. تیم‌سازی و شبکه‌سازی

یکی دیگر از ویژگی‌های ایتان ترویج این تفکر است که برای آن که نیروهای با انگیزه و دغدغه‌مند در فضای بوروکراتیک و خشک ادارات و یا فضای سودمحور و جزئی‌نگرانه‌ی برخی شرکت‌های خصوصی و دولتی هضم و محو نگردند و هم‌چنین جهت ایجاد فضای مناسب تحلیل‌گری و سیاست‌پژوهی، «افراد» باید تبدیل به «تیم‌ها و گروه‌های تحلیل‌گری» شوند. تیم‌سازی و جمع شدن دو سه و یا چهار نفر از افرادی که دغدغه‌های مشترک دارند حول یک مسأله و نیاز کشور، علاوه بر آن که آسیب‌های فوق را کاهش می‌دهد، می‌تواند مزایا و برکات فراوانی داشته باشد، که «یدالله مع الجماعه».

## اما ایتان چه‌گونه شکل گرفت؟

شاید بعضی‌ها حوصله‌ی خواندن تاریخچه و تجربه‌ی شکل‌گیری ایتان را نداشته باشند، اما به نظرم مرور سال‌هایی که پُر است از تجربه‌های گران‌بها که برای درک شخصی هرکدام‌شان سال‌ها وقت باید گذاشت، در چند سطر خالی از لطف نیست. برای آن‌که از فرایند شکل‌گیری تدریجی ایتان آگاه شویم باید سفری کوتاه به خواب‌گاه‌های دانش‌گاه صنعتی شریف و فضای سیاست‌زده‌ی دانش‌گاه‌های پس از دوم خرداد ۷۶ داشته باشیم.

بعد از خرداد ۷۶ عمده‌ی مباحث در دانش‌گاه‌ها بر روی «توسعه‌ی سیاسی»، «رابطه با آمریکا»، «حدود آزادی‌های شخصی»، «تئوری‌های دموکراسی و حکومت اسلامی» و مواردی از این قبیل متمرکز بود.

## تحلیلی راه‌گشا؛ «مشکلات کشور صرفاً سیاسی نیست!»

این فضای پرهیجان و سیاست‌زده‌ی دانش‌جویی آن سال‌ها، کم‌کم برخی از دانش‌جویان ارزشی دانش‌گاه شریف را به این تحلیل رساند که «مشکلات کشور ما صرفاً سیاسی نیست و راه‌حل‌های واقعی برای گسترش عدالت اجتماعی، توسعه‌ی کشور، کاهش فقر و... را باید در لایه‌های عمیق‌تری جست‌وجو کرد». البته این تحلیل به معنای بی‌تفاوتی نسبت به مباحث عقیدتی، اجتماعی و سیاسی کشور نبود، بل که به معنای آن بود که باید با الهام‌گرفتن و مبنای قرار دادن تفکرات اصیل انقلاب اسلامی و حضرت امام، به صورت بطئی‌تر این تفکرات را روزآمد و به جامعه و تصمیم‌گیران ارایه نمود. این تحلیل راه‌گشا در آن فضای سیاست‌زده، نقطه‌ی عطفی بود و سرآغاز یک جهت‌گیری اساسی شد که بر مبنای آن هسته‌ی اولیه‌ی ایتان در سال ۷۷ شکل گرفت.

## تأسیس «دفتر مطالعات تکنولوژی» در دانش‌گاه شریف

با رسیدن به تحلیل اصلی فوق، زمینه‌های پرس‌وجو درباره‌ی مشکلات اقتصادی، صنعتی و... کشور فراهم می‌شود و با توجه به تحصیلات اکثر افراد هسته‌ی اصلی در رشته‌های فنی - مهندسی، اولین مسأله‌ای که ذهن این افراد را به خود جلب نمود، مشکلات کشور در زمینه‌ی راه‌بری و سیاست‌گذاری و اجرای بهینه‌ی برنامه‌های توسعه‌ی صنعتی و تکنولوژیک بود و بحث انجام مطالعات کلان در حوزه‌ی تکنولوژی در دستور کار قرار گرفت. آشناسدن با مفهوم «مدیریت تکنولوژی» و این‌که تکنولوژی هم‌نیاز به مدیریت و سیاست‌گذاری دارد یکی از نقاط عطف فعالیت این تیم بود.

## آشنایی هسته‌ی مرکزی با دفتر هم‌کاری‌های فناوری و

### تأسیس ایتان

با آشنایی تیم اصلی فعال در دفتر مطالعات تکنولوژی دانش‌گاه صنعتی شریف با «دفتر هم‌کاری‌های فناوری ریاست‌جمهوری» (خصوصاً معاونت پژوهش این دفتر) و آشنایی با تفکرات موجود در دفتر هم‌کاری‌های فناوری در خصوص توسعه‌ی صنعت و فناوری در کشور این نیاز به شدت احساس شد که یک جریان در این زمینه‌ها باید در کشور به وجود بیاید. در نتیجه شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (Analysis Network) با نام اختصاری ایتان (ITAN) با هدف جریان‌سازی در خصوص تفکر مطلوب مدل توسعه در کشور و هم‌چنین انتقال نظرات کارشناسان به تصمیم‌گیران در سال ۱۳۷۹ تأسیس شد.

## آشنایی با مدل کانون تفکر

در سال‌های (۱۳۸۱ - ۱۳۸۲)، فعالیت شبکه تاحدی گسترده‌تر شده و نام شبکه‌ی ایتان در برخی از محافل شنیده می‌شد. از سوی دیگر افراد مستقر در شبکه که عمدتاً جوان و با انرژی بودند و تاکنون وظیفه‌شان کسب نظرات صاحب‌نظران در مستندسازی و انتقال این موضوعات به مدیران بود، به حدی از توان‌مندی رسیده بودند که خود به عنوان یک کارشناس و صاحب‌نظر، توانایی تحلیل موضوعات و ارایه‌ی نظرات جدید را داشته باشند.

در برخی موارد به دلیل این‌که نگاه‌های سیاست‌گذاری و سیاست‌پژوهی در بین متخصصین - که عمدتاً از افراد دانش‌گاهی و محدود در دیدهای فنی و دانش‌گاهی و بعضاً با رویکردهای تک‌بعدی بودند - بسیار کم بود، لذا نیروهای

### ■ کتاب‌ها و جزوات

#### ایتان

از فعالیتهای اعضای ایتان یکی هم این است که برخی مباحث و مقالات مهم خودشان را در قالب جزوات و کتاب‌هایی تدوین و منتشر می‌کنند. از جمله یکی از معروف‌ترین محصولات نوشتاری ایتان کتاب «از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی؛ نقد طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور» است. این کتاب توسط کانون تحلیل‌گری سیاست صنعتی و مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، در سال ۸۳ گردآوری و تدوین شده است. ساختار این کتاب مجموعه‌ای از مقالات و مصاحبه‌ها است که قصد اصلی آن‌ها به چالش کشیدن مهم‌ترین فرضیات و تئوری‌های مطرح شده در کتاب «خلاصه‌ی مطالعات استراتژی صنعتی» است. قصد اصلی تدوین‌گران کتاب طرح مباحث و سرفصل‌های مهمی است که کتاب مذکور یا آن‌ها را نادیده گرفته و در حیطه‌ی ارکان استراتژی توسعه‌ی صنعتی قلم‌داد نکرده است و یا این‌که به گونه‌ای ضعیف از کنارشان گذشته است.



پتروشیمی، مخابرات، فناوری‌های نوین، مدیریت و اقتصاد، صنایع دریایی، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، ماشین‌سازی، صنایع فولاد و... حاصل تجربه‌ی چندین ساله‌ی ستاد مرکزی و گروه‌های ایتان است، که امروز هر یک از این گروه‌ها به گروه‌هایی مستقل تبدیل شده‌اند.

هم‌چنین ایجاد ۸ کانون تفکر عمدتاً نوپای توسعه‌ی منطقه‌ای در استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، هرمزگان، مازندران، قم، کرمان و هم‌چنین شهرهای کاشان و شاهرود از جمله تلاش‌های سال‌های اخیر ستاد شبکه است.

امروز حضور بیش از ۲۰۰ کارشناس تمام‌وقت و ارتباط هم‌افزایانه با بیش از ۲۰۰۰ تن از نخبگان، کارشناسان و مدیران کشور، گویای بخشی از توان‌مندی و ظرفیت‌های این شبکه است که می‌تواند در خدمت توسعه و تعالی کشور قرار گیرد.

آن‌چه تاکنون ذکر شد مروری بود بر تاریخ‌چه‌ی شکل‌گیری شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (ایتان) که در خلال آن برخی از مبانی فکری و فعالیت‌های کانون‌های تفکر نیز ذکر شد. در ادامه لازم است برخی از مزیت‌ها، جهت‌گیری‌ها، موفقیت‌ها و آسیب‌های پیش‌روی این شبکه نیز اشاره نمود.

#### پیوند ناگزیر جریان عدالت‌خواهی و جنبش نرم‌افزاری

در سال‌های اخیر با گسترش فضای عدالت‌خواهی و مطالبات مردمی و دانش‌جویی در این عرصه موج مطالبه‌ی مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز ایجاد شد. به ویژه فرمان ۸ ماده‌ای ره‌بر انقلاب، مطالبه‌ی بروزی است که البته هنوز با پاسخی مناسب و درخور از سوی مسئولان هم‌راه نبوده است.

جوان شبکه با فراگرفتن روش‌های سیاست‌گذاری برای صنعت و فناوری، تحلیل‌ها و مطالب‌دیعی را با تلفیق موضوعات فنی - مدیریتی می‌توانستند عرضه‌کنند. در این مقطع آشنایی با مفاهیم جدیدی مانند «کانون‌های تفکر» (think tank) یا اتاق‌های فکر باعث ایجاد تحولی در مجموعه شد.

#### ■ استقلال گروه‌های شبکه و گسترش فعالیت به سایر دانش‌گاه‌ها

با گسترش فعالیت‌های شبکه، تعداد کارشناسان گروه‌های شبکه افزایش پیدا می‌کرد. لذا باید ساختار جدیدی تعریف می‌شد تا گروه‌ها به صورت مستقل با ساختارهای حقوقی و مالی مختص به خود فعالیت کنند. به تدریج و با گسترش فعالیت‌ها و آشنایی ستاد شبکه با پتانسیل سایر دانش‌گاه‌های کشور فرصتی مناسب برای گسترش شبکه به وجود آمد و در برخی دیگر از دانش‌گاه‌های کشور (مانند تهران، امیرکبیر، علم و صنعت، تربیت مدرس و...) گروه‌های مناسب شناسایی و مورد حمایت قرار گرفتند.

این امر نیز یک نقطه‌ی عطف در حرکت شبکه بود. چراکه در برخی زمینه‌ها دانش‌جویان سایر دانش‌گاه‌ها (غیر از شریف) خصوصیات و توان‌مندی‌های منحصر به فرد و بسیار خوبی داشتند که در دانش‌جویان دانش‌گاه شریف وجود نداشت.

#### ■ تشکیل شبکه‌ای از کانون‌های تفکر

در حال حاضر ایتان دارای گسترده‌ترین و اثرگذارترین شبکه‌ی کانون‌های تفکر در کشور است. تشکیل و ثبات و شبکه‌سازی ۱۴ کانون تفکر در تهران در حوزه‌های تخصصی مختلف نظیر سیاست‌های زمین و مسکن، نفت، گاز،

اما باید دانست که در این میدان یکی از اهداف اصلی، مبارزه با «حیف و میل بیت‌المال» است. بچه‌های ایتان جمله‌ی معروفی دارند که برایم جالب است: «وقتی در رسانه‌ها، جریان دانش‌جویی و... از مبارزه با فساد (حیف و میل بیت‌المال) صحبت می‌شود، فقط به قسمت «میل بیت‌المال» پرداخته می‌شود و بدان اعتراض می‌شود که فلان مسئول و یا بهمان فرد اختلاس یا رانت‌خواری کرده؛ اما کم‌تر دیده‌ایم که به قسمت «حیف بیت‌المال» اعتراضی اساسی صورت گیرد! چه آن‌که طراحی و نحوه‌ی اجرای بسیاری از پروژه‌های اقتصادی و صنعتی کشور و یا برخی از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مصداق کامل حیف بیت‌المال و تضییع حقوق و اموال عمومی است و محتاج نهی از منکر و امر به معروف و لذا چه زیباست که گفت‌مان عدالت‌خواهی که امروز بر ادبیات سیاسی و دانش‌جویی کشور حاکم شده به این امور هم بپردازد. چه بسا در سه دهه‌ی گذشته حجم مفاسدی که ناشی از سوء‌تدبیر در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و فرهنگی است و یا از درک ناصحیح و غیربومی معضلات کشور و آرایه‌ی راه‌حل‌های ناپخته و وارداتی نشأت گرفته است

بسیار فراتر از مفاسد فردی است. برای مثال در فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان و طرح‌های مهم حوزه‌ی نفت و انرژی کشور در حوزه‌ی تولید، توزیع، مصرف و صادرات انرژی که طرح‌ها و سیاست‌های صدها میلیارد دلاری تصمیم‌گیری می‌شود، اگر به موجب نظارت و تصمیم‌سازی کانون‌های تفکر مستقل، فقط چند درصد این برنامه‌ها را با فکر به‌تر و تصمیمی عاقلانه‌تر و نظارتی دقیق‌تر بشود تصمیم‌گیری کرد، میلیاردها دلار صرفه‌جویی می‌شود و برخی جهت‌گیری‌های مهم این حوزه (نفت و انرژی) اصلاح می‌شود.

البته بدیهی است که نظامی می‌تواند از تدابیر علمی و شایسته بهره‌برد که مدیران آن‌آلوده به مفاسد گوناگون نشده باشند و لذا ذکر این نکات برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی دانه‌درشت‌ها را به‌هیچ‌وجه نفی نمی‌کند. اما برگسترش و تعمیق این مبارزه در لایه‌های تصمیم‌گیری نیز تأکید دارد، که البته ورود به این عرصه نیازمند کار عمیق و تحلیل‌گری است و مجاهدتی عظیم می‌طلبد.

#### استقلال کانون‌های تفکر؛ «تحلیل‌گری» به جای «توجیه‌گری»

نکته‌ی مهم دیگر در خصوص کانون‌های تفکر و شبکه‌ی ای‌تان، مستقل‌بودن این گروه‌ها از بدنه‌ی دولت و وزارت‌خانه‌ها است. همان‌طور که می‌دانیم اکثر وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی در ساختار سازمانی از قسمتی به‌عنوان مرکز پژوهش و مطالعات و یا نامی شبیه به این برخوردارند. اما به دلیل ساختار بوروکراتیک و فضای اداری حاکم بر اکثر آن‌ها، این مراکز پژوهشی درون سازمانی معمولاً مجبورند در فضایی بیاندیشند که مدیران و یا وزرای مربوط می‌خواهند و معمولاً به‌جای آن‌که مدیران، سیاست‌ها و تصمیمات خود را از مراکز مطالعاتی و پژوهشی خود اخذ نمایند، این مراکز پژوهشی اندک در پازل مدیران می‌اندیشند و متأسفانه می‌بینیم که بسیاری از این مراکز به جای «تحلیل‌گری» مجبور به «توجیه‌گری» اقدامات و تصمیمات مدیران‌اند و لذا حتی نیروهای بانگیزه و خلاق این مراکز نیز به ندرت قدرت خلق تحول و ایجاد فکر جدید را می‌یابند.

این موضوع ضرورت ایجاد «کانون‌های تفکر مستقل» که فارغ از مسایل سیاسی و جناحی و ملاحظات قدرت به تحلیل و سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی و احیاناً نقد سیاست‌ها و... بپردازند را اثبات می‌نماید. مجموعه‌هایی که تنها افزایش کارآمدی مجموعه‌ی نظام را هدف خود قرار دهند و تنها

براساس اصول و روش‌های علمی و مبنای و ارزش‌های نظام و البته با توجه به ملاحظات اجرایی تصمیم‌سازی کنند.

#### فرایند پیچیده‌ی تأثیرگذاری

در کشور ما پژوهش‌گران قوی و بانگیزه‌ای وجود دارند و اگر از انبوه تحقیقات و پژوهش‌های غیرکاربردی افراد و مجموعه‌های پژوهشی در کشور بگذریم بازهم حجم خوبی از تحلیل‌های بکر و کاربردی وجود دارد که متأسفانه به دلایل مختلف نتوانسته‌اند به مرحله‌ی اثرگذاری برسند. یکی از ویژگی‌های کانون‌های تفکر و شبکه‌ی ای‌تان، تعهد و پی‌گیری گروه‌ها برای به‌عمل‌رساندن تحلیل‌ها و آرایه‌ی راه‌کارهای اجرایی مبتنی بر آن‌هاست.

بنابراین ذکر این نکته بسیار مهم است که صرف‌نظر از فرایند زمان‌بر تصمیم‌سازی و تحلیل‌گری گروه‌ها در مسایل مختلف، بحث تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران و مدیران تصمیم‌گیر خود پروژه‌ای جداگانه و فرایندی پیچیده است که هم نیاز به ارتباط هدف‌مند با سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر دارد و هم نیازمند استفاده‌ی روش‌مند و برنامه‌ریزی‌شده از ابزارهای مختلف رسانه‌ای (صداوسیما، مطبوعات، سایت‌ها و...) و کار بر روی افکار عمومی، دانش‌جویان، نخبگان و... است. به عبارت دیگر فرایند اثرگذاری فرایندی چندوجهی است. که هم چانه‌زنی از بالا می‌خواهد و هم چانه‌زنی از پایین. در شبکه‌ی ای‌تان سعی شده است حتی‌المقدور از ابزارهای مختلف رسانه‌ای برای رساندن پیام به مسئولان و مردم استفاده شود.

البته در بسیاری از مواقع منافع برخی از گروه‌ها، اصناف، احزاب و حتی باندهای قدرت و ثروت و سوداگران اقتصادی در سمت مقابل تحلیل‌های شما است که همین امر کار اثرگذاری و به‌نتیجه‌رسیدن تحلیل‌های گروه‌ها را سخت می‌کند و لذا بعضاً با وجود دلایل و تحلیل‌های قوی نیز این تحلیل‌ها به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسند. از همین روست که این مسیر افرادی صبور، بانگیزه و آرمان‌گرا می‌طلبد.

#### یک نکته هم برای مسئولان: مدلی برای پرورش و نقش آفرینی جوانان

اما آن‌چه می‌تواند در مطالعه‌ی روند تاریخی شکل‌گیری ای‌تان برای مسئولان کشور درس‌آموز باشد، نحوه‌ی حمایت مخلصانه و برنامه‌ریزی بلندمدت دفتر هم‌کارهای فناوری ریاست جمهوری (خصوصاً شخص مهندس سجادی که حدود ۲۵ سال مسئول این دفتر بودند) بر روی جوانانی است که شاید کسی در سال‌های ابتدایی، آینده‌ی روشن و

مشخصی برای مجموعه‌ی آن‌ها متصور نبود. چه شایسته است در این سال‌ها که بحث حمایت از نقش جوانان در مدیریت کشور پررنگ شده، این‌گونه افراد و تجربه‌ها الگوی عمل سایر مدیران قرار گیرند و به‌جای آن‌که در دوره‌های مختلف تنها با نگاهی سیاسی و یا حزبی جوانانی را در رأس برخی امور قرار دهیم و به دنبال آثار مقطعی باشیم، برنامه‌ای بلندمدت و البته کم‌سروصدا طراحی کنیم و جوانان بانگیزه و ارزشی و آرمان‌گرا در مدل‌هایی نظیر کانون‌های تفکر و مراکز سیاست‌پژوهی و اندیش‌گاه‌ها به‌تدریج با معضلات تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی کشور در حیطه‌های مختلف تخصصی آشنا کنیم و قدرت تحلیل‌گری آن‌ها را افزایش دهیم. بدیهی است ظاهر کم‌زرق و برق و ثمربخشی بلندمدت این‌گونه کارها از رشد رانت‌گونه‌ی جوانان نیز جلوگیری می‌کند و بیش‌تر افرادی را جذب می‌نماید که حقیقتاً شیفته‌ی خدمت و جهاد علمی باشند.

#### آسیب‌ها و آفت‌های پیش روی ای‌تان

اما آن‌چه در این گزارش ذکر شده به معنای کامل بودن نسخه و روش شبکه‌ی تحلیل‌گران نیست. بل که نگارنده صرفاً قصد داشت با ذکر خلاصه‌ی یک مسیر تاریخی و جریان‌شناسی حرکت‌های دانش‌جویی ارزشی پس از انقلاب، به معرفی یکی از جریان‌ها و جهت‌گیری‌ها به نام «جریان تحلیل‌گری» بپردازد و قطعاً این جریان نوپا ضعف‌ها و نقایصی دارد که باید با استفاده از نظر دل‌سوزان مرتفع شوند.

آن‌چه دغدغه‌ی ذهنی مدیران و اعضای شبکه‌ی ای‌تان است، چه‌گونه‌گی مواجهه با برخی آفت‌های پیش‌رو است. لزوم تقویت چتر تنوریک ای‌تان و بازتولید مبنای فکری و اعتقادی شکل‌گیری حرکت، لزوم تأکید مجدد بر مبنای بومی و دینی، لزوم دمیدن دایمی روحیه‌ی جهادی و بسیجی در کارشناسان گروه‌ها، پیش‌بینی به‌موقع و علاج آفت احتمالی استحاله‌ی فکری و نظری نیروها، حفظ کارکرد کانون تفکر گروه‌ها، دغدغه‌ی راه‌های تأمین مالی صحیح گروه‌های مستقل ای‌تان – که ممکن است همین دغدغه، کارکرد کانون تفکر آن‌ها را به مرور کاهش دهد و به عرصه‌ی سودآوری متمایل نماید، حرکت و راه‌بری گروه‌های ای‌تان به سمت میدان‌های بکر جدید در عرصه‌ی تحلیل‌گری و اکتفانکردن به تولیدات قبلی و... همه و همه از دغدغه‌ها و آسیب‌های مهمی است که نیاز به مدیریت و پالایش دایمی چنین گروه‌هایی را افزایش می‌دهد و مسیر سخت پیش‌رو را نشان می‌دهد.



### سه پرده از فعالیت‌های موفق

#### پرده‌ی اول

خیابان پاستور، ساختمان ریاست جمهوری، جلسه‌ی کارگروه مسکن همه‌ی وزرای مرتبط آمده‌اند. آقایان سعیدی‌کیا (وزیر مسکن)، جهرمی (وزیر کار)، میرکاملی (وزیر بازرگانی)، دکتر الهام و سایر مسئولان دولتی و وزارت‌خانه‌های مرتبط با امر زمین و مسکن در سالن جلسه جمع شده‌اند. مشکل مسکن و افزایش قیمت آن جدی شده است و این کارگروه باید مسأله را ریشه‌یابی و درمان نماید. همه‌ی چهره‌های حاضر در جلسه آشنا هستند، اما حضور دو چهره‌ی جوان حدوداً ۳۰ ساله که با اعتماد به نفس خاصی دور میز جلسه نشسته‌اند تعجب آقایان وزرا را برمی‌انگیزد که این دو جوان در جلسه‌ی کارگروه مسکن چه می‌کنند؟! چرا که هیچ‌کس تا به حال آن‌ها را حتی در قالب مشاوران جوان هم ندیده است. در همین اثنا رییس‌جمهور وارد می‌شود. پس از سلام و علیک عمومی با حاضرین به سمت همان دو جوان ناشناخته می‌رود و خیلی گرم با آن‌ها احوال‌پرسی می‌کند و رو به آقایان

وزرا می‌گوید: «آن گزارش‌های تحلیلی سیاست‌های زمین و مسکن که سابقاً برای تان می‌آوردم را که به خاطر دارید، آن گزارش‌ها کار همین جوانان است. از آن‌ها خواسته‌ام با توجه به مطالعات و توان مندی‌ای که دارند از این پس خودشان هم در کارگروه مسکن شرکت کنند...». آقایان وزرا تازه متوجه ماجرا می‌شوند و پاسخ‌سوالی که در ذهن‌شان بود را از رییس‌جمهور می‌گیرند. الان چند ماهی است که بچه‌های گروه مسکن مرکز مطالعات تکنولوژی علم و صنعت (یکی از گروه‌های مستقل عضو شبکه‌ی ایتان) اعضای ثابت و فعال جلسات کارگروه مسکن اند. برخی از سیاست‌های امروز دولت در مهار سوداگری در بازار زمین و مسکن و سیاست زمین صفر (مبنای نظری طرح مسکن مهر) و اتخاذ سیاست‌های مالیاتی در خصوص معاملات مکرر و خانه‌های خالی و... از جمله کارهایی است که همین مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت در طراحی و تکمیل بُعد نظری و تحلیلی آن‌ها نقش ویژه‌ای داشته است. آن‌ها حتی برای «مرکز پژوهش‌های مجلس» و سایر نهادهای اثرگذار نیز گزارش‌های تحلیلی خوبی تولید کرده‌اند. برخی از اثرات کارهای مطالعاتی و تحلیلی این گروه جوان، این روزها

در کنترل و مهار بازار لجام‌گسیخته‌ی مسکن و کمک به تصمیم‌گیران این عرصه قابل لمس است. جالب است بدانید بچه‌های گروه مسکن در دوران دانش‌جویی از بچه‌های فعال عرصه‌ی فرهنگی و سیاسی دانش‌گاه بوده‌اند و در «مجمع دانش‌جویان حزب الله» دانشگاه علم و صنعت و خصوصاً مجله‌ی «خیزش» یک‌دیگر را شناخته‌اند. و البته هنوز هم از آن فضا و دغدغه‌هایش دور نشده‌اند.

#### پرده‌ی دوم

شنبه اول تیرماه ۸۷، مرکز همایش‌های سازمان صداوسیما «همایش نظارت بر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی» به میزبانی «سازمان بازرسی کل کشور» و با شرکت سران سه قوه و مسئولان مختلف در حال برگزاری است. بسیاری از چهره‌های شاخص اقتصادی و سیاسی دولت و نظام قرار است در این همایش آخرین تحولات و چالش‌های اجرای اصل ۴۴ و فرایند نظارت بر اجرای آن را بررسی کنند. قرار بر این است که ارایه‌ها علمی و تحلیلی و ناظر بر اجرا باشد تا سخن‌رانی و موعظه. دکتر احمدی‌نژاد و دکتر لاریجانی اولین سخن‌ران‌های روز اول اند و هم‌چنین دکتر

احمد توکلی، دکتر دانش جعفری و حجت‌الاسلام ریسی نیز در همین روز باید سخن‌رانی کنند. اما در میان چهره‌های سرشناس میزگرد علمی روز اول نظیر دکتر نهاوندیان (رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران)، دکتر کرد زنگنه (رییس سازمان خصوصی‌سازی)، دکتر قاسمی (دبیر کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام)، دکتر نادران (رییس کمیسیون ویژه اصل ۴۴ در مجلس هفتم) و آقای خیره (قایم‌مقام وقت سازمان بازرسی)، یک چهره‌ی جوان حدوداً ۲۷ ساله هم به چشم می‌خورد که از نظر سنی و بصری با ترکیب درگ سخن‌رانان همایش هم‌خوانی ندارد و لذا بسیاری از نگاه‌ها را به خود و سخنان‌اش معطوف کرده است.

ماجرای از این قرار است که کارشناسان و تحلیل‌گران گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانش‌گاه صنعتی شریف (یکی از کانون‌های تفکر عضو شبکه‌ی ایتان) حدود دو سال است که بر روی مدل‌سازی اجرایی سیاست‌های اصل ۴۴ متمرکز شده‌اند و کارشان آن قدر قوی و جامع بوده که میزبانان این همایش با همه‌ی دقت و وسواسی که در انتخاب سخن‌رانان همایش داشتند پس از جلسات متعدد کارشناسی با جوانان این مرکز متقاعد شدند که این مدل توسط یکی از اعضای این گروه در همایش ارایه گردد و حتی پکیج و مدل طراحی‌شده‌ی مرکز مطالعات شریف نیز بین همه‌ی مسئولان و مدعوین همایش توزیع گردد. که از قضا مورد استقبال مسئولان و کارشناسان حاضر نیز قرار گرفت.

بچه‌های گروه مدیریت و اقتصاد در این خصوص با استفاده از تجربیات داخلی و خارجی و استفاده از نظرات بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی و مدیران بخش خصوصی و دولتی، مدلی را طراحی کرده‌اند که فرایند واگذاری بنگاه‌های دولتی را به بخش خصوصی در هفت مرحله طراحی و وظیفه‌ی هر دست‌گاه را نیز مشخص کرده است. در این مدل بیش از ۵۰ ریسک و خطری که ممکن است واگذاری‌ها را با مشکل مواجه نماید و موجب شکست آن‌ها و ائتلاف سرمایه‌های ملی گردد، پیش‌بینی و برای رفع نقص آن‌ها روش‌هایی ارایه شده است. این مدل تاکنون برای سازمان‌ها و نهادهای مختلف تصمیم‌گیری از جمله کمیسیون اقتصادی مجلس، کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام، بخش‌های مختلف دولت و... ارایه شده و حتی برای کارشناسان برخی وزارت‌خانه‌ها نظیر وزارت نفت در دوره‌های آموزشی تبیین شده و مورد توجه و استفاده‌ی این سازمان‌ها و نهادها قرار گرفته است.

گروه مدیریت و اقتصاد شریف هم‌چنین تدوین کتاب «از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی» را با موضوع نقد طرح استراتژی توسعه‌ی صنعتی کشور در کارنامه‌ی خود دارد. این کتاب که یک مواجهه‌ی نظری - عملی با تفکرات لیبرال اقتصادی در حوزه‌ی صنعت است بازتاب ویژه‌ای در فضای دانش‌گاهی و صنعتی کشور یافت.

#### پرده‌ی سوم

در آبان ۱۳۸۱ هیأت دولت طرحی را تصویب کرد که به «پروژه‌ی اتیلن غرب» معروف شد. در این طرح می‌بایست گاز اتیلن به وسیله‌ی خط لوله از عسلویه تا مهاباد انتقال یافته و زمینه‌ساز تأمین خوراک ۵ واحد پتروشیمی در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، کردستان، کرمان‌شاه و آذربایجان غربی شود. این خط لوله‌ی ۱۶۰۰ کیلومتری که زمان اتمام ساخت آن بهمن ماه ۱۳۸۶ پیش‌بینی شده بود اهدافی چون: جبران عقب‌ماندگی برخی استان‌های کشور، اشتغال‌زایی، مشارکت فعال بخش خصوصی، تحرک بخشی به فرایند تولید و ارتقای فناوری در بخش پتروشیمی را دنبال می‌نمود. این پروژه با توجه به سرمایه‌گذاری مورد نیاز (طبق برآوردها در حدود ۸۰۰۰ میلیارد تومان)، طی سال‌های گذشته به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های صنعت پتروشیمی مطرح بوده که اجرای آن در این سال‌ها هم‌واره با تبلیغات وسیعی از سوی شرکت ملی صنایع پتروشیمی توأم بوده است و جالب آن‌که میل پتروشیمی‌خواهی در مسئولان استانی کشور به حدی رسیده که بحث خط اتیلن مرکزی و خط اتیلن شرق نیز به طور جدی در محافل رسمی مطرح گشت.

اما از سوی دیگر نتیجه‌ی مطالعات و ارزیابی‌های صورت‌گرفته توسط کارشناسان «گروه اندیش‌گاه تحلیل‌گران انرژی» (عضو شبکه‌ی ایتان) بر روی این پروژه نشان داد که علاوه بر نقاط ضعف چشم‌گیر در نحوه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریت طرح، این پروژه حتی با اهداف اولیه‌ای که برای آن ترسیم شده بود (اشتغال‌زایی و سودآوری و...) نیز فرسنگ‌ها فاصله دارد! اهداف جذاب این طرح و مهم‌تر از آن وعده‌های مسئولین ذریبط و چشم‌انداز زیبایی که در ابتدای کار، این طرح را به کلید مشکل‌گشای استان‌های غربی کشور مبدل ساخت، موجب شد تا مسئولین ذریبط در مناطق مختلف غرب کشور برای اخذ سهمیه‌ای برای منطقه‌ی خود کمر همت ببندند. به طوری‌که در مدت ۶ سال، بیش از ۷ واحد دیگر بر این طرح افزوده شد. حداقل ره‌آورد این امر، تغییرات چندباره در

خصوص طراحی و اجرای خط و تحمیل هزینه‌های گزاف به هزینه‌ی تمام‌شده‌ی خط بود.

انتقادات و گزارش‌های تحلیلی انتقادی این گروه با استقبال مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان بازرسی کل کشور مواجه شد و در گزارش‌های رسمی این سازمان‌ها انعکاس یافت. جلسات مکرر کارشناسان این گروه با مسئولان دولتی و سازمان‌های ذریبط سرانجام موجب برخی اصلاحات در این پروژه و جهت‌گیری طرح به سمت صنایع پایین‌دستی پتروشیمی گردید. هم‌چنین این انتقادات تحلیلی - که شرح دلایل آن در این مطلب نمی‌گنجد - موجب شد تا طرح خطوط اتیلن شرق و مرکز نیز با تردیدهای جدی مواجه شود.

#### حرف آخر

امیدوارم آن‌چه در خصوص شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران مطرح گشت سبب ایجاد سئوالات مهمی در ذهن مخاطبان جوان و بانگیزه‌ی این نشریه شده باشد و همه‌ی ما بار دیگر در خصوص نقش فردی و جمعی خود در شکل‌گیری جبهه‌های مختلف مورد نیاز انقلاب اسلامی در آینده بیان‌دیشیم و برای سؤال «چه باید کرد؟» پاسخی مناسب با نیازهای آینده‌ی انقلاب اسلامی و توان‌مندی‌های فردی و گروهی خود داشته باشیم. مهم نیست هر یک از ما با چه عنوانی و در کجا و کدام یک از عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و... خدمت می‌کنیم. مهم این است که در جایی باشیم که به‌ترین و مؤثرترین خدمت را به جامعه و انقلاب اسلامی بنماییم و البته خودمان هم در این مسیر ساخته شویم و تعالی یابیم.

همان‌طور که ذکر شد ایتان در جهت افزایش کارایی نظام، بخشی از حلقه‌های اولیه‌ی جنبش نرم‌افزاری را در برخی حوزه‌های تخصصی ایجاد نموده و طبیعتاً با کمک سایر جریان‌های ارزشی این حلقه‌ها می‌توانند تکمیل، تعمیق و گسترش یابند.

به تعبیر بچه‌های ایتان، نیروهای انقلاب باید مسیر خودسازی، تیم‌سازی، شبکه‌سازی، جبهه‌سازی و سپس گفت‌مان‌سازی را طی نمایند و شاید با تحقق چنین فرآیندی باشد که جریان‌های جوان، مؤمن و انقلابی بتوانند به تدریج و در سال‌های آینده در مسیر طراحی الگوی پیش‌رفت ایرانی - اسلامی گام نهند. ان‌شاء‌الله.

#### پی‌نوشت:

× اشاره به بیانات ره‌بر انقلاب در جمع دانش‌جویان، ۱۵ آبان ۱۳۸۲.



پرونده

## کلرآمدی نظام

## دغدغه‌ای مقدس است

گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد صاحب‌کار خراسانی، مدیر شبکه‌ی ایتان

اولین جلسه‌آشنایی‌ام با ایتان تابستان سال ۸۵ بود؛ در دوره‌ی آموزشی اندیش‌کده‌ی توسعه و فناوری دانشگاه صنعتی شاهرود. در آن جلسه، دکتر صاحب‌کار در دوساعتی که فرصت داشت بحث را از مبانی اعتقادی و انقلابی شروع کرد و در انتها به ضرورت کار تحلیلی‌گری برای افزایش کارآمدی نظام پیوند داد. بعد از آن جلسه اولین کاری که کردم این بود که از اینترنت یک بیوگرافی اولیه از او در آوردم؛ سیدمحمد صاحب‌کار خراسانی، یک جوان نسل سومی متولد مشهد، از برگزیدگان یکی از المپیادها، لیسانس و فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف، و حالا در تبوتاب دفاع از پایان‌نامه‌ی دکتری در رشته‌ی مهندسی مکانیک از دانشگاه تربیت مدرس، به علاوه‌ی یک دوره‌ی پُر از سابقه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی در کنار فعالیت‌های دانش‌جویی. دکتر صاحب‌کار این روزها مسئولیت هدایت مجموعه‌ای را به عهده گرفته که در دوران دانش‌جویی‌اش و با کمک دوستان‌اش آن را در دانشگاه صنعتی شریف پایه‌گذاری کرده بود؛ شبکه‌ی ایتان. همیشه در پی فرصتی بودم که سئوالات بسیاری که در مورد ایتان داشتم را از او بپرسم و حالا پرونده‌ی فیتیان این فرصت را فراهم کرده بود. البته باید اعتراف کرد که آن چه همه‌ی ما حاصل گفت‌وگوی من با او نیست.

### ■ لطفاً درباره‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری شبکه‌ی تحلیل‌گران

تکنولوژی ایران به اختصار توضیحاتی ارائه کنید.

■ تأسیس شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی به سال‌های ۷۸- ۷۷ برمی‌گردد. در فضای بعد از دوم خرداد، که فعالیت‌های دانش‌جویی اوج گرفت، بعضی از بزرگوارانی که در فضاهای سیاسی - فرهنگی فعال بودند، به این تحلیل رسیدند که باید جبهه‌های جدید در حوزه‌های گفت‌مانی انقلاب اسلامی ایجاد کنند و معتقد بودند همه‌ی مسایل کشور، مسایل صرفاً سیاسی، با آن تعبیر خاصی که از مسایل سیاسی مطرح می‌شود، نیست. ما مشکلات بسیاری در دیگر حوزه‌ها داریم که در حوزه‌ی سیاسی هم خود را نشان می‌دهند، ولی علت‌اش در جای دیگر است. دغدغه‌ی ذهنی دوستان این بود که روی چه‌گونه‌گی ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در حوزه‌های مختلف تمرکز کنیم. مثلاً در حوزه‌ی تصمیم‌گیری در کشور - برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت - چه مشکلاتی داریم که باید بر آن‌ها غلبه کنیم.

بحث کارآمد کردن نظام دغدغه‌ای مقدس است و ریشه در زحمات عزیزانی دارد که در دهه‌ی اول و دوم نظام وارد عرصه‌ی کار شدند، با فتنه‌ها مقابله کردند، جنگ رفتند و کشور را حفظ کردند. همه‌ی این‌ها برای این بود که فرصتی به وجود بیاید تا نظام اسلامی به وعده‌های زیادی که به مردم داده بود عمل کند و بتواند خودش را نشان بدهد. در آن زمان می‌گفتند شما که می‌گویید نظام اسلامی، مدل‌اش کجا است و حرف‌اش چیست؟ الگوی توسعه و پیشرفت‌اش چیست؟ از طرفی دیگر مشکلات بسیار زیادی هم در بحبوحه‌ی انقلاب، دوران جنگ و بازسازی پیش آمد و پدیده‌های عجیب و غریبی در بعضی از بخش‌های خاص، مثل رشد شهرنشینی و جمعیت اتفاق افتاد که نظام اسلامی را با یک سؤال جدی مواجه کرده بود؛ اگر نظام اسلامی بخواهد کارآمد عمل کند، چه باید بکند؟ بر این مبنا تیم‌های کاملاً خودجوش دانش‌جویی شکل گرفتند تا به این موضوعات بپردازند. با این مقدمه روشن شد که دغدغه‌ی اصلی برای شکل‌گیری این مجموعه کمک به ارتقای کارآمدی نظام بود و فرآیند، خودجوش و از دل فعالیت‌های دانش‌جویی برخاسته بود.

■ چه‌طور شد که به مدل کانون تفکر رسیدید؟ در صورتی که این نمونه برگرفته از مدل‌های خارجی است. برای بومی‌کردن‌اش چه فکری کرده‌اید؟

■ من مسأله‌ی «کارآمدی» را خدمت‌تان گفتم. این که چه‌گونه برای دست‌یابی به «کارآمدی» به ابزار «کانون تفکر» رسیدیم، مسأله‌ای است که سعی می‌کنم آن را باز کنم. ارتقای کارآمدی در سه حوزه می‌تواند اتفاق بیافتد: تشخیص به‌تر، تصمیم‌گیری

خوب‌تر و به‌تر عمل کردن. مثلاً یک پزشک کارآمد در ابتدا باید بتواند بیماری را خوب تشخیص دهد. نکته‌ی دوم این است که بتواند تصمیم‌گیری کند که با این بیماری چه کند و چه روش درمانی را انتخاب کند و مرحله‌ی سوم این که اقدامی عملی انجام دهد. ما در سیر بحث‌ها مان به این نتیجه رسیدیم که مرحله‌ی تشخیص و مرحله‌ی تصمیم، بسیار مهم‌تر از مرحله‌ی اقدام است. بسیاری از مواقع ما بسیاری از کارها را به ظاهر خوب انجام می‌دهیم، غافل از این‌که سنگ بنا کج گذاشته شده و جهت‌گیری کلی اشتباه بوده است. مثلاً یک سوزن بان در ایست‌گاه راه‌آهن تهران باید تشخیص دهد که این قطار برود طرف تبریز یا مشهد. اگر تشخیص او اشتباه باشد، حرکت قطار در مسیر اشتباه ادامه می‌یابد. هر چه قدر هم کل سیستم قطار به‌تر عمل کند و راننده سعی کند سرعت‌اش را بالا ببرد، از مقصد دورتر می‌شود. حضرت امیر در نهج البلاغه می‌فرماید: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ این بصیرت یا تشخیص در توان عده‌ی معدودی از افراد جامعه است که به آن‌ان می‌گوییم خواص یا افراد برگزیده یا افرادی که جهت‌حرکت‌های جامعه را مشخص می‌کنند.

البته بعضی از بزرگواران ممکن است بگویند ما می‌دانیم که چه باید بکنیم، ولی اقدام‌مان بد است. در این زمینه باید گفت که ما باید تصمیمی بگیریم که اجراشدنی باشد. تفاوت تصمیم با آرزو این است که تصمیم اجراشدنی است، در تصمیم باید بررسی شود که در چه فضا و با چه مشکلات خاصی باید اجرا شود. از سوی دیگر کسانی که در رأس حکومت قرار دارند، خیلی از جهت‌ها را مشخص می‌کنند. پس ما باید بباییم روی این طبقه‌ی اصلی، که در سطوح بالای تصمیم‌گیری و سطوح بالای جامعه قرار دارند، تأثیر بگذاریم و تشخیص و تصمیم آن‌ها را کارآمدتر کنیم.

در کشور ما در طول چند دهه‌ی گذشته تحولات بسیار زیادی به وجود آمده و مدیران فعلی ما با مشکلات عجیب و غریبی درگیرند. این مشکلات شاید اجازه ندهند که فرصت فکرکردن، زیاد برای‌شان فراهم شود. اصطلاحاً مدیران کشور ما تاکنون به جای مدیریت راه‌بردی، مدیریت بحران داشته‌اند.

ما به این نتیجه رسیدیم که باید تیم‌هایی از نیروهای توانمند و خواص جامعه تشکیل شود تا به این افراد پرمشغله و کم‌وقت مشاوره بدهد. این تیم‌ها باید سریع‌الانتقال، فهیم و فکور باشند تا متناسب با مشکلاتی که این مدیران اجرایی با آن‌ها دست‌به‌گریبان‌اند، بتوانند مشکلات را حل کنند.

اسم این مجموعه‌ها در دنیا «کانون‌های تفکر» است. کارشان این است که به سطوح بالای تصمیم‌گیری مشاوره بدهند و یا

### ■ محمد طاهری نژاد - مرتضی فیروزآبادی

#### ■ درباره‌ی وضعیت فعلی شبکه‌ی ایپان توضیح مختصری

بدهید.

■ در حال حاضر مجموعه‌ی شبکه، ۲۵ کانون تفکر را در یک ساختار شبکه‌ای به هم متصل کرده که با محوریت یک ستاد مرکزی، که زیرمجموعه‌ی معاونت پژوهشی دفتر هم‌کاری‌های فناوری ریاست‌جمهوری است، حدوداً ۲۵۰ نفر کارشناس را هم‌آهنگ می‌کند. از این تعداد ۱۷ تا ۱۸ کانون تفکر در تهران‌اند که این‌ها عمدتاً تیم‌های شکل‌گرفته و با سابقه‌ی شبکه هستند. تیم‌هایی که در شهرستان‌ها مستقرند، اکثراً تیم‌های تازه‌تأسیس‌اند که مثل همان تیم‌های تشکیل‌دهنده‌ی شبکه، بیش‌تر، ظرفیت‌های دانش‌جویی را پی‌گیری می‌کنند.

کانون‌های تفکر استانی، فعالیت خود را بر روی برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای متمرکز کرده‌اند که در سبب فعالیت این گروه‌ها، توجه ویژه به بحث خوشه‌های صنعتی، آمایش سرزمین و چند رشته‌ی خاص صنعتی (متناسب با شرایط خاص استان) قرار دارد.



تصمیم‌سازی کنند. پس کانون تفکر ابزاری برای ارتقای سطح تشخیص و تصمیم‌گیری و یا ارتقای کارآمدی نظام است. در کشورهای دیگر کانون تفکرهای فراوانی وجود دارد. مثلاً در این کشورها احزاب سیاسی، چه داخل قدرت و چه خارج قدرت، کانون‌های تفکر دارند و بحث کارآمدی را پی‌گیری می‌کنند، می‌نشینند و فکر می‌کنند که چه جهت‌گیری‌هایی باید اتخاذ و دنبال شود، یا دولت سایه تشکیل می‌دهند.

معمولاً در کشورهای پیش‌رفته افراد بسیار توانمند و باتجربه، هسته‌ی اصلی کانون تفکر را تشکیل می‌دهند. اما در تجربه‌ی شبکه‌ی تحلیل‌گران، هسته‌ی اصلی تیم‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند. لذا باید اعتماد حاکمیت به نحوی جلب شود که این تیم‌های جوان بتوانند به دست‌اندرکاران حاکمیت بگویند ما هم حرف‌هایی بلدیم و می‌توانیم حرف‌های جدیدی طرح کنیم. برای این کار ای‌بسا سال‌ها طول کشیده تا یک تیم توانسته خودش را جا بیاندازد، به عنوان یک مرجع و یک مشاور امین مد نظر قرار گیرد، در حوزه‌های مختلف وارد شود و پی‌گیری و کار کند.

■ شما مشکل اصلی کارآمدی را در ناحیه‌ی تشخیص و تصمیم‌سازی از سوی سطوح بالای دولت می‌دانید. اما گاه تصمیمات خوبی در سطوح بالا گرفته می‌شود ولی وقتی به سطوح اجرایی می‌رسد کارایی خود را از دست می‌دهد. چه فکری برای این وضعیت کرده‌اید و آیا برای ضمانت اجرایی تصمیمات برنامه‌ای دارید.

■ ما داریم یک بحث منطقی را مطرح می‌کنیم و آن این است که تشخیص و تصمیم‌مقدم بر اجرا است و هر عقل سلیمی هم آن را تصدیق می‌کند. نکته‌ی دیگری که مطرح است این که آن تصمیماتی که الزامات اجرایی شدن‌شان بررسی نشده «آرزو» هستند. درحالی‌که ای بسا فکر می‌کنید دارید تصمیم می‌گیرید. یکی از مهم‌ترین مباحث تصمیم‌گیری ملزومات اجرایی آن است. اگر اجرا نکردند، چه می‌شود؟ آیا برخورد می‌شود؟ اگر فردی خوب اجرا کرد چه می‌شود؟ آیا پاداش می‌گیرد؟

بحثی که ما داریم، بحث حاکمیت است. اولاً، حاکمیت تعریف مشخصی دارد که چه اندازه‌ای باید بشود. آیا می‌توانیم یک حاکمیت با گستره‌ی وسیع را کنترل کنیم یا نه؟ در نتیجه بحث کوچک‌سازی بدنه حاکمیتی مطرح می‌شود و جدا کردن کارهایی که بقیه‌ی مردم هم می‌توانند انجام دهند. خیلی از فعالیت‌هایی را که دولت یا مدیر ارشد جمهوری اسلامی روی آن فکر می‌کند، به عهده‌ی دیگران است. آحاد جامعه باید به آن فکر کنند. حاکمیت باید قاعده‌گذاری کند. اصطلاحاً قواعدی را درست کند که بر اساس آن بقیه بازی را شروع کنند.

یکی از مشکلات این مسأله است که دولت آن قدر بزرگ شده، که شما قادر نیستی کسی را کنترل کنی! نکته‌ی دوم نهاد‌های لازم برای این کار است. کشورمان نهاد‌های لازم برای اعمال حاکمیت را ندارد. مثلاً شما می‌گویید یک پروژه‌ی پژوهشی درست تعریف شود و به دست فردی برسد که بتواند این کار را

انجام دهد. شما که داری کار پژوهشی را پی‌گیری و دنبال می‌کنی، هم‌زمان نمی‌توانی هم پول توزیع کنی و هم ناظر باشی و هم احراز صلاحیت کنی. انجام همه‌ی این‌ها باهم سخت است. باید نهادی شکل بگیرد که ارزیابی‌کننده‌ی مجموعه‌ی پژوهشی باشد. ما از این نهاد‌های واسط خیلی کم داریم. همه کارها را می‌خواهیم باهم در یک مجموعه انجام دهیم!

■ نحوه‌ی تشکیل این تیم‌های جوان چه‌گونه بود و چه موانعی در شروع کار وجود داشت؟

■ هم‌اکنون در فضای دانش‌گاهی، تعداد نخبه‌های آرمان‌گرا که دل در گروه حیات نظام و انقلاب دارند، فراوانند و نیروهای زیادی داریم که دل‌شان برای انقلاب می‌سوزد. کسانی که معتقدند اگر در سال ۶۴ یک جوانی شبیه آن‌ها رفته جان خودش را فدای انقلاب کرده، حالا این‌ها احساس مسئولیت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در دانش‌گاه‌ها این است که افراد به این دغدغه و مدل ذهنی برسند که باید در این موضوعات تحلیلی – فکری، که ناظر بر افزایش کارآمدی نظام است، کار کنند. عدم درک اهمیت این مسأله یکی از موانع است. همه‌ی مباحث ما مسایل صرفاً سیاسی آن هم در نازل‌ترین سطح نیست. ما خیلی مسایل عمیق‌تری داریم. نیروی خوب باید روی مسایل تحلیلی تمرکز کند.

مسأله‌ی دوم تشکیل هسته‌های مستقل است که بتوانند خارج از بدنه‌ی دولت آن روحیات آرمان‌گرایانه‌ی خودشان را تداوم

بخشند. بحث اصلی این است که این‌ها به ضرورت تشکل هسته‌های مستقل پی ببرند تا این هسته‌های مستقل بر مبنای استقلال‌شان بتوانند وارد حوزه‌های مختلف بشوند و کارهای مختلف مدنظرشان را پی‌گیری و عملی کنند.

مراحل رشد یک تیم مستقل با نیروهای جوان حزب‌اللهی خوش فکر، کارسختی است، آن‌هم در این زمینه‌ها. یک مشکل همان است که گفتم و آن جلب اعتماد مدیران است. لذا این کار فرآیندی چندساله است. ما مسیر رشدی را برای تیم‌های خودمان در نظر گرفتیم. به آن‌ها می‌گوییم سال اول یک‌کارها و فعالیت‌های خاصی را انجام دهند، سال دوم مجموعه‌ای از فعالیت‌های دیگر و هم‌چنین سال سوم. ما براساس تجربه‌ای که به دست آورده‌ایم سعی می‌کنیم به این‌ها بگوییم چه کارهایی را انجام دهند تا بتوانند از این نردبان پله‌پله بالا بیایند. ما باید فرصت و فضایی را به وجود بیاوریم تا این‌ها بتوانند تأثیرگذاری‌شان را ملموس ببینند.

تصور بسیاری این است که مشکل اصلی این تیم‌ها مسایل مالی است. مثلاً اگر بتوانیم مسایل مالی را حل کنیم، مشکلات حل می‌شود. در صورتی که این‌طور نیست، نیروی دغدغه‌دار و علاقه‌مند به انقلاب، دوست دارد در به‌بود کارآمدی نظام تأثیرگذاری ملموسی داشته باشد. اگر آن تیم بتواند فرصتی را برای خودش به‌وجود بیاورد یا مجموعه‌ای حمایتی بزرگ‌تر بتواند فرصت را برای‌اش فراهم کند، تا این تیم اثرگذار باشد، بزرگ‌ترین مشوق این تیم خواهد بود و مدت‌ها از این تأثیرگذاری خودش لذت خواهد برد و بعداً تلاش بیش‌تری خواهد کرد که در این فضاها وارد شود و کار کند. پس فرصت تأثیرگذاری را هم خود تیم باید شکل بدهد و هم ما باید کمک کنیم.

ما سعی کرده‌ایم در کشور این فضا را به‌وجود بیاوریم. یعنی برای این تیم‌های جوان فرصت‌سازی بکنیم تا بتوانند حرف‌های خودشان را به حد تأثیرگذاری‌های ملموس برسانند و ببینند. با این کار بقیه‌ی مسایل حل‌شدنی است.

علاقه‌مندی و تمرکز روی موضوعی خاص باعث انباشت دانش در او خواهد شد. انباشت دانش هم از او مرجعی درخور توجه می‌سازد. وقتی این چنین شد [مجریان] هنگام اجرای کارهای حرفه‌ای به‌سراغ این‌ها می‌آیند. چون بروز و نمود دارند. بعضی از تیم‌ها مان به نظر من در کل کشور بی‌بدیل هستند. چون رفته‌اند و خلأ را پیدا کرده‌اند، و جایی که قبلاً کسی وارد نشده بود، وارده شده و کار کردند.

■ آیا نیروهایی که در این حوزه‌ها وارد می‌شوند ویژگی‌هایی خاصی دارند؟ در باره‌ی این ویژگی‌ها توضیح مختصری بدهید.  
■ ما در شبکه‌مان، سعی کرده‌ایم از تیم‌ها حمایت کنیم. یعنی هر

فردی که به ما مراجعه می‌کند می‌گوییم باید با یک تیم بیاید. این تیم ممکن است در فرآیند چندساله و در دوران دانش‌جویی شکل گرفته باشد، مثلاً در دانش‌گاه طی فعالیت مذهبی با هم آشنا شده‌اند یا در خوابگاه فعالیت‌هایی را داشته‌اند و یا در حوزه‌هایی خاص پی‌گیری‌هایی داشته‌اند. به عبارتی با هم سعی و خطاهایی را داشته‌اند و با هم رفیق و دوست هستند و خلق و خوی یک‌دیگر دست‌شان آمده که تصمیم گرفته‌اند با هم باشند و کار کنند. پس یک هسته‌ی اولیه‌ی باید باشد. ماسعی می‌کنیم این هسته‌هایی که از دل افراد حزب‌اللهی و آرمان‌گرا است، کسانی باشند که قبلاً کار مشترک انجام داده‌اند. نکته‌ی دیگر آن‌که نیروهای مجموعه‌های فکری یا مجموعه‌های کانون تفکر باید افرادی باشند که احساس کنند اولاً مشکل کشور در حوزه‌ی تشخیص و تصمیم است و واقعاً به این درک برسند. یعنی اگر نرسند تیم خوبی نخواهند بود. ثانیاً توان‌مندی کار را هم داشته باشند. چون خیلی از افراد برای کارهای دیگری ساخته شده‌اند. نظام اسلامی باید هم چشم داشته باشد، هم بازو و هم مغز. اگر همه‌اش مغز باشد، معقول نیست یا همه‌اش بازو یا همه‌اش چشم. ما اعتقادمان این است که نیروهای خاص باید مغز و چشم این پیکره بزرگ بشوند و سطوح دیگر بروند بازویش بشوند. با قطع دست امید زنده‌بودن هست، اما اگر مغز از بین برود، امیدی نخواهد بود. این نکته‌ی مهمی است که افراد برای تبدیل شدن به چشم و مغز نظام باید توانایی حداقلی را داشته باشند که این را در دل کار باید از خود نشان دهند و بتوانند پی‌گیری کنند و در این زمینه کارآیی داشته باشند. این مسأله‌ای بوده است که ما به‌طور خاص به دنبال‌اش بوده‌ایم. البته این در طول کار خودش را نشان می‌دهد. یعنی بعد از مدتی افرادی که دوست دارند فعالیت‌های عمل‌گرایانه‌ی خیلی خاص را دنبال کنند جدا می‌شوند. این‌طور نیست که آدم‌های بدی باشند یا دارای توان‌مندی‌های سطح پایین‌تری باشند. بل که توان‌مندی‌های آن‌ها در حوزه‌ی اجرایی است. مثلاً مدیر اجرایی خیلی قوی‌ای می‌توانند بشوند. طبیعی است که باید بروند آن‌جا و این‌جا نباید بمانند. آدم‌هایی هم هستند که در فضاهای تحلیلی – فکری توان‌مندی‌هایی دارند و خداوند این استعدادها را به‌طور ذاتی به آن‌ها داده است. البته این توان‌مندی‌ها به مرور زمان افزایش یا کاهش می‌یابد.

■ چشم‌انداز آتی شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران چیست و به کدام سمت می‌رود؟

■ ما باید شبکه‌ای از کانون‌های تفکر در کل کشور داشته باشیم. یعنی مجموعه‌ای از تیم‌های مستقل که برای کشور فکر کنند، خارج از بدنه‌ی دولت باشند و تعلق خاطر کمی نسبت به بعضی

از موضوعات و جریان‌های خاص داشته باشند، تا بتوانند به‌عنوان کانون تفکر یا تصمیم‌ساز اصلی در نظام جمهوری اسلامی مطرح شوند. به‌طور خلاصه باید گفت که شبکه‌ی ما باید به اصلی‌ترین کانون تفکر در جمهوری اسلامی تبدیل شود. البته این روند چنددهه‌ساله است و ما در این فرآیند باید به حوزه‌های مختلف وارد شویم.

ما در صنعت و فن‌آوری و موضوعات اقتصادی وارد شده‌ایم و پی‌گیری‌هایی کرده‌ایم. ولی در موضوعات اقتصادی باید عمیق‌تر وارد شویم. هم‌چنین در موضوعات فرهنگی که ریشه‌ی خیلی از مشکلات کشور ما آن‌جا است، باید کم‌کم ورود پیدا کنیم.

باید بتوانیم ارتباط بسیار وسیعی با حوزه‌ی علمیه‌ی قم برقرار کنیم که در طول دوسه سال گذشته اقدامات خوبی هم انجام شده است. آن‌ها هم دارند برای نظام اسلامی فکر می‌کنند و نسخه می‌پیچند. لذا باید تعاملی را به‌وجود بیاوریم. شبکه‌ی ما باید این توان‌مندی را داشته باشد که در هر لحظه بتواند کمک‌ها و مشورت‌هایی را به بدنه‌ی نظام تصمیم‌گیری کشور بدهد. در عین حال بتواند تیم‌های نوپای جدید را وارد فرایند و در نهایت به مجموعه‌ای از تیم‌های کانون تفکر تبدیل کند.

البته چشم‌انداز شبکه را خیلی دقیق و شفاف نمی‌توانیم رسم کنیم. دو دلیل دارد. یکی این که تاکنون مجموعه‌ی شبکه‌ی طی فرآیند خود سازمان‌دهنده جلو آمده است یعنی به هر مسأله‌ای که بر خورد کرده سعی کرده است آن مسأله را حل کند و بعد وارد مرحله‌ی بعدی شود.

نکته‌ی دوم فضای متنوع کشور است که از دولتی به دولت دیگر و در هر دوره متفاوت است و نیازمند این است که ما متناسب با آن‌ها کارهایی داشته باشیم. جای‌گاه حقوقی مجموعه هم نکته‌ی بسیار مهمی است و باید فکر بیش‌تری روی آن بشود. ارتباط سیستم با بدنه‌ی دولت باید قوی‌تر و رسمی‌تر شود و همه باید آن را بشناسند.

در نهایت باید بگوییم که ما بایستی در بدنه‌ی نظام تقویت شویم و فرآیندهای رشد خودمان را بتوانیم گسترده‌تر کنیم. به دلیل محدودیت‌های فعلی توان ارایه‌ی خدمات را به خیلی از تیم‌هایی که به ما مراجعه می‌کنند نداریم. تیم ستادی ما که اصطلاحاً ستاد شبکه نامیده می‌شود، چند نفر محدود هستند، بایستی گسترده‌تر شود تا بتواند همه‌ی مراجعه‌کنندگان را پوشش دهد.

■ لطفاً در مورد موضوع توسعه‌ی منطقه‌ای، که فکر می‌کنم جزو فعالیت‌های جدید شبکه باشد کمی توضیح دهید.  
■ اصولاً تیم‌های کانون تفکر می‌باید در خدمت دولت‌های

# الگو بی‌پای تداوم

## آرمان خواهی جوانان

گذری بر ویژگی‌های بارز شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران

ارزش‌مندی کار آن‌جا نمود پیدامی‌کننده‌ی تپه‌های شکل گرفته از این جوانان با

حفظ استقلال تصمیم‌گیری، فکری و مالی خود توانسته‌اند الگویی

از هم‌کاری شبکه‌ای ارایه‌کننده در نوع خود در

کشور بدیلی ندارد.

مرتضی

فیروزآبادی

مدیر توان‌مندسازی گروه‌های استانی شبکه

شاید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نسل جوان آرمان‌خواه و دغدغه‌دار نسبت به آینده انقلاب، پیداکردن نقش و جای‌گاه خود در آینده‌ی انقلاب و پیش‌رفت آن است. این جای‌گاه هم باید بتواند با امرار معاش و زندگی آینده‌ی او سازگاری داشته و هم باید احساس تأثیرگذاری (همان مجاهده در راه عقاید) در مسیر پیش‌رفت انقلاب در آن محسوس باشد. به‌ویژه برای نسلی که انتظار دارند نقش خود را توأمان با علم ایفا کنند، پیداکردن این عرصه اهمیت بیش‌تری دارد. این سؤال در حال حاضر با عنوان «چه باید کرد؟» در جوامع دانش‌جویی مطرح است. موج تغییر رشته‌ی دانش‌جویان فنی به علوم انسانی و حتی گرایش به حوزه بخشی از پاسخ‌های نسل جوان به این سؤال است.

درآشنایی مختصر با شبکه‌ی ای‌تان، به نظر می‌رسد این شبکه این قابلیت را دارد که الگویی جدید برای جوانان حزب‌اللهی و آرمان‌خواه تعریف کند، که در آن هم رزق حلال میسر و هم در مسیر مجاهده‌ی علمی در مسیر پیش‌رفت ایران باشد.

ما در این نوشته نکات برجسته‌ای را که می‌توان با تعمیم آن‌ها به یک الگوی نسبتاً جامع برای گسترش فعالیت‌ها رسید طرح می‌کنیم. همه‌ی هم‌کاران شبکه اذعان دارند که علی‌رغم تلاش بسیار همه‌ی آن‌چه که لازم بوده محقق نشده است.

شبکه‌ی تحلیل‌گران می‌تواند مدل تأثیرگذاری علمی جوانان در مسیر پیش‌رفت ایران اسلامی را ارایه کند، زیرا:

ارایه‌ی مدل برای اثرگذاری جوانان، اولین ویژگی

ملی باشند و هم در خدمت دولت‌های محلی. یعنی دولت‌های محلی باید در کنار خودشان تیم‌های فکری داشته باشند تا با آن‌ها تعامل برقرار کنند و در آن تیم‌های مستقل فکری هم انباشت دانش وجود داشته باشد. پیرو این مسأله در برخی از استان‌ها تیم‌هایی شکل گرفته‌اند. ما باید بتوانیم یک نسخه‌ی خوب و بومی را در این زمینه ارایه دهیم. نسخه‌ای مبنی بر این‌که چه‌گونه مناطق مختلف کشور ما باید توسعه پیدا کند. ما بعضاً نسخه‌ای را که برای آذربایجان غربی می‌نویسیم گمان می‌کنیم باید همان را برای سیستان و بلوچستان هم اجرا کنیم و در نتیجه شکست می‌خوریم.

باید نسخه‌های بومی از دل مناطق بیرون بیاید. آن توسعه‌ی از پایین به بالا و از بالا به پایین که مطرح می‌شود، این‌جا خودش را بروز می‌دهد. ما باید مشخص کنیم که نسخه‌ی خاص سیستان و بلوچستان چیست، یا نسخه‌ی خاص مناطق ساحلی خلیج فارس، یا نسخه‌ی خاص مناطق کم‌آب، هم چنین نسخه‌ی خاص شهرهای دامنه‌ی زاگرس. روی این‌ها باید کار کرد. این با تیم‌های فکری بومی قابل انجام است.

در این زمینه مشکلی که هست تمرکز امکانات است. مثلاً قدرت‌های فکری و تصمیم‌گیری که در تهران متمرکزند. اگر در استان تیم فکری شکل بگیرد، توازن قوا را در سطح فکر برقرار می‌کند.

■ آیا فعالیت در سطح استان، مشکل‌تر از فعالیت در تهران

نیست؟

■ این فرآیند در طی چندده‌سال شکل می‌گیرد. دوستان ما بعضاً انتظار دارند که شش‌ماه کار کنند و جواب بگیرند. این‌گونه نیست. آیا شرایطی که الآن داریم نتیجه‌ی شش‌ماه گذشته است؟ الآن بعضی از اتفاقات در کشور می‌افتد که وقتی ریشه‌یابی می‌کنیم، درمی‌یابیم از ۸۰ سال پیش ریشه دوانده است.

لذا نتیجه‌دهی این فرآیند چندده‌ساله است و هرچه مشکلات در استان‌ها بیش‌تر باشد، دلیلی محکم‌تر بر لزوم تشکیل تیم در آن‌جا است. جایی که همه چیز خوب است و همه چیز بر مبنای درست اتفاق می‌افتد نیازی نیست کاری انجام شود.

آرمان‌گراترین افراد برای کارکردن می‌روند جاهای سخت‌تر را انتخاب می‌کنند. کار ساده را همه می‌توانند انجام دهند. کار سخت است که نیاز به آدم‌های درست و حسابی و با توان بیش‌تر دارد. البته این تیم‌ها در فرآیند‌گذار به حمایت‌هایی نیاز دارند. یعنی برای تأثیرگذاری این‌ها باید چتر حمایتی به وجود بیاید. این هم در دستور کار ما بوده و در حد توان‌مان سعی کرده‌ایم انجام دهیم. ولی کار اصلی را باید تیم در مجموعه‌ی

خودش انجام دهد. ■

منحصر به فرد

شبکه است. بسیاری

حرکت‌های علمی در کشور صورت

می‌گیرد که یا فاقد اثرگذاری است و یا قابلیت مشارکت و

استفاده از جوانان را ندارد. این ویژگی که برآمده از روش

کار علمی در شبکه است، باعث شده تا بخشی از نیروهای

جوان و فعالین تشکلی‌های دانش‌جویی ادامه‌ی

آرمان‌خواهی خود را حضور در چنین کاری تعریف کنند.

روش کار علمی در شبکه از دو جزء اصلی تشکیل شده

است. اول تأکید بر مسأله‌محوری در تحلیل‌ها و

پژوهش‌ها و دوم استفاده از نظرات استادان،

صاحب‌نظران و اهل فن و مطالعات گسترده‌ی میدانی

برای حصول گزاره‌های علمی.

این روش در کنار جوان بودن شبکه باعث شده است تا از

تلفیق نوآوری و خلاقیت جوانان با اندیشه‌ی

صاحب‌نظران خروجی‌های تأثیرگذار حاصل شود. به

عبارت دیگر علاوه بر انتقال اندیشه‌ی اهل فن، جوانان

توانسته‌اند تا الگوهای کاربردی به کشور ارایه کنند.

تجربه‌ی گروه‌های فعال در حوزه‌های: مسکن،

مخابرات، سیاست صنعتی و... بخشی از مهم‌ترین این

تأثیرگذاری‌ها هستند.

ویژگی دیگر این‌که بسیاری از هم‌کاران شبکه جزیی از

جوانان دغدغه‌مند نسبت به نظام هستند و این موجب

می‌شود علاوه بر سطح بالای رضایت شغلی و سرمایه‌ی

اجتماعی درون‌سازمانی، روحیه‌ی جهادی هم بر کار

حاکم گردد.

شکل‌گیری کار تیمی در کنار روحیه‌ی جهادی مختصات

# مسأله این است!

روش‌شناسی پژوهش در مسایل پیش‌رفت کشور

تحلیل‌گری، آمیخته‌بانگهی مبنایی به ریشه‌ها و ابعاد وقتی

موضوع است. این‌ها نیز لزوماً از دل کتاب‌ها و

تئوری‌های آکادمیک استخراج نمی‌شود؛ بل گه‌گی

است که نخبگان مرتبط با موضوع (اعم از

مجریان، استادان، مسئولان،

ذی‌نفعان و...) درباره‌اش

فکر می‌کند

نظریه‌پردازی

و کاوش‌های علمی

مدیریت در داخل کشور

در دست نیست.

فضای تقاضا و کار نیز که جز سربای

از علم را یدک نمی‌کشد، چنان خواهان

هم‌کاری دانش‌آموختگان مدیریت - که به

اسم مشاور وارد بازار می‌شوند شده است که هر

کالای بدلی را به بهایی هنگفت از آن‌ها می‌خرد. چراکه

این‌طور جا افتاده که نرخ دست‌مزد دانش‌آموختگان

مدیریت به راحتی دو برابر رشته‌های دانش‌گاهی دیگر

است و در ضمن پرستیژ بالاتری نیز دارند.

## تحلیل

به رغم روندهای مذکور، رگه‌هایی از تحولاتی بنیادی در

علوم انسانی و از جمله مدیریت در غرب رخ می‌نماید که

بیان‌گر تحول در نگرش‌ها و از تقدس افتادن برخی

مباحثی است که ما هم چنان نظر و عمل خود را بدان‌ها

آویخته‌ایم. فی‌المثل «برنامه‌ریزی استراتژیک» به

سبک کلاسیک آن زیر سوال می‌رود و به جای آن مباحث

نرم‌افزارانه‌تری مانند «تفکر استراتژیک» مطرح می‌شود

و ما هنوز به جداول «نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و

تهدیدها» دل خوش کرده‌ایم. پارادایم «آینده‌پژوهی» از

حد دست‌نوشته‌ها و توصیه‌های اندیش‌مندان فراتر رفته

است و در عرصه‌ی سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف

اقتصادی، اجتماعی، فن‌آوری، زیست‌محیطی و غیره

بکار می‌رود و ما هنوز دربند روش‌های خشک

ریاضی‌محور در برنامه‌ریزی اقتصادی هستیم که

روح‌الله ایزدخواه

مدیران‌دیشه‌گاه توسعه‌ی منطقه‌ای فن‌آوران

روندها

گرایش دانش‌جویان مهندسی و علوم پایه در کشور، به

سمت رشته‌های مدیریت (در مقاطع تحصیلات

تکمیلی) رو به افزایش چشم‌گیر دارد. در نگاه اول،

می‌توان گفت انگیزه‌ی آن‌ها بیش از آن‌که «حبّ علی»

باشد، «بغض معاویه» است. دانش‌جویان از فضای

خشک و بی‌محتوای فرمول‌ها و دروس مهندسی

بی‌خاصیت، فراری شده و به رشته‌های انسانی‌تر و

درعین‌حال با پرستیژ مناسب روی نهاده‌اند که گل

سرسبد این‌ها رشته‌ی مدیریت است. نیاز به کاربرد

مدل‌های آکادمیک مدیریتی نزد مدیران و برنامه‌ریزان

- چه سطح ملی و چه سازمانی و بنگاهی - رو به افزایش

بوده و پیامد آن، رشد نیازهای مشاوره‌ای سازمان‌ها و

نهادهای خرد و کلان بوده است. بدین ترتیب

سرمایه‌گذاری‌ها و یا بتوان گفت هزینه‌کردهای -

هنگفتی در سطوح مختلف دولتی و خصوصی و

دانش‌گاهی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی مدیریتی در حال

گسترش است. انبوه پروژه‌های تحقیقاتی به منظور

تدوین برنامه‌ی استراتژیک سازمان فلان و سازمان‌دهی

بخش بهمان، تعریف می‌شود و تیم‌های مشاوره‌ای

متنوعی اعم از استادان دانش‌گاه تا شرکت‌های

مشاوره‌ای در این پروژه‌ها فعال شده‌اند. مثلاً شنیدیم که

تاکنون سه بار تدوین «طرح جامع توسعه‌ی فن‌آوری

اطلاعات کشور»، توسط مدیران مختلف ذی‌ربط به

مشاوران مدیریت سفارش داده شده است.

حسب این نیازها، انتشار متون ترجمه‌ای در حوزه‌ی

مدیریت، روزافزون شده و گستره‌ای از مخاطبان حرفه‌ای

و غیرحرفه‌ای را به خود جذب کرده است. کتاب‌های

مدیریتی - از متون سنگین دانش‌گاهی گرفته تا

کتاب‌چه‌هایی با طراحی شیک و حاوی جملات قصار

سخن‌وران امریکایی مدیریت - در ویترین

کتاب‌فروشی‌ها انباشته شده است. اما خبری از

ویژه‌ای را به گروه‌های شبکه‌بخشیده است. هم‌کاری

مداوم و در عین حال شکل‌گیری فرهنگ ارزش‌سازمانی در

میان اعضا (وجود مرام‌نامه‌ها و کدهای اخلاقی و رفتاری

نمانده)، نیز از ویژگی‌ها و دارایی‌های منحصر به فرد

شبکه است.

ارزش‌مندی کار آن‌جا نمود پیدا می‌کند که تیم‌های شکل

گرفته از این جوانان با حفظ استقلال تصمیم‌گیری، فکری

و مالی خود توانسته‌اند الگویی از هم‌کاری شبکه‌ای ارایه

کنند که در نوع خود در کشور بدیلی ندارد.

البته باید توجه کرد که برای شکل‌گیری یک تیم، مشقت‌ها

و سختی‌های زیادی لازم است. چراکه هم باید عمق علمی

را به دست آورد و هم روحیه‌ی کار تیمی. بعضاً سال‌ها طول

کشیده است تا تیمی شکل گرفته و توانسته است به

نقطه‌ی مطلوب برسد. گروه‌های زیادی با هم‌کاری شبکه

تصمیم به تیم‌سازی می‌گیرند، اما بسیاری در نیمه‌ی راه،

برمی‌گردند چراکه مسیر زیبایی تصویر شده در عمل دشوار

است.

ایتان با مجموعه‌ی این خصوصیات در حال حاضر سه نقش

را ایفا می‌کند:

۱. گروه‌های قوی بالغ شبکه در روند تصمیم‌سازی‌های

کشور با نگاه انقلابی و آرمان‌خواهانه تأثیرگذار اند.

۲. بستری برای شکل‌گیری تیم‌های جوانان علاقه‌مند به

کار تحلیل‌گری، برای اثرگذاری تخصصی در مسایل کشور

فراهم شده است.

۳. و مهم‌تر این‌که در این بستر، نیروی انسانی خلاق،

با انگیزه و جوان برای کشور پرورش می‌یابد.

مجدداً باید یادآور شد که اگرچه ارزش‌های ذکر شده در

همه‌جای شبکه وجود ندارد؛ اما اعتقاد به این ارزش‌ها و در

عین حال تلاش برای گسترش و تعمیق آن‌ها باعث

می‌شود تا امید داشت که شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی با

همه‌ی چالش‌های پیش‌رو (نظیر چالش اثرگذاری، تأمین

مالی کانون تفکر و جای‌گاه حقوقی و...) بتواند الگویی

پیش‌روی جوانان علاقه‌مند، به ویژه در حوزه‌ی

اقتصادی و فنی باشد. ■



پُرکاربردترین آن‌ها «اقتصادسنجی» است. و یا حداکثر از مفهوم آینده‌نگاری، به یک‌سری پیش‌بینی‌های بی‌هدف و تخیل‌گونه از دست‌آوردهای جدید و نسل‌های پیش‌رفته‌ی فن‌آوری‌های الکترونیک و هوافضا و امثالهم بسنده می‌کنیم. و هم‌چنان اعتبار پژوهش‌های مدیریتی را به داشتن انبوه جداول آماری و رگرسیون‌های پیچیده و کمیات دیگر منحصر کرده‌ایم. و قس علی‌هذا.

آن بغض معاویه که ذکرش رفت، این نگرانی را به وجود آورده که جوانان باهوش و تحصیل‌کرده‌ای که به عرصه‌ی مدیریت قدم می‌نهند، آن‌چنان فریفته و مجذوب تئوری‌ها و روش‌های وارداتی مدیریت بشوند که یادشان برود در علوم انسانی راحت‌تر و سریع‌تر می‌توان تشکیک کرد تا علوم فنی و مهندسی. وقتی یک شرکت مشاوره به سفارش یک سازمان دولتی، پژوهشی مدیریتی انجام می‌دهد، چنان‌چه نشان دهد که چارچوب به‌کاررفته در این پژوهش مستند به نظر مستر فلان و میسز بهمان است، کل کارش را خوب انجام داده و مستحق دریافت مبلغ قرارداد است. اما اگر بدون داشتن یک چارچوب به ظاهر آکادمیک، با مطالعه‌ی میدانی و تطبیقی واقعیات مرتبط با سازمان، مباحثی بی‌اورد که اتفاقاً دوی درد سازمان باشد، کل کارش زیرسوال می‌رود و ناظران حرفه‌ای و تنگ‌نظر می‌توانند به راحتی نیمی از مبلغ قرارداد را به اتهام غیرعلمی بودن روش پژوهش بکاهند.

پیامد مهم‌تر، زمین‌ماندن «تحلیل واقعی مشکلات کشور» است و سردرگمی‌ها و خطاهای ناشی از آن. به عبارت صریح‌تر مدیریت مسایل کشور، به توهم پوشیدن لباسی فاخر و نادر، هم‌چنان برهنه مانده و ذی‌نفعان نیز در حال به به و چه چه هستند.

نتیجه‌گیری:

آن چه پراکنده آمد، درواقع پیش‌درآمدی بود بر تبیین «تحلیل‌گری». پیرو همین کنایه‌ی اخیر، می‌توان نتیجه گرفت تحلیل‌گری چیست؟ و تحلیل‌گر کیست؟

تحلیل‌گری چه نیست؟

■ جمع‌آوری داده‌ها و انباشت نمودارها و جداول آماری درباره‌ی موضوع نیست.

■ پژوهش درباره‌ی مسایل ذاتی و فنی موضوع نیست.

■ تدوین گزارشی توجیهی و شتاب‌زده به سفارش مقام بالاتر در یک سازمان دولتی نیست.

■ بیان درکی دست‌وپاشکسته و ژورنالیستی از موضوع نیست.

■ هم‌زدن مجادلات فلسفی چندصدساله و تعیین صحیح از سقیم در حوزه‌ی نظریات بنیادین نیست.

■ نگارش متن برای سخن‌رانی ریاست جمهوری در «روز صنعت» نیست.

■ آسمان‌ریسمان‌کردن در بررسی یک موضوع مغلق نیست.

■ دفاع از صحت و مناسبت نظریه‌ی فلان و الگوی بهمان در رابطه با حل موضوع، نیست.

■ سفرنامه و خاطره‌نویسی نیست.

.....

تحلیل‌گری چه است؟

■ جهت‌دهی مباحثات مختلف برای پاسخ به «ثم ماذا» است.

■ بیانی روشن، مبنی‌گرا و ساخت‌یافته از «واقعیت» است.

■ همان قدر در طرف علم است که در طرف عمل است.

■ همان قدر راه‌بردی (استراتژیک) است که عینی و واقعی است.

■ همان قدر کلی‌نگر است که جزئی‌نگر است.

■ همان قدر بنیادی است که کاربردی است.

■ همان قدر علمی است که بومی است.

■ همان قدر جامع است که شدنی است.

■ همان قدر قابل استفاده برای دانش‌گامیان است که قابل استفاده برای سیاست‌گذاران و مجریان.

.....

به‌هرحال:

■ تحلیل‌گری، آمیخته با نگاهی مبنایی به ریشه‌ها و ابعاد واقعی موضوع است. این‌ها نیز لزوماً از دل کتاب‌ها و تئوری‌های آکادمیک استخراج نمی‌شود؛ بل که آنی است که نخبان مرتبط با موضوع (اعم از مجریان، استادان، مسئولان، ذی‌نفعان و...) درباره‌اش فکر می‌کنند.

■ تحلیل‌گری تدریس اصول و روش‌های کوه‌نوردی در مدرسه‌ی کوه‌نوردی نیست. بل که طراحی نقشه‌ی راه برای یک تیم واقعی کوه‌نوردی و درآستانه‌ی صعود به قله است.

■ تحلیل‌گری لزوماً درشان تحصیل‌کردگان و محققان مرتبط با موضوع نیست؛ بل که هر گروه تحلیل‌گری که چارچوب تفکری مناسب را داشته باشد، شأنیت تحلیل موضوع را خواهد داشت.

■ در نهایت:

■ تحلیل‌گری، ظرفیت لازم را برای تبدیل شدن به یک روش علمی، قرار گرفتن در صدر روش‌شناسی‌های پژوهش بنیادی - کاربردی مدیریتی و محوریت یافتن در خواسته‌های مسئولان و مدیران از مراکز دانش‌گاهی و پژوهشی دارد.

■ تحلیل‌گری مبنایی استوار برای بررسی و حل مسایل «پیش‌رفت کشور» است. ■

# موفقیت در

## «ارتباط» است

نگاهی اجمالی به نقش ارتباطات در شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران

پرونده  
یادداشت

در ساختارهای شبکه‌ای اهمیت ارتباطات بیش‌تر از بقیه ساختارها است. در چنین

ساختارهایی گروه‌هایی که هم‌قرار بگیرند که نیازها، تهدیدات و فرصت‌های

مشترک دارند و تلاش می‌کنند با ارتباط هم‌افزایانه با یک‌دیگر

هزینه‌های مواجهه با تهدیدها و دست‌یابی به فرصت‌ها را

به حداقل برسانند. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری

شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی همین

واقعیت بوده است.

ارتباط با

سازمان صداوسیما و

انعکاس اخبار و تحلیل‌های

گروه‌ها در رسانه‌ی ملی و ارایه‌ی

محتوای فکری و علمی به برخی برنامه‌های

تلویزیونی

■ انتشار گزارش‌های تحلیلی در مورد مسایل کشور و توزیع

آن‌ها در بین مدیران و کارشناسان

■ ارتباط با مطبوعات و تلاش برای انتقال نظرات و

تحلیل‌های گروه‌ها به این رسانه‌ها

■ ارایه‌ی مشاوره‌های حقوقی مورد نیاز گروه‌ها

■ برقراری ارتباط با مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و

انتقال نقطه‌نظرات و پیش‌نهادات گروه‌ها به این مراکز،

مانند: مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست‌جمهوری، مجمع

تشخیص مصلحت نظام، مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان

ملی جوانان و...

خلاصه آن‌که ایجاد یک ساختار ارتباطی منسجم و هوشیار که

وظیفه‌ی آن تمرکز و توجه ویژه به ملاحظات ارتباطی و

پی‌گیری ارتباطات است، می‌تواند نقش بسیار مهمی در

به‌نتیجه‌رسیدن و اثرگذاری فعالیت‌های گروه‌ها داشته

باشد. ■

مستقل

در عرصه‌ی

فعالیت‌های مطالعاتی و

فکری را نداشتند، با استفاده از

فرصت‌های باهم‌بودن به فعالیت بپردازند.

مجموعه‌ی این واقعیت‌ها باعث شد تا در ستاد

شبکه‌ی تحلیل‌گران، بحث ارتباطات به صورت متمرکز و

برنامه‌ریزی شده پرداخته شود و یک تیم به صورت ویژه به این

مسئله بپردازند. امتیاز و ویژگی این روی‌کرد نگاه «فرایندی»

به ارتباط است که در شکل زیر این فرایند به تصویر کشیده

شده است:

فرایند ارتباطات

ایجاد ← تثبیت ← توسعه

تمرکز بر روی ارتباط با این روی‌کرد محاسن و ثمرات مختلفی

دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

■ بهره‌مندی همه گروه‌های عضو از سید ارتباطات شبکه و

منحصر نشدن ارتباط هر گروه در همان گروه

■ کم‌تر شدن دغدغه ارتباطات و پی‌گیری‌های غیرضروری و

وقت‌گیر در گروه‌ها و پرداختن به دغدغه‌های مطالعاتی و

فکری

■ جلوگیری از ارتباطات موازی و هم‌عرض و انسجام در

ارتباطات

■ توجه و تمرکز بیش‌تر بر روی مسایل کلان و ملی نسبت به

مسایل گروه‌ها

در واحد توسعه‌ی ارتباط مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات

پی‌گیری می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

■ معرفی توانایی‌ها و قابلیت‌های گروه‌ها به افراد و

سازمان‌هایی که احتمال می‌رود این توان‌مندی‌ها مورد نیاز

آن‌ها باشد.

حسین اقدامی

مدیر توسعه‌ی ارتباطات و امور حقوقی ایتان

آدم‌ها بیش از ۷۰ درصد عمرشان را در ارتباط با دیگران

می‌گذرانند. آدم‌ها هرچه قدر باهوش، زرنگ، خلاق، مبتکر،

عالم و... باشند تا زمانی که نتوانند خوب ارتباط برقرار کنند

نمی‌توانند موفق باشند. در قرآن آیه‌ای است که در آن خدا به

پیام‌بر یادآوری می‌کند که اگر تو انسان بدخلقی بودی

هیچ وقت نمی‌توانستی این همه مردم را دور خودت جمع کنی.

یا در روایتی از معصوم داریم تعداد کسانی که به واسطه‌ی

حسن خلق به سمت پیام‌بر آمدند از تعداد کسانی که واسطه‌ی

منطق و استدلال به ایشان گرویدند بیش‌ترند. این‌ها نشان

می‌دهد آدم‌ها در همه‌ی امور زندگی، حتی در معنوی‌ترین

آن‌ها، اگر بخواهند از دایره‌ی فردی فراتر بروند و در دیگران

تأثیرگذار باشند باید قواعد و لوازم ارتباط‌گرفتن با دیگران را

یاد بگیرند وگرنه نمی‌توانند آدم‌های تأثیرگذاری باشند.

در مجموعه‌ها و برای آدم‌هایی که در کار خود نوپا هستند نوع

تعامل و ارتباط‌گیری با مخاطبان و ذی‌نفعان نقش مهمی در

موفقیت دارد و مهارت‌های ارتباطی جزو اولین و ابتدایی‌ترین

آموزش‌هایی است که باید یاد گرفته شود.

در ساختارهای شبکه‌ای اهمیت ارتباطات بیش‌تر از بقیه

ساختارها است. در چنین ساختارهایی گروه‌هایی کنار هم قرار

می‌گیرند که نیازها، تهدیدات و فرصت‌های مشترکی دارند و

تلاش می‌کنند با ارتباط هم‌افزایانه با یک‌دیگر هزینه‌های

مواجهه با تهدیدها و دست‌یابی به فرصت‌ها را به حداقل

برسانند. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری شبکه‌ی

تحلیل‌گران تکنولوژی همین واقعیت بوده است. در شبکه،

مبنا این بوده که تیم‌ها و گروه‌های نوپا که توانایی حضور



# کون‌های

## تحلیل‌گر منطقه‌ای:

# مغز افزار توسعه‌ی استانی

حاشیه‌ای بر ضرورت‌ها و چالش‌های مراکز مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای استانی

نگاه‌تمرکزگرا در برنامه‌ریزی‌ها و نگرش بالا به پایین در توسعه، طی سال‌های گذشته در

کشور و توجه کمتر به نگرش پایین به بالا، مانع لحاظ نمودن و مطالعه‌ی دقیق

قابلیت‌های هر منطقه از کشور شده و لذا منجر به ارایه‌ی نسخه‌های

عمومی توسعه برای بسیاری از مناطق گردیده است.

این همه، عامل عدم توجه و ویژه به قابلیت‌های

معرفی، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی، اجتماعی و

به ویژه منابع انسانی خاص آن

منطقه شده است.

دست‌وپاگیر

در قراردادهای

مطالعاتی، یکی دیگر از

مشکلات است.

تجربه‌ی مرکز مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای خراسان رضوی

«مرکز مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای خراسان رضوی» از سال ۸۵

در جهت تحقق آرمان‌های فوق‌الذکر شکل گرفته است. این

مرکز در مدت کوتاه حضور خود در استان فعالیت‌های ذیل را

انجام داده است:

۱- ارایه‌ی مقالات و تحلیل‌ها در موضوعات مختلف توسعه‌ی

استان به ویژه بخش صنعت، برگزاری دوره‌های آموزشی -

تحلیلی کارآفرینی، دوره‌ی آموزشی تحلیل ابعاد کلیدی برنامه‌ی

پنجم‌سازندگی و نقد برنامه‌های گذشته.

۲- انجام پروژه‌های مطالعاتی و توسعه‌ای نظیر: مطالعات

شناختی خوشه‌ی مبلمان شاندیز، سیاست‌پژوهی مسایل

نخبگان، باشگاه نخبگان جوان استان، توسعه‌ی خوشه‌ی

مبلمان شاندیز، واحد علمی طرح «مشهد چهارده صفر چهار» و

طرح گفت‌وگوی جوانان با مسئولین با تأسیس کارگروه‌های

تخصصی.

حمیدرضا ایمانی

مدیر مرکز مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای خراسان رضوی

عقلانیت تصمیم

استنادات و پشتوانه‌های هر تصمیم، سیاست، راه‌برد و ...

به‌منزله‌ی نشان‌گرهای عقلانیت آن موضوع است. طبیعی است

که اگر برای یک تصمیم در عرصه‌ی صنعت، کشاورزی، منابع

انسانی و ... مطالعات علمی با روش‌های کانون تفکری با انواع

مطالعات اکتشافی، تطبیقی، تعاملی (هم‌اندیشی و مصاحبه) و

میدانی صورت گیرد؛ نتیجه‌ی به‌دست‌آمده مقرون به عقلانیت

بیش‌تر و عواید فزون‌تر خواهد بود. کارکرد اصلی

کانون‌های تفکر به صورت عام، بالابردن این عقلانیت در حل

مسایل، تصمیم‌گیری‌ها و تدوین سیاست‌ها است.

یک

تحلیل

مشترک از صورت

مسأله برای حل آن وجود ندارد

و در برخی مواقع نیز حتی کشف مسأله و

یا راه‌حل مناسب برای آن به شکل صحیح انجام

نشده است؛ که این همه فرصتی برای حضور یک کانون

تحلیل‌گری منطقه‌ای توان‌مند است.

مشکلات موجود

تأکید دولت جدید به تفویض اختیارات به استان‌ها یک گام مثبت

در این عرصه به نظر می‌رسد، اما متأسفانه قرینه‌های نهادی این

امر که نشان از این تفویض اختیار در سطح سازمان‌ها و ادارات کل

استان باشد، مشاهده نشده و روندهای تصمیم‌گیری تغییر

چندانی حاصل نکرده‌اند. البته شاید بتوان «مدیران

بخش‌نامه‌ای» در سطح استان‌ها را از موانع کار برشمرد؛ مدیرانی

که بیش از دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌ها و فرامین مرکز، جرأت

اقدامات بزرگ و کوچک محلی را ندارند. از سوی دیگر احساس

عدم نیاز برخی مدیران به کانون‌های تحلیل‌گری و

سیاست‌پژوهی در راستای علمی و اجرایی‌تر شدن تصمیمات

آنان، یکی دیگر از مشکلات پیش‌روی کانون‌های استانی

است. طبیعی است فقدان نیاز واقعی به مشاوره‌های

تصمیم‌گیری از سوی مدیران و مسئولین، سختی نفوذ و

تأثیرگذاری این موضوع را برای نهادهای منطقه‌ای دوچندان

می‌کند.

شاید یکی دیگر از مسایل کانون‌های تفکر جوان در استان‌ها را،

بتوان عدم اعتماد کافی به جوانان تحلیل‌گر در سطح منطقه

دانست. اعتماد بیش از حد برخی از مدیران به دانش‌گاه‌ها و

استادان، علی‌رغم برخی تجارب ناکام و نیز برخی قوانین

معمای توسعه‌ی مناطق کشور

نگاه‌تمرکزگرا در برنامه‌ریزی‌ها و نگرش بالا به پایین در توسعه،

طی سال‌های گذشته در کشور و توجه کم‌تر به نگرش پایین به

بالا، مانع لحاظ نمودن و مطالعه‌ی دقیق قابلیت‌های هر منطقه

از کشور شده و لذا منجر به ارایه‌ی نسخه‌های عمومی توسعه

برای بسیاری از مناطق گردیده است. این همه، عامل عدم توجه

ویژه به قابلیت‌های معدنی، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی،

اجتماعی و به ویژه منابع انسانی خاص آن منطقه شده است.

ضرورت کانون تفکر توسعه‌ی منطقه‌ای

حضور تحلیل‌گران بومی در هر منطقه که ضمن آشنایی با بوم و

منطقه‌ی زیست خود با مسایل تحلیل‌گری، ادبیات علمی روز،

تجارب سایر کشورها و ... آشنایی دارند، یک ضرورت

اجتناب‌ناپذیر برای توفیق در برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح

استان‌ها و شهرستان‌ها است. فقر جدی ادبیات علمی روز در

سطح استان‌ها و تأخیر قابل ملاحظه در انتقال و سرریز دانش و

تجارب مدیریتی از مرکز به سطح شهرستان‌ها، از جمله مسایلی

است که لزوم تأسیس کانون‌های تفکر روزآمد را ضروری کرده

است. این مراکز مدل‌های متناسب با منطقه و فضای موجود

استان و شهرستان‌ها را تحلیل می‌کنند.

یکربودن فضای کاری در مناطق، فرصت‌های متعدد کاری و نیز

ظرفیت خالی توسعه در استان‌ها و شهرستان‌ها، فرصتی مناسب

برای حضور جوانان دغدغه‌مند، صبور، جهادگر و تحلیل‌گر در

این عرصه است. در مورد بسیاری از موضوعات در حوزه‌های

اجتماعی، صنعتی، اقتصادی، کشاورزی، گردش‌گری و ... در

سطح استان‌ها، اساساً تأملی صورت نگرفته است یا دست‌کم

# چگونه بین تحقیقات

# و سیاست‌ها پیل بز نیم؟

کلون‌های تفکر و سیاست‌گذاری عمومی

سیاست‌پژوهی به واسطه‌ی تمرکز بر مسایل اساسی و مبتلابه، ارایه‌ی راه‌کارهای عملی و

هم‌چنین انتقال و ترویج آن‌ها در میان مجریان، جای‌گاه ویژه و ممتازی

دارد. متأسفانه در کشور ما تحقیقات بسیار کمی در این حوزه

(سیاست‌پژوهی) انجام شده است و ما فاقد متون

علمی و آموزشی در این زمینه هستیم.

روش‌های  
تحلیلی اقتصاد در  
سیاست است.

■ جای‌گاه سیاست‌پژوهی

غیرممکن  
است و بر این اساس

سیاست‌های رضایت‌بخش را

جای‌گزین سیاست‌های بهینه کردند. به

تدریج و با رشد این علم، الگوهای دیگری نیز به

منصه‌ی ظهور رسید از جمله مدل تدریجی، مدل‌های

مبتنی بر قدرت و ... از جمله جدیدترین این مدل‌ها در

تحلیل فرآیند سیاست‌گذاری عمومی می‌توان به نظریه‌ی

انتخاب عمومی اشاره داشت که نگاهی نهادگرایانه به

سیاست‌گذاری عمومی است. این مدل در حقیقت کاربرد

احمد اسدزاده

مدیر اندیشه‌کده‌ی اعتلای صنعت نفت

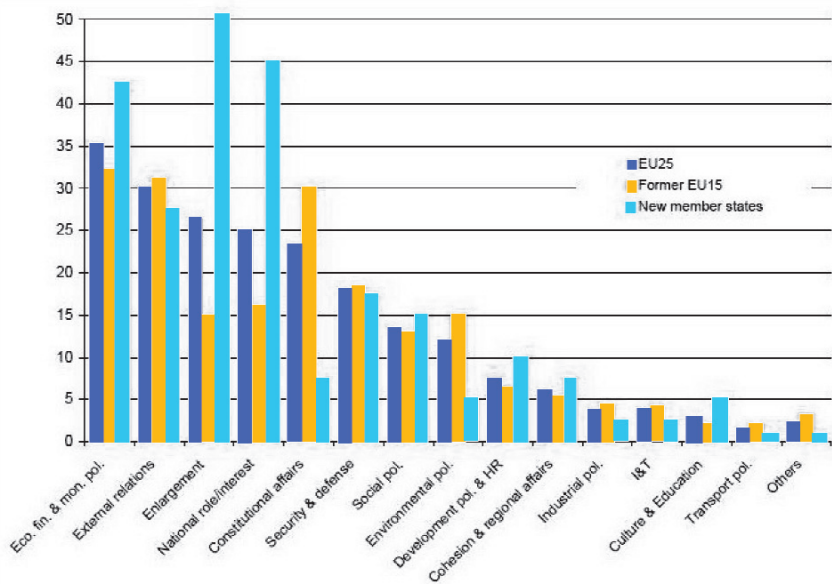
■ جای‌گاه کانون‌های تفکر

کانون‌های تفکر اساساً در حوزه‌ی مطالعات بخش عمومی شکل گرفته‌اند و یکی از اهداف مهم آنان تحلیل مسایل این بخش و انتقال دیدگاه‌های مردم و کارشناسان به دولت‌مردان و سیاست‌گذاران است. بر این اساس، لازم است که این مراکز درکی عمیق و همه‌جانبه از مسایل اجتماعی داشته باشند. چراکه مسایل بخش عمومی علاوه بر جنبه‌های فنی و تخصصی دارای ابعاد پیچیده‌ی اجتماعی و از سویی دیگر حاوی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند.

کانون‌های تفکر از دیدگاه سیاسی محملی جهت انتقال قدرت و سازمان‌دهی کارشناسان و مردم و ایجاد زمینه‌های لازم جهت مشارکت ایشان در سیاست‌های جامعه است و به عبارتی دیگر کانون‌های تفکر یکی از نهادهای ضروری برای توسعه‌ی دموکراسی و مردم‌سالاری به شمار می‌روند.

■ فرآیند سیاست‌گذاری

امروزه سیاست‌گذاری تبدیل به یک علم پیش‌رونده است و مدل‌های متفاوتی جهت تحلیل فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی طراحی شده است. هر چند رشد و نمو این رشته در کشور ما سابقه‌ای کم‌تر از ده سال دارد. در مدل‌های اولیه، فرآیند سیاست‌گذاری بیش‌تر به صورت یک فعالیت عقلایی گام به گام تصور می‌شد. اما به مرور دریافتند که اولاً شناسایی تمام بدیل‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری به دلیل محدودیت اطلاعاتی و محدودیت‌های دیگر عملاً





فعالیت خدماتی یعنی چه؟ تصمیم سازی یک فعالیت سفارش داده شده نیست! آمارها نشان می دهد که بیش از بیست و هشت درصد از حجم فعالیت های این مراکز اختصاص به آگاه سازی افکار عمومی داشته و این در حالی است که تصمیم سازی برای سیاست گذاران بیست و چهار درصد از فعالیت های ایشان را شامل می شود و به تدریج بر سهم بخش عمومی و تنویر افکار عمومی در این مراکز افزوده می شود. نگاهی به اهم موضوعاتی که در دستور کار کانون های تفکر در اروپا قرار دارد نشان دهنده ی طیف گسترده ای از مسایل است که عمده ی آن ها به شرح ذیل است:

- سیاست های اقتصادی و مالی
- روابط خارجی
- توسعه
- امنیت و دفاع
- سیاست های اجتماعی
- سیاست صنعتی
- فرهنگ و آموزش
- محیط زیست
- مطالعات منطقه ای
- منبع آمار و نمودار :

its think tanks ,a promise to be fulfilled  
Europe and

By Stephen boucher, Notre europe, October 2004

شده است. اما این موضوع در کشور ما مغفول واقع شده است. به راستی چند درصد از یافته های تحقیقاتی که در کشور انجام می شود با هدف تأثیرگذاری بر سیاست های کشور انجام می شود. شاید بتوان گفت این حوزه از تحقیق در کشور ما نوپاست و عمده ی مطالعاتی که انجام می شود بیش تر ناظر بر حل موانع و مشکلات رابطه ی دانش گاه با صنعت است و کم تر به رابطه ی تحقیقات با سیاست گذاری توجه می شود، این مسأله در کانون توجه کانون تفکر قرار دارد. امروزه بیش تر از ۳۰ تئوری برای تحلیل این رابطه توسعه یافته است و هم چنین ابزارهای مختلفی جهت انتقال تحقیقات به سیاست گذاران طراحی و تدوین شده اند. به نظر می رسد برای حرکت به سمت تحول و پیش رفت، نیازمند تأملی بیش تر و جدی تر در موضوعات پیش گفته هستیم.

#### ■ روندهای جهانی کانون های تفکر

آمارهای موجود در دنیا نشان دهنده ی روند جهت گیری های کانون های تفکر در دنیا و عمده ترین موضوعات مورد بحث در این مراکز است. تحقیقی که در میان کانون های تفکر اروپایی انجام گرفته است نشان دهنده ی آن است که تنها شش درصد از فعالیت های این مراکز اختصاص به فعالیت های خدماتی دارد و دو هدف تصمیم سازی جهت سیاست گذاران و آگاه سازی مردم جهت مشارکت و تأثیر بیشتر مردم در سیاست ها، در کانون توجهات این مؤسسات قرار دارد.

بدون شک، شناخت عمیق فرآیند سیاست گذاری و تحلیل آن در شرایط موجود و اتخاذ یک مبنای مستحکم و قابل قبول، یکی از الزامات و نیازمندی های کانون های تفکر در کشور است که امری مغفول به نظر می رسد.

البته این نکته را نباید ناگفته گذاشت که پژوهش پیرامون سیاست گذاری عمومی و سیاست پژوهی در زمره ی وظایف اصلی کانون های تفکر است، نه تجزیه و تحلیل خط مشی. تجزیه و تحلیل خط مشی یکی از علوم بین رشته ای است که بیش تر در دانش کده های علوم سیاسی و مدیریت بررسی می شوند. اما سیاست پژوهی با یک مسأله شروع می شود و هدف آن ارایه ی توصیه های عملی به سیاست گذاران برای حل مسأله است. اولی توصیفی است و دومی تجویزی. گو این که پژوهش های مختلفی مانند پژوهش های بنیادین و یا پژوهش های کاربردی می توانند در حل و تقلیل مسایل مؤثر باشند، اما سیاست پژوهی به واسطه ی تمرکز بر مسایل اساسی و مبتلابه، ارایه ی راه کارهای عملی و هم چنین انتقال و ترویج آن ها در میان مجریان، جای گاه ویژه و ممتازی دارد. متأسفانه در کشور ما تحقیقات بسیار کمی در این حوزه (سیاست پژوهی) انجام شده است و ما فاقد متون علمی و آموزشی در این زمینه هستیم.

#### ■ رابطه ی تحقیقات فعلی کشور و سیاست گذاری

امروزه پژوهش های بسیاری در مورد بررسی موانع و چالش های ارتباط تحقیقات با سیاست گذاری در دنیا انجام

# زمانی برای

# اندیشیدن

نگاهی به روند طی شده از تصمیم‌سازی تا تحول‌سازی

حرف خود را به کرسی نشانند، به‌ویژه برای جوانان، آن قدر جذابیت دارد که ممکن است

هیچ‌گاه حاضر نشویم این لذت را با هدف غایی تعامل که تغییرگذاری است،

عوض کنیم! و شوق فراوان به تغییر دادن، آن قدر در جوانان زیاد

است که ممکن است مانع از درک عمیق این نکته شود که

پای دار کردن تغییر، بسیار سخت‌تر و

مشکل‌تر از تغییر دادن است.

صریح با مدیران و تصمیم‌گیران بوده است، اما با گذشت نزدیک به یک دهه از فعالیت‌های آن، وقت آن است که اندکی برآن چه خود کرده‌ایم تفکر کنیم و ببینیم آیا تعاملات ما با تصمیم‌گیران، در جهت به‌فکرانداختن آن‌ها بوده است یا خیر؟ چه قدر در این راستا موفق عمل کرده‌ایم و چه‌گونه باید برای تعامل اثربخش و تأثیرگذار، در کارهای خود بازنگری کنیم؟ حرف خود را به کرسی نشانند، به‌ویژه برای جوانان، آن قدر جذابیت دارد که ممکن است هیچ‌گاه حاضر نشویم این لذت را با هدف غایی تعامل که تأثیرگذاری است، عوض کنیم! و شوق فراوان به تغییر دادن، آن قدر در جوانان زیاد است که ممکن است مانع از درک عمیق این نکته شود که پای دار کردن تغییر، بسیار سخت‌تر و مشکل‌تر از تغییر دادن است و برای پای دار کردن باید به صورت مداوم «به فکر انداختن» تا بذر اعتقادات، ذره‌ذره رشد کند و پای دار گردد. ■

اما نکته‌ی بسیار مهم آن است که اعتقادات، درونی‌ترین و غیرقابل دست‌رس‌ترین امور یک انسان است و با آن که تحول به معنای تغییر در این اعتقادات است، لیکن تنها حلقه‌ای از این زنجیر که شما می‌توانید برآن تأثیر بگذارید، حلقه‌ی ابتدایی و یا افکار است. هیچ تحولی در زندگی بشری، بدون تدبیر و تفکر اتفاق نمی‌افتد و از این نقطه‌ی شروع، انسان‌ها تغییر را آغاز می‌کنند. به‌فکرانداختن و به‌فکرواداشتن تنها راهی است که شما می‌توانید امید داشته باشید یک تغییر مقطعی را به سمت یک تحول پای دار پیش برانید و البته نکته‌ی بسیار کلیدی آن است که اگر کسی به گفته‌های خود اعتقاد نداشته باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند بر دیگری تأثیر پای دار بگذارد. ایتان شبکه‌ای از کانون‌های تفکر است که ویژگی مشترک تمام آن‌ها، جوانی و میل فراوان به تأثیرگذاری و تغییر است. نقطه‌ی شروع تمام این جوانان، تعامل بی‌پرده و

رضا باقری

مسئول گروه مدیریت تجاری و توسعه‌ی کسب و کار

اگر نیت یک‌ساله دارید؛ برنج بکارید. اگر نیت ده‌ساله دارید؛ درخت غرس کنید. و اگر قصد صدساله دارید؛ بر انسان‌ها تأثیر بگذارید. تأثیرگذاری و تحول، فرآیندی بسیار پیچیده و مداوم است که در سیستم‌های انسانی، هیچ‌گاه یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. بل که حاصل تعامل مداوم افکار، گفتار، کردار، عادت‌ها و اعتقادات است. مانند حلقه‌های زنجیری که با یک‌دیگر در تعامل هستند و در عین حال، یکی بر دیگری تأثیر می‌گذارد.

# مروری بر یک کانون تفکر

نگاهی به تاریخچه و فعالیت‌های گروه سیاست‌گذاری مسکن



بازدید مسئولان گروه‌های استانی از برخی مراکز اقتصادی و صنعتی استان خوزستان - آبان ۱۳۸۷

مسأله‌ی مسکن از دید یک سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز برای مسئولین امر از سوی یک مرکز غیردولتی با شیوه‌ی «تولید ادبیات و سیاست‌های مربوطه»، «ارایه و اقناع مسئولین امر راجع به آن» و در نهایت «مطالبه‌ی آن از تصمیم‌گیران این بخش (مطالبه‌ی عمومی و کارشناسی)»، روی‌کردی بود که در کشور به صورت نادر در بعضی حوزه‌های محدود کاری و تصمیم‌گیری اتفاق افتاده بود.

این مرکز توانست با تلاش چهارساله‌ی خود در این راستا، سیاست‌های کلان بخش مسکن را از دید یک کانون تفکر و دیده‌بان علمی بنگرد و یک «بازمهندسی» کامل در سطوح مختلف بخش مسکن انجام دهد؛ سیاست‌هایی چون حذف قیمت زمین از قیمت تمام‌شده‌ی مسکن (که

سطح آمایشی، اقتصادی و تکنیکی طبقه‌بندی کرد که سطح مسایل اقتصادی به دلیل نداشتن متولی خاص و عدم پرداخت صحیح، به عنوان محور ورود به بحث زمین و مسکن شناخته شد. این مرکز با توجه به فقدان مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی در این حوزه، رأساً به تولید ادبیات این حوزه در ایران پرداخت.

نوع روی‌کرد این مرکز به مسایل، در ابتدای امر به صورت دیدکلان شکل گرفت و مرکز در برخورد با مشکلات محور مورد بحث به عنوان یک کانون تفکر (Think Tank) پایه‌گذاری شد. بنابراین این مرکز هم در موضوع و هم در نوع و شیوه، فصل جدیدی را در امور پژوهشی و تحقیقی کشور در بخش زمین و مسکن آغاز کرد. نگرستن به

افشین پروین پور - مقداد همتی  
اعضای گروه سیاست‌گذاری مسکن مرکز مطالعات  
تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت ایران

گروه سیاست‌گذاری مسکن مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت ایران، هم‌زمان با راه‌اندازی مرکز در تابستان ۱۳۸۳ با حمایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، شروع به کار کرد. این مرکز پس از مدتی بررسی، مشکلات اقتصادی فراروی بخش زمین و مسکن را در اولویت فعالیت‌های کاری خود قرار داد.

مسایل مرتبط با حوزه‌ی زمین و مسکن را می‌توان در سه

این مرکز توانست با تلاش چهارساله‌ی خود، سیاست‌های کلان بخش مسکن را از دید یک کانون

تفکر و دیده‌بان علمی بنگرد و یک «بازمهندسی» کامل در سطوح مختلف بخش مسکن

انجام دهد؛ سیاست‌هایی چون حذف قیمت زمین از قیمت تمام‌شده‌ی

مسکن و یا مالیات بر املاک و مستغلات، با توجه به تجربیات

موفق جهانی آن و بومی‌سازی مناسب در کشور، حاصل

تلاش چهارساله‌ی این مرکز در عرصه‌ی

مسکن کشور است.

خود نخواهند رسید؛ مرکز مطالعات تکنولوژی دانش‌گاه علم و صنعت ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با حمایت انکوباتوری «شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران» در ابتدا و ادامه‌ی کار توانست جای‌گاه خود را در زمینه‌ی فعالیت مربوطه تثبیت کند.

علاوه بر این مهم، بحث هزینه‌کرد دست‌گاه‌های دولتی در بخش پژوهش – کاربردی است که متأسفانه در ادامه‌ی کار نیز با توجه به این که برای امور تحقیقی – پژوهشی از نوع تصمیم‌سازی – که شیوه‌ی کار این مرکز است – هزینه‌ی چندانی پرداخت نمی‌شود؛ مراکز این چنین همواره با مشکل کمبود منابع مالی برای تأمین کارشناسان خود روبه‌رو هستند.

### ۳. موضوع و شیوه فعالیت

همان‌طور که گفته شد، این مرکز نیازمخوری را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده است. موضوع «سیاست‌گذاری مسکن» یک موضوع بین‌رشته‌ای است که کم‌تر به آن توجه شده بود. این مهم نیز یکی از مشکلات مراکز این چنین بوده است که باید در حوزه‌هایی فعالیت کنند که یا فعالیتی جدی و مطالعاتی روی آن صورت پذیرفته است و یا فعالیت‌های تحقیقی صورت پذیرفته در گذشته در مسیر اشتباه و ناکارآمد بوده و بخش مربوطه را با بحران مواجه کرده است.

درنهایت باید گفت که این مرکز همواره در راستای کار شبکه‌ای هم‌کاری‌های مختلف و مستمر با گروه‌های مختلف شبکه‌ی تحلیل‌گران تکنولوژی ایران و نهادهای مختلف از جمله دفتر ریاست جمهوری، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت اقتصاد و امور دارایی، مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر تهران، شهرداری و... در دستورکار داشته است. ■

فرسوده‌ی شهری که امروزه به عنوان خطر و تهدیدی جدی برای کلان‌شهرهای کشور ایران شناخته می‌شود نیز از جمله مسائلی بوده است که این گروه به آن توجه ویژه داشته است. در این بخش نیز رویکرد اقتصادی ضعیفی به مسأله‌ی بافت‌های فرسوده وجود داشته که مهم‌ترین مشکل عدم موفقیت طرح احیای بافت‌های فرسوده بوده است و ارایی‌ی مدل‌های جدید احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده به همراه تحلیل‌های اقتصادی با توجه به وجود بیش از ۷۰ هزار هکتار بافت فرسوده‌ی شهری در کشور نیز از دیگر فعالیت‌های این مرکز بوده است. اما این مرکز با توجه به نوآوری در شیوه و محتوا، طبعاً با مشکلاتی در ابتدای کار مواجه بوده که توجه به آن می‌تواند برای گروه‌های تازه‌تأسیس مفید باشد.

### ۱. راه‌اندازی مرکز

راه‌اندازی چنین مرکزی در دانش‌گاه توسط عده‌ای فارغ‌التحصیل و بدون پشتوانه و حمایت ابتدایی دانش‌گاه از معضلات اولیه‌ی این مراکز است. تشکلهای شکل‌گرفته‌ای چون نهاد نمایندگی مقام معظم ره‌بری، بسیج دانش‌جویی، انجمن‌های علمی و... می‌توانند این مراکز را تحت پوشش بگیرند.

### ۲. مشکلات اولیه‌ی مالی

یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین مشکل مراکز نوپایی چون این مرکز، مشکل مالی است. مرکزی که توسط عده‌ای تازه فارغ‌التحصیل ایجاد می‌شود، باید برای شکل‌گیری و انسجام آن، تمام وقت مفید اعضا صرف شود؛ این در حالی است که اگر حمایتی هرچند جزئی از این‌گونه مراکز انجام نگیرد، مراکز این چنین، در همان ابتدای امر با شکست روبرو می‌شوند و در نهایت به هدف اصلی

نمونه‌ی آن در سیاست حق بهره‌برداری ۹۹ ساله یا همان طرح مسکن مهر در حال اجرا است) و یا مالیات بر املاک و مستغلات (مالیات بر خانه‌های خالی، معاملات مکرر و...) با توجه به تجربیات موفق جهانی آن و بومی‌سازی مناسب در کشور، حاصل تلاش چهارساله‌ی این مرکز در عرصه‌ی مسکن کشور است.

در کنار پرداختن به مسایل مرتبط با حوزه‌ی اقتصاد مسکن، این گروه سعی در واردشدن به مسایل تکنیکی و نیز آمایشی و شهرسازی داشته است. در حوزه‌ی مرتبط با مسایل تکنیکی ساخت مسکن، این گروه اقدام به پرداختن به مسایل حوزه‌ی سیمان کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین مصالح مورد نیاز ساخت مسکن کرده است و تهیه‌ی سند بالادستی صنعت سیمان کشور را در اولویت کاری خود قرار داده است. در حوزه‌ی مسایل آمایشی و شهرسازی نیز ارایی‌ی الگوهای مناسب فرهنگی شهری و انجام مطالعات بر روی سیاست‌های شهرسازی اعمال شده در کشور، از جمله فعالیت‌های این گروه شناخته می‌شود.

در پی فقرشدید علمی در حوزه‌ی اقتصاد، زمین و مسکن و نیز با توجه به تجربه‌ی علمی دیگر نقاط جهان، این گروه با هم‌کاری شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، اقدام به تهیه‌ی سرفصل‌های درسی رشته‌ای جدید در مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «اقتصاد زمین» کرده است. این رشته برای تربیت نیروهای متخصص در حوزه‌ی اقتصاد زمین و مسکن با رویکردی کاملاً کاربردی ایجاد شده که دانش‌آموختگان دوره، قادر به تحلیل وضعیت بازار زمین و مسکن در شرایط مختلف و نیز پیش‌بینی نتایج ناشی از اجرای سیاست‌های مختلف بر روی بازار زمین و مسکن خواهند بود. احیای بافت‌های

## چراغی در میانه‌ی مسجد و خانه

### گعده‌ی شش - پراکنده در باره‌ی نسبت تشکل و خانواده

خانواده ساختاری است مبتنی بر روابط خونی. و تشکل ساختاری مبتنی بر روابط عقیدتی. هر کدام از این دو ساختار جنس خاصی از روابط را طلب می‌کنند. اما به خاطر ماهیت متفاوت هر دو، بسیاری اوقات میان شان چالش‌هایی رخ می‌دهد. شاید اولین چالش میان تشکل و خانواده در تاریخ اسلامی، چالش میان خانواده‌های مشرکین بود با فرزندان شان که به دین جدید می‌گرویدند؛ تقابل تبار و عقیده. با این حال در وضعیتی که جامعه‌ی اسلامی ثبات یافته است و خانواده‌ها کم‌وبیش در پرتو عقاید دینی می‌زیند، مساله چگونه است؟ سطوح و انواع مختلفی از مسایل را می‌توان طرح کرد:

- آیا با حضور نهادی طبیعی - تربیتی نظیر خانواده، نیازی به وجود نهادهای ساختگی نظیر تشکل هست؟
- رابطه‌ی میان فعالین تشکل و خانواده‌هاشان چگونه است؟
- آثار الگوهای مختلف این ارتباط چیست؟
- برای فعالان تشکلی بین روابط و حقوق خانوادگی و روابط و حقوق تشکلی کدام اولویت دارد؟
- آیا تربیت در تشکل بدون هماهنگی با خانواده ممکن است؟
- ابعاد تحولات جدید جامعه که ضرورت این تعامل را بیش تر می‌کند چه هستند؟
- مدل‌ها، میزان و نوع هم‌آهنگی در چه صورت‌هایی می‌تواند باشد؟
- این هم‌آهنگی بسته به سن، مسایل اعضا و نوع تشکل چه تفاوتی می‌تواند داشته باشد؟
- نقش خانواده‌ها در تصمیم‌سازی تشکل‌ها چه باید باشد؟
- مرزهایی که در ارتباط خانواده‌ها با تشکل بایستی حفظ شوند، کدام‌اند؟

یادداشت‌های گعده‌ی این شماره تلاش می‌کنند درباره‌ی این پرسش‌ها پاسخ‌هایی ارائه دهند.

«گعده» از قعد می‌آید؛ به معنای نشستن. در ادبیات طلبگی به دورهم نشستن و گپ‌زدن و از هر دری سخن‌گفتن می‌گویند گعده. گویا ریشه‌ی این نام‌گذاری به محافل غیررسمی گفت و شنود علمای عراق بعد از کلاس‌های درس‌شان برمی‌گردد. گعده‌ی فتیان هم چنین است؛ محفلی است مکتوب از فعالان و همراهانی که هر کدام در یک گوشه‌ای از کشور، و در یک مجموعه و تشکل به امور فرهنگی و تشکیلاتی اشتغال دارند. و حال موضوعات و دغدغه‌های مشترک بهانه‌ی هم‌سخنی‌شان شده است. شما نمی‌خواهید آیا به این محفل بپیوندید؟



سید حسن مددی الموسوی  
استاد دانشگاه فردوسی مشهد

تعریف ما از تشکل چیست و مصادیق آن کدام است و هدف آن چیست؟ تشکل، اجتماع افراد هم‌سو و دارای اشتراکات زبانی و تعاریف مشترک از ارزش‌ها و باورها است که برای تحقق غایتی مشترک و عینی شدن ایده‌آل‌های خود گرد هم می‌آیند و فعالیت‌ها را آغاز می‌کنند. با این تعریف، خانواده نخستین تشکل اجتماعی است که برای دست‌یابی به آن هدف و آرمان، آن فضای مشترک را پایه‌ریزی می‌کند.

خانواده نخستین فضای تجربه‌ی زندگی مشترک و کوچک‌ترین واحد تشکیلاتی – به معنای عام آن – و به عنوان نخستین نهاد تربیتی، پایه‌گذار نحوه‌ی تعامل افراد آن مجموعه با یکدیگر است. در خانواده است که نحوه‌ی داد و ستد انسانی و عاطفی و روانی را با یکدیگر تجربه می‌کنیم، زیرساخت‌های نگرشی و روشی ما در خانواده شکل می‌گیرد، این تجربه‌ها چنان عمیق و اثرگذار اند که تا پایان عمر به صورت ناخودآگاه و گاه آگاه، سمت و سوی زندگی و روش تعامل ما را رقم می‌زنند.

و اما تشکل به معنای عام و مصطلح آن هر چند در تعریف با آن معنای خاص «خانواده» مشترک است، اما در کارکرد و نحوه‌ی تعامل داخلی افرادش با خانواده متفاوت است. ماهیت هر دو یکی است، شکل و فرم یک تشکل را دارند اما به دلیل عوامل و

انگیزه‌های شکل‌گیری با هم متفاوت اند. عوامل حیاتی چون نیازهای مادی و عاطفی که اساسی‌ترین نیازهای آدمی است نقش اساسی در شکل‌گیری خانواده‌ها دارند که عدم وجود آن به ازهم‌گسیختن این کانون خواهد انجامید. در پرتو این ابزار جذب و چسب است که خانواده راه می‌افتد و به پیش می‌رود و حیات معنا می‌یابد و به مرور که این نیازها کم‌رنگ‌تر می‌شوند، آن ارتباط نیز بنا بر یک قاعده‌ی طبیعی سست می‌گردد تا حیاتی دیگر و از نو شکل گیرد.

اما در تشکل‌های مورد نظر ما و آن‌چه که امروز مصطلح است، ابزار شکل‌گیری و دواعی شکل‌گیری و استمرار حیات آن متفاوت است. با یک نگاه می‌توان آن را جدای از تشکل خانواده و نهادهای تربیتی مستقل، یا کم‌وبیش مستقل از خانواده، در نظر گرفت یا آن را در دنباله‌ی آن به شمار آورد؛ و این یعنی ما نگاه توحیدی به موضوع داشته باشیم. به این معنا که ماهیت و حیثیت هر دو یکی است و ظواهر و مصادیق آن تغییر می‌کند، یک حرکت مستمر و پیونده که از تشکیل خانواده آغاز می‌شود و با تشکل‌های کوچک به راه خویش ادامه می‌دهد و تا تشکیل یک جامعه‌ی منسجم و یک امت واحد پیش می‌رود.

خانواده‌ها قطره‌ها هستند که با پیوست به یکدیگر جوی تشکیل می‌دهند و جوی تبدیل به رود و رود عاقبت به دریا؛ «ان

هذه امتکم امه واحده» (مؤمنون: ۵۴)؛ یک شکل و یک تشکل واحد است.

در پرتو این نگاه یک‌پارچه، نوع تعریف و روش‌ها و تکنیک‌ها و دغدغه‌ها و سوالات متفاوت خواهد بود. بدیهی است که باید اصل نگاه به هسته و آن قطره‌ی بنیادین باشد که اگر ریشه پوسید، برگ‌ها در کار نخواهد بود و اگر قطره گندید، به جای آب زلال، باتلاق درست می‌شود.

نگاه شارع از خویش آغاز می‌شود؛ «یا ایها الناس علیکم انفسکم» (مائده: ۱۰۵) و در اهل (خانواده) ادامه می‌یابد؛ «قو انفسکم و اهلیکم نارا» (تحریم: ۶) و سپس به جامعه راه می‌یابد؛ «ان هذه امتکم امه واحده».

اگر تشکل را یک‌پارچه و در یک راستا از خانواده تا امت واحد ببینیم و در یک نگاه جامع به آن بپردازیم، تشخیص فرصت‌ها و تهدیدها، بایدها و نبایدها، شایدها و اماها، آسیب‌ها و فایده‌ها و... بسیار آسان‌تر خواهد شد و حدود مسئولیت هر یک نیز تا حدودی مشخص خواهد شد، آن‌جا است که حد و اندازه‌ی حضور در تشکل و نحوه‌ی روابط و تعامل افراد آن با یکدیگر و میزان داد و ستد زبانی و عاطفی و روانی افراد با یکدیگر مشخص می‌شود.

هرگونه نگرش و روش و رفتار و گفتار و کردار و پنداری که مخل به نظام خانواده باشد، به قطع تاثیر آن در مراحل بعدی پایدارتر خواهد بود. حدیث از حد و حدود و مرزهای بین تشکل و خانواده و روابط بین افراد آن بسیار است که در این اندک نمی‌گنجد. ■



## خانواده-تشکل-امت واحد



## جلیل معماریانی

مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی کتاب‌پردازان مشهد

نیازهای مختلف انسان امروز چه در بُعد فردی و چه در بعد اجتماعی و سیاسی و ضرورت حضور در جمع‌های هدف‌مند دینی و اجتماعی، ضرورت وجود تشکیلات منسجم و نیرومندی که جواب‌گوی این نیازها باشد را بیش از هر زمان دیگری اثبات و تأیید می‌کند.

جوان امروز برای رشد و شکوفایی و پیش‌رفت، نیاز به حضور و هم‌کاری در تشکیلات دارد. تشکیلاتی که بتواند بستری مناسب برای شناخت او فراهم آورد و در زمینه‌هایی که ایجاد می‌کند فضا را برای تعامل و تعاون و تبادل پیش‌تراو با هم‌سالان و محیط آماده سازد.

و از طرفی وجود همین تشکیلات به عنوان قطعه‌ای از پازل پیچیده‌ی جامعه، نقش خاصی را ایفا می‌کند. هر

فردی از سازمان یا تشکیلات، با اعضای داخلی مجموعه و سیستم‌های بیرونی ارتباطاتی دارد. اگر این ارتباطات بر پایه‌ی یک برنامه و نظم دقیق استوار باشد هم‌افزایی دنیای بیرونی و دنیای درون تشکیلات باعث افزایش کارآمدی و بهره‌وری تشکیلات می‌شود.

تا زمانی که رابطه‌های درونی هر فرد با خودش و خدای خودش و مجموعه‌ی حالات و تحرکات و تخیلات و توهمات و تصورات و اهداف و ارزش‌هاش مشخص نباشد، در ارتباطاتش با دیگران نیز اختلال جدی به چشم می‌خورد. او نه تنها با خودش که با بقیه هم نمی‌تواند ارتباط درستی برقرار کند. و طبیعی است که در این شرایط نخواهد توانست خانواده‌اش را به درستی بشناسد و حقوق و تکالیف مربوط به آن حوزه را به خوبی انجام دهد. چه بسا ممکن است در این شرایط حتا تشکیلات جای‌گزین خانواده بشود که در این صورت معضل دیگری بر معضلات جامعه افزوده خواهد شد.

در نگاه سیستماتیک و نظام‌مند به مقوله‌ی رابطه‌ی بین خانواده و تشکیلات، نقش هر یک در فرهنگ و مهندسی فرهنگی باید به طور دقیق تبیین گردد تا این دو بتوانند به عنوان مکمل هم نه رقیب هم در رشد و شکوفایی جوان تشکیلاتی تأثیرگذار باشند.

زندگی تشکیلاتی نیازمند رعایت قوانین و ضابطه‌هایی است که اگر جامعیت و اصالت داشته باشند پاسخ‌گوی تعادل و حیات و بقای سیستم (تشکیلات، خانواده و اجتماع) خواهد بود.

با مقدمه‌ای که بیان شد ابتدا به آسیب‌شناسی روابط خانواده و تشکیلات می‌پردازیم و سپس چند راه‌کار ساده برای بهبود این روابط و پویایی آن ذکر خواهد شد.

### آسیب‌شناسی روابط خانواده و تشکیلات

#### ۱. ابهام در اهداف فردی و تشکیلاتی

گام اول در تصمیم‌گیری و اجرای آن، هدف‌مندی است.

# درپرتونظام‌مندی

رابطه‌ی خانواده و تشکل از منظری سیستمی



کسی که دقیقاً می‌داند کجا می‌خواهد برود هم در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و هم در حوزه‌ی اجرا سریع‌تر و دقیق‌تر و با آسیب‌کم‌تر و بهره‌وری بالاتری اقدام می‌کند. مشخص بودن دقیق اهداف، در رفتار و احساس و نگرش او تأثیر می‌گذارد و به او یاری می‌دهد که برای تحقق این هدف - رعایت ارزش‌هایی که سلامت هدف را تضمین می‌کند - چه اقداماتی باید انجام دهد و چه قوانین و ضابطه‌هایی را باید در رابطه‌ی خود با خانواده رعایت کند. به عنوان مثال کسی که برای برطرف کردن نقاط ضعف خود به یک تشکیلات روی می‌آورد و عزم خود را جزم می‌کند تا وضعیت فکری و روحی و روانی و رفتاری و علمی و اعتقادی و... خود را ارتقا بخشد بدیهی است که در نوع تعاملات اش با اطرافیان دقت بیش‌تری می‌کند. او می‌داند که خانواده هم در این رابطه بخشی از یک سیستم هدف‌مند است. با این نگرش هدف‌مند و سیستمی، شیوه‌ی رفتار و احساس اش را با خانواده طوری تنظیم می‌کند که در جهت رشد او کمک کند. این نگرش دقیق، خانواده را در وضعیتی قرار می‌دهد تا نقش مکملی برای رشد فردی و اجتماعی فرد ایفا کند.

این رابطه آرامش‌بخش است، و در بستر این آرامش، نسیم روح بخش مهرورزی و عطوفت و صداقت و صمیمیت را با تمام وجود احساس می‌کند. برعکس اگر هدف‌ها مشخص نباشد نوع رفتار و سبک‌آن و انگیزه‌های ارتباط با خانواده و تأثیرات متقابل مثبت آن، در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. بدیهی است در این صورت، تضاد و تعارض جدی بین خانواده و تشکیلات ایجاد می‌شود که در این بستر مبهم و گنگ، رشد و شکوفایی مفهوم خود را از دست می‌دهد. و این دو نهاد کاملاً مؤثر، نقش خود را از دست می‌دهند و با هم به رقابت می‌پردازند. انسانی که در این بستر قرار می‌گیرد نه وظایف تشکیلاتی خود را به درستی می‌شناسد و انجام می‌دهد و نه وظایف خانوادگی خود را. و هر کدام از این‌ها را دست‌آویزی برای توجیه غرور و غفلت و تنبلی و خودخواهی و لج‌بازی خود قرار می‌دهد و در این فرض هم خانواده و هم تشکیلات از تأثیر مثبت متقابل هم‌دیگر محروم خواهند شد.

## ۲. عدم توانایی در برقراری روابط مؤثر

به دلیل ضعف در توانایی برقراری ارتباط در اجتماع و خانواده و تشکیلات شاهد آسیب‌ها و خسارت‌های فراوانی هستیم. جای خالی آموزش مهارت‌های ارتباطی در تمام تشکل‌ها به خوبی احساس می‌شود. ایجاد تعادل در

رابطه‌ها یک مهارت است. به عنوان مثال اگر عضوی از یک تشکیلات به دلیل تراکم یا ضرورت کار به عنوان مثال یک شب دیر به منزل برسد و مادر از او علت تأخیر را سوال کند، جوان تشکیلاتی باید بتواند با تدبیر مناسب و مدیریت درست بر حالت‌ها و اندیشه‌ها، هم‌راه با هم‌دلی و اظهار فرزنددی، پاسخ هم‌دلانه بدهد. ولی چه بسا مشاهده می‌شود که در چنین وضعیت‌هایی، انواع سوءتفاهم‌ها بین این جوان و پدر و مادرش به وجود می‌آید. به راحتی می‌توان با کسب مهارت ارتباط مؤثر و روابط بین فردی، مانع از بروز این چنین سوءتفاهم‌هایی شد. و به رغم این‌که در ابتدا خانواده نقش مشوق و هم‌راه و پشتیبان را در حضور فرزندش در تشکیلات دارد، اما پس از مدتی به دلیل عدم ارتباط صحیح فرزندش با خانواده، هر دو از برکات این ارتباط محروم می‌شوند، حتی اگر رابطه‌ی جوان و تشکیلات حفظ شود.

## ۳. عدم ارتباط مستمر خانواده و تشکیلات

به دلیل ضعف نگاه سیستمی و شبکه‌ای، گاهی اوقات تشکیلات، برای خانواده و فرزند کارکرد هدف‌مندی ندارد و فقط به عنوان مجالی برای پرکردن اوقات فراغت - آن هم از نوع بی‌برنامه‌اش - در ذهن خانواده معنا می‌یابد. در این صورت وظیفه‌ی مسئولین تشکیلات این است که خانواده را نسبت به خسارت و زیان و کمیت و کیفیت حضور فرزند او آگاه کند و از خانواده نخواهد که به عنوان تکمیل و تقویت تشکیلات، ارتباط مستمر خود را حفظ کند. استمرار ارتباط خانواده و تشکیلات، آن قدر مهم است که حتی در بعضی تشکل‌ها، به عنوان شاهرگ حیاتی سازمان تلقی می‌شود. نقش پشتوانه‌ای خانواده در یک تشکیلات، باید با ظرافت و غیرمستقیم ایفا شود، تا فرزند بتواند در محیطی آرام و ایمن و به دور از تنش، فقط خود را ابتدا عرضه کند و سپس با استفاده از کارکرد مناسب نسبت به تغییرات مورد نیاز خود اقدام کند.

## ۴. رفاقت‌ها و دوستی‌های غیرضروری و افراط در آن‌ها

یکی دیگر از آسیب‌های موجود در روابط خانواده و تشکیلات، توسعه‌ی روابط بی‌حد و مرز و بدون مبنایی است که بعضاً خانواده را نگران می‌کند و موجب اختلال در مسیر تربیتی و فرهنگی خانواده هم می‌شود. فرآیند دوست‌یابی و ملاک‌های گزینش و نگهداری و مدیریت دوستی‌ها باید آموزش داده شود و عملاً هم بستر دوست‌یابی هدف‌مند فراهم گردد. وظیفه‌ی مسئولین و

مربیان تشکیلات این است که سعی کنند تمام نیازهای جوان تشکیلاتی را با رعایت اولویت و اهمیت در حوزه‌های مختلف برطرف کند و یا دست‌کم زمینه‌هایی برای حل و فصل آن ایجاد کند. دوستی‌های سازنده، نقش کاتالیزور (تسریع‌بخش) فرآیند تربیت اجتماعی و خانوادگی را ایفا می‌کند. و برعکس آسیب‌هایی از قبیل انحراف عقیدتی، جهل، خودبینی، بددلی، بدگمانی، مسئولیت‌گریزی، دروغ، نفاق و دوگانگی، خیانت، خلف وعده، بی‌تفاوتی، انزوا و گوشه‌گیری، اختلاف و ستیزه‌جویی و ناسازگویی، هتک حرمت‌ها، بدخلقی، بی‌عفتی و بی‌حیایی، بی‌برنامگی و بی‌نظمی فضای دوستی‌ها را تهدید می‌کند و بی‌توجهی و ساده‌انگاری نسبت به آن‌ها، ممکن است در روابط اجتماعی و خانوادگی اختلال ایجاد کند.

## ۵. عدم توجه به مدیریت زمان

غفلت از سرمایه‌ی عمر و ارزش حیاتی آن برای هر فرد، باعث می‌شود تا کم‌کم نسبت به تنظیم وقت و مدیریت آن، ضعف و ناتوانی و بی‌تفاوتی ایجاد شود. گروه‌های دوستی اگر با مدیریت عالمانه و هوش‌مندانه و هدف‌مند ایجاد نشوند، در این مقوله بیش‌ترین آسیب را ایجاد می‌کنند. در تشکیلات نسبت به این مسأله باید حساسیت بیش‌تری نشان داده شود. دورشدن فضای گفت‌مان تشکیلات از نظم و انضباط فردی، مخصوصاً نسبت به رعایت زمان‌بندی، آسیب بسیار مهم در تشکیلات است، و دامن این آسیب به خانواده هم کشانده می‌شود. خانواده ممکن است احساس کند فرزندش قبل از حضور در تشکیلات بی‌نظمی‌هایی داشته است که به تأثیر مثبت تشکیلات امیدوار بود و فرزندش را تشویق می‌کرد ولی حالا ممکن است احساس کند که بی‌نظمی‌های فرزندش افزایش یافته است. این چالش پس از مدتی، جوان را در یک تعارض و تضاد جدی عقیدتی و روانی و فکری قرار می‌دهد و او نه تنها از تشکیلات جدا می‌شود بل که باعث اختلال رفتاری و هنجاری گروهی هم می‌شود.

با توجه به برخی از آسیب‌های احتمالی روابط بین تشکل و خانواده - که توضیح و بسط آن از عهده‌ی این یادداشت خارج است - حال به بعضی از راه‌کارهای ساده اشاره می‌کنیم.

## نکاتی پیرامون به‌بود رابطه‌ی خانواده و تشکل

### ۱. نظم

نظم به معنای ترتیب و آراستگی، سامان و پیوستگی و به

رشته در آوردن مهره‌های جواهر و هم‌ردیف کردن چیزی با چیز دیگر آمده است. به نحی که جواهر یا آن عاملی که هر چیز دیگری را به نظم درآورد «نظام» گفته می‌شود.

اگر کسی در امور خویش استوار نباشد می‌گویند آموزش نظام ندارد و برآیند عملی این نظم، انضباط است. از طرفی با نگاه به عالم هستی در می‌یابیم مجموعه‌ی عالم، یک نظام بزرگ تشکیلاتی است که تحت حاکمیت خداوند قرار دارد و کم‌ترین درهم‌ریختگی و نابه‌سامانی در آن وجود ندارد. در سیستم‌های تشکیلاتی مخصوصاً در سیستم «تشکل و خانواده» وجود این نظم با الگوبرداری از نظام حکیمانه‌ی هستی ضروری است. تقوا و نظم به فرمایش امام (علیه السلام) دواصل حیاتی در زندگی بشر است.

مؤلفه‌های هدف‌مندی، برنامه‌ریزی، مدیریت، انگیزه، اولویت، بهره‌وری از انرژی جمعی، الگوسازی و الگوبرداری، پشت‌کار، توجه به اهمیت‌ها، صداقت و هم‌آهنگی از عناصر اصلی نظم است. رعایت نظم به معنای واقعی هم‌آهنگی واقعی بین تشکل و اعضای تشکل و خانواده ایجاد می‌کند. بنا به تحقیقات دانش‌مندان معاصر، این وحدت و نظم باعث هم‌افزایی و رشد و پویایی و شکوفایی می‌شود. با شناسایی هدف و برنامه‌ریزی دقیق به معنای تهیه‌ی نقشه‌ی مسیر حرکت به سمت هدف، وظایف هر یک از عناصر سیستم – تشکل و خانواده – به خوبی روشن می‌شود. رعایت حقوق متقابل فرزندان و خانواده در تحقق این نظم کمک می‌کند. استفاده از بستر دعای خیر پدر و مادر برای فرزند و زمینه‌سازی برای کسب این موهبت و رزق الاهی در نظام حکیمانه‌ی هستی سرمایه‌ی بزرگی برای فرد و تشکل به شمار می‌آید.

ترویج گفت‌مان توجه به خانواده در داخل تشکیلات نه تنها مانعی برای فعالیت نیست که عامل رشد و بقا و تدام و ارتقای سطح معنوی و کیفیت آن نیز است. استفاده از تجربیات والدین در حوزه‌ی ارتباطات و زندگی فردی و اجتماعی و مدل‌سازی از تجربه‌های موفق و انتقال دایمی آن به تشکیلات، زمینه‌ی خوبی برای انتقال تجربیات تشکیلاتی به درون خانواده ایجاد می‌کند. این تعامل دایمی در اثر سامان‌دادن به رابطه‌ها و مدیریت بر زمان و برنامه‌ها و تقسیم درست نیروها و امکانات و وقت صورت می‌پذیرد.

و باید به خاطر داشت که آن‌چه تشکل اسلامی را پویایی بیش‌تری می‌دهد و از نظم و انضباط، مفهومی بالنده و متحرک می‌سازد، رعایت این نکته است که نظم در امور به

معنای مراعات ترتیب‌های قراردادی نیست که نظم، مراعات ترتیب واقعی حوادث و کارها است، و کارها باید بر اساس اهمیت‌ها و میزان‌ها نظام بگیرند.

## ۲. معرفت و محبت

عامل معرفت و بصیرت، پایه‌ی اصلی تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها است. اگر اعضای تشکیلات، بر اساس معرفت انگیزه‌ی حضور و برنامه‌ی خود در تشکل را بیابند، همین معرفت سطح و عمق آگاهی‌های آن‌ها را در حوزه‌ی وظیفه‌شناسی افزایش می‌دهد. کسانی که کل راه را می‌بینند، امکانات متناسب برای طی کردن راه و هم‌چنین روحیه‌ی مناسب برای ماندن در راه و انعطاف لازم برای تغییر و تحول مسیر را فراهم می‌کنند و لازمه‌ی موفقیت در هر کاری همین معرفت و بینش است.

از طرفی عنصر محبت و ایمان و شور باطنی در مسیر حرکت تشکیلاتی یک عامل بسیار مهم به شمار می‌آید. در کانون گرم خانواده، وجود مادر به عنوان منشأ عواطف و احساسات و پدر به عنوان منبع منطق و تفکر و تعقل و ترکیب مناسب این دو، زمینه‌ی مناسب برای اعتدال شخص فراهم می‌شود. خانواده نقش متعادل‌سازی شخصیت جوان را ایفا می‌کند. شخصیت به تعادل رسیده اگر کار تشکیلاتی انجام دهد قطعاً دقیق‌تر و صحیح‌تر خواهد بود. در سیستم خانواده – تشکل، تأمین نیروهای مورد نیاز تشکیلاتی بر عهده‌ی خانواده و تأمین دیدگاه‌های جدید اجتماعی و انتقال آن به خانواده بر عهده‌ی تشکیلات است.

سعی در هم‌سوسازی خانواده و تشکل، با دو عنصر معرفت و محبت، زمینه‌ساز تقوای اجتماعی و سیاسی خواهد بود و قطعاً برکات حاصل از آن در قوام تشکیلات تأثیر دارد.

## ۳. وظیفه‌شناسی – اولویت‌شناسی – اهمیت‌شناسی

نکته‌ی دیگری که حرکت هدف‌مند سیستم مذکور را از گزند آسیب‌ها حفظ می‌کند، شناخت وظیفه‌ها است. به دلیل حجم کارهای تشکیلات و اولویت‌هایی که درون تشکیلات وجود دارد و هم‌چنین درگیری‌های درونی و بیرونی خانواده در ارتباط با مدیریت خانواده، طبیعی است که پرداختن به تمام جنبه‌ها و رفع تمام نیازهای این دو عملاً غیرممکن است. اما اگر به اولویت‌ها و اهمیت‌ها توجه شود و مبنای انتخاب و عمل در خانواده و تشکل، انجام وظیفه باشد، استعدادهای نهفته‌ی انسان از قبیل تفکر، تصمیم‌گیری، اراده و دوراندیشی، انعطاف و سرعت و دقت

و ده‌ها استعداد دیگر شکوفا می‌شود.

در این صورت فرد مشورت کردن را ضروری می‌داند و در نتیجه استفاده از تجربیات گذشتگان، دسته‌بندی و تدوین، نگاه‌داری و حفظ تجربیات قبلی نیز به عنوان یک مؤلفه‌ی مدیریتی در تشکیلات نهادینه می‌شود.

در هنگام تراکم کارها و تراکم برنامه‌ها حتماً به معیارهای دقیق‌تری نیاز است. اما آن‌چه مهم است، تفکر برای انتخاب یک کار در یک لحظه است.

تقویت فضاهای گفت‌وگوهای مبنایی و ارزشی در نهاد خانواده، به تقویت بنیادهای تشکیلاتی کمک می‌کند.

## ۴. خلاقیت

تفکر خلاق، که از نوع تفکر واگرا است، نیاز اساسی سیستم‌های تشکیلاتی است. همیشه برای انجام یک کار فقط یک راه وجود ندارد. باید فکر و ذهن را، با استفاده از تمرین و باور و ذهنیت مثبت و آموزش، در مسیر خلاقیت قرار داد.

بسیاری از مناسبات اجتماعی به دلیل عدم استفاده از تفکر خلاق به فرآیندهای پرهزینه و خسارت‌بار تبدیل می‌شود. در این میان بعضاً مشاهده می‌شود که مساله‌ای که فقط با یک توجه مثلاً ۵ دقیقه‌ای به یک موضوع حل می‌شود، به کلافی پیچیده تبدیل می‌گردد که هر کسی را یارای باز کردن آن نیست.

خلاقیت به دلیل فراهم آوردن بهره‌مندی از ایده‌های مختلف و انعطاف ذهنی، زمینه‌ای را برای انسان ایجاد می‌کند که برای یک مسأله راه‌حل‌های زیادی را مورد بررسی قرار دهد. انسان به انتخاب می‌رسد، از کارهای واکنشی و جبری نجات پیدا می‌کند و روش‌های نوین در ارتباطات و تأثیر عناصر مختلف ارتباطی از قبیل نگاه و زبان بدن و ژست لباس و... را نیز جدی می‌گیرد. گفت‌مان خلاقیت به ما کمک می‌کند تا در بسیاری از موارد برای حل مسایل فی‌مابین در خانواده و تشکل راه دیگری غیر از روش‌های کلیشه‌ای و تکراری پیدا کنیم. در این صورت رابطه‌ی این دو نهاد، باعث تولید بیش‌تر فرصت زندگی اجتماعی می‌شود. مواردی از قبیل آموزش مهندسی فکر، مهارت‌های زندگی، مدیریت ذهن، سعی و سرعت و سبقت و اعتدال و مفاهمی از قبیل مسئولیت‌پذیری، آداب معاشرت، امانت‌داری، امر به معروف و نهی از منکر، عفو و مدارا، انصاف، تواضع و فروتنی، صله‌ی رحم، مشاوره و مطالعه از نیازهای اساسی قابل بحث و بررسی جهت تقویت کارآمدی این دو خواهد شد. ■

حجت الاسلام محمدرضا سالاری فر  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بحث تشکل‌ها با توجه به وضعیت کنونی و عصر حاضر یک بحث ضروری به نظر می‌رسد. شرایط به گونه‌ای شده است که پیچیدگی‌های زندگی نیازمند مشورت بیش‌تر و تشکیل گروه‌هایی هست که بتوانیم هم از نظر اطلاعاتی و فکری از این گروه‌ها استفاده کنیم و هم از نظر عاطفی بتوانیم، به وسیله‌ی آن‌ها، برخی نیازها مان را حل کنیم. در هر صورت ضرورت تشکل‌ها روشن است.

مسأله‌ی ما این است که حضور در تشکل‌ها چه آسیبی ممکن است به روابط خانوادگی و پیش از آن به اصل جای‌گاه خانواده برساند.

چه در نوجوانی و چه در میان‌سالی و بزرگ‌سالی هم سطوحی از مسایل تشکل‌گریبان خانواده را می‌گیرد. در بزرگ‌سالی و میان‌سالی هم گاهی اوقات ارتباط با تشکل‌ها به روابط خانوادگی آسیب می‌زند. در نوجوانی هم البته خانواده تعصبات خاص و برداشت‌های ویژه‌ای دارد که روی مسأله - حضور نوجوان در گروه‌های دوستی یا تشکل‌ها حساس است. نوجوان ما علاوه بر این که در خانه است و به مدرسه هم می‌رود به این ارتباطات اکتفا نمی‌کند و روابط خانه و مدرسه او

را راضی نمی‌کند. نه خانواده می‌تواند او را به آن نحو مطلوب راضی کند چون خانواده مرکب از سطوح مختلف افراد با سنین متفاوت است و در خیلی موارد نیازهای نوجوان درک نمی‌شود و ما غالباً با این موضوع مواجه‌ایم که خانواده نمی‌تواند شرایط نوجوان را درک کند. نه مدرسه آن چنان دغدغه‌ای دارد که به مسایل عاطفی و فکری نوجوان و جوان توجه ویژه‌ای کند. و پس از این خصوصاً در دانش‌گاه که مسایل متنوع‌تری می‌شود و دانش‌جویان بی‌پناه‌تر می‌شوند. طبعاً به این ترتیب فرد از خانواده دور می‌شود و ...

در همان نوجوانی خانواده نمی‌تواند متناسب با شرایط زمانه نیازهای نوجوان را درک کند. طبعاً این وضعیت به آن جاکشیده می‌شود که ما می‌بینیم نوجوان و جوان به گروه‌های هم‌سال گرایش پیدا می‌کند. متأسفانه ما تا کنون نتوانسته‌ایم بر روی این‌ها کنترلی داشته باشیم، تعریف شده نبوده‌اند و بعضاً با یک تشکل‌های من‌درآوردی که اصول مشخص و ریشه‌داری ندارند، مواجه‌ایم. لذا اگر همین ضرورت را بپذیریم - این‌که نوجوان و جوان به طور طبیعی به گروه‌های دوستی گرایش دارد - به حضور نوجوان در این گروه‌ها و خود این گروه‌ها توجه بیش‌تری خواهیم کرد.

جنبه‌های عاطفی‌ای نوجوان دارد که این جنبه‌های عاطفی را گاهی اوقات خانواده و مدرسه نمی‌تواند برآورده کند. این جنبه‌های عاطفی را اگر گروهی از هم‌سالان یا تشکلی باشد که بتواند به نحو سالمی تأمین کند خیلی به‌تراست.

مضافاً در شرایط اجتماعی - اطلاعات اجتماعی‌ای که نوجوان کسب می‌کند و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی که نوجوان باید بگیرد - اگر تشکل‌ها نباشند، نوجوان نمی‌تواند تصمیم‌گیری‌هاش مناسب باشد. چون خانواده شرایط‌اش به گونه‌ای است که نمی‌تواند به‌روز باشد، یا به ندرت می‌تواند به‌روز باشد. هرچه هم خانواده تلاش‌اش را بکند در موارد نادری می‌تواند با نوجوان هم‌راه باشد. بنابراین اگر ما می‌خواهیم به طریق درستی نوجوان را با شرایط اجتماعی آشنا کنیم باید وابسته‌گی او را به تشکل‌ها به رسمیت بشناسیم.

در این‌جا دغدغه‌ای وجود دارد؛ برخی نگران‌اند که تشکل‌دراین سنین و به تبع رابطه‌ی نوجوان و جوان جای‌گزین خانواده شود. این مسأله هم در رفتارهای نوجوان دیده می‌شود؛ دیرآمدن او به خانه، توجه بیش‌تر او به تشکل و ... و هم در آن تصمیم‌هایی دیده می‌شود که سابق بر این خانواده می‌گرفته است؛ مثل ازدواج، واقعیت این است که تجربه‌ای که خانواده‌ها از تشکل دارند تجربه‌ی خوبی نیست. خصوصاً در زمانی که تشکل‌ها خیلی قوت گرفتند، احساس کردند نه تنها تشکل‌ها خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند بل که ارزش‌های خانواده را به مبارزه گرفته‌اند. طبعاً این خطر احساس می‌شود و این مشکل هست که نهاد خانواده را در این زمینه تعطیل کنیم. واقعیت این است که اگر بخواهیم در رابطه‌ی میان تشکل‌ها و خانواده اصلاحی انجام دهیم، باید این اصل را در تشکل‌ها جا بیندازیم که اصل



گهواره

یادداشت شفاهی

بیندازیم که تشکل چه آثار مثبتی می‌تواند برای آن‌ها داشته باشد. اگر ما بایبیم روی این زمینه کار کنیم و بیان کنیم که تشکل‌ها چه هستند و کارشان چیست تبعاً فرد بعد از این که ازدواج هم کرد تعلق خود به تشکل را حفظ می‌کند.

ما باید برای افرادی که ازدواج می‌کنند جلسات و برنامه‌هایی که داریم از دیگران متفاوت باشد. هم کم‌تر شود و هم کیفیت آن بالاتر رود. پس باید برای هر گروه سنی برنامه‌ریزی‌ای کرد و انتظاری مشخص هم داشت. ما نمی‌توانیم با منافع مادی متأهلین را در تشکل نگه داریم، بل که باید منافع علمی و عملی حضور در تشکل برای افراد معلوم شود. البته باز بحث این‌جا است که ما شرایط متأهلان را درک کنیم. یعنی انتظاری که از یک نوجوان داریم از او نداشته باشیم.

چیزی که در این رابطه به نظر می‌رسد، افزایش و گسترش کارکردهای تشکل است. معمولاً تشکل‌ها از مجموعه‌ای از افراد هم‌سال و هم‌آل شکل می‌گیرند. بعد از چند سال دیده می‌شود که نسلی از اعضای تشکل به سن ازدواج رسیده‌اند و با هم ازدواج می‌کنند. در این وضعیت تشکل می‌تواند با گسترش کارکردهای خود که پیش از این نداشته است، حضور افراد را در تشکل تضمین کند. مثلاً ایجاد خدمات مشاوره‌ای در تشکل. یعنی تشکل بتواند به گونه‌ی دیگری نیازهای این افراد را پاسخ دهد.

یک مسأله‌ی دیگر مرزهای رابطه‌ی میان تشکل و خانواده است. این‌جا یک نکته‌ی ظریف تربیتی وجود دارد. یکی این است که ما باید استقلال خانواده‌ها را حفظ کنیم و به هویت آن‌ها احترام بگذاریم. و به آن‌ها بها دهیم. نخواهیم با تعلق فرد به تشکل خانواده را هم کاملاً وابسته کنیم و تصمیم‌گیری‌های ویژه‌ی خانواده و آن چیزی که هویت خاص خانواده را می‌سازد را هم، به هم بزنیم. پس یک نکته‌ی ضروری این است که تشکل‌ها به هیچ وجه در مسایل خصوصی خانواده دخالت نکنند، مگر این‌که خانواده درخواست کمکی از تشکل کند و تشکل یا خودش توانایی‌اش را داشته باشد یا بتواند خانواده را ارجاع دهد به کسانی که می‌توانند به خانواده کمک کنند. از سوی دیگر نکته‌ای که باید به نوجوانان و اعضای تشکل گوش زد کرد این است که به هیچ وجه نباید اسرار و مسایل خصوصی خانواده در تشکل مطرح شود. انتقال اطلاعات از خانواده به تشکل باید خیلی ظریف باشد و هر مسأله‌ی خصوصی‌ای منتقل نشود. از سوی دیگر باید برای برنامه‌ریزی‌های تشکل تعریفات صورت بگیرد که بر اساس چه اصولی مسایلی که در تشکل مطرح می‌شود برای خانواده گفته شود. یعنی مرزبندی اطلاعاتی هم برای تشکل روشن باشد. ■

تشکل‌ها آن باشد که همه‌ی روابط خانوادگی تأیید می‌شود و سعی دارد بر تقویت آن روابط. و در ضمن این‌که خانواده را به تشکل بکشند. دعوت از اعضای خانواده‌ی اعضای تشکل‌ها، والدین، هم‌سر... برگزاری برنامه‌های مشترک و خانوادگی نظیر اردو و...

ببینید ممکن است سال‌ها بگذرد و خانواده‌ها نفهمند که افراد در چه تشکلی حضور دارند. در حالی که اگر اعضای تشکل را به طور رسمی ببینند، برنامه‌های تشکل را ببینند، تعامل میان تشکل و خانواده به نحوی می‌شود که خانواده‌ها سعی می‌کنند حمایت هم بکنند. چنین روش‌هایی تماس‌ها را بیش‌تر می‌کند، رابطه‌ها را تقویت می‌کند و نهایتاً برداشت‌های منفی را از میان می‌برد. و خانواده و تشکل به یک وحدت و اتحادی می‌رسند.

مسأله‌ی دیگر این است که گاهی اوقات به لحاظ ارزشی میان خانواده و تشکل تمایزها و تفاوت‌های جدی‌ای وجود دارد. دخترخانمی وارد تشکل می‌شود به ارزش‌های جدیدی روی می‌آورد و چادری می‌شود. در حالی که خانواده‌ی او این سبک را نمی‌پسندند.

در پاسخ باید گفت اگر ما بنا را بر این بگذاریم که تشکل‌ها مان در چارچوب اصول و قواعد اعتقادی و رفتاری اسلامی باید حرکت کنند، آن‌گاه گمان می‌کنم از همان ابتدا برای خانواده‌ها جا می‌افتد که با چه کسی مواجه است. بنابراین اگر تشکل بر همین مبنا حرکت کند، این‌جا اشکالی ندارد که افرادی هم باشند که خانواده‌هاشان در این اصول نمی‌گنجد و ما حضور این افراد را در تشکل تقویت کنیم. چه باید کرد؟ ما باید این‌جا فضای تحمل و مدارا را تقویت کنیم. اعضای خانواده را دعوت کنیم و به آن‌ها تشکل را معرفی کنیم. خانواده وقتی مزایای تشکل و تأثیر تشکل بر افرادش را ببیند، خودش هم شاید به سمت تشکل گرایش پیدا کند و خود را به تشکل مقید کند یا حضور فرزندش را تقویت کند. چیزی که باید این‌جا بدان تأکید کرد این است که تشکل ما باید روی اصول حرکت کند و برای خانواده تضمین کند که روی این اصول باقی می‌ماند. وقتی چنین است خانواده نفع حضور عضو در تشکل می‌برد.

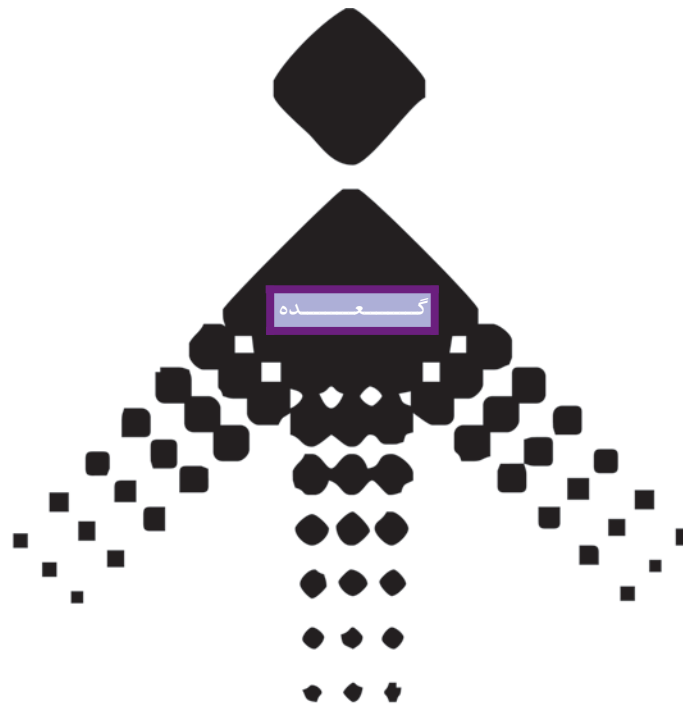
با این حال باید توجه داشت نباید به خاطر جذب حضور عده‌ای و ایجاد تعلق همه‌ی افراد به تشکل از اصول مان دست برداریم. این مهم نیست که چه قدر تشکل ما عضو دارد این مهم است که بر روی اصول خود حرکت کنیم. یک نکته‌ی مهم این است ما باید آن کارکردها و آثار مثبت تشکل را در عمل نشان دهیم. تا هم افراد جذب شوند و هم این‌که بعد از ازدواج افراد از تشکل نرنند. ما هنوز نتوانسته‌ایم برای افراد جا

خانواده است، هرچند شمای نوجوان به تشکل تعلق دارید. من احساس می‌کنم اگر تشکل‌ها این مسأله را به لحاظ ارزشی در فضای فعالیت‌هاشان جا بیندازند که ما نمی‌خواهیم جای‌گزین خانواده شویم - چون تعلق نوجوان و جوان آن قدر به تشکل شدید است که بخواهد خانواده را کنار بگذارد و این‌که بخواهد تشکل را کناری بگذارد احتمالی بسیار ضعیف دارد، خصوصاً پیش از آن‌که بخواهد ازدواج کند - و این ارزش را جا بیندازیم که بین تشکل و خانواده، اصل خانواده است، هرچند ممکن است به این نحو در ظاهر به تشکل‌ها آسیب رسانده‌ایم، اما توانسته‌ایم مشکل را حل کنیم. ببینید این‌که تربیت به دست تشکل بیفتد و عملاً هم این طور می‌شود به این‌جا می‌رسد که اختلاف در خانواده‌ها بیش‌تر شود. یان نوجوان و جوان و پدر و مادرش. این شکاف نسلی که ما در جامعه‌شناسی از آن سخن می‌گوییم بیش‌تر خواهد شد. به نظر می‌رسد که این خطری است که جدی است.

اولاً نهاد خانواده ویژگی‌هایی دارد که نمی‌توان از آن دست کشید. یعنی خود خانواده و تشکیل آن نیازهای عاطفی و اقتصادی و اجتماعی را تأمین می‌کند و این‌که ما بخواهیم از آن دست بکشیم محکوم به شکست‌ایم. امروزه بسیاری از کشورها فهمیده‌اند که باید خانواده را تقویت کنند. پس اگر این است که ما می‌خواهیم ارزش خانواده را حفظ کنیم باید حالا به دنبال یک سری راه‌کارها باشیم.

مثلاً یکی از این راه‌کارها این است که یک واحد خانواده در تشکل ایجاد کنیم. می‌توان گفت به لحاظ سیاست خانواده اصل باشد و به لحاظ اجرایی و ساختاری واحدی داشته باشیم به نام واحد خانواده.

وقتی ضرورت تشکل برای ما روشن شد، باید کاری کنیم که خانواده‌ها حمایت کنند نه این‌که کاری کنیم که مقابله کنند و مشکلات بیش‌تر شود. چون وقتی مقابله کردند هم مشکلات افراد زیاد می‌شود و هم افراد دچار تعارض و دوگانگی می‌شوند. در عین این‌که در تشکل هستند، دائماً احساس می‌کنند که دارند کوتاهی می‌کنند. ما باید جست‌وجو کنیم و ببینیم که تشکل‌ها چه راه‌کارهایی دارند که در عین حفظ موجودیت خود و تقویت خودشان، بتوانند خانواده را تقویت کنند. یکی از این راه‌کارها همان طور که گفته شد این است که بگویند همیشه خانواده اصل است. که بتوانند به لحاظ فکری برای افراد جا بیندازند، در اساس نامه‌هاشان داشته باشند و دیگر این‌که از لحاظ ساختاری، اصلاً یک واحد خانواده ایجاد کنند. و اعلام کنند که بنای ما بر این است که ما از نفس تشکیل خانواده حمایت می‌کنیم و حتا اگر در توان مان باشد از لحاظ اقتصادی هم حمایت می‌کنیم. و نهایتاً این‌که سیاست



### حجت‌الاسلام محمود مرویان مشاور استان دار خراسان رضوی

#### ترین نهاد

خانواده اولین و طبیعی‌ترین واحد اجتماعی است که آدمی آن را تجربه می‌کند. انسان در خانواده به دنیا می‌آید و همراه با آن همه‌ی مراحل و فرآیندهای زندگی را طی می‌کند. در عین حال خانواده دارای کارکردهای متنوعی است. این کارکردها که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم، سرمایه‌ی مهمی برای رشد و کمال فرد محسوب می‌شود. بی‌تردید خانواده خود یک تشکل کارآمد به شمار می‌رود در صورتی که ظرفیت‌ها و بسترهای این کارآمدی به خوبی شناخته شود و تقویت گردد و گرنه خانواده‌ی ناکارآمد جز سستی و عدم سلامت تولید نخواهد کرد.

برخی از کارکردهای خانواده چنین است:

آموزش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی / شناخت و رعایت حقوق و تکالیف متقابل زوجین و فرزندان در فضای خانواده /

وجود روابط رضایت‌مندانه‌ی عاطفی بین اعضا / امنیت اقتصادی و کمک به تأمین روان و راحت معاش و صیانت از سلامت و بهداشت جسمی و روحی افراد / فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن در فضای کوچک اما پرتحرک خانه / هدف‌مندی و برنامه‌ریزی و مدیریت ارتباطات انسانی در محیط خانواده / وجود آزادی عمل و حرمت متقابل و تأمین عزت نفس افراد برای رشد و تعالی انسان در فضای خانواده / شناخت و رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و تقویت ایمان و معنویت و رفتارهای دینی / فراهم کردن زمینه‌های رشد همه‌جانبه‌ی کودک، نوجوان و جوان با ملاحظه‌ی تفاوت‌های فردی و علایق و ظرفیت‌های درونی / فراهم کردن امنیت خاطر و آرامش روانی در خانواده در سایه‌ی گسترش صمیمیت و محبت و توجه به جنبه‌های مثبت و نقاط قوت در شخصیت افراد.

خانواده با این اهمیت و کارآمدی، در دنیای کنونی دست‌خوش بحران شده است و عوامل متعددی، خواسته و ناخواسته، موجب تضعیف و تزلزل و اختلال در نهاد خانواده می‌شوند. زندگی ماشینی، مصرف‌گرایی، فردگرایی، فمینیسم، بحران‌های شدید اقتصادی، تبعیض‌های اجتماعی، انفجار جمعیت و

مهاجرت‌های بی‌رویه، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی، تبلیغ و ترویج شهوت‌گرایی و لذت‌طلبی، گسترش اعتیاد، حقوق‌طلبی و تکلیف‌گریزی، ورود طلب‌کارانه‌ی اندیشه‌ها و تفکرات اجتماعی به ساحت خانواده، جهانی شدن – به معنی از میان رفتن مرزهای فکری و فرهنگی و تبادل اطلاعات، بینش‌ها و روش‌های زندگی از طریق ماهواره و اینترنت، ارتباطات فرهنگی و تبلیغاتی و تولیدات هنری نابه‌هنجار و خشونت‌گرایی ابراطوری فیلم‌سازی غرب؛ هالیوود – همه و همه عواملی هستند که نهاد خانواده را دست‌خوش حمله‌های وحشیانه‌ی خویش قرار داده‌اند، کارکردهای مثبت این نهاد را تضعیف می‌کنند و علاوه بر این که رشد و تعالی کودکان و نوجوانان و جوانان و نیز بزرگسالان را مخدوش می‌کنند، حتا سلامت‌شان را به خطر می‌اندازند.

با این شرایط، تشکل‌های فرهنگی – اجتماعی می‌بایست نسبت به نهاد و تشکل خانواده رابطه‌ای دوسویه، فعال و سازنده برقرار کنند. هرنوع رابطه‌ای که منجر به حاشیه‌راندن خانواده یا تلقی طفیلی بودن از آن شود، به مصلحت تشکل‌های دینی ما نیست.

# پیش‌به‌سوی تشکل خانواده‌محور

## ■ یک رابطه‌ی مکمل

رابطه‌ی میان تشکل و خانواده تقابلی و در عرض و رقابتهی نیست، بل که هم‌سو، در طول و تقویت‌گرا است. مهم تدبیر این رابطه است که منجر به هم‌پوشانی نقاط ضعف و بهره‌وری از توانایی‌های هر یک در مسیر رشد دیگری شود و در مجموع کلیت انسان مؤمن را تعالی بخشد. به ویژه امروزه که با شرایط جهانی و آسیب‌هایی که نهاد خانواده را زخم‌دار کرده است - به گونه‌ای که نقش و توانایی والدین را در تأثیرگذاری مثبت و سازنده و صمیمانه کم‌رنگ کرده و گسست نسلی ایجاد کرده است - تشکل‌ها به‌ترین مرهم و قوی‌ترین بازو برای جبران و حمایت از نهاد خانواده محسوب می‌شوند.

## ■ تعارضی کاذب

نظام مسئولیت و تعهد انسان مؤمن از منظر قرآن کریم ابتدا خود، سپس خانواده (اهل)، آن‌گاه بستگان و اطرافیان (عشیره) و بعد گروه مؤمنان و آن‌گاه بشریت و در نهایت هستی است. این مجموعه‌ی مدارات هم‌نظامی، تکاملی، در مسیر طولی و هم تقویت‌کننده و تعالی‌آفرین است و هر مرحله‌آدمی را برای حضور موفق و پای‌دار در مرحله‌ی بعدی آماده می‌سازد. کسی که نسبت به رشد و سلامت خود احساس مسئولیت نمی‌کند و خود را و انواده و طبعاً آفت‌ها و آسیب‌های فراوانی یافته و استعدادها و قابلیت‌هاش را در مسیر کمال نشناخته و فعال نکرده، نه احساس مسئولیت نسبت به خانواده دارد و نه سودمندی و کارآمدی‌ای. تولید او در خانواده زیان‌بار و اختلال‌آفرین است و همین‌طور کسی که در مسیر رشد خانواده و حضور فعال در آن تلاشی نکرده، حضورش در تشکل معیوب و هم‌راه با افراط و تفریط است.

اما حضور و نقش‌آفرینی آدمی در نهاد خانواده نیز منطبق و ضابطه‌ی ویژه‌ای دارد. آدمی به تدریج که بزرگ‌تر می‌شود دردها و غم‌هاش بیش‌تر می‌شود. حوزه‌ی مأموریت و رسالت‌اش هم توسعه می‌یابد. دیرزو خودش مهم بوده، امروز خانواده‌اش هم مهم است، فردا همه‌ی دوستان‌اش، مردمان نیازمند، فقرا و گرفتاران، ارزش‌ها و هنجارهای برزمین‌مانده همه و همه عیال و خانواده‌ی بزرگ او می‌شوند. او برای آن‌ها می‌سوزد و می‌خُند و می‌پوید. البته آرام‌آرام، دوش‌های او برای برداشتن بارها، فکر او برای تدبیر مشکلات، نگاه نافذ او برای تأثیر در دل‌ها و سخن حکیمانه‌ی او برای جمع‌کردن یارها و برکت او رحمت الهی برای حمایت و پشتیبانی از جمع مؤمنان افزایش و گسترش می‌یابد. تشکل‌ها ابتدا برای اعضایشان برکت دارند و بعد برای جامعه، کشور، امت، بشریت و... سودمند می‌شوند. آن‌ها که این مسیرها را درست طراحی و تدبیر کرده‌اند، تعارض ذاتی بین پرداختن به خود و خانواده و تشکل و جامعه

ندیده‌اند. در اندیشه‌ی دینی ثنویت‌های این چنینی معنا ندارد. آن‌چنان که در بالاترین سطح میان دنیا و آخرت تعارضی نیست و آن‌چنان که به فرموده‌ی امام (ره) در اسلام میان ماده و معنا جدایی نیست. آن‌ها که دچار فردیت مطلق هستند، بین خانواده و تشکل یکی را برمی‌گزینند، در حالی که در نظر حکیمانه این‌ها کمال‌بخش یک‌دیگرند و هر کدام پیش‌نیاز و پله‌ای برای بعدی. تجربه‌ی شخصیت‌های ماندنی هم‌چون امام خمینی (ره)، شهید بهشتی، شهید چمران، سرداران دفاع مقدس و... نمونه‌های خوبی از این تلفیق میدان‌های آرمان‌ها است.

## ■ حقوق متقابل

«چراغی که به خانه روا است، به مسجد حرام است». سرمایه‌ی خدمت و تلاش اگر از خانواده دریغ شود، و در تشکل مصرف گردد بی‌برکت خواهد بود. اصلاً نگاه مخاطبان در تشکل به تلاش و کلام و سرمایه‌گذاری آدمی هنگامی نافذ و مؤثر خواهد بود که فرد به عنوان یک الگو و اسوه مطرح شود. اسوه‌ای که به‌سر او، فرزند او، والدین‌اش، از سطح حضور قبلی او یعنی خانواده، اظهار رضایت کرده باشند. این‌ها عمل‌آمی‌توانند بروزدهنده‌ی نقاط قوت او باشند و یا نمایان‌گر نقاط ضعف او. اعتماد مردم به فرد در تشکل هنگامی است که او در خانواده موفق به نقش‌آفرینی مناسب و شایسته شده باشد. البته تشکل موفق نیز تشکلی است که افراد را له نکند. تشکل موفق آن است که یک خدمت دوسویه را طراحی کند. یعنی از فرد خدمت بگیرد و به او خدمت بکند. از فکر و حضور و تلاش و سرمایه و ارتباطات فرد بهره برد و توانایی‌ها و قابلیت‌های فرد را هم توسعه بدهد. مشکلات او را حل کند. محدودیت‌هاش را برطرف سازد. خدمت مالی، حرمت و اکرام، عاطفی و احساسی، علمی و فرهنگی، اجتماعی و انسانی به فرد و اطرافیان فرد هم ارایه کند. اصلاً به گونه‌ای ظرفیت‌هاش را برنامه‌ریزی کند که در خود تشکل یا در بخش‌های جانبی، فرد با خانواده‌اش حضور یابند. این‌جا است که حضور فرد در تشکل به یک سرمایه‌ی اجتماعی تبدیل خواهد شد و تعارض جذب - جذب خانواده و تشکل یک‌سره برطرف می‌شود.

## ■ حدودی که باید محترم شمرده شوند

أ- تشکل نباید جایگاه خانواده را بگیرد. صمیمیت، امنیت، حس تعلق خانوادگی، رابطه‌ی وظیفه‌مندی و خدمت‌دو طرفه‌ی اعضا، حفظ حرمت‌ها و جای‌گاه‌ها و حق پنددهی و پندپذیری متقابل در خانواده‌ها از جمله‌اموری هستند که خانواده را پویا و سازنده می‌کند و هیچ تشکلی نباید نقش جای‌گزین را در این مسایل به عهده بگیرد. البته آن‌جا که خانواده مختل و ناکارآمد و سست و گسسته و ضعیف شده، یا باید خانواده

را بازسازی و پشتیبانی کرد یا به فکر پای‌گاه‌های جانشین بود. اما در شرایط مطلوب نباید کارآمدی خانواده را در جای دیگری جست‌وجو کرد.

ب- هر قدر رابطه‌ی تشکل و نهاد خانواده، پُررنگ‌تر باشد، به کارآمدی طرفین کمک می‌کند. بنابراین اطلاع‌رسانی، تدوین وظیفه‌مندی‌های متقابل و کمک به یک‌دیگر، نشست‌های مشترک گاه‌گاه در باره‌ی چگونگی نقش‌آفرینی فرد در هر یک از این دو محیط و برنامه‌ریزی برای رفع مشکل‌ها، می‌تواند بسیار مهم باشد.

ج- هیچ‌یک از دو جای‌گاه خانواده و تشکل نباید مطلق‌نگری، خودبینی و انحصارطلبی نسبت به فرد داشته باشند و برای او تعارض‌آفرینی کنند. حرمت نهادن به آن دیگری در عین مطالبه‌ی حقوق خود، تشویق و تقدیر از رشد فرد در آن دیگری (خانواده یا تشکل) و انعطاف در تغییر برنامه‌ها آن‌گاه که فرد در خانواده یا تشکل دچار شرایط ویژه‌ای است از سرفصل‌های مهم در این باره است.

د- بی‌تردید این دو پای‌گاه در فرآیند ارتباطی خویش با فرد دچار افراط و تفریط‌هایی خواهند شد. وجود یک داور نهایی که به منبع خیر و حق متصل بوده و بتواند کارشناسی مناسب را ارایه کند و نقش فصل‌الخطاب را داشته باشد، آرامش‌بخش و نگرانی‌زدا است. آن آموزه‌ها، معیارها و دستورالعمل‌های دینی است. این منبع می‌تواند تعادل‌آفرینی و سلامت‌بخشی را تضمین کند.

## ■ ضرورتی ناشی از تغییرات اجتماعی

تغییر ساختارهای اجتماعی، تأثیرپذیری خانواده از الگوهای غریبومی و غربی، کاهش نقش و توانایی والدین برای حفظ اقتدار شخصیتی و مدیریتی در فضای خانواده، فاصله‌ی نسلی بین آرمان‌ها و اندیشه‌های والدین و فرزندان، سرمایه‌گذاری تبلیغی نهادهای جهانی بر غربی‌کردن خانواده، کم‌توجهی برنامه‌ریزی و سامان‌دهی شده در رابطه با رشد همه‌جانبه‌ی خانواده از سوی نهادهای دینی و فرهنگی، گسترش فرهنگ جهانی و جهانی‌سازی به نفع ارزش‌های غربی، انتقال گروه‌های اجتماعی مرجع به خارج از مرزها، کاهش انگیزه و رفتار در بین تشکل‌های فرهنگی و ضعف ساختارهای دولتی و قانونی برای حمایت از تشکل‌ها اقتضا می‌کند که این دو نهاد خود شرایط و نیازها را بشناسند و با تدوین راهکارهای تعامل موفق به حل مشکلات بپردازند.

در این رابطه به ویژه تأسیس و تقویت تشکل‌های خانواده‌محور، مبتنی بر ارزش‌های دینی و برخوردار از تجربه‌های علوم بشری و با حضور و هم‌کاری خود خانواده‌ها، اولویتی تردیدناپذیر است. ■

## مهدی نوروزیان

مدیر مجموعه مذهبی آل طه و یاسین - مشهد

یکی از مهم‌ترین مسایل هر تشکلی که جوانان گرداننده‌ی آن هستند، شکل صحیح تعامل خانواده با تشکل است. آن‌چه می‌خوانید چکیده‌ای است از تجربیات ما در مجموعه‌ی مذهبی آل طه و یاسین که در طول پانزده سال ارتباط با خانواده‌ی اعضا به دست آمده است؛

### تورا نمی‌شناسم!

شاید مثل هر جمع دیگری که جوانان این سرزمین برای فعالیت مذهبی و فرهنگی تشکیل می‌دهند، ما هم برای راه‌اندازی جلسه‌ی قرآن خود از پدر و مادرم اجازه نگرفتیم. چند نوجوان هم‌کلاسی تصمیم گرفتند شب‌های جمعه جلسه‌ی قرآن داشته باشند و یکی از معلمان مدرسه‌شان هم آن‌ها را استادی کند. تا هم دوستی‌شان تحکیم شود و هم قرآنی خوانده باشند.

هر هفته این جلسه از ساعت ۶ عصر شروع می‌شد و گاه تا ۹ شب ادامه پیدا می‌کرد. تا اعضای جلسه، که بزرگ‌شان ۱۴ سال داشت، به خانه برسند، ساعت ۱۰ شب شده بود. و این دیر رسیدن‌ها و توجه ویژه‌ی بچه‌ها به جلسه‌ی قرآن و الزامی که به خود برای حضور در جلسه وارد می‌کردند، بهانه‌ای بود تا خانواده‌ها توجه‌شان به این تشکل نوپا جلب شود.

پدر و مادری که فرزندش را با هزار خون دل بزرگ کرده نمی‌تواند اجازه دهد که فرزند ۱۲-۱۳ ساله‌اش تا پاسی از شب در خیابان‌های شهر بزرگ مشهد پرسه بزند. ولو این که بهانه‌ی آن جلسه‌ی قرآن باشد. این آغاز اصطکاک خانواده و تشکل بود. از یکسو چون پای جلسه‌ی قرآن در میان بود خانواده نمی‌خواست با حضور فرزند در چنین جمعی مخالفت کند و از سوی دیگر حواشی جلسه‌ی آن‌ها را وادار به برخی مخالفت‌ها می‌کرد.

در این شرایط خانواده با نهاد قدرت‌مندی به نام تشکل مواجه می‌شود که دل فرزندش را ربوده و او را جذب خود کرده است. فرزند اصرار دارد که با دوستان‌اش در تشکل باشد و پدر و مادری که هنوز تشکل را نمی‌شناسند و به گردانندگان آن اطمینان ندارند، به شکل‌های مختلف مخالفت می‌کند.

خانواده مدام بهانه می‌آورد که حضور در فعالیت‌های تشکل فرزندش را از کار و زندگی انداخته است و در نقطه‌ی مقابل فرزند حاضر است هر چیزی را فدای گروه دوستی جدیدش کند. در این حالت خانواده و تشکل با هم اختلاف دارند و در دورترین نقطه‌ی ممکن از هم قرار دارند.

### به من اعتماد کن!

ما هم از همین بی‌اعتمادی کارمان را آغاز کردیم. دوسه سالی از شروع جلسه‌ی قرآن ما گذشته بود. حالا تعدادمان بیش تر بود و حجم کارها بیش تر. مؤسسين جلسه باید بیش تر وقت می‌گذاشتند تا امور اداره شود. در این سال‌ها خانواده‌ی اعضا با تشکل کمی آشنا شده‌اند و علاقه دارند بیش تر بدانند. والدین دوستان ما، بی‌دعوت و با دعوت در جلسات قرآن ما حاضر می‌شدند تا از جزئیات جلسه آگاه شوند و دل‌شان آرام شود که فرزندشان از راه به در نشده است.

در این سال‌ها معمولاً خانواده‌ها از جزئیات

دوستی اعضای جلسه با هم خبر نداشتند. این که در پوشش جلسه‌ی قرآن حقیقتاً فرزندان‌شان داخل تشکل چه رفتارهایی را دارد؟ با چه کسانی رفیق شده و از آن‌ها الگو می‌گیرد؟ در مورد چه مسایلی با هم گفت‌وگو می‌کنند و این که آیا با حضور در این تشکل خطری فرزندان‌شان را تهدید می‌کند یا خیر؟ خانواده بر خلاف سال‌های اول دیگر مانع حضور فرزندش در تشکل نیست اما سوالات بی‌شماری دارد که می‌خواهد جواب آن را بداند. لذا به فایده‌مند بودن فعالیت‌های تشکل، برای آینده‌ی فرزندش با دیده‌ی تردید می‌نگرد.

### ما به سوی تو می‌آییم!

اکنون نزدیک به هفت سال از آغاز به کار تشکل آل طه و یاسین می‌گذرد. ما سه جلسه‌ی جداگانه با سه استاد متفاوت داریم. راه‌نمایی‌ها و دبیرستانی و دانش‌جوها از هم تفکیک شده‌اند. هر عضو جدیدی که وارد مجموعه‌ی ما می‌شد با همان مشکلات هفت سال پیش مواجه بود. یعنی عدم اعتماد خانواده به تشکل.

تا این سال‌ها هم‌واره خانواده بود که برای رفع نگرانی خود به تشکل مراجعه می‌کرد تا مطمئن شود که فرزندش از هر آسیب فکری و معنوی در امان است. اما اکنون وقت آن رسیده بود که ما به سمت خانواده حرکت کنیم. ما با راه‌نمایی استادان آگاه و باتجربه فهمیده بودیم که انسان بر اساس یک گرایش فطری به شدت فرزندش را دوست دارد. حتی اگر انسان بداند که فرزندش دوستان ناباب ندارد و در محافل نامتعارف شرکت نمی‌کند باز هم نمی‌تواند نسبت به فرزندش بی‌تفاوت باشد و وقتی عقربه‌های ساعت، نیمه‌شب را نشان می‌دهد او ناخودآگاه دل شوره‌اش برای فرزند آغاز می‌شود.

ما به این نتیجه رسیدیم که باید به خانواده‌ی عضو اطمینان دهیم که تشکل در مسیر سعادت فرزندش تلاش می‌کند و قصد ندارد عمر او را به بطلالت بگذراند.

### حرف ما را بشنو!

ما در آل طه و یاسین برای داشتن یک روی‌کرد فعالانه در مواجهه با خانواده‌ها و جلب اعتماد آنان راه‌های مختلفی را امتحان کرده‌ایم. مثل:

۱. دعوت از خانواده برای شرکت در جلسات عمومی





به نگرانی خانواده اهمیت می‌دهد. مثلاً برای این که نشان دهد نسبت به درس اعراض بی‌تفاوت نیست، در ایام امتحانات فعالیت‌ها را تعطیل کند یا برای اعضا کلاس رفع اشکال درسی بگذارد و کارهایی از این دست. اگر تشکل انتظار دارد که خانواده فعالیت‌های تشکل را بر آن چه خود برای فرزندش برنامه‌ریزی کرده مقدم بدارد، آرزویی کم‌تر دست‌یافتنی است.

#### حرفات را به من بگو!

از مهم‌ترین نتایج اعتماد خانواده به تشکل این است که والدین مسایل مربوط به فرزندشان که خود به تنهایی از پس حل آن بر نمی‌آیند با مسئولین و استادان تشکل در میان می‌گذارند و از آن‌ها انتظار همراهی و کمک دارند.

ما در آل طه و یاسین این اعتماد شیرین خانواده به تشکل را با تمام وجود حس کرده‌ایم. خانواده خصوصی‌ترین مشکلات خود و فرزندش را با مسئولین مجموعه، که فقط چند سالی از فرزند آن‌ها بزرگ‌تراند، در میان می‌گذارد و مسئولین ما هم خود را موظف می‌دانند پس از مشورت با استادان پاسخ مشکلات آن‌ها را بیابند و به آن‌ها کمک کنند.

در چنین فضایی تشکل رابطه‌ی خود و خانواده را تحکیم می‌کند و به نوعی می‌توان گفت در تمامی لحظات زندگی اعضا حاضر است. با خنده‌ی آن‌ها می‌خندد و با اندوه آن‌ها غم‌گین است. تشکل بعد از این، یکی از اعضای خانواده‌ی نیروهاش است.

■

#### مای شما!

به اعتقاد من این عالی‌ترین سطح رابطه‌ی تشکل با خانواده است. چیزی که ما در آل طه و یاسین تا حد بسیار زیادی به آن رسیده‌ایم.

در این مدل خانواده به تشکل اعتماد کامل دارد. از این که فرزندش در تشکل فعال است، هیچ احساس نگرانی ندارد. بل که از این امر خوشحال است و حاضر است هرگونه هزینه‌ی مالی و غیر آن را پرداخت کند. به ارتقای فعالیت‌ها کمک می‌کند و در یک کلام، همراه است نه مانع.

در سوی دیگر تشکل، خانواده را به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت فرزند به رسمیت می‌شناسد و به خانواده احترام می‌گذارد. حساسیت‌های او را نسبت به سرنوشت فرزندش درک می‌کند. از خانواده انتظار بی‌جان ندارد. و تا جایی که ممکن است فعالیت‌های خود را طوری طراحی می‌کند که با برنامه‌ریزی خانواده تداخل نداشته باشد.

در این شرایط مای تشکل جزئی از خانواده هستیم و خانواده جزئی از ما است. ■

متعهد شوند که در برنامه‌های ویژه‌ای که ما برای اولیای اعضای مجموعه برگزار می‌کنیم، حضور مستمر داشته باشند. و اگر خانواده‌ای بی‌تفاوت بود عذر فرزندش را خواهیم خواست. ما بدون حضور و کمک خانواده‌ها نمی‌توانیم این مسیر را درست طی کنیم.

#### برای فرزندان خرج کن!

از مهم‌ترین مشکلات سمن‌ها نداشتن پشتوانه‌ی مالی است. غیردولتی‌ها هم‌واره چشم به کاسه‌ی خیرین و صاحبان سرمایه دارند. و گاهی نیز پول توجیبی اعضا راه‌گشا است. یقیناً اگر حمایت‌های مردمی که به صورت مقطعی به جیب تشکل واریز می‌شود نباشد، چندروزه زمین‌گیر خواهد شد. اما هیچ‌کدام از این منابع پای‌دار نیست. و این‌گونه است که تشکل‌ها یک روز پول دار و روز دیگری بی‌پول هستند.

مجموعه‌ی آل طه و یاسین در طول پانزده سال از محل کمک‌های مستمر خانواده‌ی اعضا اداره شده است. وقتی خانواده از ریز فعالیت‌های تشکل خبر داشته باشد، بیلان مالی مجموعه را مشاهده کرد، تغییر رفتار مثبت فرزندش را از زمان ارتباط با تشکل مشاهده کرد، و تلاش‌های هر روزی ما را از نزدیک دید، حاضر است برای رسیدن تشکلی – که فرزند خودش یکی از اعضای آن است – به اهدافش هر کاری بکند.

■

#### من نگرانی تو را درک می‌کنم!

نکته‌ای بسیار کلیدی در تعامل بین خانواده و تشکل این است که تشکل در گفتار و عمل ثابت کند که نگرانی خانواده را در مورد فرزندش درک می‌کند. به عنوان مثال در ایران امروز برای تمامی خانواده‌هایی که از نظر فرهنگی، متوسط به بالا محسوب می‌شوند، موفقیت تحصیلی فرزندشان امری حیاتی محسوب می‌شود. و این‌گونه است که از بدو تولد فرزندشان را برای شرکت در کنکور آماده می‌کنند و از سن ابتدایی کودک را در کلاس‌های قلم‌چی و آینه‌دگان و... ثبت‌نام می‌کنند. حال اگر

تشکل نسبت به این دغدغه‌ی خانواده بی‌اعتنا باشد، با دست خود زمینه‌ی دفع نیروهاش را فراهم کرده است. خانواده‌ای که چنین نگاهی به درس دارد اجازه نخواهد داد عمر فرزندش سه روز در هفته در راه اعتلای فرهنگ دینی تلف شود و حتماً نسبت به حضور مداوم فرزندش در فعالیت‌های تشکلی موضع خواهد گرفت. به گمان ام‌همه‌ی فعالین تشکل‌ها کم و بیش با این به اصطلاح «گیر دادن» خانواده‌ها آشنا هستند.

تشکل باید مدلی طراحی کند که حتی الامکان، برنامه‌های او با دغدغه‌ی خانواده سرشاخ نشود. بل که به نوعی نشان دهد که

تشکل.

۲. تشکیل جلساتی ویژه‌ی تبادل نظر و هم‌اندیشی با خانواده‌ها.

۳. ارایه‌ی گزارش فعالیت‌های مجموعه به خانواده طوری که او خودش را در امور تشکل دخیل ببیند.

۴. تهیه‌ی ویژه‌نامه برای خانواده‌ها و ارسال به منزل آن‌ها

۵. استفاده از نظرات مشورتی خانواده‌ها برای اداره‌ی امور تشکل.

و از آن‌جا که مجموعه‌ی مذهبی آل طه و یاسین یک تشکل تربیتی است، برای پررنگ کردن حضور خانواده‌های اعضا در امر تربیت، علاوه بر موارد بالا موارد ذیل را نیز پی‌گیری کرده است:

۱. تهیه‌ی بُرد ویژه که در خانه‌ی اعضا نصب شده بود و شرح وقایع مجموعه جهت آگاهی خانواده‌ها روی آن نصب می‌شد.

۲. برگزاری جلسات آموزش خانواده‌ها با حضور استادان مجرب شهر.

۳. ایجاد مرکز مشاوره که خانواده بتواند مشکلاتی را که در امر تربیت فرزند دارد با استادان در میان گذارد.

۴. برگزاری کلاس‌های کارگاهی برای بررسی مسایل تربیتی.

۵. تهیه‌ی سی‌دی‌های آموزشی برای خانواده‌ها.

۶. ارسال کتاب‌های مفید برای خانواده‌ی اعضا.

ما به خانواده اهمیت می‌دهیم. حتی بیش‌تر از انتظار آن‌ها. سال‌ها است که جلسات ما با اولیای اعضا به طور مداوم برگزار

می‌شود. در طول ده سال کم‌کم و با مشقات فراوان و با حضور حیاتی استادان مجموعه و درایت مسئولین تشکل، اعتماد خانواده‌ها به ما جلب شد. به طوری که برخی از آن‌ها عنوان می‌کردند که «من فقط بدانم پسرم با شما است برای ام‌کافی است. حال هر جا که می‌خواهد باشد».

این اعتماد پای‌دار، برکات فراوانی را برای تشکل داشت. که برخی را به اختصار اشاره می‌کنم.

■

#### به ما کمک کن!

وقتی خانواده از راه‌هایی که گفته شد به تشکل اعتماد پیدا کرد و فهمید که تشکل نه تنها مانع بر سر راه موفقیت‌های فرزندش نیست، بل که بار خانواده را برای رساندن فرزند به سر منزل مقصود، کم‌هم می‌کند. حال نوبت تشکل است که از خانواده طلب‌کار باشد. ما در آل طه و یاسین از خانواده‌ی اعضا توقع هم‌پاری و هم‌کاری داریم. در این سال‌ها برخلاف سال‌های ابتدایی تأسیس مجموعه، دیگر هرکسی حق ورود به تشکل را ندارد. یکی از مهم‌ترین شرط‌های ما برای کودک ده‌ساله‌ای که قرار است عضو مجموعه شود، این است که هم پدر و هم مادر

شناخت خود و با توجه به منش فکری و اعتقادی خود عضو تشکلی شود که ثابت‌کننده یا هدایت‌گر او باشد و او را دچار بیماری چندشخصیتی نکند.

#### درآمد:

بسیار کم‌اند تشکل‌هایی که برای افرادشان منبع درآمد باشند. اما نباید نقش تشکل را درآماده کردن فرد برای پذیرش نقش‌های متفاوت نادیده گرفت. چه بسا که یک فرد درون یک تشکل استعداد بالقوه‌ی خود را شناخته و رشد می‌کند و حتی به زمینه‌های پُررنگ کاری خود پی می‌برد. پس در درآمدت یک تشکل می‌تواند زمینه‌های رشد کاری را برای فرد فراهم کند. بنابراین تشکلی مثبت و سازنده خواهد بود که اعضای آن در تعامل رفتاری و فکری با خانواده و تشکل خود باشند و مهم‌تر از آن، مدیریت صحیح فرد است که نباید فراموش شود.

تشکل بسته به نوع هدف و فعالیت خود گروه سنی خاصی را در خود جای می‌دهد و چه بسا که هنگام سازمان‌دهی یک تشکل، اعضا همانند یک خانواده عمل می‌کنند و اغلب مسایلی که اعضا با آن درگیرند به مسایل تشکل تبدیل می‌شود که این امر در تشکل‌های کوچک مشهودتر است. می‌توان این‌گونه نیز گفت که حتی از آن‌جا که اعضا دارای یک نقطه‌ی مشترک، که همان تشکل است، هستند، نوعی احساس مسئولیت در یافتن راه حل برای مشکلات یک‌دیگر دارند که باید این امر در حالت تعادل حفظ گردد. در غیر این صورت در این بین ممکن است هدف و فعالیت تشکل، متأثر از مسایل اعضا شود.

#### نقش خانواده‌ها در تصمیم‌سازی تشکل‌ها:

هرچه که تشکل بتواند رابطه‌ای به‌تر با خانواده‌ی فرد برقرار کند و به گونه‌ای خانواده را هم‌سو و هم‌جهت با خود کند موفق‌تر خواهد بود. این امر نکته‌ای بدیهی است که مدیریتی در تشکل موفق است که در تصمیم‌گیری‌ها حتی به بهانه‌های مختلف هم که شده با خانواده‌های اعضای خود جلسات هم‌فکری بگذارد. که در واقع حضور پُررنگ اعضا پس از سال‌ها در یک تشکل خود گواه این رابطه‌ی مستمر و درست است. پس می‌توان گفت فرد باید تعامل سازنده‌ای با خانواده و تشکل خود داشته باشد و هم‌چون یک اهرم به گونه‌ای عمل کند که هر سه با یک‌دیگر یک نظام هم‌آهنگ بسازند. آن‌وقت دیگر کم‌تر عاملی می‌تواند حضور فرد در تشکل را دست‌خوش تحول قرار دهد.

#### منش فکری:

هرچه قدر فرد بتواند تعامل و توازن به‌تری بین منش فکری خود با خانواده و تشکل ایجاد کند، موفق‌تر خواهد بود. چه بسا گاهی اوقات نقش تشکل در زندگی یک فرد آن قدر پُررنگ می‌شود که تفکر اعضای یک تشکل نیز تغییر می‌کند. در واقع فرد باید با

#### عالمیه کرامتی نژاد

معاون خواهران اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان خراسان جنوبی

## کارکردها و ضرورت‌های یک تعامل

خانواده خشت بنای اجتماع است و اگر خانواده‌ها سالم، متعالی و استوار باشند می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم، متعالی و استوار امیدوار بود. در واقع هر فرد از بدو تولد عضو یک خانواده است و در سیر طبیعی رشد خود عضو گروه‌های مختلف می‌شود.

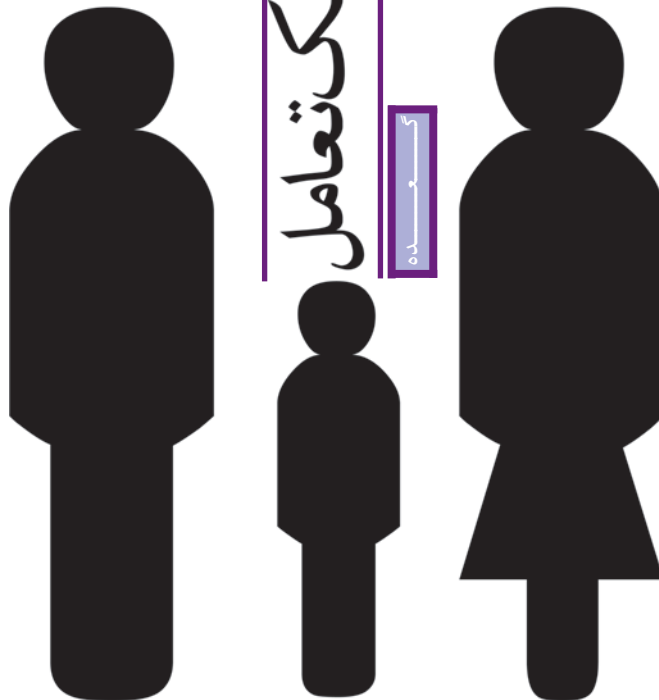
خداوند نیز با تأکید بر تشکیل خانواده خرد جمعی را به‌تر از فردگرایی می‌داند. پس می‌توان گفت انتخاب گروه یا تشکل، خود استفاده‌ای برتر از خرد دیگران است. اگر خانواده را خانه‌ی اول و اجتماع را خانه‌ی دوم بنامیم، تشکل نهادی است که میان این دو برای افراد خانواده نقش ایجاد می‌کند و افراد خواه‌ناخواه عضو تشکلات رسمی یا غیررسمی می‌شوند که این امر بسته به نوع اعتقاد و بینش فرد در جهت مثبت یا منفی خواهد بود البته لحاظ بحث ما تشکلات رسمی و مثبت است. فرد در تعامل با خانواده و تشکل چند جنبه از کارکردهای خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد: وقت، رفتار، منش فکری، درآمد.

#### وقت:

یک عضو از خانواده با مدیریت صحیح زمان خود می‌تواند به نحو احسن رسیدگی به خانواده و فعالیت تشکل خود را، که داوطلبانه آن را پذیرفته است، در برنامه‌ی کاری خود قرار دهد. حتی خیلی وقت‌ها تشکیل خانواده سبب قطع فعالیت یک فرد در تشکل می‌شود که یک دلیل این امر می‌تواند عدم توانایی در مدیریت زمان فرد باشد.

#### رفتار:

این که رفتار فرد تحت الشعاع هر دو سو، چه خانواده و چه تشکل، قرار می‌گیرد، امری است طبیعی. از یک طرف فرد باید به گونه‌ای رفتار کند که انتظارات هر دو گروه را برآورده سازد و از طرف دیگر دچار هنجارشکنی در نقش خود نشود.



بیش تری از روز را با یکدیگر می‌گذرانند و دغدغه‌ها و فضاهای مشابهی را تجربه می‌کردند. الگوی دیگری که در آن روزها پی‌گیری می‌شد مدل تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق بود که اصولاً خانواده و تشکیلات را یک تعارض بزرگ می‌دید و به انحای مختلف از شکل‌گیری روابط گرم و نزدیک خانوادگی جلوگیری می‌کرد.

اما برای فعالین تشکیلاتی امروز هر دوی این الگوها تنگ و نفس‌گیر است. تشکیلات برای ایشان نه هدف که بهانه‌ای برای رشد است، پس متعهد به خانواده اند. و از دیگر سو با دنیای مدرن مواجه شده‌اند. به دلیل نگاه‌های دینی، در پی کسب رضایت والدین اند و با پیدایش فضاهای نو و در نتیجه دشواری هم‌گرایی با اعضای مسن‌تر خانواده به تعارضاتی می‌رسند.

اولین آسیب این تعارضات، کاهش کمی رابطه‌ی بین افراد خانواده است. طبیعتاً دانش جوی تشکیلاتی مذهبی آگاه به مناسبات دنیای مدرن و دغدغه‌مند، فراغت کم‌تری دارد و ممکن است فرصت کم‌تری برای حضور و هم‌راهی با خانواده داشته باشد.

با نگاه دینی اگر این حضور منجر به بازماندن فرد از انجام تکلیف در قبال خانواده‌اش و خدمت مؤثر به خانواده و... و در بدترین حالت نارضایتی والدین گردد نه تنها سازنده نیست، که خود از عوامل سقوط و انحراف و سلب

تنوع، تکرر، جاذبه‌ها و موضوعات جدید و متعدد است که این فضاهای جدید نیازهای جدیدی را به وجود می‌آورد. ممکن است در این شرایط فرزندان و والدین به دلیل وجود اختلاف در تعریف مفاهیم زندگی، فهم، ادبیات، نیازها و... بیش از حد معمول از یکدیگر فاصله بگیرند. این شکاف از آن رو است که فرد نمی‌تواند در خانه موضوعات متنوع و جاذبه‌هایی را که در خارج از دنیای خانواده و فضاهای مجازی و... است پیدا کند.

در گذشته، تشکیلات و خانواده در درون یکدیگر جوشش و زایش داشتند. اعضای خانواده با هم در هیأت، مسجد محل، خانه‌های وابستگان و یا پای‌گاه بسیج و... جمع می‌شدند و در راه اهداف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و امور دینی به فعالیت مشغول بودند. رده‌های سنی مختلف خانواده، ساعات

فاطمه دلاوری پاریزی

زندگی مدرن در ذات خود دارای

سکوی پرتاب، شمارش معکوس، نقطه‌ی اوج و باقی

کی قضایا

گوده

توفیق است. اگر روی‌کرد جامعه‌شناختی را به این نگاه اضافه کنیم در می‌یابیم که خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و اولین تشکل متصور که هر فرد به عضویت آن در می‌آید و تمام تجربه‌های اولیه‌ی فرد حتی تجربه‌های تشکیلاتی وی هم چون مسئولیت‌پذیری، مدیریت زمان، برنامه‌ریزی و... را شکل می‌دهد، و نه تنها رقیب گروه‌های کلان‌تر اجتماعی نیست که به عنوان عقبه و پشت جبهه‌ی تشکیلات و مکمل آن عمل می‌کند. افراد در خانواده می‌آموزند که به وظایف اجتماعی - سیاسی خود بپردازند و در تشکیلات یاد می‌گیرند که دغدغه‌مند و تکلیف‌مدار باشند و از مهم‌ترین تکالیف احسان به والدین و خدمت به ایشان است. هدف از فعالیت اجتماعی ایجاد شرایط مناسب برای رشد است. اگر خانه و خانواده‌ی فرد فعال، چه قبل از ازدواج و چه پس از آن، قوام نداشته باشد طبق قاعده‌ی منطقی «فاقد شیء لا یعطی» نمی‌تواند آن قوام و استواری را به جامعه و تشکیلات خود منتقل کند. و در نتیجه رشد حقیقی، محقق نمی‌شود.

بعد از این توضیحات مصداقی‌تر وارد بحث می‌شویم. فرض می‌کنیم والدین فرزندان‌شان را بنا به دلایل مختلف از فعالیت نهی کنند (در اکثر موارد نهی از نوع ارشادی است و به دلیل آگاهی نداشتن از فضای کار تشکیلاتی و یا اهمال دانش‌جو در به‌بود وضعیت علمی و سایر وظایف وی و... صورت می‌گیرد) و یا مشکلات جدی، هم چون بیماری سخت و...، در رابطه با اعضای خانواده بروز کند. اگر حضور در تشکیلات مانع پی‌گیری‌ها و رسیدگی‌ها و یا مشمول نهی مولوی والدین است، عقلاً و شرعاً باید فضای کار تشکیلاتی موقت و یا دایم ترک شود. البته آن چه مهم است کسب رضایت والدین و التزام به رفتار نیک و قول و

عمل معروف با ایشان است. اگر فرد بتواند با توجیه و توضیح، والدین را به نوعی نسبت به فعالیت‌هاش راضی کند، حضورش در تشکیلات سازنده خواهد بود. چرا که رابطه‌ی والدین و فرزندان بیش از آن که قانونی و ضابطه‌مند باشد، اخلاقی و توافقی است. طبیعی است که چنین حضوری مستلزم تلاش طاقت‌فرسا و سخت‌کوشی مضاعف است. چرا که فرد باید عوامل نگرانی و نارضایتی والدین هم چون ضعف علمی، ابهام در تعریف فضای تشکیلات برای والدین، رسیدگی به سایر وظایف محموله و... را از بین ببرد. در موارد دیگر، روش جبران کم‌بود حضور فیزیکی در بین اعضای خانواده، به‌بود کیفیت حضور در کنار ایشان است. به‌طور مثال در زمان کوتاهی که فرزندان می‌توانند در کنار خانواده‌ها باشند، با گفت‌وگوهای دوستانه و رسیدگی به امور خانواده و کمک به ایشان، شرکت در تفریحات مشترک خانوادگی، ارایه‌ی گزارش کار مختصری از آن چه در زمان فعالیت‌شان گذشته و... این کم‌بود حضور را جبران کنند. هم‌چنین هنگامی که در کنار خانواده نیستند فرستادن یک یادداشت گرم و خودمانی - از طریق پست نامه، پیامک، ایمیل - و یا تماس‌های مکرر ولو کوتاه، می‌تواند مثر ثمر باشد. این موضوع مخصوصاً در ارتباط با مادران که از نظر عاطفی آسیب‌پذیرتر اند با تأکید بیش‌تری رعایت شود.

علاوه بر این مسأله، موضوع دیگری که در این ارتباط خانوادگی - تشکیلاتی دیده می‌شود، عدم هم‌آهنگی فضای فکری - روانی فرزندان تشکیلاتی و دغدغه‌های ایشان با خانواده‌های خود است - که در اکثر موارد خانواده‌ها هم دغدغه‌مند و انقلابی و حزب‌الهی اند. در این‌گونه موارد دیده می‌شود که برای فرزندان حضور در

طیف هم‌فکران و هم‌مسلمان خوش‌آیندتر است. البته اشکال عمده‌ی این آسیب به اختلاف تعاریف و ناهم‌آهنگی مبانی عملی فرزند و خانواده در روش زندگی بر می‌گردد. اگر خانواده و فرزندان بتوانند تعاریف و مبانی‌شان را به یک‌دیگر نزدیک کنند، تنش‌ها و تعارضات و امر و نهی‌ها کاهش می‌یابد.

برای حل این مشکل، پیش‌نهادی که وجود دارد این است که تا حد امکان خانواده‌ها در جریان دغدغه‌ها و نگاه‌های فرزندان قرار بگیرند. به‌عنوان مثال فرزندان در رابطه با فعالیت‌های تشکیلاتی و افرادی که با ایشان مرتبطند، با خانواده‌هاشان صحبت کنند. افراد تشکیلاتی با خانواده‌های یک‌دیگر آشنا شوند و خانواده‌ها نیز در صورت امکان با یک‌دیگر ارتباط بگیرند. این ارتباط عاطفی و شناخت دوستان و هم‌تشکلی‌های فرزندان، تأثیر به‌سزایی در نزدیکی خانواده‌ها با فضای تنفس فرزندان دارد. هم‌چنین فرزندان در برخی فعالیت‌ها با والدین خود مشورت کنند و ایشان را در تصمیم‌هاشان شریک کنند. ولو پیش‌نهادها و نظرات اجرایی و کارآمدی از سوی خانواده‌ها مطرح نشود، اما ورود به این نوع مباحث باعث می‌شود خانواده با فضای فرزند بیش‌تر آشنا شود و خود را سهیم در تصمیمات و شریک در شعور او ببیند. البته مسایل تشکیلاتی باید تا حدی در بین اعضای خانواده مطرح گردد که به اهداف کلی تشکل لطمه‌ای وارد نشود. حتی اگر مقدور باشد فعالیت‌هایی تعریف کرد که خانواده‌ها نیز در آن حضور به هم رسانند بسیار مفید است. به‌طور مثال مکان برخی از فعالیت‌ها را در سطح شهر قرار بدهند و مخاطب آن را عامه‌ی جامعه و خصوصاً خانواده‌های اعضای تشکیلات تعریف کنند.

## خانوادگی متعالی سکوی پرتاب رشد اجتماعی بلی

### و دینی و فرهنگی است و انتخاب و اولویت بندی

### صحیح، شمارش معکوس برای رسیدن به

### نقطه‌ی اوج و رشد و تعالی تلهنگی که

### این رابطه موفق و متقن نباشد

### موفقیت‌های بعدی غیر قابل

### تضمین است.

در جریان هستم که به قول جلال رفیع، به قلمرانی نیست!) : هم‌سران با تأکید بر این نگاه که رابطه‌ی زناشویی باید در اولویت قرار گیرد - و حفظ کیفیت و مرغوبیت آن مطلوب عقل و شرع است - به رابطه‌ی تشکیلاتی و حضور اجتماعی مشترک بپردازند و بدانند که نگاه داشتن بنیاد خانواده اصل است و پرداختن به اموری که باعث اختلاف می‌شود اگر حرام نباشد مکروه است. تشکل اجتماعی، بدون توفیق تشکل مقدس و کوچک خانواده کارکرد ندارد.

در این حالت هم‌سران ضمن تحمل و پذیرش اختلافات مختصر و جزئی در صورت بروز اختلافات جدی و نگران‌کننده که تهدیدکننده‌ی رابطه‌ی زناشویی خواهد بود، باید سعی در حل این‌گونه اختلافات کنند و در صورت عدم توانایی در حل آن با قاطعیت تمام از هم‌کاری بیش‌تر با یک‌دیگر انصراف دهند و تا زمانی که دوباره امکان فعالیت سازنده‌ی بدون التهاب به وجود نیامده از ادامه‌ی همکاری خودداری کنند. هرچند که ممکن است این رابطه به ضرر تشکیلات تمام شود. البته باید تمام تلاش صورت بگیرد که آسیب‌چندانی متوجه گروه نشود. دقت شود که این رفتار به هیچ‌وجه نشان‌دهنده‌ی مسئولیت‌گریزی هم‌سران نیست که اتفاقاً ثابت می‌کند این افراد به این حد از بلوغ رسیده‌اند که قادر به تشخیص اولویت‌ها باشند. خانواده‌ی متعالی سکوی پرتاب رشد اجتماعی و سیاسی و دینی و فرهنگی است و انتخاب و اولویت‌بندی صحیح، شمارش معکوس برای رسیدن به نقطه‌ی اوج و رشد و تعالی. تا هنگامی که این رابطه موفق و متقن نباشد موفقیت‌های بعدی غیر قابل تضمین است. ■

شاید به ندرت، اقدام به اخراج و یا نادیده‌گرفتن هم‌سرش کند، آیا این اتفاقات در روان هم‌سران تأثیر منفی نخواهد گذاشت؟

پیامدهای این اتفاق زیادند من جمله:

۱. هم‌سران احساس می‌کنند آن هم‌گرایی و هم‌اندیشی و تفاهم لازم را ندارند و این احساس می‌تواند مقدمه‌ای برای سرد شدن طرفین و کاهش احساس شراکت در رابطه شود.  
۲. این احساس که هم‌سر من نه تنها حامی و پشتیبان من نیست که در مقابل من واقع شده است، به شدت باعث رنجش و گلایه خواهد شد. و رابطه را از حالت رفاقتی گرم به حالت رقابتی سرد تبدیل خواهد کرد.

۳. ذهن تعمیم‌پذیر برخی هم‌سران ممکن است به این نقطه برسد که رفتار هم‌سر من در رابطه‌ی تشکیلاتی می‌تواند مدلی از رفتار او در رابطه‌ی زناشویی شود و این مسأله بسیار التهاب‌زا است.

روش دیگری که عده‌ای از فعالین اتخاذ می‌کنند این است: هم‌سران از فعالیت اجتماعی مشترک، به دلیل جلوگیری از آسیب‌های متصور و عمل به قاعده‌ی منطقی دفع خطر احتمالی، صرف‌نظر کنند و عطای این اشتراکات را به لقایش ببخشند.

این گزینه به دلیل همه‌ی خیرات و برکات فعالیت‌های اجتماعی مشترک با هم‌سر قابل توصیه نیست. احساس حضور در رابطه‌ای با اشتراک حداکثری که می‌تواند سازنده و متعالی و رشدافزا باشد، هم برای رابطه‌ی زناشویی و هم برای تشکیلات ثمرات فراوانی دارد. تشویق و ترغیب و درک متقابل و تعامل و هم‌کاری و شراکت و پویایی و زاینده‌گی... مفاهیم زنده‌ی این نوع روابط اند. و اما گزینه‌ای که قلم‌ران این سطور پیش نهاد می‌کند (لبته

یکی دیگر از مسایل خانوادگی - تشکیلاتی در فضای متفاوت با مورد اول حضور زوج‌های تشکیلاتی در یک رابطه‌ی اجتماعی است. یعنی افرادی که یا در یک تشکیلات فعالیت و با یک‌دیگر ازدواج کرده‌اند و یا پس از ازدواج این هم‌گرایی را احساس کرده و مشغول به فعالیت‌های مشترک شده‌اند. اولین سوال این است: مصالح رابطه‌ی هم‌سری مقدم بر مصالح تشکیلات است و یا مصالح تشکیلات مقدم بر رابطه‌ی هم‌سری؟ و اگر روزی این دو در تضاد با یک‌دیگر قرار گرفت کدام را انتخاب می‌کنیم؟

اولین نظر نزدیک به ذهن شاید این است: قرار نیست هم‌سران رابطه‌ی تشکیلاتی و زناشویی را با یک‌دیگر خلط کنند. یک زوج می‌تواند فارغ از نسبت و رابطه‌ی خود در یک تشکیلات حضور داشته باشند و اختلاف دیدگاه‌ها و نظرات را در همان تشکیلات حل کنند. و اگر هم حل نشد در خارج از تشکیلات به اختلافاتشان نپردازند و فارغ از آن، رابطه‌ی گرم و صمیمانه‌شان را ادامه دهند.

این گزینه ظاهراً منطقی به نظر می‌رسد اما باید به این نکته توجه کرد که رابطه‌ی هم‌سری یک رابطه‌ی صرفاً منطقی نیست. بلکه رابطه‌ای روانی - منطقی است و احساسات و عواطف سهم زیادی در این رابطه دارند. فارغ از ارزش‌گذاری این مسأله آیا یک انسان می‌تواند لطامت روحی - روانی‌اش را با توجیه منطقی التیام بخشد؟ تا حدی شاید امکان‌پذیر باشد اما برای جبران کامل، نیاز به بهبود شرایط روانی است. در آن جایی که ممکن است هم‌سری در مقابل هم‌سرش قرار گیرد، با نظرات او در جمع اغیار مخالفت کند، او را به نقد و چالش بکشاند و حتی، و

جوانان و نوجوانان نقش مکمل خانواده را ایفا می‌کند برخی بر این باورند که این تعامل کاملاً یک‌سویه است و خانواده در فرآیند کار فرهنگی تشکل‌ها تأثیرگذار نیست. در حالی که تنها راه رشد و شکوفایی نسل جوان و نوجوان، تعامل مثبت دو جانبه و متقابل، توسط خانواده و تشکل است. بر این اساس، در این نوشتار سعی می‌شود که اصول ده‌گانه‌ی تعامل تشکل‌ها با خانواده، با اندکی توضیح و تفصیل بیان گردد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. خانواده و تشکل هر دو باید نقش مکمل برنامه‌های تربیتی یک‌دیگر را بازی کنند و حتی الامکان سعی شود که خلأهای برنامه‌ریزی تربیتی هر کدام از این دو نهاد، توسط دیگری تا حدودی مرتفع شود. به عبارتی دیگر اگر خانواده‌ای در زمینه‌های ادب‌آموزی، آموزش قرآن و هدایت فرزندان به مسیر رشد و شکوفایی که در واقع جزء وظایف والدین است، کوتاهی و قصور داشته باشد، تشکل باید برای جبران آن کاستی‌ها، برنامه‌ریزی‌های لازم را به عمل آورد و سعی کند تا حلقه‌ی مفقوده‌ی تربیتی ذکر شده را در طرح‌ریزی‌هایش تکمیل کند.

۲. تشکل‌ها باید با توجه به موقعیت مذهبی و اجتماعی خانواده‌ی مخاطبان گروه، برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنند و سطح‌بندی اعضا در تشکل به گونه‌ای باشد که مانعی در مسیر رشد افراد به وجود نیاید.

البته معنای این سخن، تفاوت قابل شدن بین مخاطبان به لحاظ طبقه‌ی اجتماعی و موقعیت خانوادگی نیست، بل که در این بند یادآوری این نکته‌ی اساسی لحاظ شده است که بدانیم اگر یک متربی برخی مراتب تربیت دینی را از قبل در محیط خانواده طی کرده و الگوهای رفتاری او متناسب با

محمد مهدی نجاتی  
 طلبه‌ی علوم اسلامی

خانواده در واقع اساسی‌ترین رکن تربیتی انسان‌ها به شمار می‌آید و اولین نهادی است که در آن، زمینه‌های بلوغ اجتماعی افراد تأمین می‌شود. بر این اساس در یک خانواده‌ی مطلوب، لازم است که برای تربیت فرزندان، برنامه‌ریزی‌های لازم در دو زمینه‌ی متفاوت به عمل آید:

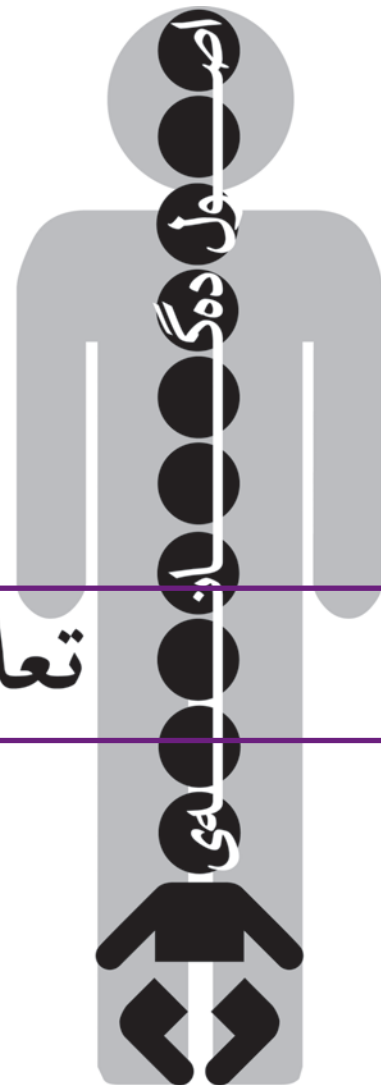
نخست در زمینه‌ی ادب‌آموزی ضروری و ابتدایی فرد به لحاظ عرفی و شرعی

و دوم در زمینه‌های مرتبط با تربیت اجتماعی فرزندان بر اساس هنجارهای موجود در جامعه.

هم‌چنین تشکل فرهنگی نیز موظف است که جهت پرداخت به امر مهم هدایت و تربیت نسل جوان و نوجوان، نسبت به ارتقای سطح مخاطب در این دو زمینه مبادرت ورزد. اما آن‌چه در وهله‌ی نخست پیرامون رسالت تشکیلاتی تشکل‌های فرهنگی جایز توجه است، آن‌که این‌گونه تشکل‌ها بیش‌تر باید در زمینه‌ی آموزش «سبک زندگی دینی» به افراد تلاش کنند و سعی کنند اعضا و مخاطبان گروه را چنان تربیت کنند که تا حدودی توان ایجاد تغییر و تحول و اصلاح جامعه‌ی اطراف را داشته باشند.

تشکل و خانواده در واقع به منزله‌ی دو نهاد موازی و هم‌ردیف در امر تربیت جوانان و نوجوانان به شمار می‌آیند که رسالت‌شان در این رابطه در طول رسالت یک‌دیگر است. از آن‌جا که تشکل فرهنگی در واقع نوعی نهاد تربیتی نیمه‌رسمی و غیرسازمانی به‌شمار می‌آید که در رابطه با تربیت

## تعامل تشکل‌ها با خانواده



از آن جا که تشکل فرهنگی در واقع نوعی نهاد تربیتی نیمه رسمی و غیر سازمانی به شمار می آید که در

رابطه با تربیت جوانان و نوجوانان نقش مکمل خانواده را ایفا می کند برخی از این

باورند که این تعامل کاملاً یک سو به است و خانواده در فرآیند کار

فرهنگی تشکل ها تأثیر گذار نیست. در حالی که تنه راه رشد و

شکوفایی نسل جوان و نوجوان، تعامل مثبت

دوجانبه و متقابل، توسط خانواده و

تشکل است.

اشتباهی

که در پیش گرفته

آگاه و متذکر کند. علاوه بر

آن که جبهه گیری مستقیم تشکل در

مقابل چارچوب های رفتار خانوادگی فرد، چه

بسا باعث طرد او از تشکل شود و قبل از جذب منجر به

دفع او گردد.

۹. خانواده نباید در تربیت فرزندان به گونه ای عمل کند که اثر

برنامه های تربیتی تشکل را خنثی کند. چنانچه گاهی دیده

می شود. والدین با تربیت سلیقه ای فرزندان، در مقابل برخی

توصیه های تربیتی گروه می ایستند و یا عمل به دستورات

تربیتی دینی را در اولویت های بعدی قرار می دهند. به عنوان

مثال وقتی که یک عضو جوان یا نوجوان تشکل به دلیل وجود

زمینه های گناه از رفتن به یک مهمانی خانوادگی سر باز

می زند، چه بسا خانواده این عمل او را نوعی بی ادبی تلقی

می کند و اصرار به حضور وی در این گونه مجالس داشته

باشند.

۱۰. خانواده و تشکل برای تربیت صحیح افراد باید همواره

پای بند به اصل سعی و تلاش متربی باشند و بدانند که بدون

سعی و جهاد مداوم و همیشگی جوان و نوجوان در راه رسیدن

به رشد و کمال نمی توان در این راه، انتظار موفقیت و کامیابی

داشت. چنانچه قرآن کریم در این زمینه می فرماید: و ان

لیس للانسان الا ما سعی؛ برای انسان نیست جز آن چه

حاصل سعی و تلاش او است.

به عبارت دیگر باید دانست که رمز اصلی موفقیت یک متربی

در مسیر رشد و کمال، سعی مداوم او برای تحول و تعالی و

جهاد بی وقفه و خستگی ناپذیر وی در راه مبارزه با نقص ها و

کاستی ها است. ■

خلاصه

نمی شود. و

والدین می توانند در

زمینه های مشورتی و سایر

مساعده های معنوی دیگر از این قبیل به

یاری تشکل بشتابند.

۶. در تعامل مثبت بین خانواده و تشکل لزوماً باید حدود

وظایف تربیتی هر کدام از این دو گروه مشخص باشد و

هیچ کدام نباید اولویت های اساسی و ضرورت های ابتدایی

تربیت فرزندان را به امید یک دیگر وا بگذارند. به عبارت دیگر

اصل در این رابطه، تربیت افراد و انجام به موقع اولویت های

تربیتی است. پس نمی توان منتظر ماند تا این نیاز در آینده

توسط دیگران تأمین و برآورده شود. علاوه بر این لازم است

که خانواده ها با دقت فعالیت های تشکل مذکور را رصد کنند و

انتظار برخی تغییر و تحولات رفتاری مثبت در فرزندان شان را

در نتیجه ی عضویت در آن تشکل داشته باشند.

رصد دقیق فعالیت های تشکل در این رابطه برای آن صورت

می گیرد که خانواده اگر مشاهده کرد به مرور زمان عضویت

فرزندش در تشکل در واقع عامل رکود، توقف و درج زدن او

شده در این باره تجدید نظر کند.

۷. نکته ی حایز اهمیت دیگر در این خصوص آن است که

دقت شود تا برنامه های فرهنگی، تربیتی در تشکل به

گونه ای نباشد که مانع انجام مسئولیت های خانوادگی و

اجتماعی افراد شود و یا آنان را از پیشرفت علمی و سایر

موفقیت های زندگی باز دارد. به عبارت دیگر میزان حضور و

فعالیت های فرد در تشکل نباید به قدری باشد که فرصت رشد

و شکوفایی رادر سایر زمینه های حیات فردی و اجتماعی از او

سلب کند.

۸. تشکل فرهنگی نباید انتظار تغییرات آنی و دفعی را در

مخاطبان اش داشته باشد. بر این اساس باید دانست که

تحقق امر مهم تربیت در انسان، تنها به مرور زمان و به صورت

تدریجی امکان پذیر است. لذا لازم نیست که از همان ابتدا در

مقابل رفتارهای غلط فرد و یا تربیت خانوادگی نادرست وی

جبهه گرفت. بل که هنر تشکل در این باره آن است که بتواند به

صورت غیر مستقیم و در قالب های کنیایی، او را نسبت به مسیر

سبک زندگی دینی شکل گرفته است، مربیان تشکل نباید در سطح بندی اعضا و متربیان، این مطلب مهم را نادیده بگیرند و برای آن ها آموزش های غیر ضروری تکراری برگزار کنند و یا این افراد را به عنوان افرادی مبتدی در این زمینه ها به شمار آورند.

۳. والدین و مربیان تربیتی تشکل ها، همواره باید به عمق اثرگذاری سایر نهادهای تربیتی رقیب از قبیل مدرسه، جامعه، رسانه، و گروه هم سالان بر نسل جوان و نوجوان توجه لازم را مبذول دارند و به گونه ای برنامه ریزی کنند که از یک سو اثرات تربیتی تلاش خانواده و تشکل، توسط این دسته از نهادهای تربیتی خنثی نشود و از دیگر خال های موجود در سایر نهادهای مسئول در این رابطه مثل مدرسه و جامعه، در کار فرهنگی تشکل ها و تربیت در خانواده تاحدودی مرتفع گردد.

تشکل و خانواده در این باره موظف اند که نحوه ی تعامل فرد با جامعه و هم چنین میزان اثرپذیری وی را از رسانه تحت کنترل خویش در آورند.

علاوه بر این مربیان تربیتی نسل جوان و نوجوان باید همواره شناخت کاملی از گروه هم سالان و نوع و میزان دوستی متربیان با افراد خارج از محیط تشکل داشته باشند و تا حد توان آن راتحت نظارت و کنترل خود در آورند.

۴. لازم است که همواره بین تشکل و خانواده زمینه های برقراری ارتباط مناسب به لحاظ اطلاع رسانی موجود باشد. به گونه ای که در هر برهه ای از زمان، این دو نهاد بدانند که متربی در حال حاضر در چه مرحله ای از تربیت قرار دارد. در توضیح این مطلب لازم به ذکر است که نهاد تربیتی خانواده و تشکل باید در این راستا در واقع مثل دو هم کار عمل کنند. به نحوی که بتوان در مواقع گوناگون و شرایط مختلف، وضعیت تربیتی افراد را در قالب یک کارنامه ی اخلاقی ویژه ی هر متربی خاص، با یک دیگر مرور کنند و در خصوص سایر برنامه ریزی های آینده به بحث و تبادل نظر بنشینند.

۵. یکی دیگر از روش های برقراری ارتباط مفید و مؤثر بین تشکل ها و خانواده، جلسات اولیا و مربیان به صورت دوره ای است که در این گونه جلسات می توان گزارش دقیقی از فعالیت های تشکل به والدین ارائه کرد و از آنان در زمینه ی حل مشکلات موجود یاری گرفت. البته در این زمینه باید توجه داشت که مساعده خانواده ها تنها در کمک مالی

واحد مصرف‌کننده‌ی تولیدات اقتصادی است و نه تولیدکننده‌ی آن‌ها. (همان: ۱۸)

■ در جامعه‌ی شهری و صنعتی، خانواده بسیاری از کارکردهای خود را به دیگر نهادهای اجتماعی واگذار کرده است. (همان)

■ نقش فرهنگی خانواده را نیز دولت، مذهب، آموزش و پرورش، از طریق نهادهای تربیتی، به عهده گرفته است. به خصوص آموزه‌های مذهبی که در گذشته عمدتاً در دست خانواده بود و اکنون بر عهده‌ی نهادهای رسمی مذهبی گذاشته شده است. (همان)

■ ساخت خانواده امروز با کاهش حجم خانواده و تغییر نگاه به فرزند تغییر یافته است. فرزندان در جامعه‌ی شهری و صنعتی کمک‌کار خانواده نیستند بل که سربار اقتصادی محسوب می‌شوند. (همان: ۱۸۳)

■ امروزه اکثر پدران نقش تربیتی خود را بسیار کم‌رنگ و نهایتاً در حد تفریح هفتگی و مسافرت سالیانه محدود کرده‌اند. (البته اگر نصیحت‌ها و سرکوفت‌های پدرا نه را نادیده بگیریم.)

■ مادران بیش‌تر بر وضعیت آموزش و تغذیه تأکید دارند و البته، در صورت بروز اختلالات شخصیتی به مشاور هم

■ از کودک و نوجوان تا جوان و بزرگ‌سال همه نیازهای متنوع و متفاوتی دارند.

■ برخی از نیازها در خانواده، برخی در مدرسه و برخی در جامعه تأمین خواهد شد.

■ آیا خانواده‌ها در جوامع صنعتی و در کلان‌شهرها به نیازهای فرزندان خود پاسخ می‌دهند؟

■ خانواده در مرحله‌ی اول مسئول نگره‌داری فرزندان، به لحاظ جسمانی و اقتصادی، است. زیرا آن‌ها قادر نیستند وظیفه‌ی خود را نسبت به خود، به تنهایی انجام دهند. (کوئین ۱۸۰: ۱۳۸۱)

■ خانواده، در طول تاریخ حیات بشری نخستین مؤسسه برای اجتماعی‌کردن جوانان و نوجوانان بوده است. زیرا تنها گروهی است که برای مدت نسبتاً قابل توجه، با فرزند تماس مستمر دارد. (همان)

■ لذا خانواده در شکل‌گیری و جبهه‌نظرها، ارزش‌ها و باورداشت‌های کودک نقش اصلی را بر عهده دارد و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تأثیر می‌گذارد. (همان)

■ در جوامع غیرصنعتی، خانواده به لحاظ اقتصادی، هم‌واحد تولیدی است و هم مصرفی اما در جوامع صنعتی خانواده فقط

سعید قاسمی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی امور فرهنگی

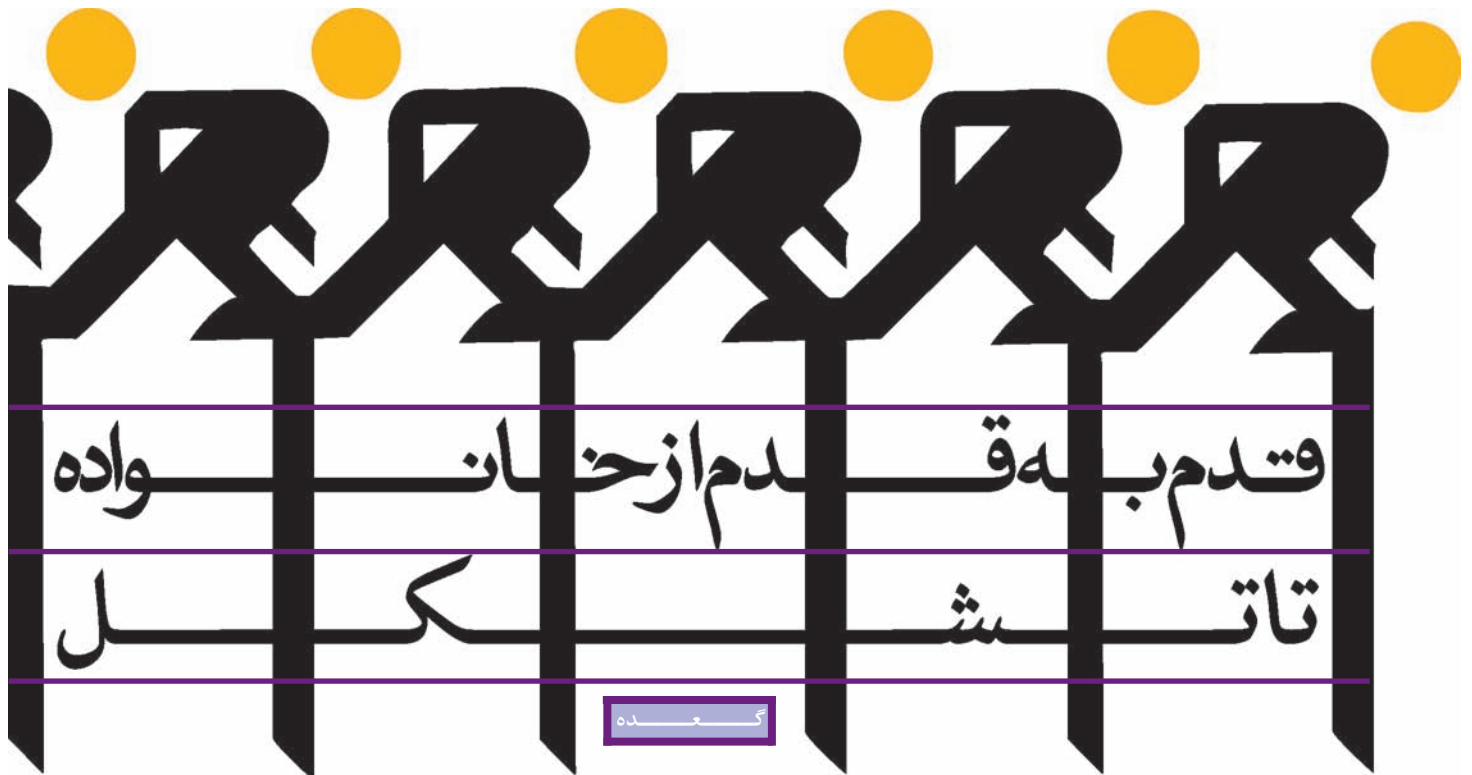
■ جمله‌ها را یک‌به‌یک بخوان، تأمل کن و در صورت تأیید به سراغ جمله‌ی بعدی برو. هر جمله که به آن اشکال داشتی را بنویس و ارسال اش کن. ولی اگر به‌آخرین جمله رسیدی آن را عمل کن و به من خبر ده!

■ خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی‌کردن فرزندان و برآوردن برخی نیازهای بنیادی دیگر، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. (کوئین ۱۷۱: ۱۳۸۱)

■ تصویر قالبی ما از خانواده از شوهر، زن و فرزندان تشکیل می‌شود. (همان)

■ مثل خانواده به اجتماع مثل سلول است به ... اگرچه خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است اما اگر نباشد جامعه هم نخواهد بود.

■ فرزندان حاصل عمر یک خانواده محسوب می‌شوند و میوه‌های درخت زندگی‌اند.





**و وظیفه‌ی خانواده، به ویژه پدر، است که**

**نسبت به سلامت تشکل‌های فرهنگی**

**اطمینان کافی کسب کند و بدین**

**منظور جوان‌یاوران و اعضای**

**فعال آن تشکل را شناسایی**

**و در صورت تایید با**

**آن‌ها هم‌کاری**

**داشته باشد.**

جوان

و نوجوان

ایرانی پاسخ

مثبت دهد؟!

■ و لذا خانواده نه تنها

بایستی به تشکل

فرهنگی نگرش مثبت و

مکمل داشته باشد، و نه تنها باید

جوان و نوجوان خود را برای هم‌کاری با

تشکل‌ها تشویق و حمایت کند بل که

می‌بایست در تعامل سازنده و تقویت‌کننده با

تشکل فرهنگی هم‌کاری کند.

■ و البته وظیفه‌ی خانواده، به ویژه پدر، است که نسبت

به سلامت تشکل‌های فرهنگی اطمینان کافی کسب کند و

بدین منظور جوان‌یاوران و اعضای فعال آن تشکل را شناسایی

و در صورت تایید با آن‌ها هم‌کاری داشته باشد.

■ آیا واقعاً خانواده‌های ایرانی به ویژه در شهرهای بزرگ چنین

نگاهی به تشکل‌های فرهنگی دارند؟! و آیا خود تشکل‌ها

می‌دانند چه خدمت بزرگی برای جوانان و نوجوانان این مرز و

بوم انجام می‌دهند؟

■ آیا جوانی که در آینده باید تشکل ساز، فرهنگ ساز و

تمدن ساز باشد را می‌توان صرفاً در مسیر آموزش علوم محدود

و منحصر و موفقیت را فقط در قبولی کنکور ترسیم کرد؟!

■ چه بسیار جوانان تشکلی که با رتبه‌های یک رقمی و دو

رقمی سکوهایی افتخار علمی را هم در کنار دیگر افتخارات

کسب کرده‌اند. جوان جامعه‌ی پیچیده‌ی امروز نمی‌تواند و

نباید تک‌بعدی رشد کند و رشد همه‌جانبه مستلزم پاسخ به

نیازهای متنوع جوان است که در کانون گرم خانواده و نهاد

مقدس مدرسه به تمامی تأمین نخواهد شد.

■ کلام آخر آن که چه‌گونه می‌توان تشکل‌های فرهنگی را

تقویت کرد. آیا غیر از جوان و جوان‌یاور کسی می‌تواند بنیاد

تشکل‌ها را تقویت کند و ایا غیر از جوان و نوجوان، می‌تواند

جای‌گزین یک جوان‌یاور شود. و این چرخه تنها به دست

توانای جوانان و بصیرت فرهنگی خانواده‌ها ادامه می‌یابد.

پی‌نوشت:

کوئین، بروس. «درآمدی بر جامعه‌شناسی». ترجمه‌ی

محسن ثلاثی. تهران: توتیا ۱۳۸۱. ■

■ رفتار جمعی، آشنایی با ارزش‌ها و هنجارهای گروهی،

انتقال تجربیات، رعایت حقوق دیگران و انجام تکالیف

اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران تقریباً در تمامی

تشکل‌های فرهنگی فعال رشد فزاینده دارد.

■ چون تشکل مانند یک جامعه‌ی کوچک ولی واقعی عمل

می‌کند، تجربه‌ی مدیریت امور فرهنگی به صورت داوطلبانه

در اختیار افراد قرار می‌گیرد، از مسئولیت کتاب‌خانه و گروه

سرود تا گروه مکبران و جلسه‌ی قرآن و برگزاری همایش‌ها و

مراسمات و اردوها و... همه فرصت‌های زیبایی است که در

اختیار جوانان قرار می‌گیرد و در هیچ آموزش‌گاه و دانش‌گاهی

این فرصت به کسی تفویض نمی‌شود چه رسد به این که

رایگان باشد.

■ برنامه‌ریزی، تیم‌بندی، کنترل و نظارت و سازمان‌دهی و

رهبری در مدیریت تشکل‌های فرهنگی موج می‌زند و هر

جوانی تحت نظارت مدیر عالی و جوان‌یاوران می‌تواند هر چه

انرژی و استعداد بالقوه دارد همه را به بهترین نحو آزاد سازد و

بالفعل کند.

■ از مهارت گفت‌وگو و نقد و بررسی که بگذریم حداقل هر

جوان در تشکل پنج مهارت را به سادگی می‌آموزد: ۱. مهارت

ارتباطی ۲. مهارت تصمیم‌گیری ۳. مهارت خودآگاهی ۴.

مهارت حل مسأله ۵. مهارت کارگروهی

■ تشکل فرهنگی مهد گذران اوقات فراغت است. لذا جوان و

نوجوان تشکل می‌تواند با انواع هنرهای مورد علاقه، مانند

خطاطی و نقاشی و نویسندگی و قصه‌گویی و نقد فیلم و

عکاسی و تئاتر و سرود و آواشناسی و... و انواع ورزش‌های

گروهی و فردی مانند شنا و کوه‌نوردی، پینگ‌پنگ،

ورزش‌های رزمی و دفاع شخصی، فوتبال، والیبال و... آشنا

شود.

■ در تشکل فرهنگی به جهت برنامه‌های مذهبی و اعتقادی،

باورها، ارزش‌ها و احکام دین و قرآن مجید آموزش داده

می‌شود و هر جوان و نوجوان می‌تواند با دین خود (اسلام)

بیش‌تر آشنا شود.

■ در تشکل‌ها در طول سالیان موضوعاتی هم‌چون انس با

طبیعت، سیر و سفر، جهاد و شهادت، آیین دوستی،

دشمن‌شناسی، امر به معروف و نهی از منکر، عفاف و

پاک‌دامنی، آزادی و آزادی‌خواهی، ولایت و رهبری، بینش

سیاسی، تألیف قلوب، آداب معاشرت، الگوها و اسوه‌ها، رشد

و خودسازی، انس با قرآن و... کم و بیش مطرح می‌شود و

مورد بحث قرار می‌گیرد.

■ بالاخره کدام خانواده و کدام مدرسه و کدام دانش‌گاه را

می‌توان یافت که این‌گونه، هوش‌مندان به نیازهای واقعی

مراجعه می‌کنند.

■ مدرسه اگرچه نهاد تعلیم و تربیت است اما نه تنها کارکرد

آموزشی آن، بر کارکردهای تربیتی اولویت پیدا کرده است،

بل‌که آموزش نیز گرفتار آسیب‌های متعدد و متنوع شده است.

(یک‌کارشناس)

■ کارکرد تربیتی مدرسه هم به صورت سطحی در نظم و

سکوت و آداب تشریفاتی و مراسمات خاص، خلاصه شده

است و در بخشی از فعالیت‌ها برای تعداد کمی از بچه‌های

علاقه‌مند به امور هنری نیز پرداخته می‌شود. (یک‌مربی)

■ اینک این جامعه و این هم‌فرزندانی که از یک پای‌گاه

اجتماعی – تربیتی مسئول بی‌بهره‌اند و از دوستان خود درس

زندگی می‌آموزند. (یک‌آشنا)

■ اما تشکل و آن هم تشکل فرهنگی چیست و چه کارکردی

دارد؟ این دو با هم چه نسبتی دارند؟

■ سرزمین ما ایران، پر است از تشکل‌های فرهنگی شامل

کانون‌ها، انجمن‌ها، پای‌گاه‌ها، جلسات و مجامع فرهنگی و

مذهبی که هر یک به نوعی مشغول فعالیت‌اند.

■ منظور از یک تشکل فرهنگی، گروهی از جوانان و نوجوانان

هستند که با هم‌راهی و هدایت یک یا چند جوان‌یاور، اهداف

مشترکی را که ضرورتاً در مسیر اهداف فرهنگی نظام

جمهوری اسلامی است، از طریق طرح در برنامه‌های

فرهنگی به صورت داوطلبانه پی‌گیری و با کسب مجوز از یک

سازمان رسمی و حفظ استقلال نسبی، فعالیت می‌کنند.

■ اگرچه تشکل‌های فرهنگی فعالیت‌ها و برنامه‌های

متفاوت و متنوعی دارند، اما برخی کارکردهای آن‌ها به صورت

مشترک برای اعضای خود اتفاق می‌افتد. (برنامه‌ریزی شده

به‌تر از بدون برنامه انجام می‌شود اما در هر صورت کارکردها

وجود دارند.)

■ کارکرد یک تشکل را می‌توان در پنج بخش خلاصه کرد که

عبارت‌اند از: ۱. تأثیرات شخصیتی ۲. تأثیرات اجتماعی ۳.

تأثیرات مدیریتی ۴. تأثیرات مهارتی ۵. تأثیرات معرفتی

■ یک تشکل فرهنگی به جهت ایجاد جو صمیمی و فرصت

فعالیت‌های داوطلبانه و بروز خلاقیت و یادگیری مهارت‌ها، و

به ویژه به جهت رهبری و هدایت‌های یک جوان‌یاور موجب

افزایش اعتماد به نفس جوانان می‌شود.

■ اعضای جوان و نوجوان در یک تشکل فرهنگی،

انعطاف‌پذیری، نقدپذیری، اطاعت‌پذیری و روحیه‌ی تلاش

و پشت‌کار و نشاط و شادابی را می‌آموزند.

■ اجتماعی‌شدن، گسترش ارتباطات، مهارت گفت‌وگو و

بحث و تبادل نظر در یک تشکل فرهنگی به سرعت فرا گرفته

می‌شوند.

# دوبه‌علاوه‌ی دومی شود پند

گفته

امین بابازاده

۱.

«... حزب اعلام می‌کرد که دو به علاوه‌ی دو می‌شود پنج و تو می‌بایست به آن باور می‌کردی. دعوی چنین امری، دیر یا زود، اجتناب‌ناپذیر بود؛ منطق وضعیت‌شان این را ایجاب می‌کرد. فلسفه‌ی آنان نه تنها اعتبار تجربه‌ی که وجود واقعیت بیرونی را به گونه‌ای ضمنی انکار می‌کرد. عقل سلیم، پدر رافضی‌گری بود؛ کشتن تو به خاطر داشتن اندیشه‌ای متفاوت و وحشت‌آور نبود. مایه‌ی وحشت این بود که حرف‌شان راست باشد. آخر از کجا می‌دانیم که دو به علاوه‌ی دو می‌شود چهار؛ یا این که قوه‌ی جاذبه مصداق دارد؟ یا این که گذشته تغییرناپذیر است؟ اگر گذشته و جهان بیرون تنها در ذهن وجود داشته و خود ذهن قابل مهار کردن باشد آن‌گاه چه؟»

... حزب به تو می‌گفت که واقعیت وجودی چشم‌ها و گوش‌هات را منکر شوی. اساسی‌ترین و واپسین فرمان‌شان همین بود..»

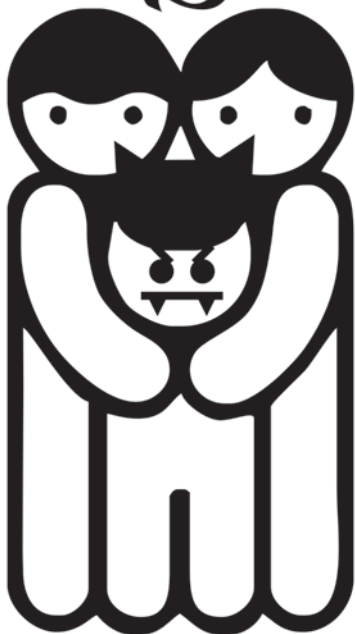
۱۹۸۴، جرج ارول

۲.

دنیای امروز چه قدر شبیه دنیای ۱۹۸۴ است. در دنیای گذشته انسان انتخاب می‌کرد و خداوند زمین و آسمان را در تسخیر خلیفه‌ی خود قرار داده بود. اما بشر از گوهر اختیار خود سوءاستفاده کرد و مسیر تاریخ را به «نفع کاذب» خود تغییر داد.

با پیدایش تکنولوژی اگر نگوییم مسیر تاریخ عوض شد باید گفت، تحقیق مقصد واقعی را به تأخیر انداخت. آفت تکنولوژی - تکنولوژی‌ای که برای مقاصد ضد بشری رشد کرد تا آن‌جا است که انسان اجتماعی را به انسان عزلت‌نشین و گوشه‌گیر مبدل ساخت. امروز دیگر لازم نیست برای خرید حتی یک روزنامه به بیرون از منزل سری بزنی و حتا برای خرید مایحتاج زندگی می‌توانی با یک تلفن نیازها را برطرف کنی. این مختص دنیای توسعه‌یافته نیست که جهان در حال توسعه نیز در این دام دست و پا می‌زند.

قرون گذشته، قرون تعاملات اجتماعی و قرن حاضر، قرن فردگرایی است. انسان‌ها در پيله‌ای که به دور خود می‌تند در حال مردن اند.



ادیان الهی بشر را به سوی تعاون و تعامل سوق می‌دهند؛ قرآن کریم، کتاب اسلام نیز هم؛ «وَأمرهم شوری بینهم». اما دین دست‌ساز بشر کاملاً برعکس، انسان‌ها را از هم فراری داده است و در دنیای جدید اگرچه انسان‌ها با هم اند اما تنهایند.

■

۳.

وقتی انحراف در نگاه‌های حاکم بر جامعه‌ی بشری قرون حاضر را فهمیدی، به نگاه صحیح امام خمینی (ره) پی می‌بری. امام پیام‌بر واقعی بود که پیام ادیان در قرون گذشته را به دنیای جدید آورد. هشدار انقلاب امام این است که دنیای جدید ادیان الهی را در حد مسایل فردی کوچک کرده و از آن جز بدن نحیفی باقی نگذاشته است؛ از آن استخوانی مانده و پوستی. جدایی دین از سیاست یعنی عزلت‌نشینی دین و هنر امام در عینیت‌بخشیدن دین با سیاست بود. امام راه انحراف بشر را نمایاند. دنیا نیز این پیام را به خوبی دریافت کرد.

■

۴.

«حزب اعلام می‌کرد که دو به علاوه‌ی دو می‌شود پنج و تو می‌بایست به آن باور می‌کردی... حزب به تو می‌گفت واقعیت وجودی چشم‌ها و گوش‌ها را منکر شوی.» در جامعه‌ی ما گروه‌ها، «ان‌جی‌او»ها و مردم‌نهاد‌های فراوانی شکل گرفته‌اند؛ از هنری، فرهنگی، ورزشی گرفته تا سیاسی و... .

خداوند انسان را آزاد آفریده و با «لا اکراه فی الدین» حتی پذیرفتن دین را با اختیار و نه از روی اجبار خواسته است. اما آن چه در گروه‌های اجتماعی آفت است، سرکوب «اندیشه‌ی آزاد» است. تشکل می‌گوید آنچه ما می‌گوییم، ایدئولوژی‌ای که ما می‌پسندیم، نگاهی که ما داریم؛ باید از پشت عینک ما به جهان نگاه کنی؛ آن چه ما انتخاب می‌کنیم!

انسان از انزوا رهیده بار دیگر به دامن انزوای خطرناک تری

افتاده است؛ «انزوای اندیشه». انسانی که نتواند در عین بودن در جمعی انتخاب کند و آزادانه بیندیشد از انسانی که در گوشه‌ی اتاقی می‌نشیند و با اجتماع تعامل ندارد، خطرناک‌تر است. آن چه که انسان اجتماعی را به انزوا می‌کشاند، سرخوردگی و قیوداتی است که دست و پای اندیشه‌اش را می‌بندد. «عقل»، پیام‌بر باطنی، انسان اگر به وسیله‌ی گروهی، تشکلی و یا حزبی سرکوب شود، در انتخاب سره از ناسره دچار تحیر می‌گردد. «تشکل حق»، تشکلی است که انسان را به تفکر واداشته و در انتخاب مسیر حق انسان را آزاد بگذارد.

از سویی دیگر دورانی که در آن، اندیشه‌ها آزاد نباشند، انزوا و هم‌گونی را به دنبال خواهد داشت و حرکتی در آن نخواهد بود. جرج ارول، ۱۹۸۴ را نمونه‌ای از این دوران می‌داند. در دنیای ۱۹۸۴ انسان‌ها در احزاب و گروه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، اما تنها هستند. با یک‌دیگرند اما اندیشه‌شان در اختیار «ناظر کبیر» است. حتی «پلیس اندیشه» فکرها، حرکات و نوشته‌های آنان را کنترل می‌کند تا برخلاف مشی حزب و گروه عمل نکنند. در دنیای ارول آدم‌ها با هم تفاوتی ندارند همه به یک شکل اند. همه اتوماتیک‌وار و بدون هیچ فکری فعالیت می‌کنند. تا آن جا که انسان‌های ۱۹۸۴ به آینده و گذشته بدون این قید و بندها سلام می‌رسانند.

«به آینده، به گذشته، به زمانی که اندیشه آزاد است و آدم‌ها با یک‌دیگر تفاوت دارند و تنها زندگی نمی‌کنند... به زمانی که حقیقت وجود دارد و «شده را ناشده نمی‌توان کرد» از دوران هم‌گونی، از دوران انزوا، از دوران «ناظر کبیر» و از دوران دوگانه‌باوری، سلام!».

■

۵.

انسان به اجتماع نیازمند است و این نیاز انسان را به فعالیت‌های اجتماعی می‌کشاند. فعالیت اجتماعی فرزند، او را برای پذیرفتن مسئولیت در آینده آماده می‌کند. آزادی و انتخاب آزادانه، شخصیت ما را در زندگی، شخصیت انسانی

می‌کند. آلپرت، روان‌شناس اجتماعی، در تعریف شخصیت می‌گوید:

«شخصیت، سازمان پویا و متحرکی از منظومه‌های روانی است که سازگاری بی‌هم‌تای فرد را با محیط‌اش موجب می‌شود.»

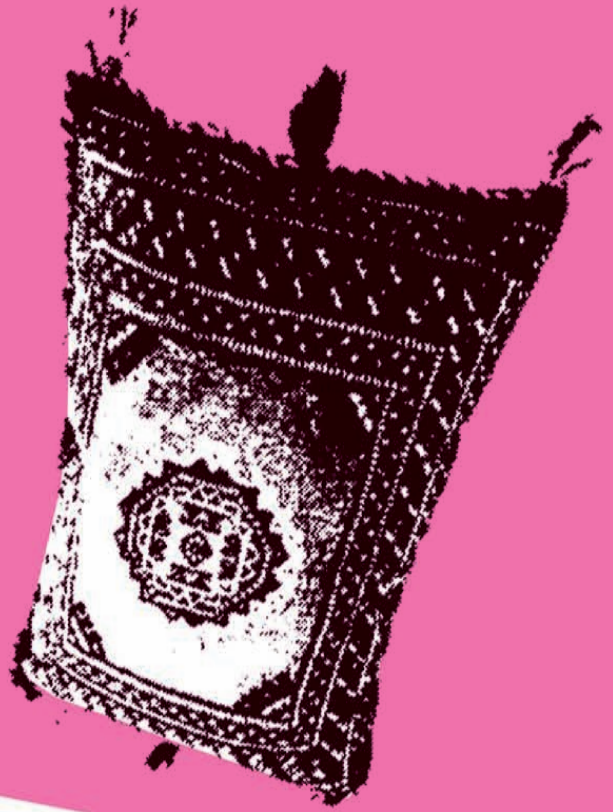
با توجه به این تعریف یکی از شاخصه‌های مهم شکل‌گیری شخصیت انسان در تعامل فرد با اجتماع و محیط اطراف است. شهید دکتر بهشتی در جمع انجمن اسلامی معلمان، آزادی انسان‌ها را در انتخاب یک اصل ضروری می‌داند و به خانواده‌ها و معلمین توجه می‌دهد:

«تو ای روحانی و ای عالم دینی، یا تو ای نویسنده و گوینده‌ی غیرمعمم! با گفته‌ها و نوشته‌ها یک مشت موجود قالبی، یک مشت انسان‌نمایی که به کارخانه‌ی بزرگ اجتماع سفارش داده‌اند تا با فلان مدل به دنیا بیاید، با فلان مدل بیندیشد، با فلان مدل زندگی کند و با فلان مدل بمیرد، تحویل آینده نده! آینده‌ی بشریت به انسان نیاز دارد؛ انسان برخوردار از شخصیت انسانی؛ انسانی که خود را بسازد و محیط خود را. دوست ندارم دیگر معلم خود را «باغ‌بان» بنامد. این کلمات مبتذل شایسته‌ی شأن معلم نیست. معلم و مربی برترین کمک‌کار به انسانی اند که در حال خودساختن است.»

■

۶.

نقش خانواده نیز مانند معلمان در حد یاری انسان در حال خودسازی است و نباید برای پوشاندن نقایص خویش به اعمال خشونت متوسل شود و از آزادی طبیعی دیگران جلوگیری کند. فشار نتیجه عکس خواهد داشت. تحمیل مسیر را عوض خواهد کرد. خانواده باید زمینه‌های محیطی مناسب انتخاب آزادانه را برای فرزند خویش آماده کند. انتخاب آزادانه‌ی دین و ایمان، انتخاب آزادانه‌ی شغل، انتخاب آزادانه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، انتخاب آزادانه‌ی تحصیل، انتخاب آزادانه‌ی شریک زندگی. ■



## رپرتاژ

# جمعیت والهگان مربوطه

به کوشش دکتر برزوی بیطرف

(۱)

جمعیت والهگان مربوطه

جمعیت والهگان مربوطه جمعیتی است مستقل، خودکفا و از هفت دولت آزاد، که برای فداکاری و خودفشانی در راستای مربوطه پدید آمده است. این جمعیت فداکارانه در راستای مربوطه فعالیت می کند و هیچ چشم داشتی ندارد.

(۲)

تاریخچه

جمعیت والهگان مربوطه در تابستان ۱۳۷۲ تشکیل شد. اعضای این جمعیت تا سال ۱۳۷۶ عبارت بودند از حاج محمدصادق پینه‌دوز به نتهایی. ایشان در این مدت با تدقیق و تفکر کافی در جوانب کار اندیشه نمود و در سال ۱۳۷۶ به عضوگیری برای این جمعیت پرداخت. اعضای جمعیت در سال ۱۳۷۸ به حد هشت نفر رسید و به این ترتیب دعوت علنی شد و در هیئات و تکاپا حضور رسمی خود را اعلام نمود. از سال ۱۳۸۰ حلقه‌ی جدیدی که شامل اعضای درجه دو و نیز خانواده‌های اعضای درجه یک بود، به جمعیت پیوستند و اندک اندک جمعیت به شکل فعلی خود رسید. این جمعیت در سال‌های اخیر فعالیت خود را گسترش داده و در دو فاز فرهنگی و عملی به فداکاری در راه‌های مربوطه می‌پردازد.

(۳)

مؤسسون

مؤسسون یا همان در واقع مؤسس این جمعیت عبارت است از حاج محمدصادق پینه‌دوز، حاج محمدصادق پینه‌دوز از نیروهای مخلص و فداکار در سال ۱۳۳۸ در شهرستان متولد شد. وی در ۱۶ سالگی برای کار و فعالیت به تهران آمد و بلافاصله در سیل مردم منحل شد. وی پس از انقلاب سمت‌های متعددی را برعهده گرفت. تقاضای عضویت در کمیته‌ی استقبال، تقاضای عضویت در کمیته‌ی انقلاب اسلامی، تقاضای عضویت در بسیج، نگهبانی از سازمان‌ها و ادارات دولتی و نهادهای انقلابی و نیز شرکت در تجمعات و راه‌پیمایی‌ها در جهت حفظ و صیانت از آرمان‌ها و فداکاری در راه آن‌ها. حاج محمدصادق هم‌چنین به مدت چند ماه در پشت‌چپه به پشتیبانی از دفاع مقدس مشغول بود. حاج محمدصادق با پایان یافتن جنگ تحمیلی و متعاقب آن ظهور روی کردهای غرب‌اندیشانه و لیبرالی به توسعه و بی‌دینی، از سمت‌های دولتی کناره گرفت و در مغازه یک‌دهنه‌ی «لبنیات آرمان» به تهیه‌ی محصولات لبنی و خدمت به مردم از طرق لبنیات و بستن ماست مشغول گشت. حاج محمدصادق پینه‌دوز هم‌ایک علاوه بر مدیریت جمعیت والهگان مربوطه، سردبیری و نویسندگی گاه‌نامه‌ی «تیر غیب» ارگان جمعیت والهگان را نیز برعهده دارد.

(۴)

اساس نامه

اساس نامه جمعیت والهگان، به جهت دوری از بوروکراسی و نفرت از تکنوکراسی، به صورت سینه‌به‌سینه اعمال می‌گردد و صورت مکتوبی از آن وجود ندارد. بندها و تبصره‌هایی که می‌خوانید از خلال گفت‌وگو با حاج محمدصادق پینه‌دوز استخراج شده و پس از رویت و تأیید ایشان به عنوان اهم سرفصل‌های فعالیت‌های جمعیت ارایه می‌گردد:

– ما توقعی از انقلاب نداریم.

– هیچ‌کس صاحب انقلاب نیست. انقلاب صاحب ماست. اگر انقلاب نبود ما الان کجا بودیم؟ هرکس بگوید من صاحب انقلاب هستم غلط کرده.

– مادر دفاع از انقلاب از جان و مال و ناموس دریغ نداریم.

– سه نفر هستند که از همان اول، انقلاب را به نام خودشان زدند و نتوانستند. یکی [...] یکی [...] یکی هم [...] دشمنی با این سه نفر از اهم فعالیت‌های ماست.

– باید کار تبلیغاتی و رسانه‌ای کرد. باید این‌ها را افشا کرد. مردم باید بدانند که این سه نفر و هم‌پالکی‌های‌شان عین زالو افتاده‌اند و جان انقلاب و دارند خون انقلاب را می‌مکنند. من مردم را آگاه کرده‌ام و باز هم می‌کنم.

– ما با اشخاص مشکل نداریم. ما با افکار و منش‌ها و گفتارها و گفت‌مان‌ها مشکل داریم. ما با توسعه و تساهل و تسامح و جامعه مدنی مشکل داریم.

– جامعه‌ی مدنی معنی ندارد. در جامعه‌ی اسلامی این حرف‌ها معنی ندارد. آزادی یعنی چی؟ آزادی از عبادت خدا؟ آزادی شرک است. ما این چیزها را قبول نداریم و تا خون در رگ ماست افشا می‌کنیم.

– ما تاکنون پنجاه شماره نشریه در آورده‌یم و هیچ‌کس نتوانسته از ما شکایت کند. چون حرف حق می‌زنیم و حرف حق جواب ندارد. اگر دادگاه هم برونیم حرف حق می‌زنیم و آن‌جا هم جواب ندارد.

– ما مطیع فرامین هستیم. باید در راستای نظام کار کرد. والا دشمنان هم این حرف‌ها را می‌زنند. مثلاً یکی از بچه‌ها از قول باجناقش نقل می‌کرد، ما خودمان که نداریم و ممنوع کرده‌ایم، می‌گفت که توی ماهواره مطالب «تیر غیب» را خوانده‌اند. ما محکوم می‌کنیم. این حرف‌ها را باید خودی‌ها بزنند و ما اگر گیرشان بیآوریم توی دهن‌شان هم می‌زنیم.

– ما نفع مالی نداریم. از کمک‌های مردمی هم استفاده نمی‌کنیم. به

دوستان دوستان ما، دوستان ما محسوب می‌شوند. در خدمت‌ام.

■ **می‌خواستم برای شروع پیرسوم نظرات را بخ به اوضاع فعلی چیست؟**  
اوضاع متأسفانه خوب نیست و بدتر هم می‌شود. هرکس می‌خواهد فعالیت‌های خوبی بکند، نمی‌گذارند [...] عین اختاپوس همه‌جا هستند. سرشون رو می‌زنند دم آرنه، دم‌شون رو می‌زنند [...] درمی‌آرنه، خلاصه انکار همه‌جا هستند. اما کارهای خوبی شده. دنیا گرانی کم شده. روستاها به‌تره. این‌ها خیلی خوبه. اما مردم آگاه نیستند. باید مردم آگاه بشوند. باید این حقایق به گوش مردم برسه.

■ **شما برای بیان این حقایق تاکنون چه کارهایی انجام داده‌اید؟**  
امکانات ما محدوده. البته هیچ کمکی هم از جایی نمی‌گیریم. اگر بدهند هم نمی‌گیریم. در حد وسیع خودمان کار می‌کنیم. ما افشاگری می‌کنیم. هم موارد نامطلوب را افشا می‌کنیم، هم موارد مطلوب را. سیاه‌نمایی هم نمی‌کنیم. در موارد لزوم سفیدنمایی هم کرده‌ایم. اگر بد باشد می‌گوییم، خوب هم باشد می‌گوییم. ابا نداریم. لذا نمی‌گوییم همه‌چیز بد است. این کار را معاندین می‌کنند. ما که معاند نیستیم. پس خوبی‌ها به جای خود، بدی‌ها هم به جای خود.

■ **استقبال از این افشاگری‌ها تا چه حد بوده است؟**  
در حد وسیع و ظرفیت مردم خوب بوده است. ما خیلی نامه‌داشتیم که بقیه را هم افشا کنیم. حتی خود مردم گاهی افشا می‌کنند و برای ما می‌فرستند که چاپ کنیم. منتها ما تا به حجت شرعی نرسیم نمی‌کنیم. شرمندگی مردم هم می‌شویم ولی نمی‌کنیم. وقت و امکانات تحقیق هم نداریم. وگرنه می‌کردیم.

■ **در موارد افشاگری‌های خودتان، چهقدر تحقیق انجام می‌دهید؟**  
در مورد خودمان چون از منابع موثق اطلاعات و آمار می‌گیریم مشکلی نداریم. اعضای جمعیت کانال‌های زیادی دارند که آمار درمی‌آورد و گزارش می‌دهند و تایپ می‌شود و در نشریه کار می‌شود.

■ **اگر یکی از این افشاشندگان ابوز کند این اطلاعات و آمار اشتباه است و اتهامی بیش نیست، چه می‌کنید؟**  
توی ذهن‌اش می‌زنیم. توجه کردی؟

■ **بله. متوجه شدم.**

مواضع و نظرات حاج محمدصادق پینه‌دوز است و روی نظر ایشان نظری ندارند. و در نهایت این‌که جناب پینه‌دوز نیز قلباً مایل به گفت‌وگوی ما با اعضا نبودند. در نهایت قرار بر این شد که اعضا، متن واحدی که مورد تأیید آن‌ها و جناب پینه‌دوز باشد را در پاسخ به چند سؤال مکتوب ما، برای چاپ در نشریه آماده کنند. متنی که در زیر می‌آید همان متن است:

پرسش‌ها:

۱. رابطه و نسبت شما به جناب پینه‌دوز چگونه نسبتی است؟

۲. کدام‌یک از فعالیت‌های جمعیت را مفیدتر تشخیص می‌دهید؟  
۳. به نظر شما امروزه مهم‌ترین اولویت‌های کشور کدام است؟  
۴. از دست‌گاه‌های نظارتی و اجرایی نظام چه توقعی دارید؟

متن پاسخ اعضای جمعیت:  
«ما اعضای جمعیت واله‌گان مربوطه، بدین وسیله اعلام می‌نماییم از دست‌گاه‌های دولتی توقعی نداریم و چشم‌داشتی نداریم. مبارزه با مفاسد از اولویت‌هاست و فعالیت‌های جمعیت در همین راستا صورت می‌گیرد. حاج‌آقا پینه‌دوز پدر معنوی و مادی ما هستند و ما تحت امر ایشان فعالیت می‌کنیم و احساس خوبی داریم.»

– بررسی نشریات و کتب معاندین

– تبیین و پشتوانه‌سازی تئوریک در جمع جوانب

– جریان‌شناسی کلیه جریان‌ات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، مذهبی، ایدئولوژیک و...

■ **۲. تذکر عملی و زبانی به غریب‌زدگان و دگراندیشان**

تذکر عملی و زبانی از اهم اهداف جمعیت می‌باشد. تذکرات زبانی با تشخیص تک‌تک اعضای جمعیت و توسط خود ایشان در مواردی که تشخیص می‌دهند اجرا می‌گردد. هر عضو جمعیت موظف است در هنگام برخورد با مفاسد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی به‌طور خودجوش از تذکر زبانی استفاده نماید. تاکنون قریب به شش هزار مورد تذکر زبانی توسط اعضا انجام شده که شصت درصد از این موارد در حوزه‌ی مفاسد اخلاقی و جلوی درب سینماها و سالن‌های کنسرت موسیقی پاپ انجام گرفته است. در سی و هشت مورد این تذکرات زمینه‌ی ضرب و جرح فراهم بوده که با خویش‌داری اعضا، به خیر گذاشته است.

تذکر عملی تنها در صورت تصویب در جلسه‌ی هفتگی و با دستور کتبی حاج محمدصادق پینه‌دوز امکان‌پذیر می‌باشد. در سال‌های فعالیت جمعیت حدود سیزده مورد تذکر عملی، با استفاده از شیوه‌های فشاردادن بازو، نیشگون، تودهنی، پرتاب سطل ماست، پرتاب کش ماست به شیوه‌ی دو انگشتی و نیز اصابت لگد به نواحی تحتانی انجام شده است. خوش‌بختانه به واسطه‌ی اجرای تذکرات عملی در تجمعات و اماکن شلوغ، تاکنون تشخیص تذکردهنده توسط مورد تذکرپذیرندگان امکان‌پذیر نبوده و تبعات حقوقی متوجه جمعیت نشده است.

خودمان متکی هستیم. برای همین هم هست که می‌توانیم توی دهن‌شان بزَنیم. آن‌ها که دست‌شان توی بیت‌المال است برای همین است که نمی‌توانند حرف حق بزنند، ولی ما می‌زنیم.

**صفت مدبران مظلوم‌پرور و سیدالاجتیب (۶)**  
**از همه فعالیت‌ها اعتقادات و ایمان‌های با شکر که تو کلمه**  
**آنچه بطرف برینت کبر آورده‌اللهی آنها قبول کنتم**  
**فصل‌تو را برای ما بایم**



(۵)  
**فعالیت‌ها:**  
 فعالیت‌های جمعیت واله‌گان شامل موارد متعددی می‌شود. برگزاری جلسات، تذکر عملی و زبانی در راستای اهداف جمعیت، انتشار نشریه و فعالیت‌های پراکنده و گاهانه‌ی دیگر.

- **۱. برگزاری جلسات هفتگی و ماهیانه**  
 جلسات جمعیت واله‌گان در دو سطح هفتگی و ماهانه برگزار می‌شود. جلسات هفتگی مخصوص حلقه‌ی اول اعضا می‌باشد که به «حلقه‌ی دهمه» شهرت دارند. این حلقه شامل شخص برادر پینه‌دوز و هفت نفر از اعضای جمعیت است که به شدت خواستند نام‌شان فاش نشود. جلسات ماهانه نیز با شرکت کلیه‌ی اعضا که عبارت است از خود و خانواده‌های اعضا تشکیل می‌گردد. اهم مباحث مطروحه در جلسات هفتگی سری و اهم مباحث مطروحه در جلسات ماهانه عبارت است از:
  - توضیح و تبیین احکام شرعی، به‌دو زبان ساده و پیچیده
  - بررسی وقایع روز و آرایه‌ی راکار عملی به اعضا

### ■ ۳. انتشار نشریه

نشریه‌ی «تیر غیب» با نوبت انتشار گاهانه و تعداد صفحات ۴ از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی جمعیت واله‌گان مربوطه است. این نشریه که بدون مجوز با هر شماره‌ای، به‌طور زیرزمینی و محظی چاپ و منتشر می‌شود حاوی افشاگری‌های فراوان در مورد عناصر نفوذی و معلوم‌الحال است. این نشریه شامل سرمقاله به قلم حاج محمدصادق پینه‌دوز، اخبار، شنیده‌ها، مقالات و کاریکاتور است. یکی از مقالات این نشریه که به صورت ستون ثابت منتشر می‌شود با عنوان «دادخواست ملت» در هر شماره به معرفی یکی از عناصر فاسدسیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد. در آخرین شماره از گاهانه‌ی «تیر غیب» که در دی‌ماه ۱۳۸۷ منتشر شد، س. ه. عنصر فاسد حاضر در وزارت [...] مورد افشاگری قرار گرفته است. بخشی از این مطلب را (با حذف نام‌ها و جای‌ها) باهم می‌خوانیم:

در این شماره به افشاگری علیه [...] می‌پردازیم. این عنصر فاسد و معلوم‌الحال از سال ۱۳۶۹ با سمت [...] در وزارت [...] مشغول به کار شد و از همان آغاز خیانت علیه مردم و انقلاب را آغاز نمود. این عنصر همان‌طور که از عکس‌اش پیداست هیچ اعتقادی به امام و انقلاب ندارد و برای پُرکردن جیب خود و خانواده‌اش خون مملکت را می‌مکد. انجام قراردادهای اقتصادی با معاندین و اجانب، سخن‌رانی بر علیه آرمان‌های انقلاب، فساد مالی و خرید خانه در یکی از محلات شمال شهر و نیز استفاده از افراد معاند و اصلاح‌طلب در حوزه‌ی مدیریتی خود، از جرایم و مفاسد این فرد خائن و [...] است. آخرین سمت وی معاونت طرح و برنامه‌ی سازمان [...] بوده که بحمدالله در حال حاضر جایی در حکومت نداشته و به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه می‌دهد.

### ■ (۶) گفت‌وگو با اعضا

بسیار تلاش کردیم که با یکی دو تن از اعضای جمعیت واله‌گان مربوطه، گفت‌وگویی داشته باشیم. اما به‌علل متعددی موفق به انجام این کار نشدیم. نخست این‌که اعضای جمعیت به‌هیچ‌وجه نمی‌خواستند نام یا عکس یا توضیحی درباره‌شان منتشر گردد. دوم این‌که جمله‌گی ابراز داشتند که نظرات و مواضع آن‌ها عیناً مشابه

### ■ (۷) گفت‌وگوی ویژه با حاج محمدصادق پینه‌دوز

حاج محمدصادق پینه‌دوز به رغم آن‌که یک سینه‌سخن دارد، و سفره‌ی دل‌اش را پیش کلیه‌ی عابریان و رگ‌گزاران باز می‌کند، از مصاحبه و ضبط صدا گریزان است. این شاید از تکنولوژی‌گریزی و اصل‌گرایان ایشان ناشی می‌شود. ایشان در ابتدا به‌هیچ‌وجه من‌الوجه حاضر به ضبط گفت‌وگو نمی‌شدند، تا این‌که از طریق برادر م. ح. م. که در یک مراسم رسمی موفق شدند از دوستان نزدیک و هم‌فکران ایشان بشنوند، موفق شدیم رضایت برادر پینه‌دوز را جلب کرده، ترتیب برگزاری یک جلسه مصاحبه را با ایشان بدهیم. متنی که می‌خوانید پیاده‌شده‌ی او به‌و و بخشی از متن گفت‌وگوی ما با ایشان است که به درخواست برادر پینه‌دوز بدون هیچ‌گونه ویرایش تقدیم حضور شما ارجمندان می‌گردد:

■ **ممنون از این‌که در این وانفسا وقت خود را در اختیار ما قرار دادید.**  
 اختیار دارید. ما کی باشیم. وقت همه‌ی ما برای مملکت است. اگر انقلاب نبود ما الان کجا بودیم؟ شما هم از دوستان ما هستید چون که

## تای تمت

■ بسم الله

■ یادش بخیر! آن روزهای خوش که مدرسه می‌رفتیم، از این همه مؤسسه و مرکز و انتشارات کنکور و کتاب‌های کمک درسی خبری نبود. حداکثر یکی دو مجموعه در این زمینه فعالیت می‌کردند؛ آن هم خیلی آماتور و معمولاً برد مخاطبان شان هم از تهران فراتر نمی‌رفت. تنها «مؤسسه‌ی علمی آینده‌سازان» بود که کنکور آزمایشی و المپیادهای علمی داشت. و چه شوق و رقابتی بود برای شرکت در آن‌ها و کسب رتبه و مقایسه‌ی کارنامه‌ها! هم‌سن و سال‌های من احتمالاً انجمن اسلامی را بیش‌تر به همین وجهه‌ی علمی‌اش می‌شناختند و کتاب‌های کمک درسی‌اش. البته آن سال‌های آخر، متأثر از فضای دوم خرداد همه‌چیز عوض شد؛ «بسیج دانش‌آموزی» رونق گرفت، سروکله‌ی «سازمان دانش‌آموزی» پیدا شد و انجمن اسلامی هم که نمی‌توانست بیرون‌گود بماند به میانه‌ی میدان آمد و سیاسی شد. این البته تصویر یک دانش‌آموز مخاطب آن سال‌های انجمن است. و اگر شما هم چنین تصویری دارید یا داشتید پیش‌نهاد می‌کنم حتماً مصاحبه‌ی آقای حاجیان‌زاده را بخوانید تا ببینید انجمن اسلامی نه فقط همان سال‌ها، بل که از اول

تأسیس‌اش چه قدر نهادی سیاسی و درگیر مسایل سیاسی بوده است!

■ «یاد ایام» این شماره (تاریخ شفاهی اتحادیه) قرار بود بسی حجیم‌تر و متنوع‌تر باشد و مسئول پرونده هم انصافاً زحمت فراوانی را متحمل شد و داده‌های بسیاری را گرد آورد. امیدوارم که روزی امکان انتشار کامل این پرونده فراهم شود. ■ «پرونده»ی این شماره کمی تا قسمتی بالای دیپلم شده است. تقصیر ما نیست. وقتی موضوع پرونده یک تشکل دکتر مهندسی باشد همین می‌شود دیگر. یک خصوصیتی که این رفقای مهندس‌ایتانی دارند این است که از رسانه‌ای شدن و روی آنتن رفتن پرهیز می‌کنند. و البته برای این کارشان هم دلایلی دارند که بماند. خلاصه اگر بدانید همین چهارتا عکس و مطلب را به چه والذاریاتی به دست آورده‌ایم!

■ جای یادداشت‌های نقد در پرونده‌ی ایتان خالی است. و دلیل‌اش هم به همان مسأله‌ی مذکور برمی‌گردد و این‌که رفقا کم‌تر آفتابی می‌شوند. همین باعث شده تعداد کسانی که در آن معدود مواقع آفتابی شدن از نزدیک زیارت‌شان کرده باشند به تعداد انگشتان یک دست هم نرسد! با این حساب دیگر چه نقدی؟ چه حرفی؟ چه حدیثی؟

■ گمان نمی‌کنم بچه‌های بخش گعده برای تهیه و تنظیم مطالب گعده‌ی هیچ شماره‌ای به اندازه‌ی این شماره به زحمت افتاده باشند. سراغ هرکس می‌رفتند یک‌جور از نوشتن طفره می‌رفت و از مصاحبه فرار می‌کرد! دلیل‌اش چیست؟ آیا تشکل و خانواده موضوع کم‌اهمیتی است؟ یا این‌که ما حرفی برای زدن نداریم؟ یا این‌که هر دو؟ یا این‌که هیچ‌کدام؟

■ این شماره «آیین» نداشتیم. پس اگر پریشانی‌ای در رخ‌مان است تقصیر خودمان نیست؛ تقصیر خودتان است!

■ شادی روح امام و شهدا صلوات! ■